



مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکترین مهدویت

با رویکرد

جامعه و حکومت زمینه ساز، راهبردها و راه کارهای فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات

ششمین همایش بین‌المللی

دکترین مهدویت

با رویکرد جامعه و دولت زمینه‌ساز؛ راهبردها و راهکارهای فرهنگی

(ج ۲)

همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ششمین: ۱۳۸۹: تهران)
مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت: مقالات برگزیده / تهیه و تدوین
مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت). - قم: مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده مهدویت. ۱۳۹۰.
ج ۲

ISBN 978 - 600 - 5073 - 32 - 4 (ج ۲).

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتاب‌نامه.

۱. مهدویت - کنگره‌ها. ۲. مهدویت - مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف. مؤسسه آینده روشن. پژوهشکده
مهدویت. ب. عنوان.

297/462

BP224/4/ه 8

الف ۱۳۹۰



مجموعه مقالات ششمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت (ج ۲)

ناشر:	مؤسسه آینده روشن
طرح جلد:	مصطفی برجی
صفحه‌آرا:	علی قنبری
حروف‌نگار:	سیدحیدر هاشمی
چاپ:	چاپخانه گل‌ها
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۹۰
شمارگان:	۲۰۰۰ جلد
بها:	۵۰۰۰۰ ریال
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۳۲-۴
شابک دوره:	۹۷۸-۶۰۰-۵۰۷۳-۳۳-۱
مرکز پخش:	قم، خیابان صفاییه، کوچه ۲۳، پلاک ۵، تلفن: ۷۸۴۰۹۰۲ - ۰۲۵۱

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست

- ۷..... راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT
دکتر محسن پورسیدآقایی، محمد فهمیده قاسم‌زاده، مهدی عمرانی
- ۷۹..... راهبردها و راهکارهای فرهنگی دولت زمینه‌ساز در رویارویی با جنگ نرم
مریم کریمی تبار
- ۱۱۷..... راهبردهای تولید، انتقال و بازخورد فرهنگ مهدویت
علی میرزاحمدی
- ۱۴۵..... همبستگی اجتماعی مهدوی، الگویی برای دولت و جامعه زمینه‌ساز
اسماعیل چراغی کوتیانی
- ۱۸۱..... شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز ظهور
محمد مهدی حائری پور
- ۲۰۳..... رویکرد کلامی، فصل الخطاب نزاع‌های تئوریک در مسائل زمینه‌سازی ظهور
حسن ملایی
- ۲۳۹..... زمینه‌سازی ظهور منجی؛ وظایف و راهکارها
زهرا رمضان‌زاده بادل
- ۲۶۵..... بررسی ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز
نصرالله نظری
- ۳۰۱..... جایگاه و نقش سپاه مهدوی در زمینه‌سازی ظهور
محمد بایرامی تازه‌کند
- ۳۲۷..... فرهنگ انتظار شاخص‌ترین راهبرد در نفی از خودبیگانگی فرهنگی
مهدی رضوی

راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT

دکتر محسن پورسیدآقایی*

محمد فهمیده قاسم‌زاده**

مهدی عمرانی***

چکیده

مهدویت که همواره به عنوان رمز حیات و هویت شیعه در قرون و اعصار مطرح بوده است، تنها راه فراروی انسان معاصر و آخرین کشتی نجات جهان پر آشوب امروز است. جامعه و دولت ایران اسلامی که شناخت امام عصر^ع خویش را وظیفه حیاتی خود و انتظار فرج را برترین اعمال می‌داند،^۱ می‌کوشد با زمینه‌سازی ظهور، جهان را برای ظهور آن یگانه عالم هستی و برپایی قسط و عدل آماده سازد. در این راستا جامعه و دولت منتظر، با زنده نگه داشتن شعله انتظار مصلحانه فرج، باید الگویی

* عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت.

** دانشجوی دوره دکتری مدیریت دفاعی دانشگاه عالی دفاع ملی.

*** کارشناس ارشد مهندسی کامپیوتر از دانشگاه علم و صنعت ایران و پژوهشگر قرآنی.

۱. «أفضل أعمال أمتی انتظار فرج من الله عز وجل». (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲.

۱۲۸؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۴۹۶)

مناسب برای اقوام و ملل سرگردان دنیا ارائه دهد که امروزه از آن به عنوان دکترین مهدویت یاد می‌شود. دکترین مهدویت آموزه‌ای اعتقادی، جهانی و بر محور مهدویت است که با ارائه راهبردهای اساسی برای حیات بشری، راه را برای رسیدن به جامعه ایده‌آل، همراه با انسان‌های صالح و رهبر مصلح هموار می‌سازد.

با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی که انتظار مثبت و زمینه‌سازی ظهور از بدو پیروزی در دستور کار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته است در تحقیق حاضر تلاش شده است برخی از راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز بر اساس مدل SWOT (قوت، ضعف، فرصت، تهدید) ارائه گردد. بدین منظور، نخست مختصات فرهنگی جامعه مهدوی از دیدگاه آیات و روایات (جامعه پس از ظهور) بیان شده است. سپس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی مهدویت در سطح جامعه شیعی ایران از دیدگاه تیم تحقیق شناسایی شده و با تجزیه و تحلیل محیط داخلی و خارجی، وضعیت فعلی فرهنگی مهدویت در سطح کشور تبیین گردیده است. در ادامه، راهبردهای کلان پیشنهادی فرهنگی مهدویت در چهار حوزه (راهبردهای ST، SO، WO، WT) جهت رسیدن به جامعه منتظر مطلوب ارائه شده است. راهبردهای ارائه شده بر اساس میانگین میزان جذابیت آن‌ها رتبه‌بندی و از ۲۵ راهبرد ارائه شده، تعداد ۱۶ راهبرد دارای رتبه بالاتر از میانگین، به عنوان راهبردهای برتر انتخاب گردیده‌اند. در نهایت، مقاله با نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای تحقیقات آینده به پایان می‌رسد.

واژگان کلیدی

دکترین مهدویت، راهبرد، قوت، ضعف، تهدید، فرصت، جامعه و دولت زمینه‌ساز، محیط داخلی، محیط خارجی.

مقدمه

جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود - ارواحنا فداء - باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چیه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب - علیه‌الصلاة والسلام - در زمان خودش، در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم درباره او، نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ خود آن بزرگوار را از سر راه برداشتند. ... تاوان عدالت امیرالمؤمنین، جان امیرالمؤمنین بود که از دست رفت! چرا؟ چون زمینه، زمینه نامساعد بود. زمینه را نامساعد کرده بودند. زمینه را زمینه دنیاطلبی کرده بودند! آن کسانی که در اواخر یا اواسط حکومت علوی مقابل امیرالمؤمنین صف‌آرایی کردند کسانی بودند که زمینه‌های دینی‌شان زمینه‌های مستحکم و ماده غلیظ متناسب دینی نبود. عدم آمادگی، این‌طور فاجعه به بار می‌آورد! آن وقت اگر امام زمان - علیه‌الصلاة والسلام - در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. (بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی عج، ۲۵ آذر ۷۶)

ایده مهدویت و اعتقاد به امام غایب، فرجام روشن و حتمی آیین حنیفی است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام ص به خواست خداوند برای بشریت به ارمغان آورده است. فلسفه تاریخ شیعه جعفری که ریشه در سرچشمه انبیا و سر در سریر ملکوت دارد و ناب‌ترین تعبیر اسلام را نصیب ما کرده است، سرانجام حیات انسانی بر کره خاکی را در دستان مبارک حضرت ولی‌عصر عج می‌بیند تا سلطه ستمگران و ضحاکان ناپاک فرو ریزد و دوران رهایی و رستگاری بشر آغاز گردد.

شهید مطهری در همین‌باره می‌گوید:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه‌جانبه ارزش‌های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده‌آل و بالأخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیتی مشخص و عالی‌قدر که در روایات متواتر اسلامی از او به مهدی عج تعبیر شده است؛ اندیشه‌ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی بدان مؤمن و معتقدند. این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به دوران کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر است. (مطهری، بی‌تا: ۶)

«اندیشه انتظار» چونان قلبی تپنده در تمام این چهارده قرن، خون به جان تشیع رسانده است. شیعیانی که حقیقت اسلام را در خورشید برآمده از کلبه کوچک علی ع و فاطمه ع می‌جستند، آینده را نیز در پیوند با ظهور منجی معنا کرده‌اند؛ زیرا به گفته روشن خداوند یقین دارند:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. (قصص: ۵)

خیزش مردم غیور ایران در بهمن ۱۳۵۷ و پس از آن، پایداری در نبرد هشت‌ساله تنها از چنین چشم‌اندازی قابل تحلیل است. اکنون که پس از سی و دو سال پایداری مردم ایران زیر بیرق ولایت فقیه، دشمنان از پیروزی در جنگ سخت ناامید شده‌اند، جبهه‌های تازه‌ای در عرصه نبرد نرم گسترده‌اند تا اعتقاد و اشتیاق مردم را به یغما برند؛ زیرا می‌دانند پیروزی بر مردمی بدون باور استوار، دشوار نخواهد بود.

دشمنان گاهی می‌کوشند پیرایه‌هایی از جنس خرافات بر خلعت خجسته اندیشه مهدوی بدوزند و گاهی تازیانه تهمت بر قامت استوار اسلام انقلابی می‌زنند. بسیاری از رسانه‌های جمعی نظام سرمایه‌داری برای تحریف و تخریب اسلام پیشرو عمل می‌کنند و می‌کوشند چهره‌ای نادرست از مهدویت و انتظار منجی نشان دهند.

با چنین گذشته‌ای و در فضایی که امروز بر جهان حاکم است، سیاست‌گذاران و اندیشه‌ورزان، جز این‌که با اندیشه‌ای مستحکم برای دفاع از سنگرهای ایدئولوژیک خود و باور به ظهور مهدی موعود عجله بکوشند، چه وظیفه‌ای دارند؟ راهبرد ما برای جاری کردن فرهنگ صحیح انتظار و مهدویت در بندهای جامعه چیست؟ با مباحثی که دربارهٔ جهانی شدن فرهنگ وجود دارد، با تدوین راهبرد فرهنگی مهدویت، در وهلهٔ نخست کشور ایران اسیر تندباد لیبرال - دموکراسی نخواهد شد و در مرحلهٔ بعد می‌تواند اندیشه‌ای فراگیر و جهان‌شمول گردد که قابلیت تبدیل شدن به آلترناتیو لیبرال - دموکراسی را دارد.

استکبار جهانی و دشمنان اسلام نیز برای ادامه سیطره خود بر مردم و مسلمانان جهان، همواره مهدویت را مورد حمله قرار داده و سعی در مخدوش نمودن فرهنگ انتظار، مبارزه با تفکر مهدی‌باوری و ارائه چهره‌ای خشن از موعود شیعی و منحرف کردن افکار جامعه جهانی از این موضوع مهم داشته‌اند و در این راه کلیه امکانات مادی و فناوری‌های نوظهور را به خدمت گرفته‌اند ولی شکست خورده‌اند؛ زیرا مسلم است که: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَّقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا». (اسراء: ۸۱)

جامعه و دولت منتظر به عنوان زمینه‌ساز ظهور و الگوی سایر ملل مسلمان، باید بر پایه دکترین مهدویت، برای رسیدن جامعه بشری به وضعیت مطلوب، راهبردهای اصولی ارائه نماید و زمینه ظهور امام عصر عجله را فراهم نماید.

در تحقیق حاضر بر اساس آموخته‌های درس دکترین مهدویت مقطع دکتری در دانشگاه عالی دفاع ملی از محضر استاد گرانقدر حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمسعود پورسیدآقایی، تلاش شده است برخی از راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز بر اساس مدل SWOT (قوت، ضعف، فرصت، تهدید) از دیدگاه نویسندگان مقاله ارائه گردد. پیش از ورود به بحث، گفتنی است برخی از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی جامعه منتظر پیش از

ظهور بر اساس آیات و روایات احصا شده است (نه همه آن‌ها) و قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و نیز راهبردهای ارائه شده در این تحقیق بر اساس یافته‌ها و نظرات تیم مجری تحقیق بوده و ناگفته پیداست که همه راهبردهای موجود را پوشش نمی‌دهد؛ زیرا استخراج همه راهبردهای فرهنگی مهدویت نیازمند تلاش گسترده اندیشه‌ورزان و محققان در این زمینه است. ارزش‌گذاری و تعیین میزان ضریب اهمیت قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردهای ارائه شده بر اساس نظرسنجی از جامعه محدودی از محققان این حوزه بوده و پیداست که برای افزایش اعتبار نتایج حاصله، ارزش‌گذاری عوامل مذکور باید بر اساس جامعه آماری متشکل از اقشار مختلف جامعه صورت گیرد.

بیان مسئله

نظام اسلامی حاکم بر ایران که ثمره انقلاب اسلامی است از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب تلاش کرده است با اجرای قوانین اسلامی و تبلیغ باورهای مذهبی، روح دین‌داری را در مردم زنده نگاه دارد و جان تازه‌ای به آن ببخشد. کارگزاران چنین نظامی همچون تمامی سیاستمداران، همواره نیازمند آگاهی از موفقیت یا عدم موفقیت در پیشبرد اهداف و سیاست‌های کلان و کلی خود هستند.

یکی از راه‌های سنجیدن پیروزی یا شکست در پیاده‌سازی برنامه‌ها، توصیف شاخص‌های فرهنگی و تعیین جایگاه کنونی برای برنامه‌ریزی‌های آینده است؛ برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهایی که در عرف سیاسی کشور ما با عنوان برنامه‌های پنج ساله و در چند سال اخیر در شکل چشم‌انداز ۲۰ ساله مطرح شده‌اند. هدفی که در کلام و رفتار دست‌اندرکاران فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه در این چند سال بر آن تأکید شده، اندیشه مهدویت است. این اندیشه به عنوان راهنمای عمل برگزیده شده است تا اهداف متعالی نظام

مقدس جمهوری اسلامی جامه واقعیت به تن پوشد و در واقع جامعه‌ای هم‌تراز و هم‌شان با جامعه‌ای که مورد نظر رسول الله ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده است، برپا شود؛ جامعه‌ای که زمینه‌ساز ظهور ولی عصر عجله باشد.

در این تحقیق می‌کوشیم ابتدا برخی شاخص‌های عمده حاکم بر جامعه مهدوی پس از ظهور را بر مبنای آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام تعیین نماییم؛ سپس وضعیت فعلی فرهنگی را در جامعه امروز ایران اسلامی مشخص نماییم و در مرحله بعد راهبردهای کلان برای گذر از جامعه امروز و رسیدن به جامعه مهدوی مطلوب ارائه دهیم. با تلاش برای تدوین راهبرد فرهنگی انتظار می‌توان زمینه ایجاد تحول و دگرگونی اجتماعی برای فراهم آوردن جامعه منتظر آرمانی را مهیا کرد.

اهمیت تحقیق

دین به عنوان منشور هدایت تشریعی انسان در مسیر فطرت، آمیزه‌ای از تکالیف تجزیه‌ناپذیر فردی و اجتماعی در عرصه‌های مختلف زندگی است و به عنوان جریانی سیال و پویا هیچ‌گاه فصلی و زمانی نبوده و توقف‌ناپذیر است. بنابراین عصر غیبت، دوران افول و توقف تکالیف و مسئولیت‌های انسان دین‌دار نیست، بلکه همانند دوران حضور امام ﷺ باید هم فرد بر مبنای دین تربیت شود و هم جامعه بر اساس آموزه‌های دینی اداره شود و این هدف جز با تشکیل حکومت‌های هم‌سنخ با حکومت معصوم ﷺ ممکن نیست؛ زیرا تربیت انسان دینی و ساختمان جامعه‌ای با سازوکار دینی تنها از طریق داشتن یک نظام سیاسی دینی، امکان‌پذیر است؛ چنان‌که در اندیشه شیعی این هدف با نظریه ولایت فقیه تأمین می‌گردد.

به اعتراف صاحبان اندیشه و خرد، در روزگار کنونی رشد یک‌سویه تکنولوژی مبتنی بر عقل ابزاری از یک‌سو و مغفول ماندن حقیقت انسان که غایت خلقت است از سوی دیگر، سر از کویر هستی‌سوز اومانیسم و توالی طبیعی آن، یعنی لیبرالیسم، سکولاریسم و مدرنیسم درآورده و این جریان

خطرناک، بشر را اسیر بحران هویت نموده است، به گونه‌ای که متفکران واقع‌نگر و حقیقت‌گرای دنیای امروز تنها راه نجات بشر را بازگشت به مقوله‌های معنوی و روی آوردن به آسمان می‌دانند. در چنین شرایطی انتظار در شکل منطقی، سازنده و پویا، نویددهنده تجدید حیات معنوی بشر و پیام‌آور بازگشت به خویشستن ملکوتی است. این تجدید حیات معنوی بشر و مهندسی فرهنگی باید در جهت حرکت به سوی جامعه‌ای باشد که به لحاظ اندیشه، ساختار، راهبرد و کارگزاران، نمونه آرمانی جامعه منتظر به شمار رود و بیش‌ترین شباهت را با جامعه نبوی و علوی داشته باشد؛ جامعه منتظری که شاخصه‌های آن با کندوکاو در آیات، روایات، سخنان حضرت امام خمینی^ع و مقام معظم رهبری حاصل می‌شود. برپا ساختن چنین جامعه‌ای شایسته و بایسته نظامی است که موجودیت خود را در پیوند با اسلام تعریف می‌کند. این انتظار، مردم منتظر و جامعه منتظر چه ویژگی‌هایی دارند و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟ فاصله میان این هست و باید را چگونه می‌توان طی نمود؟ راهبرد سیاست‌گذاران فرهنگی ما چه باید باشد؟ در این پژوهش می‌کوشیم در حد توان و امکانات خویش برای این پرسش‌ها، پاسخی بیابیم.

اهداف و پرسش‌های تحقیق

- هدف تحقیق حاضر ارائه راهبردهای فرهنگی مهدویت برای جامعه و دولت منتظر است. پرسش‌های این تحقیق عبارتند از:
۱. مختصات فرهنگی جامعه مهدوی پس از ظهور، بر اساس آیات و روایات اسلامی کدامند؟
 ۲. محیط داخلی کشور و فرصت‌ها و تهدیدهای محیط خارجی کشور در زمینه مهدویت چه نقاط قوت و ضعفی دارند؟
 ۳. وضعیت فرهنگی مهدویت در سطح جامعه و دولت منتظر در چه سطحی قرار دارد؟
 ۴. راهبردهای فرهنگی مؤثر مهدویت برای جامعه و دولت منتظر کدامند؟

روش تحقیق

روش تحقیق برگزیده شده برای این پژوهش تلفیقی است؛ شیوه‌ای که در آن روش‌های کمی و کیفی ترکیب شده‌اند. ویژگی‌های جامعه منتظر و شاخصه‌های جامعه کنونی با روش کتاب‌خانه‌ای - اسنادی جمع‌آوری شده‌اند، اما برای مشخص کردن وضعیت جامعه کنونی در مدل SWOT از میانگین ضرایبی که افراد صاحب‌نظر به هر یک از شاخص‌ها داده‌اند، استفاده شده است.

مراحل انجام کار و ساماندهی بخش‌های مختلف تحقیق عبارتند از: بخش اول: تبیین مختصات فرهنگی جامعه مهدوی بر اساس آیات و روایات اسلامی.

بخش دوم: شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی مهدویت در سطح جامعه و دولت ایران اسلامی (در این بخش اهم نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید وضعیت فرهنگی مهدویت در سطح جامعه شیعه ایران از دیدگاه تیم تحقیق مشخص می‌شوند).

بخش سوم: مشخص نمودن وضعیت فعلی فرهنگی مهدویت در سطح کشور: با تشکیل ماتریس‌های کمی ارزیابی عوامل اصلی خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها)، مشخص کردن وزن و ضریب اهمیت هر عامل، جمع نمرات موزون هر عامل (حاصل ضرب وزن هر عامل در ضریب اهمیت آن) و در نهایت امتیاز موزون کل جامعه را در هر دو محیط با جمع کردن نمره‌های آزمون عوامل به دست می‌آوریم. برآیند نمرات موزون حاصله در دو محیط خارجی و داخلی وضعیت فعلی فرهنگی مهدویت کشور را مشخص می‌سازد.

بخش چهارم: ارائه راهبردهای کلان پیشنهادی فرهنگی مهدویت در چهار حوزه (راهبردهای SO، ST، WO، WT). پس از شناسایی عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و پس از معین

شدن رویکرد و جهت حرکت راهبرد جامعه، راهبردهای پیشنهادی فرهنگی مهدویت را (به همراه ریزراهبردهای هر راهبرد) بر اساس مدل SWOT در چهار حوزه (راهبردهای SO، ST، WO، WT) برای تبدیل جامعه ایران اسلامی به جامعه مطلوب منتظر پس از ظهور که شاخص‌های آن احصا می‌شود ارائه می‌نماییم.

بخش پنجم: رتبه‌بندی راهبردهای پیشنهادی بر اساس میانگین میزان جذابیت هر راهبرد در هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید و گزینش راهبردهای منتخب، چنان‌که رتبه هر راهبرد را از جمع نمرات میزان جذابیت راهبرد در چهار عامل فوق به دست آورده و آن‌ها را بر اساس رتبه از بالا به پایین مرتب نموده و راهبردهایی که رتبه آن‌ها بالاتر از میانگین کل رتبه‌هاست را به عنوان راهبردهای منتخب برمی‌گزینیم.

ادبیات و پیشینه تحقیق

شناخت دقیق وضعیت فرهنگی مهدویت در کشور، مطالعه و آگاهی از رسالت، هدف‌ها، وظایف، امکانات، ظرفیت، پتانسیل و در مجموع، شناخت نقاط ضعف و قوت فعالیت‌های فرهنگی و نیز شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای این عرصه، اهمیت بسیاری دارد. در این راستا برنامه‌هایی که اهداف، مسیر حرکت و سیاست‌گذاری را برای رسیدن به جامعه منتظر مطلوب ارائه دهند، کم‌تر از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است و بیش‌تر فعالیت‌های انجام شده در این زمینه، کلامی و اعتقادی بوده و به نگرش‌های راهبردی کم‌تر توجه شده است. دانشگاه‌ها و مراکز عالی کشور به‌ویژه دانشگاه عالی دفاع ملی، به‌طور محدود در چند سال اخیر به این موضوع پرداخته و تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است. از جمله در مقاله‌ای با عنوان «الگوی راهبردی - فرهنگی انتظار برای دولت زمینه‌ساز ظهور» به پرسش درباره انتخاب الگو برای تدوین راهبرد فرهنگی پرداخته شده آمده است:

تدوین راهبرد فرهنگی در هر نظام سیاسی، ملاک تصمیم‌گیری‌های رفتاری و پیاده‌سازی آن است، اما چگونه می‌توان این تحولات و تغییرات محیطی و هنجاری را در مطالبات فرهنگی و با چه معیارهایی شناسایی و جست‌وجو کرد؟ ... الگوی ارائه شده در این مقاله به مکتب راهبرد فرهنگی و مکتب فرهنگی وابسته است و مکتب فرهنگی نیز وام‌دار تلقی صحیحی از معنای فرهنگ، سازوکار پیدایش و گسترش ارزش‌ها، تعامل فرهنگ با عوامل هم‌عرض خود در جامعه، اهداف ایدئولوژیک و امثال آن می‌باشد. این مکتب نقطه مقابل مکتب اصالت برتری سود بوده و از راهبرد ارزش پایه برای مکتب فرهنگی استفاده شده است. راهبرد ارزش پایه یعنی تنظیم روندی از پیش طراحی شده در رسیدن به اهداف مشخص و زمان‌بندی شده فرهنگی، الگوی راهبردی - فرهنگی انتظار روشی است که بر مبنای مکتب فرهنگی به زمینه‌سازی و تجهیز جامعه تا نزدیک کردن به جامعه منتظر که همانا جامعه مطلوب برای بهینه‌سازی عمل انتظار و ظهور منجی است، را فراهم می‌سازد و لذا این نسبت بین مبنا و هدف است که می‌تواند، کارکردهای زمینه‌سازی را در هر زمان توصیه و جهت‌دار سازد، (راعی، صدرا: ۱۳۸۹)

در مقاله‌ای دیگر با نام «مهندسی فرهنگی و زمینه‌سازی ظهور» می‌خوانیم:

زمینه‌سازی ظهور در اندیشه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، اصلی‌ترین مأموریت انقلاب اسلامی است. بنابراین لازم است تمام برنامه‌ریزی‌های نظام در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... در این راستا جهت‌گیری شوند. روش تحقیق برگزیده شده در این پژوهش مطالعه تطبیقی بین مقوله‌های مهندسی فرهنگی و زمینه‌سازی ظهور بوده و طی آن اطلاعات حاصله به طریقه کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس مدل ارائه شده در این مقاله، زمینه‌سازی ظهور در چهار مرحله مهندسی فرهنگی کشور، مهندسی فرهنگی شبکه زمینه‌ساز، مهندسی فرهنگی جهان اسلام و مهندسی فرهنگی جهان صورت می‌پذیرد و مهندسی فرهنگی کشور، خود شامل پنج مرحله مهندسی فرهنگی نظام تربیتی

(تزکیه)، مهندسی فرهنگی نظام آموزشی (تعلیم و تعلم)، مهندسی فرهنگی نظام تولید دانش و فن‌آوری، مهندسی فرهنگی سازمان‌ها و نهادها و در نهایت مهندسی فرهنگی نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. (ادیب، مختاریان‌پور، ۱۳۸۹)

نویسندگان مقاله «فرهنگ انتظار و راهبرد زمینه‌سازی ظهور»، هدف خود را آشنا ساختن مخاطبان با مباحث نظری مدیریت فرهنگی و زمینه‌سازی ظهور از منظر گفتمان‌ها، دیدگاه‌ها، روش‌ها و بینش‌های مطالعات انتظار از یک‌سو و آشنایی مخاطب با مسائل، موضوعات و مباحث عملی نظام مدیریت فرهنگی و مهندسی انتظار از منظر و رهیافت مطالعات راهبردی از سوی دیگر بیان می‌دارند و به بررسی این پرسش‌ها می‌پردازند که مطالعات موعودگرایی چه ارتباطی با مقوله تدوین راهبرد زمینه‌سازی و مهندسی انتظار دارد و چگونه در مطالعات موعودگرایی به مقوله تدوین راهبرد باید پردازیم؟ از چه منظری به مهندسی انتظار بنگریم و ضرورت‌های معرفت‌شناختی و روش‌شناختی نظری و ملاحظات عملی مربوط به آن چیست؟ (عصاریان‌نژاد، علوی، ۱۳۸۹)

از جمله تفاوت‌های عمده تحقیق حاضر با تحقیق‌های صورت گرفته، عبارتند از:

الف) تلاش شده است مختصات فرهنگی جامعه مهدوی پس از ظهور، بر اساس آیات و روایت اسلامی احصا گردد.

ب) در تحقیق حاضر، وضعیت فعلی فرهنگی مهدویت بر اساس مدل SWOT (قوت، ضعف، فرصت و تهدید) سنجیده شده است که در سایر تحقیق‌ها کم‌تر به آن پرداخته شده است.

ج) راهبردهای اساسی و کاربردی که منطبق بر شرایط حاضر جامعه بوده و اثردهی بالایی در تحصیل مقصود و رسیدن جامعه به سطح جامعه منتظر مطلوب دارند استخراج و پیشنهاد داده شده‌اند.

بخش اول: تبیین مختصات فرهنگی جامعه مهدوی (جامعه پس از ظهور) از دیدگاه آیات و روایات اسلامی

بر پژوهشگران، صاحب نظران و ارباب دانش پوشیده نیست که مسئله مهدویت و اندیشه ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخر الزمان، یکی از مسائل بسیار حیاتی اسلام و از اعتقادات قطعی همه مسلمانان است که شیعه و سنی در طول قرون متمادی بر این عقیده اتفاق نظر داشته و آن را جزء عقاید قطعی خود می دانند.

به باور بیش تر مسلمانان بنابر وعده های قرآن کریم و روایات اسلامی، در آینده تاریخ و در آخر الزمان، مردی از اهل بیت علیهم السلام به نام حضرت مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید می کند و عدل و داد را آشکار خواهد نمود؛ دشمنان دین و انسانیت چه بخواهند و چه نخواهند، سرانجام او ظاهر می شود و بر همه کشورها و ممالک مسلط می گردد.

در زمان او اسلام جهان گیر می گردد و زمین پر از عدل و داد می شود؛ پرچم توحید و یکتاپرستی در همه جهان به اهتزاز درمی آید؛ دینی جز دین مبین اسلام باقی نمی ماند؛ نظام جهانی بر اساس ایمان به خدا و احکام اسلام استوار می گردد؛ بر تمام جهان دین، قانون، نظام و رهبر واحد حکومت می کند و در همه جا صلح و صفا ایجاد و حق و عدالت پیروز می شود، و ظلم و ستم یک سره از بین می رود. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۱: ۲۱)

گفتنی است با توجه به این که جامعه منتظر مطلوب تا کنون محقق نشده است، بیان همه ویژگی های چنین جامعه ای به طور کامل امکان پذیر نیست، اما برای این که مهدی موعود علیه السلام را بشناسیم و بدانیم اسلام در زمینه ظهور آن یکتا بازمانده حجج الهی چه نویدهایی را به مسلمانان و مردم جهان داده است، فشرده مطالب و مهم ترین ویژگی های جامعه مهدوی مطلوب بر اساس آیات و روایات اسلامی را که از دریای ژرف متون اصیل اسلامی استخراج نموده ایم، در این جا می آوریم تا جامعه ایران اسلامی بتواند با برنامه ریزی در جهت دستیابی به این ویژگی ها گام بردارد.

۱. عدالت اجتماعی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مهدی، عدالت را همچنان که سرما و گرما وارد خانه می‌شود، وارد خانه‌های مردمان می‌کند و دادگری او همه‌جا را فرا می‌گیرد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۶۲، به نقل از: نعمانی، ۲۹۶)

گسترش عدالت در سراسر جهان و ریشه‌کنی بیداد از همه آبادی‌های زمین، از نخستین برنامه‌های انقلاب امام مهدی علیه السلام است و از هدف‌های اصلی آن امام بزرگ و نجات‌بخش به شمار می‌رود. در سخنان پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام درباره قیام امام دوازدهم، بر دعوت به توحید و مبارزه با شرک و کفر به اندازه ایجاد عدالت و اجرای آن، تأکید نشده است؛ زیرا با آموزش‌های پیامبران گذشته و به‌ویژه پیامبر اسلام، همچنین رشد علم و آگاهی بشر، انسان‌ها به خدای یکتا ایمان می‌آورند و اندیشه خدانشناسی شکست می‌خورد؛ با این حال در آتش ظلم، حق‌کشی، کینه‌توزی و روابط غیرانسانی می‌سوزند و با زندگی بی‌عدالت که در حقیقت شکنجه و مرگ تدریجی است، دست به گریبانند. از این‌رو، نیاز عمده جامعه بشری برقراری عدالت و دادگری و حاکمیت روابط انسانی بر جامعه است. انسان‌ها تشنه عدالتند و خواهان دینی که این تشنگی را فرو بنشانند و عدالت واقعی را به وجود آورد. بنابراین، مشکل اصلی آن نجات‌دهنده بزرگ انسان، انکار خدا نیست، بلکه ظلم و ستم جهان‌سوزی است که بشر را در کام خود فرو برده و در آتش خود سوزانده است. از این‌رو امام مهدی علیه السلام که آخرین نجات‌دهنده انسان‌هاست پس از ظهور مبارک خویش، اصول عدالت و دادگری را در میان همه انسان‌ها برقرار می‌سازد و مردم را از بدی و آزاررسانی و زشتی و محرومیت‌رهایی می‌بخشد.

۲. یک دین واحد

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ای مفضل، سوگند به خدا [امام قائم علیه السلام] از میان ملت‌ها و آیین‌ها اختلاف را برمی‌دارد و یک دین بر همه حاکم می‌گردد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۴)

برای تشکیل جامعه‌ای واحد، یک موضوع ضروری است و آن وجود یک آیین و یک اعتقاد است. تنوع و گوناگونی راه‌ها و عقیده‌ها موجب اختلاف‌ها، تضادها و برخوردهایی در جامعه می‌شود که در این شرایط نمی‌توان تشکیل جامعه‌ای واحد و یگانه را انتظار داشت.

در دوران ظهور و روزگار دولت امام مهدی علیه السلام آیینی یگانه بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش‌ها نیز یکی می‌شود؛ یگانگی واقعی در عقیده و مرام انسان‌ها پدید می‌آید و همه مردم یک‌دل و یک‌زبان به سوی سعادت حرکت می‌کنند، همچنان‌که در برنامه‌های زندگی اجتماعی نیز اختلافی دیده نمی‌شود. امام مهدی علیه السلام با چنین اصلی اساسی در ساختن جامعه یگانه بشری به موفقیتی بزرگ و چشم‌گیر دست می‌یابد و همه عت‌ها و عوامل ناسازگاری و درگیری را از بین می‌برد و با یکی کردن عقیده‌ها و ایدئولوژی‌ها راه هر گونه اختلاف را می‌بندد. او وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزد و همه انسان‌ها را در دین واحد گرد می‌آورد.

۳. رفاه اقتصادی و بهبود زندگی

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

در امت من مهدی علیه السلام قیام کند... و در زمان او مردم به نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند، [همه] نیکوکار و بدکار، آسمان بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی‌های خود را پنهان ندارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۳)

از برنامه‌ها و اقدام‌های امام مهدی علیه السلام پدید آوردن رفاه و آسایش در کل جامعه بشری است. در این دوران جامعه بشری واحدی تشکیل می‌گردد که در آن همه مانند خانواده‌ای در کنار هم زندگی می‌کنند و انسان‌ها به رشد و رفاه دست می‌یابند. ابرقدرت‌ها نیز وجود نخواهند داشت و بهبود زندگی و

بی‌نیازی اقتصادی نصیب همه انسان‌ها می‌شود و همگانی می‌گردد. این آسایش موجب رشد و برتری معنوی و فکری انسان می‌شود.

امام مهدی (ع) برای رسیدن به این هدف بزرگ انسانی، روش‌ها و عوامل مختلفی به کار می‌گیرد تا به زندگی انسان‌ها سروسامان ببخشد و همه مشکلات از قبیل برقراری عدالت اجتماعی، اجرای اصل مساوات، عمران و آبادی زمین، بازپس‌گیری ثروت‌های غصب‌شده، کنترل و نظارت دقیق مرکزی و... را از میان بردارد.

۴. مساوات و برابری

امام باقر (ع) می‌فرماید:

امام قائم (ع) [اموال را] برابر تقسیم می‌کند و میان [همه] مردم - نیکوکار و بدکار - به عدالت رفتار می‌نماید. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۳، ب ۱۳، ح ۲۶)

یکی از برنامه‌های امام مهدی (ع) اجرای اصل مساوات است. اسلام دین مساوات و برابری در مسائل گوناگون و زمینه‌های مختلف است.

انسان‌ها در آفرینش مساوی هستند و نیازهای طبیعی همانند و ارزشی یکسان و برابر دارند. و هیچ‌یک از ویژگی‌های طبقاتی موجب تفاوت و نابرابری آن‌ها نمی‌شود. آن‌ها در برابر قانون حقوقی یکسان و همانند دارند و هیچ فردی بر دیگری برتری و امتیازی ندارد.

بخش مهم دیگر، تساوی و برابری انسان‌ها در استفاده از بیت‌المال است. در دوران ظهور بیت‌المال نزد امام است و او آن را برای رفاه مردم هزینه می‌کند و در راه رفع نیازهای عمومی به کار می‌برد. اضافه بر این اموال، از سرمایه‌های طبیعی نیز استفاده می‌کند و منابع و معادن را استخراج می‌نماید و همه این سرمایه‌ها و امکانات را صرف عموم مردم می‌کند.

در دوران ظهور و حکومت جهانی اسلام، انسان‌ها در تمام این مسائل مساوی و برابر خواهند بود و از بخشش‌های الهی و منابع طبیعی به‌طور مساوی استفاده خواهند کرد.

۵. حاکمیت فراگیر جهانی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

... سوگند به آن که مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، آن روز را خداوند می گستراند تا فرزندم مهدی عج قیام کند؛ پهنه زمین را به نور او روشن گردد و حکومت او شرق و غرب گیتی را فرا گیرد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۸۰)

از برنامه های امام مهدی عج حکومت فراگیر جهانی است که در آن همه جامعه ها از یک مرکز پیروی می کنند و با یک سیاست و برنامه اداره می شوند. در آن دوران جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تشکیل می شود و دوستی و محبت سراسر آبادی ها را فرا می گیرد و آرزوی همه پیامبران، امامان و مصلحان و انسان دوستان تمام دوران تاریخ برآورده می شود.

۶. حکومت مستضعفان

امام علی علیه السلام می فرماید:

آنان (مستضعفان میراث بر زمین)، خاندان پیامبرند که خداوند پس از سختی ها، مهدی عج ایشان را برانگیزد و به آنان عزت بخشد و دشمنانشان را خوار سازد. (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۸۴، ج ۱۴۳)

از برنامه های اصلی امام مهدی عج تشکیل دولت مستضعفان و محرومان است. مستضعفان کسانی هستند که توسط زورمندان ضعیف نگه داشته شده اند و حقوق آنان پایمال شده است. در دوران ظهور هنگامی که ظالمان و زورمندان کنار گذاشته شدند، مانع راه مستضعفان برداشته می شود و همه کارها به دست افراد و طبقات محروم سپرده می شود. بنابراین تهیدستان هستند که بر جامعه حکومت می کنند و جامعه را اراده می نمایند. دیگر از ستمگران و اشراف و حکومت های ظالم خبری نیست. این هدف تمام پیامبران و انسان های بزرگ بوده و اسلام نیز چنین هدفی داشته است. پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان ما همه در راه رسیدن به چنین هدفی گام برداشته و سختی کشیده اند و حتی در این راه به شهادت رسیده اند.

امام موعود علیه السلام آیین پیامبران و امامان علیهم السلام را اجرا خواهد کرد. حکومت در دست مستضعفان قرار خواهد گرفت و عدالت مطلق اجرا خواهد شد؛ دیگر ظالم و ستمگری وجود نخواهد داشت تا مظلوم و ستم‌دیده‌ای وجود داشته باشد و زورگویی وجود ندارد که مردمان را به زیر سلطه خویش درآورد؛ طبقات اجتماعی از بین خواهند رفت؛ همه افراد برادرانه زندگی کرده و زندگی‌هایی نزدیک به هم خواهند داشت و همه افراد به فکر محرومان و مستضعفان خواهند بود و همه مردم به نیازهایشان خواهند رسید.

۷. رشد علم و فرهنگ

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

در زمان حکومت مهدی علیه السلام به همه مردم، حکمت و علم بیاموزند تا آن‌جا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند.
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۵، باب ۱۳، ح ۳۰)

از آغاز تاریخ، انسان به کارهای فرهنگی و علمی پرداخته است و تجربه‌ها و دانش‌هایی به دست آورده است که در میان این آموخته‌ها، آموزش‌ها و دستورات پیامبران جایگاه ویژه‌ای دارد. یکی از اصول و هدف‌های اصلی انبیا گسترش علم و دانایی است. آنان انسان‌ها را به فراگیری علم در تمام زمینه‌ها دعوت کرده‌اند؛ از شناخت خود تا شناخت خداوند و از شناخت کوچک‌ترین ذره تا شناخت جهان هستی. در سایه این دستورات، انسان به تفکر و تعقل پرداخت و در هر رشته از علوم به مسائل جدیدی رسید و علوم گسترش فراوانی یافت و بدین‌گونه تا قرن حاضر پیش آمد. اما این پیشرفت‌ها بیش‌تر در مسائل مادی جهان و زندگی مادی انسان رخ داده و در بعد معنوی چنین پیشرفت‌هایی صورت نگرفته است.

در دوران ظهور امام مهدی علیه السلام که همه آرمان‌ها و اهداف انسانی و الهی به حقیقت می‌پیوندد، دانش و شناخت انسان‌ها نیز کامل می‌شود. در آن دوران تمام ناشناخته‌ها شناخته می‌شود و دیگر مجهولی در هیچ‌یک از علوم و دانش‌ها باقی نخواهد ماند.

امام مهدی عج از حقایق مادی و معنوی پرده برمی‌دارد و همه را برای انسان‌ها آشکار و روشن می‌سازد و انسان‌ها را همراه با تکامل علوم مادی، در علوم معنوی و خداشناسی نیز به تکامل می‌رساند و از جامعه‌های انسانی که در جهل و نادانی به سر می‌برند، جامعه‌هایی آگاه، بینا و دانا می‌سازد.

۸. امنیت اجتماعی

امام صادق ع در تفسیر آیه شریفه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا»؛ (نور: ۵۵) «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند... وعده داد که به یقین در روی زمین ایشان را خلیفه کند... و وحشت‌شان را به امنیت بدل سازد...» می‌فرماید: این آیه درباره قائم ع و یارانش نازل شده است. (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۴۷، ب ۱۳، ح ۳۵)

امنیت اجتماعی باید در بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی، یعنی بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی پدید آید. امنیت اجتماعی زمینه‌ساز فعالیت‌های درست فردی و گروهی است. در محیط‌های امن و آرام، روابط اجتماعی بر قوانین استوار است و چیزی جای حق را نمی‌گیرد و حقوق افراد کاملاً رعایت می‌شود.

امام مهدی عج چنان امنیت اجتماعی به وجود می‌آورد که بشر تا کنون مانند آن را ندیده است. او نگرانی و ترس را نابود می‌کند و کسانی را که در جامعه ایجاد نگرانی و ترس می‌کنند، کنار می‌زند. او قانون و عدل را اجرا می‌کند و احترام به حقوق و ارزش انسان را در روابط اجتماعی استوار می‌سازد. در آن دوران به دلیل وجود امنیت، هیچ‌کس از کسی دیگر نگرانی و ترس ندارد؛ انسان‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ دوستی و مهربانی جای دشمنی و کینه‌توزی را می‌گیرد و رقابت انسان‌ها سالم و انسانی می‌گردد و رشد اقتصادی در همه بخش‌های جامعه آشکار می‌گردد.

۹. رشد تربیت انسانی

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، خداوند قوای فکری مردم را تمرکز دهد...
و اخلاق آنان را تکامل بخشد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۸۴۱)

یکی از برنامه‌های امام مهدی علیه السلام رشد تربیتی و بلوغ روحی انسان است. انسان که جزء اصلی تشکیل جامعه صالح و سالم است، محور اصلی برنامه‌ریزی‌ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه به شمار می‌رود. انسان برای اصلاح جامعه و تشکیل اجتماعی سالم باید نخست، اصلاحات و تحولات را از درون خود آغاز کند؛ زیرا تمام مسائل اقتصادی، سیاسی، جنگ، صلح، نظم، بی‌نظمی، نیکی، زشتی و... در اجتماع به انسان مربوط است. پس با ایجاد انقلابی در درون خود می‌تواند در جامعه نیز انقلاب و تحول به وجود آورد.

در هر جامعه‌ای بهترین برنامه‌ها و قوانین باید به دست بهترین و شایسته‌ترین افراد و مجریان اجرا شود. به همین دلیل ساختن انسان و پرورش و رشد افرادی صالح، مقدمه اصلی برای تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. امام مهدی علیه السلام نخست به تربیت انسان‌ها می‌پردازد تا دیگر برنامه‌های اجتماعی خود را به شایستگی انجام دهد و عدالت، دادگری، قانون‌شناسی، دیگر دوستی، ایثار و... را در سطح جامعه پایدار سازد.

کینه‌توزی، خوی و خلقی شیطانی است و از پایین بودن سطح فرهنگ انسانی سرچشمه می‌گیرد. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود و انسان‌دوستی در رابطه اجتماعی استوار می‌گردد.

ثروت‌پرستی و مال‌اندوزی، پدیده‌ای روحی و باطنی است. انسان‌ها نخست، در باطن حریص و ثروت‌پرست می‌شوند، آن‌گاه در خارج به اموال دیگران تجاوز می‌کنند و به ظلم و ستم‌های اقتصادی دست می‌زنند. این مشکل بزرگ (مال‌دوستی) در تمام زمان‌ها وجود داشته است و خواهد داشت. این بیماری

باطنی و روحی انسان، تا از درون او درمان نگردد، به کار بردن شیوه‌ها و روش‌هایی از بیرون برای جلوگیری از آن، نتیجه چندانی ندارد. در تاریخ، تجربه‌های پیاپی نشان داده است که همه نابسامانی‌ها و ناتوانی‌ها در کار جامعه‌سازی به دلیل آن است که سرچشمه آلودگی نادیده گرفته شده و به تربیت روح و باطن انسان توجه نشده است. اما در دوران ظهور امام مهدی (عج) به این مشکل اساسی توجه می‌شود و روح و روان مردم تربیت می‌گردد و صفات پست و ناپسند روحی و باطنی انسان‌ها از بین می‌رود. همین است که آن انقلاب مانند دیگر انقلاب‌ها شکست نخواهد خورد و به پیروزی نهایی خواهد رسید و پایدار خواهد ماند.

۱۰. سامان‌یابی زندگی

امام حسین (ع) می‌فرماید:

در خاندان ما دوازده مهدی است... آخر آنان نهمین فرزند من است که به حق قیام می‌کند و خداوند زمین مرده را به دست او زنده می‌سازد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۳۶، ۲۲۶)

انسان دارای دو گونه حیات و زندگی است. حیاتی انسانی و حیاتی حیوانی که میان این دو، تفاوتی بسیار وجود دارد. انسان در حیات و زندگی حیوانی خود، تغذیه، رشد و تولیدمثل دارد و در این سه موضوع با همه موجودات زنده مشترک است.

اما حیات اصلی انسان، حیات باطنی و زندگی روحی و عقلانی است و این احادیث عالم انسان را از عالم حیوانات و موجودات زنده جدا می‌سازد و این حیات و زندگی به انسان برتری و امتیاز می‌بخشد. بسیاری از حیوانات، زندگی طولانی و آسیب‌ناپذیری دارند؛ حیواناتی که ده‌ها سال زندگی می‌کنند و چندین برابر انسان تغذیه می‌نمایند و کم‌تر دچار بیماری و کاهش و فرسایش می‌گردند و از انسان قدرت و توانایی بیشتری دارند و اگر قدرت بدنی ملاک برتری باشد، این‌گونه حیوانات از انسان برترند. بنابراین، ارزش و عظمت حیات انسانی، به حیات باطنی و معنوی و عقلانی اوست.

آدمی در طول تاریخ و دوران زندگی، از حیات انسانی خود، چندان بهره و استفاده‌ای نبرده است و جز سالیانی اندک و محدود و در دوره‌هایی بسیار کوتاه، حیات فردی و اجتماعی انسانی نداشته است. از حیات انسانی که بگذریم، در کدام دوره از دوران‌های تاریخ و کدام تمدن و جامعه، همه انسان‌ها درست تغذیه شده‌اند و خوراک کافی در اختیار داشته‌اند و فرزندان‌شان زمینه رشد یافته‌اند و در کجا مسائل مادی آنان حل شده است. در قرن حاضر که اوج شکوفایی تمدن‌های ظاهری بشری است، وسایل و ابزار مادی برای همه انسان‌ها و در همه اجتماعات کجا فراهم شده است؟ آمارها از گرسنگی‌های پنهان و آشکار اکثریت قاطع بشریت، و سیری و پرخوری اقلیت‌ها پرده برمی‌دارد.

در طول تاریخ، از برخی دوره‌های گذرا و کوتاه حکومت‌های پیامبران به‌ویژه حکومت پیامبر اسلام ﷺ و چهار سال خلافت امام علی علیه السلام که بگذریم، انسان همواره در اثر ظلم و بی‌عدالتی و فساد و تباهی‌های مادی و معنوی از نعمت حیات شایسته محروم بوده است. زمین نیز دچار مرگی وحشت‌بار شده است؛ زیرا مرگ و حیات زمین با مرگ و حیات ساکنان آن ارتباط مستقیم دارد.

اکنون برای این‌که مقصود از حیات در بعد انسانی آن به خوبی روشن گردد و مرگ انسانیت بهتر لمس شود، ویژگی‌های انسان‌ها و اجتماعات را در دوران پیش از ظهور می‌آوریم تا مشخص شود که امام مهدی علیه السلام با چه راه و روش‌هایی پیروز می‌شود و چه برنامه‌ها و اصولی را در جامعه جاری می‌کند.

ویژگی‌های انسان‌ها و اجتماعات در دوران پیش از ظهور

۱. گسیختن روابط انسانی؛ ۲. گسیستن روابط خانوادگی؛ ۳. انگیزه‌های غیرانسانی در روابط اجتماعی؛ ۴. روابط سودجویانه؛ ۵. نابودی عبادات.

بخش دوم: شناسایی قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی مهدویت در سطح جامعه و دولت منتظر شیعه ایران اسلامی

در این بخش قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها در ابعاد مختلف فرهنگی مهدویت، مانند اعتقادات مذهبی، مجالس و حرکتهای توسعه فرهنگ مهدویت، کتب و نشریات مهدوی، سینما، تولید فیلم‌ها با محتوای مهدوی، آسیب‌های مهدویت از قبیل فرقه‌های ساختگی و انحرافی، تضعیف امر به معروف و نهی از منکر، گسترش فقر و بی‌عدالتی، آسیب‌های فضای مجازی و فضای سایبر و... بر اساس شناخت تیم تحقیق از وضع موجود جامعه و بر اساس ویژگی‌های جامعه مهدوی احصا شده است:

قوت‌ها

۱. اعتقاد به قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) در سطح جامعه شیعی ایران و گرایش آحاد جامعه به معارف اسلام و شیعه؛
۲. رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران به برجسته‌سازی معارف مهدوی و حرکتهای بنیادی کشور در عرصه توسعه فرهنگ مهدویت در سالیان اخیر (تأسیس ده‌ها نهاد و مؤسسه با محوریت فعالیت‌های مهدوی)؛
۳. تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت از طریق برقراری مجالس بزرگداشت حضرت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و زنده نگه داشتن و پویایی فرهنگ انتظار در بین آحاد جامعه؛
۴. زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا و قیام حسینی در سطح جامعه و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی برای دفاع از اسلام ناب محمدی؛
۵. اقتدار و پیشرفت جامعه شیعه ایران در عرصه‌های مختلف فرهنگی، نظامی، علمی و عدم وابستگی به سایر ملل؛
۶. تکافل اجتماعی جامعه و دولت زمینه‌ساز ظهور ایران در عرصه‌های کمک به هموعان در جامعه و سیاست‌های اتخاذشده دولت در تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان.

ضعف‌ها

۱. به روز نبودن متون مهدویت، تک‌زبانه بودن اکثر متون و کمبود کتاب در زمینه مهدویت در مقایسه با سایر موضوعات؛
۲. عدم مشارکت فعال دانشگاه‌ها، نهادها و وزارت‌خانه‌های کشور در تولید محتوای مهدوی و استفاده از توانمندی آنان؛
۳. عدم تهیه و تولید فیلم‌های سینمایی مناسب با موضوع مهدویت در کشور؛
۴. بسط سطحی مهدویت‌گرایی و برخورد سستی مردم با مهدویت و انتظار و گرایش کم‌تر به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور و ریشه دوانیدن فرهنگ غرب در جامعه و کم‌اثر بودن رسانه‌ها و جشنواره‌های مهدوی؛
۵. تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فساد، بی‌حجابی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه شیعه ایران؛
۶. افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان در جامعه به‌ویژه جوانان برای عدم همراهی آنان با جامعه مهدوی؛
۷. نارضایتی مردم از عملکرد برخی دستگاه‌های اجرایی.

فرصت‌ها

۱. الگو قرار گرفتن جامعه منتظر ایران اسلامی برای سایر کشورهای مسلمان (شیعیان لبنان و...)
۲. مطرح شدن حکومت حضرت مهدی عج به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای پایان تاریخ؛
۳. اعتقاد به اصل ولایت فقیه به عنوان استمرار حرکت انبیا و وجود رهبری اسلامی مقتدر در رأس جامعه شیعه ایران؛
۴. امکان معرفی جامعه شیعه منتظر ایران به‌وسیله اینترنت و در مجامع بین‌المللی؛
۵. توانمندی متخصصان و نخبگان جامعه در تولید علم و فن‌آوری؛
۶. وجود زمینه‌های همکاری‌های متعدد با کشورهای مسلمان جهان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای عضو کنفرانس اسلامی.

تهدیدها

۱. گسترش فرقه‌های ساختگی و انحرافی در سطح جامعه، برای ضربه زدن به مفاهیم ناب اسلامی و تشیع؛ تلاش استکبار و مراکز فکری آنان برای انحراف از اندیشه‌های مهدویت و منجی‌گرایانه؛ موعودستیزی دوستان جاهل و دشمنان مغرض در ارائه تفسیرهای نادرست از عصر ظهور؛
 ۲. تهدیدهای فضای سایبر و استفاده گسترده غرب از فن‌آوری‌های نو ظهور علیه جامعه شیعی ایران؛
 ۳. تلاش استکبار برای ایجاد تقابل‌های سیاسی بین سران ارشد نظام، ایجاد اختلاف بین اقلیت‌های مختلف جامعه نظیر علما و دانش‌ورزان؛
 ۴. پروژه ایران‌هراسی و معرفی ایران به عنوان تروریسم و جریان بنیادگرایی شیعه در جهان، بازتاب اخبار منفی از ایران در مطبوعات امریکا و تأکید بر مسائلی از قبیل بحران‌های سیاسی، اجتماعات، زد و خوردها و القای غیرصلح‌آمیز بودن پرونده هسته‌ای ایران؛
 ۵. تشدید اختلافات قومی و مذهبی (دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی) در داخل و خارج کشور و سعی در ناامن جلوه دادن فضای امنیتی جامعه شیعه ایران؛
 ۶. جنگ رسانه‌ای در رسانه‌های دیداری و شنیداری درباره دخالت ایران در کشورهای منطقه در نقش بزرگ‌ترین مدافع تروریسم، جریان‌سازی رسانه‌ای برای ایجاد محور فشار علیه ایران به عنوان مرکز شیعه از سوی رسانه‌های صهیونیستی و دنباله‌روی سایر رسانه‌ها.
- بخش سوم: مشخص نمودن وضعیت فعلی فرهنگ مهدوی در سطح کشور**
- برای مشخص نمودن وضعیت فعلی فرهنگی مهدویت در کشور، فرآیند سه مرحله‌ای زیر را طی می‌نماییم (تدوین راهبرد بر اساس مدل SWOT، درس ارائه شده در دانشگاه عالی دفاع ملی):

ماتریس ارزیابی عوامل خارجی

مرحله اول: عوامل اصلی خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) را فهرست می‌کنیم و به هر کدام از عوامل وزن می‌دهیم (از ۰ تا ۱ به نحوی که جمع کل وزن‌ها برابر با یک شود).

برای هریک از عوامل، وزنی در نظر می‌گیریم (برای وزن‌دهی به عوامل خارجی بر اساس میزان تأثیری که در تدوین راهبرد دارند ابتدا نمره‌ای تحت عنوان وزن عامل (ضریب تأثیر) داده می‌شود. بدین منظور از عدد ۱ برای عواملی که کم‌ترین تأثیر و از عدد ۴ برای عواملی که بیش‌ترین تأثیر را در تدوین راهبرد دارند بر اساس نظر خبرگان و متخصصان جامعه آماری این تحقیق استفاده می‌کنیم. اغلب به عواملی که موجب فرصت یا موقعیت می‌شوند در مقایسه با عوامل تهدیدکننده ضریب بیش‌تری داده می‌شود، ولی اگر عوامل تهدید هم شدید باشند، باید به آن‌ها هم ضریب بالایی داد. برای این کار پرسش‌نامه‌ای چهارگزینه‌ای با گزینه‌های خیلی کم (۱)، کم (۲)، زیاد (۳) و خیلی زیاد (۴) تنظیم و توزیع شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها، میانگین ارزش اختصاص یافته به هر عامل را که از جامعه خبره و متخصص به دست آمده است محاسبه کرده و سپس بردار حاصل را نرمالیزه می‌کنیم. برای این کار میانگین‌های به دست آمده را با هم جمع کرده و تک‌تک میانگین‌ها را بر این مجموع تقسیم می‌کنیم. با این کار ستونی حاصل می‌شود که مجموع عناصر آن ۱ است.

رتبه	فرصت‌ها (Opportunities)	تأثیر خیلی کم	تأثیر کم	تأثیر زیاد	تأثیر خیلی زیاد	میانگین
01	الگو قرار گرفتن ایران اسلامی برای سایر کشورهای مسلمان (لبنان و فلسطین...)	۷	۴	۶	۳	۲.۲۵
02	مطرح شدن حکومت حضرت مهدی (عج) به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای پایان تاریخ	۳	۴	۸	۵	۲.۷۵
03	اصل ولایت فقیه و وجود رهبری اسلامی مقتدر در رأس حکومت اسلامی ایران	۲	۳	۷	۸	۳.۰۵
04	امکان معرفی جامعه شیعه منتظر ایران در اینترنت و مجامع بین‌المللی	۴	۶	۴	۶	۲.۶
05	توانمندی متخصصان و نخبگان جامعه در تولید علم و فن‌آوری	۵	۶	۷	۲	۲.۳
06	وجود زمینه‌های همکاری‌های متعدد با کشورهای مسلمان جهان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای عضو کنفرانس اسلامی	۱۰	۵	۳	۲	۱.۸۵

ردیف	تهدیدها (Threats)	تأثیر خیلی کم	تأثیر کم	تأثیر زیاد	تأثیر خیلی زیاد	میانگین
T1	گسترش فرقه‌های ساختگی و انحرافی با هدف تضعیف وحدت ملی و انسجام اسلامی، تلاش استکبار و مراکز فکری آنان برای انحراف از اندیشه‌های مهدویت و منجی‌گرایانه، موعودستیزی دوستان جاهل و دشمنان مغرض در ارائه تفسیرهای نادرست از عصر ظهور	۲	۳	۵	۱۰	۳/۱۵
T2	تهدیدهای فضای سایبر و استفاده گسترده غرب از فن‌آوری‌های نو ظهور علیه جامعه شیعی ایران	۴	۳	۶	۷	۲/۸
T3	تلاش استکبار برای ایجاد تقابل‌های سیاسی بین سران ارشد نظام، ایجاد اختلاف بین اقشار مختلف جامعه مانند علما، دانش‌ورزان و...	۴	۵	۷	۴	۲/۵۵
T4	پروژه ایران‌هراسی و معرفی ایران به عنوان تروریسم و جریان بنیادگرایی در جهان، بازتاب اخبار منفی از ایران در مطبوعات امریکا و تأکید بر مسائلی از قبیل بحران‌های سیاسی، اجتماعات، زد و خوردها و القای غیر صلح‌آمیز بودن پرونده هسته‌ای ایران	۳	۵	۷	۵	۲/۷
T5	تشدید اختلافات قومی و مذهبی (دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی) در داخل و خارج کشور و سعی در ناامن جلوه دادن فضای امنیتی جامعه شیعه ایران	۳	۵	۷	۵	۲/۷
T6	جنگ رسانه‌ای در رسانه‌های دیداری و شنیداری درباره دخالت ایران در کشورهای منطقه در نقش بزرگ‌ترین مدافع تروریسم، جریان‌سازی رسانه‌ای برای ایجاد محور فشار علیه ایران از سوی رسانه‌های صهیونیستی و دنباله‌روی سایر رسانه‌ها	۸	۶	۴	۲	۲

پس از محاسبه میانگین تأثیرپذیری کلیه فرصت‌ها و تهدیدها جدول زیر را تشکیل داده و با نرمال‌سازی وزن هر یک از عوامل فرصت و تهدید را به دست می‌آوریم.

ردیف	فرصت‌ها	میانگین	ردیف	وزن (فرصت‌ها)	میانگین
۱	O1	۲/۲۵	۱	٪۷	۲/۲۵ ÷ ۳۰/۷۰
۲	O2	۲/۷۵	۲	٪۹	۲/۷۵ ÷ ۳۰/۷۰
۳	O3	۳/۰۵	۳	٪۱۰	۳/۰۵ ÷ ۳۰/۷۰
۴	O4	۲/۶	۴	٪۸	۲/۶ ÷ ۳۰/۷۰
۵	O5	۲/۳	۵	٪۷	۲/۳ ÷ ۳۰/۷۰
۶	O6	۱/۸۵	۶	٪۶	۱/۸۵ ÷ ۳۰/۷۰
ردیف	تهدیدها	میانگین	ردیف	وزن (تهدیدها)	میانگین
۱	T1	۳/۱۵	۱	٪۱۰	۳/۱۵ ÷ ۳۰/۷۰
۲	T2	۲/۸	۲	٪۹	۲/۸ ÷ ۳۰/۷۰
۳	T3	۲/۵۵	۳	٪۸	۲/۵۵ ÷ ۳۰/۷۰
۴	T4	۲/۷	۴	٪۹	۲/۷ ÷ ۳۰/۷۰
۵	T5	۲/۷	۵	٪۹	۲/۷ ÷ ۳۰/۷۰
۶	T6	۲/۰	۶	٪۶	۲/۰ ÷ ۳۰/۷۰
جمع			جمع		
۳۰/۷۰			۱		

ستون‌های به دست آمده را به شکل روبه‌رو نرمال می‌کنیم. (برای این کار میانگین‌های به دست آمده را با هم جمع کرده و تک‌تک میانگین‌ها را بر این مجموع تقسیم می‌کنیم. با این کار ستونی حاصل می‌شود که مجموع عناصر آن ۱ است)

مرحله دوم: به هریک از عوامل، ضریبی تحت عنوان ضریب اهمیت بین ۱ تا ۴ می‌دهیم.

ضرایب را برحسب میزان تطابق جامعه با فرصت‌ها و تهدیدها در نظر می‌گیریم. این ضرایب بیان‌گر میزان اثربخشی راهبردهای کنونی جامعه در نشان دادن واکنش نسبت به عوامل مزبور هستند. عدد ۴ بدان معناست که واکنش عالی بوده است و عدد ۱ به معنای واکنش ضعیف است. (در عوامل تهدید، عدد ۴ به معنای واکنش ضعیف و عدد ۱ به معنای واکنش عالی فرض شده است.)

برای استفاده از نظر جامعه آماری خبره و متخصص مانند قسمت قبل پرسش‌نامه‌ای تنظیم و نظر جامعه را در این باره اخذ کرده و پس از جمع‌آوری، میانگین ضریب هر عامل را محاسبه نموده‌ایم.

ردیف	فرصت‌ها (Opportunities)	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	میانگین ضریب اهمیت
01	الگو قرار گرفتن ایران اسلامی برای سایر کشورهای مسلمان (لبنان، فلسطین و...)	۷	۴	۶	۳	۲/۲۵
02	مطرح شدن حکومت حضرت مهدی (عج) به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای پایان تاریخ	۳	۴	۸	۵	۲/۷۵
03	اصل ولایت فقیه و وجود رهبری اسلامی مقتدر در رأس حکومت اسلامی ایران	۲	۳	۷	۸	۳/۰۵
04	امکان معرفی جامعه شیعه منتظر ایران در اینترنت و مجامع بین‌المللی	۴	۶	۴	۶	۲/۶
05	توانمندی متخصصان و نخبگان جامعه در تولید علم و فن‌آوری	۵	۶	۷	۲	۲/۳
06	وجود زمینه‌های همکاری‌های متعدد با کشورهای مسلمان جهان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های کشورهای عضو کنفرانس اسلامی	۱۰	۵	۳	۲	۱/۸۵

ردیف	تهدیدها (Threats)	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	میانگین ضریب اهمیت
T1	گسترش فرقه‌های ساختگی و انحرافی با هدف تضعیف وحدت ملی و انسجام اسلامی؛ تلاش استکبار و مراکز فکری آنان برای انحراف از اندیشه‌های مهدویت و منجی‌گرایانه؛ موعودستیزی دوستان جاهل و دشمنان مغرض در ارائه تفسیرهای نادرست از عصر ظهور	۲	۳	۵	۱۰	۳.۱۵
T2	تهدیدهای فضای سایبر و استفاده گسترده غرب از فن‌آوری‌های نوظهور علیه جامعه شیعی ایران	۴	۳	۶	۷	۲.۸
T3	تلاش استکبار برای ایجاد تقابل‌های سیاسی بین سران ارشد نظام؛ ایجاد اختلاف بین اقشار مختلف جامعه نظیر علما، دانشمندان	۴	۵	۷	۴	۲.۵۵
T4	پروژه ایران‌هراسی و معرفی ایران به عنوان تروریسم و جریان بنیادگرایی در جهان؛ بازتاب اخبار منفی از ایران در مطبوعات امریکا و تأکید بر مسائلی از قبیل بحران‌های سیاسی، اجتماعات، زد و خوردها و القای غیرصلح‌آمیز بودن پرونده هسته‌ای ایران	۳	۵	۷	۵	۲.۷
T5	تشدید اختلافات قومی و مذهبی (دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی) در داخل و خارج کشور و سعی در ناامن جلوه دادن فضای امنیتی جامعه شیعه ایران	۳	۵	۷	۵	۲.۷
T6	جنگ رسانه‌ای و ایجاد فضای رسانه‌ای در رسانه‌های دیداری و شنیداری دربارۀ دخالت ایران در کشورهای منطقه در نقش بزرگ‌ترین مدافع تروریسم، جریان‌سازی رسانه‌ای برای ایجاد محسوس فشار علیه ایران از سوی رسانه‌های صهیونیستی و دنباله‌روی سایر رسانه‌ها	۸	۶	۴	۲	۲

مرحله سوم: وزن هر عامل را در ضریب اهمیت آن ضرب می‌کنیم (این کار یک نمره موزون حاصل می‌کند) و سپس نمره‌های موزون عوامل را با هم جمع می‌نماییم (با این عمل امتیاز موزون کل سازمان در مطالعه محیط خارجی به دست می‌آید).

ردیف	فرصت‌ها	وزن $\times$ ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	O1	$2/25 \times 7$	۱۶٪
۲	O2	$2/75 \times 9$	۲۵٪
۳	O3	$3/05 \times 10$	۳۰٪
۴	O4	$2/6 \times 8$	۲۱٪
۵	O5	$2/3 \times 7$	۱۶٪
۶	O6	$1/85 \times 6$	۱۱٪
ردیف	تهدیدها	وزن $\times$ ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	T1	$3/15 \times 10$	۳۲٪
۲	T2	$2/8 \times 9$	۲۵٪
۳	T3	$2/55 \times 8$	۲۰٪
۴	T4	$2/7 \times 9$	۲۴٪
۵	T5	$2/7 \times 9$	۲۴٪
۶	T6	$2/0 \times 6$	۱۲٪

جمع نمرات موزون: ۲/۵۶

ماتریس ارزیابی عوامل داخلی

کلیه مراحل انجام‌شده برای ماتریس ارزیابی عوامل خارجی را برای عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) نیز باید طی نماییم:

مرحله اول: عوامل اصلی داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) را فهرست می‌کنیم و به هر کدام از عوامل وزن می‌دهیم (از ۰ تا ۱ به نحوی که جمع کل وزن‌ها برابر با یک شود).

ردیف	قوت‌ها (Strength)	تأثیر خیلی کم	تأثیر کم	تأثیر زیاد	تأثیر خیلی زیاد	میانگین
O1	اعتقاد به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در سطح جامعه شیعی ایران و گرایش آحاد جامعه ایران به معارف بلند اسلام و شیعه	۳	۴	۷	۶	۲/۸
O2	رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران به برجسته‌سازی معارف مهدوی و حرکت‌های بنیادی کشور در عرصه توسعه فرهنگ مهدویت در سالیان اخیر (تأسیس ده‌ها نهاد و مؤسسه با محوریت فعالیت‌های مهدوی)	۴	۶	۶	۴	۲/۵
O3	تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت از طریق برقراری مجالس بزرگداشت حضرت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و زنده نگه داشتن و پویایی فرهنگ انتظار در بین آحاد جامعه	۵	۴	۳	۸	۲/۷
O4	زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا و قیام حسینی و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی برای دفاع از اسلام ناب محمدی	۳	۴	۶	۷	۲/۸۵
O5	اقتدار و پیشرفت جامعه شیعه ایران در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، علمی و... و عدم وابستگی به سایر ملل	۸	۷	۳	۲	۱/۹۵
O6	تکافل اجتماعی جامعه و دولت زمینه‌ساز ظهور ایران در عرصه‌های کمک به هموعان و سیاست‌های اتخاذشده دولت در تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان	۳	۷	۵	۵	۲/۶

ردیف	ضعف‌ها (Weakness)	تأثیر خیلی کم	تأثیر کم	تأثیر زیاد	تأثیر خیلی زیاد	میانگین
T1	به‌روز نبودن متون مهادویت، تک‌زبانه بودن اکثر متون و کمبود کتاب در زمینه مهادویت	۴	۵	۷	۴	۲/۵۵
T2	عدم مشارکت فعال دانشگاه‌ها، نهادها و وزارت‌خانه‌های کشور در تولید محتوای مهادوی	۷	۶	۵	۲	۲/۱
T3	عدم تهیه و تولید فیلم‌های سینمایی مناسب با موضوع مهادویت در کشور	۳	۳	۷	۶	۲/۷
T4	بسط سطحی مهادویت‌گرایی و برخورد سستی مردم با مهادویت و انتظار و گرایش کم‌تر به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور ریشه دوانیدن برخی از جشن‌های غربی در فرهنگ اسلامی جامعه و کم‌اثر بودن رسانه‌ها و جشنواره‌های مهادوی	۴	۴	۶	۴	۲/۳
T5	تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فساد، بی‌حجابی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه شیعه ایران	۴	۶	۵	۵	۲/۵۵
T6	افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان در جامعه به‌ویژه جوانان برای عدم همراهی آنان با جامعه مهادوی	۶	۷	۴	۳	۲/۲
T7	نارضایتی مردم از عملکرد برخی دستگاه‌های اجرایی	۸	۷	۳	۲	۱/۹۵

پس از محاسبه میانگین تأثیرپذیری کلیه قوت‌ها و ضعف‌ها جدول زیر را تشکیل داده و با نرمال‌سازی وزن هر یک از عوامل قوت و ضعف را به دست می‌آوریم.

ردیف	قوت‌ها	میانگین	ستون‌های به دست آمده را به این شکل روبه‌رو نرمال می‌کنیم: (برای این کار میانگین‌های به دست آمده را با هم جمع کرده و تک‌تک میانگین‌ها را بر این مجموع تقسیم می‌کنیم با این کار ستونی حاصل می‌شود که مجموع عناصر آن ۱ است.	ردیف	وزن (قوت‌ها)	میانگین
۱	s1	۲/۸		۱	%۹	۲/۸ ÷ ۳۱/۷۵
۲	s2	۲/۵		۲	%۸	۲/۵ ÷ ۳۱/۷۵
۳	s3	۳/۷		۳	%۸	۳/۷ ÷ ۳۱/۷۵
۴	s4	۲/۸۵		۴	%۹	۲/۸۵ ÷ ۳۱/۷۵
۵	s5	۱/۹۵		۵	%۶	۱/۹۵ ÷ ۳۱/۷۵
۶	s6	۲/۶		۶	%۸	۲/۶ ÷ ۳۱/۷۵
ردیف	ضعف‌ها	میانگین		ردیف	وزن (ضعف‌ها)	میانگین
۱	w1	۲/۵۵		۱	%۸	۲/۵۵ ÷ ۳۱/۷۵
۲	w2	۲/۱		۲	%۷	۲/۱ ÷ ۳۱/۷۵
۳	w3	۲/۷		۳	%۹	۲/۷ ÷ ۳۱/۷۵
۴	w4	۲/۳		۴	%۷	۲/۳ ÷ ۳۱/۷۵
۵	w5	۲/۵۵		۵	%۸	۲/۵۵ ÷ ۳۱/۷۵
۶	w6	۲/۲		۶	%۷	۲/۲ ÷ ۳۱/۷۵
۷	w7	۱/۹۵		۷	%۶	۱/۹۵ ÷ ۳۱/۷۵
جمع		۳۱/۷۵		جمع	۱	

مرحله دوم: به هریک از عوامل، ضریبی تحت عنوان ضریب اهمیت، بین ۱ تا ۴ می‌دهیم.

ضرایب را برحسب میزان تطابق جامعه با قوت‌ها و ضعف‌ها در نظر می‌گیریم. این ضرایب بیان‌گر میزان اثربخشی راهبردهای کنونی جامعه در نشان دادن واکنش نسبت به عوامل مزبور است. عدد ۴ به معنای عالی بودن واکنش و عدد ۱ به معنای ضعیف بودن واکنش است. (در عوامل تهدید عدد ۴ به معنای واکنش ضعیف و عدد ۱ به معنای واکنش عالی فرض شده است). برای استفاده از نظر جامعه آماری خبره و متخصص مانند قسمت قبل، پرسش‌نامه‌ای تنظیم و نظر جامعه را در این‌باره اخذ نموده و پس از جمع‌آوری، میانگین ضریب هر عامل را محاسبه نموده‌ایم.

ردیف	قوت‌ها (Strength)	ضعیف	متوسط	قوی	عالی	اهمیت	ضریب
01	اعتقاد به قرآن و اهل‌بیت (ع) در سطح جامعه شیعی ایران و گرایش آحاد جامعه ایران به معارف بلند اسلام و شیعه	۳	۴	۷	۶	۲/۸	
02	رویکرد دولت جمهوری اسلامی ایران به برجسته‌سازی معارف مهدوی و حرکت‌های بنیادی کشور در عرصه توسعه فرهنگ مهدویت در سال‌های اخیر (تأسیس ده‌ها نهاد و مؤسسه با محوریت فعالیت‌های مهدوی)	۴	۶	۶	۴	۲/۵	
03	تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت از طریق برگزاری مجالس بزرگداشت حضرت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و زنده نگه داشتن و پویایی فرهنگ انتظار در بین آحاد جامعه	۵	۴	۳	۸	۲/۷	
04	زنده نگه داشتن فرهنگ عاشورا و قیام حسینی و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی برای دفاع از اسلام ناب محمدی	۳	۴	۶	۷	۲/۸۵	
05	اقتدار و پیشرفت جامعه شیعه ایران در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، علمی و... و عدم وابستگی به سایر ملل	۸	۷	۳	۲	۱/۹۵	

06	تکافل اجتماعی جامعه و دولت زمینه‌ساز ظهور ایران در عرصه‌های کمک به هم‌نوعان در جامعه و سیاست‌های اتخاذ شده دولت در تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان	۳	۷	۵	۵	۲/۶

ردیف	ضعف‌ها (Weakness)	ضعیف	متوسط	خوب	عالی	اهمیت ضریب میانگین
T1	به‌روز نبودن متون مهدویت، تکرزبانانه بودن اکثر متون و کمبود کتاب در زمینه مهدویت	۴	۵	۷	۴	۲/۵۵
T2	عدم مشارکت فعال دانشگاه‌ها، نهادها و وزارت‌خانه‌های کشور در تولید محتوای مهدوی	۷	۶	۵	۲	۲/۱
T3	عدم تهیه و تولید فیلم‌های سینمایی مناسب با موضوع مهدویت در کشور	۳	۳	۷	۶	۲/۷
T4	بسط سطحی مهدویت‌گرایی و برخورد سنتی مردم با مهدویت و انتظار و گرایش کم‌تر به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور، ریشه دوانیدن فرهنگ غرب در جامعه و کم‌اثر بودن رسانه‌ها و جشنواره‌های مهدوی	۴	۴	۶	۴	۲/۳
T5	تضعیف فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فساد، بی‌حجابی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه شیعه ایران	۴	۶	۵	۵	۲/۵۵
T6	افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان در جامعه به‌ویژه جوانان برای عدم همراهی آنان با جامعه مهدوی	۶	۷	۴	۳	۲/۲
T7	نارضایتی مردم از عملکرد برخی دستگاه‌های اجرایی	۸	۷	۳	۲	۱/۹۵

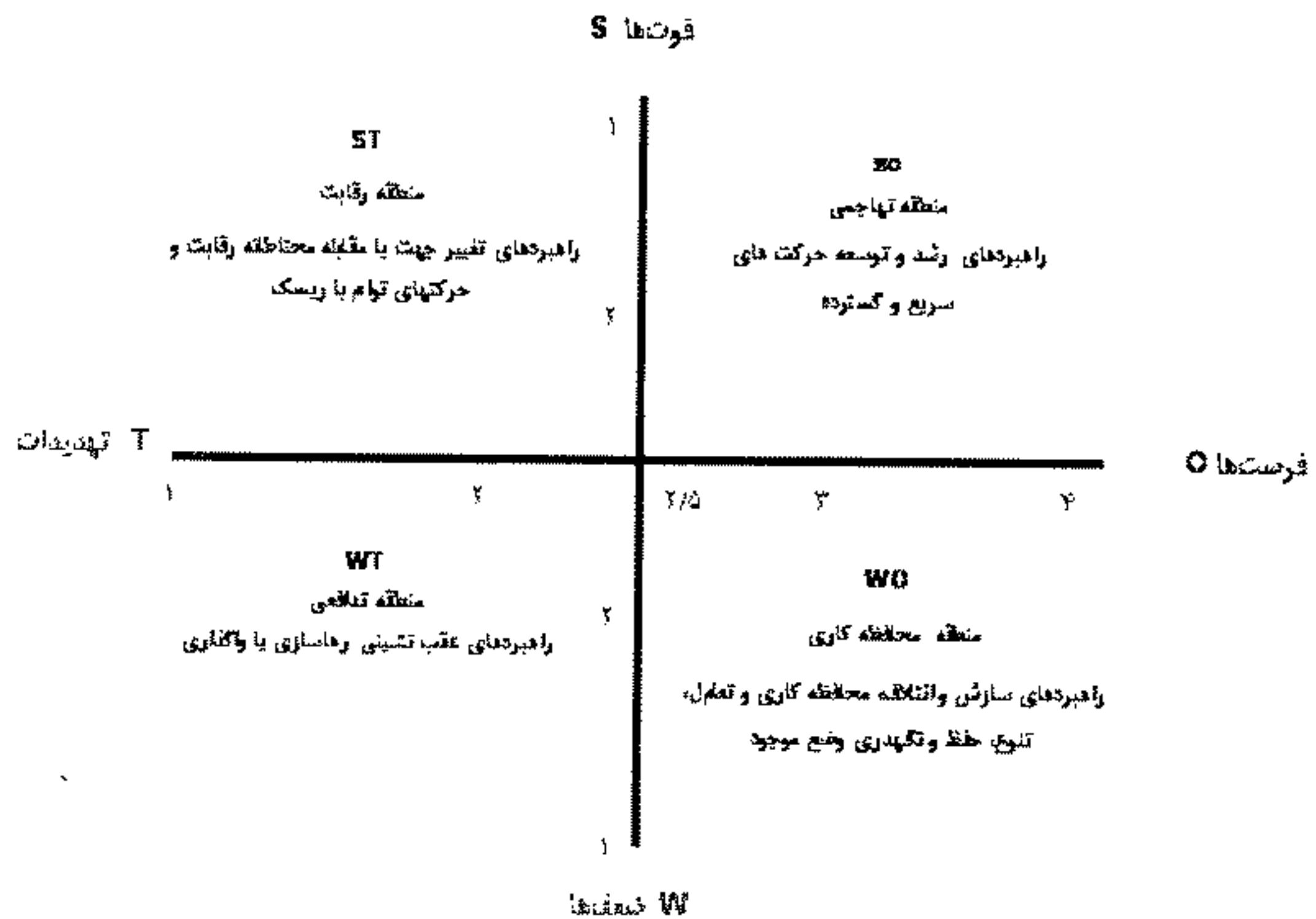
مرحله سوم: وزن هر عامل را در ضریب اهمیت آن ضرب می‌کنیم (این کار یک نمره موزون حاصل می‌کند.) و سپس نمره‌های موزون عوامل را با هم جمع می‌کنیم (با این عمل امتیاز موزون کل سازمان در مطالعه محیط داخلی به دست می‌آید.)

ردیف	قوت‌ها	وزن $\times$ ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	s1	$2/8 \times 9$	25
۲	s2	$2/5 \times 8$	20
۳	s3	$2/7 \times 8$	22
۴	s4	$2/85 \times 9$	26
۵	s5	$1/95 \times 6$	12
۶	s6	$2/6 \times 8$	21
ردیف	ضعف‌ها	وزن $\times$ ضریب اهمیت	نمره موزون
۱	w1	$2/55 \times 8$	20
۲	w2	$2/1 \times 6$	12
۳	w3	$2/7 \times 8$	22
۴	w4	$2/3 \times 9$	21
۵	w5	$2/55 \times 8$	20
۶	w6	$2/2 \times 7$	15
۷	w7	$1/95 \times 6$	12

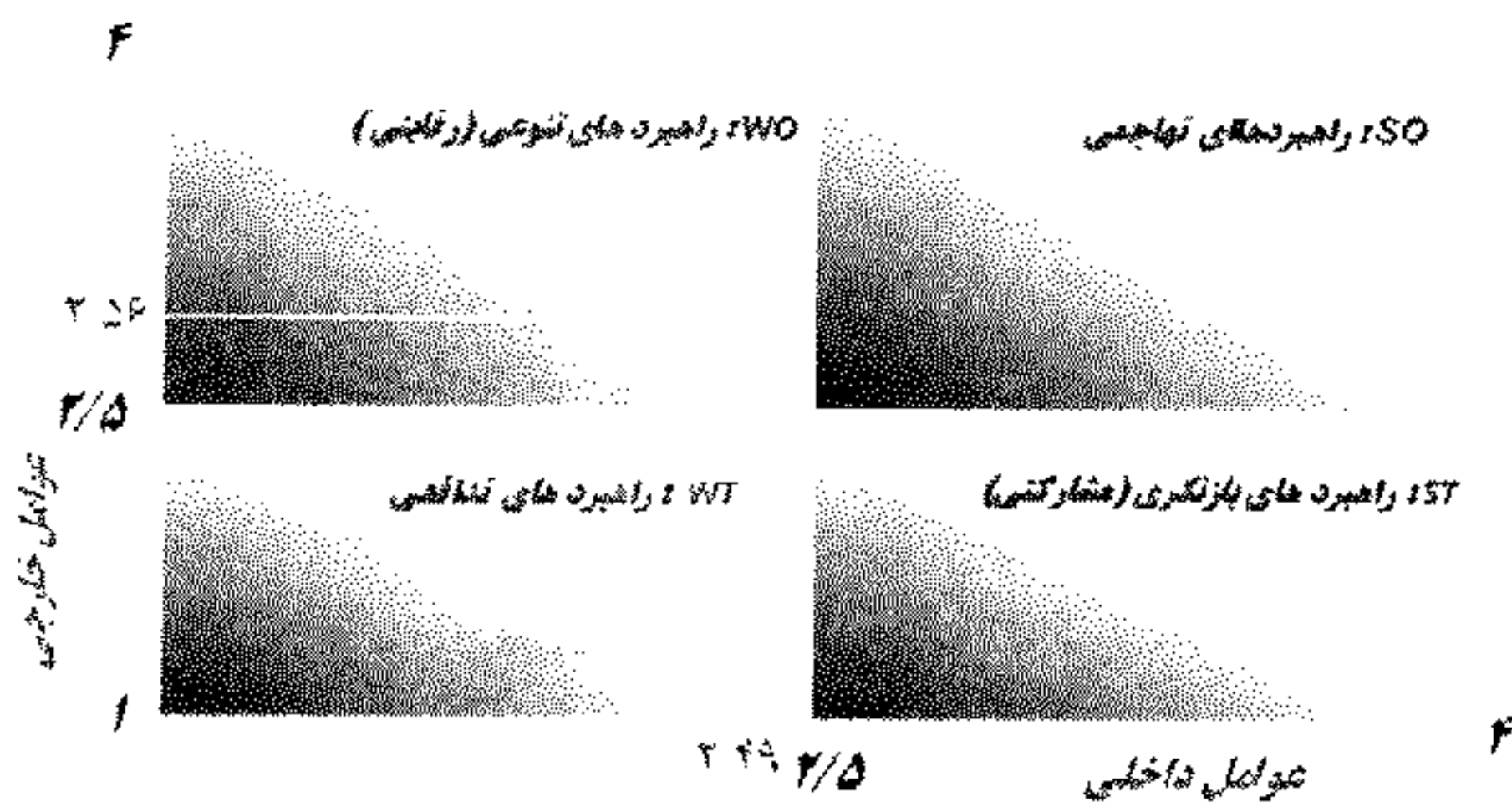
جمع نمرات موزون: ۲/۴۶

پس از تعیین جمع نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی و مشخص شدن امتیاز موزون نهایی آن‌ها در ماتریس‌های ارزیابی عوامل خارجی و داخلی به منظور تعیین موقعیت (وضعیت و جایگاه فعلی فرهنگی مهدویت در جامعه) و تعیین راهبردهای کشور امتیازات فوق را روی محورهای مختصات برابر شکل زیر مشخص کرده و نقطه حاصل از تقاطع این دو عدد را به دست می‌آوریم. این نقطه موقعیت و وضعیت فعلی فرهنگی مهدویت کشور را نشان می‌دهد. ناحیه‌ای که نقطه در آن قرار می‌گیرد تعیین‌کننده رویکردهای تعیین راهبردهای مورد نیاز است.

نمودار ارزیابی و تعیین موقعیت و اقدام استراتژیک راهبردهای فرهنگی



تعیین وضعیت فعلی فرهنگی نهاد ویت در ماتریس های ارزیابی داخلی و خارجی



بخش چهارم: ارائه راهبردهای کلان پیشنهادی فرهنگی مهدویت در چهار حوزه (راهبردهای SO، ST، WO، WT)

پس از شناسایی عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) و پس از معین شدن رویکرد و جهت حرکت راهبرد جامعه، راهبردهای پیشنهادی فرهنگی مهدویت را به همراه ریزراهبردهای هر راهبرد، بر اساس مدل SWOT در چهار حوزه (راهبردهای SO، ST، WO، WT) ارائه می‌نماییم.

روش تجزیه و تحلیل SWOT الگوی تحلیلی مفیدی است که به شکل نظام‌یافته هریک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید دکترین مهدویت را که به روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات و با مطالعه محیط داخلی و خارجی به دست آمده، شناسایی و دسته‌بندی کرده و مسیر را برای طراحی راهبردهای فرهنگی مناسب برای جامعه زمینه‌ساز شیعه ایران اسلامی هموار می‌سازد.

مدل SWOT در حالت معمولی متشکل از یک جدول مختصاتی دوبعدی مطابق شکل ذیل است که هر یک از چهار نواحی آن نشان‌گر یک دسته گزینه‌های راهبردی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر همواره چهار دسته راهبرد در این مدل مطرح می‌گردد، لیکن همواره رویکرد غالب در تدوین گزینه‌ها، رویکردی است که از طریق ماتریس تعیین موقعیت و اقدام راهبردی (SPACE) تعیین شده است. (تدوین راهبرد بر اساس مدل SWOT، درس ارائه شده در دانشگاه عالی دفاع ملی)

ناحیه ۱. راهبردهای SO، تدوین‌شده به منظور حداکثر استفاده از فرصت‌های محیطی با اتکا به نقاط قوت؛

ناحیه ۲. راهبردهای ST، تدوین‌شده با استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدات یا برطرف کردن آن‌ها؛

ناحیه ۳. راهبردهای WO، تدوین‌شده با استفاده از فرصت‌ها برای رفع یا جبران نقاط ضعف؛

ناحیه ۴. راهبردهای WT، تدوین شده برای به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدات و نقاط ضعف.

عوامل داخلی عوامل محیطی	قوت‌ها (S)	ضعف‌ها (W)
فرصت‌ها (O)	ناحیه ۱ استفاده از فرصت‌ها با استفاده از نقاط قوت (SO)	ناحیه ۳ از مزیت‌هایی که در فرصت‌ها نهفته است برای جبران نقاط ضعف (WO) استفاده می‌نماییم
تهدیدها (T)	ناحیه ۲ استفاده از نقاط قوت برای جلوگیری از تهدیدها (ST)	ناحیه ۴ به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از تهدیدها و نقاط ضعف (WT)

قبل از بیان راهبردها ذکر دو نکته ضروری است:

۱. عنوان هر راهبرد کلی است و برای هر یک تعدادی ریزراهبرد بیان شده است که روش‌های تحقق عنوان کلی راهبرد را پوشش می‌دهند.
۲. در استخراج راهبردها و ریزراهبردها از منابع متعددی نظیر سایت‌های اینترنتی مناسب بهره‌برداری شده است.

راهبردهای ST

۱. توسعه و تقویت نهادها و مؤسسات مختلف دولتی و غیردولتی در راستای گسترش فعالیت‌های قرآنی و ترویج سیره عملی اهل بیت (ع)

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	o2-o3-o4-o5-t1-t2-t3-t5-s1-s2-s3-s4-s5-s6-w1-w4-w5

- ۱-۱. توسعه نهادها و مؤسسات قرآنی و ترویج فعالیت‌های قرآنی در سطح جامعه:

- ۱-۲. تبیین فرازهای مهم زندگی اهل بیت (ع) در رویارویی با مسائل مختلف به عنوان الگوهای مفید به‌ویژه برای نسل جوان؛

۳-۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و سایر نهادهای مسئول از ابزار تبلیغاتی حداکثر استفاده را نموده و تنها نقش تدافعی در مقابله با پدیده‌های ضدفرهنگ اسلامی نداشته باشند، بلکه با بهره‌گیری از تاریخ غنی هنر و ادبیات کشور که گره خورده با آیین اسلام است به تولید محصولات فرهنگی فاخر بپردازند.

۲. قانونمند نمودن نظام جامع مهدویت در کشور، حمایت از فعالیت‌های مهدوی و تأسیس نهادی به عنوان متولی مهدویت در سطح کلان کشور و کلیه دستگاه‌های دولتی در راستای جهت‌دهی به فعالیت‌های مهدویت در داخل و خارج کشور

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-o5-o6-t1-t2-t4-t6-s1-s3-s4-s5-s6-w1-w2-w3-w4

۱-۲. مجلس شورای اسلامی و دولت با هم‌اندیشی متولیان امور فرهنگی کشور در راستای قانونمند نمودن نظام جامع مهدویت در سطح کشور و بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌ها و توسعه عمق استراتژیک نرم‌افزاری نظام با استفاده از فرهنگ مهدویت در جهان اقدامات لازم را انجام دهند؛

۲-۲. حمایت مالی دولت از مؤسسات فرهنگی مهدویت، مانند مؤسسه موعود، مؤسسه آینده روشن و... و تحت پوشش قرار دادن آن‌ها؛

۳-۲. برگزاری دوره‌های تخصصی مهدویت در سطوح مختلف آموزشی؛

۴-۲. راه‌اندازی شبکه مهدویت در سطح داخلی و بین‌المللی؛

۵-۲. حمایت از مبلغان حوزه مهدویت در سطح داخلی و بین‌المللی؛

۶-۲. تزریق معارف مهدوی به جامعه از طریق دستگاه‌های تبلیغاتی حکومتی و رسانه‌های دولتی؛

۷-۲. برگزاری همایش‌های داخلی و بین‌المللی و حمایت ویژه دولت از آن‌ها.

۳. گسترش زمینه‌های تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت از طریق برقراری مجالس بزرگداشت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و استفاده از ابزارهای مختلف برای تبیین ضرورت غیبت و ویژگی‌های امامت ولی عصر (عج):

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-t1-t2-t3-t6-s1-s2-s3-s4-s6-w3-w5-w6

۳-۱. قرار دادن موقوفات و برقراری مجالسی مانند دعای ندبه، دعای عهد و... که در این مسیر توده‌ها و احاد ملت بتوانند در مجالس مهدوی با معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌ویژه حضرت مهدی (عج) آشنا شوند؛

۳-۲. برگزاری جشن‌های نیمه شعبان و عمق‌بخشی به آن‌ها (در جشن‌ها مردم تزئین معابر و مداحی‌ها را بر گوش دادن به سخنرانی‌ها و دریافت پیام‌های مهدویت و انتظار ترجیح ندهند. البته این جشن‌های ظاهری بسیار خوب است، ولی باید در کنار آن از نور معرفت صاحب آن نیز بهره‌مند گردند)؛

۳-۳. استفاده از منابع معتبر و فن‌آوری‌های روز نظیر رسانه‌ها برای تبیین ضرورت غیبت امام عصر (عج):

۴. آشنا ساختن احاد جامعه شیعه ایران با فلسفه‌های قیام عاشورا و نهضت حسینی (نظیر احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر) به عنوان یکی از ارکان اساسی موردنیاز جامعه مهدویت

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-t1-t2-t4-t5-s1-s3-s4-s6-w3-w4-w5-w7

۴-۱. عمق‌بخشی به مراسم‌های عزاداری حسینی با استفاده از مداحان و سخنران‌های مذهبی آگاه به عاشورا و امور جامعه؛

۴-۲. آسیب‌شناسی‌های عزاداری‌های حسینی و مبارزه با بدعت‌ها؛

۴-۳. نشر و گسترش فلسفه‌های قیام عاشورا در سطح جامعه با ساخت برنامه‌ها و فیلم‌های تلویزیونی مناسب، انتشار کتب و نشریات مناسب و...

۵. دستیابی به اقتدار و توانمندی و عدم وابستگی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و علمی و... در جامعه و دولت منتظر

01-o5-o6-t1-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s5-s6-w2-w4-w5-w7	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۵-۱. دولت و جامعه منتظر ظهور در ایران اسلامی باید بکوشد چهره واقعی فرهنگی و اجتماعی جامعه منتظر را برای سایر ملل مشتاق به فرهنگ غنی اسلام به بهترین وجه ارائه نماید؛

۵-۲. دولت اسلامی و مجریان امر در بُعد توانمندی اقتصادی باید بکوشند از هر راه به مکتب و اقتدار اقتصادی دست یابند؛ زیرا حفظ استقلال و آزادی و عزت در عرصه داخلی و بین‌المللی و نیز حفظ دین و فرهنگ دینی و شیعی و گسترش و تبلیغ آرمان‌های اسلامی و شیعی در گرو قدرت مالی و اقتصادی است؛

۵-۳. در بُعد توانمندی دفاعی و نظامی نیز دولت منتظر باید به چنان قدرتی دست یابد که بتواند در مقابل دشمنان خدا و مخالفان مهدویت بایستد؛

۵-۴. در بُعد توانمندی علمی لازم است تحول و پیشرفت عظیم علمی صورت پذیرد و آگاهانی تربیت شوند که به تمام مکاتب فکری زنده و مبانی ایدئولوژیک آن آگاه باشند و در همه عرصه‌ها و در برابر پیدایی هر فکر، کشف و نظریه، دیدگاه اهل تشیع را بیان کنند و برتری حقایق و آموزه‌های مهدویت و حقیقت تفکر اهل تشیع را روشن نمایند؛

۶. تقویت تکافل اجتماعی و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان جامعه و فراهم ساختن حق حیات، حق معاش و... بهره‌گیری یکسان از بیت‌المال برای آحاد جامعه شیعه ایران

01-o2-o4-o6-t1-t2-t3-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s5-s6-w1-w2-w3-w4-w5	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۶-۱. کمک به هموعان در جامعه و اتخاذ سیاست‌های صحیح از سوی دولت در تقسیم مطلوب و عادلانه بیت‌المال و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان؛

۶-۲. فعال‌سازی کمیته امداد امام خمینی برای حمایت بیش‌تر از خانواده‌های محروم و بی‌سرپرست؛

۶-۳. اجرای درست قانون هدفمندی یارانه‌ها؛

۶-۴. شرکت گسترده آحاد جامعه در جشن‌های نیکوکاری، آزادکردن زندانیان بی‌بضاعت، کمک به معلولان بهزیستی و

راهنمای WO

۱. به‌روز رسانی متون مهدویت، شناسایی اقتضائات امروز جهانی و تقویت نسخه‌های مهدوی برای پاسخ‌گویی به آن‌ها در قالب تمام زبان‌ها و با استفاده از همه امکانات در روزآمدترین شکل

O1-o2-o4-o6-t1-t2-t5-t6-s2-s3-s5-s6-w1-w2-w3-w4-w5	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۱-۱. دنیا نیاز دارد که متون دکتین مهدویت را در قالب تمام زبان‌ها و با استفاده از همه امکانات در روزآمدترین شکل در اختیار داشته باشد و وظیفه ماست که این کار را با جدیت آغاز کنیم؛

۱-۲. شناسایی اقتضائات امروز جهانی و تقویت نسخه‌های مهدوی برای پاسخ‌گویی به آن‌ها؛

۱-۳. تألیف و تدوین کتاب‌ها و نشریاتی که با بهره‌گیری از منابع اصلی و متقن شیعی معارف مهدوی را به دور از هرگونه پیرایه، در اختیار گروه‌های مختلف سنی (کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان) و قشرهای مختلف اجتماعی (فرهیختگان، دانشگاهیان، دانشجویان، کارمندان، کارگران، کشاورزان، زنان خانه‌دار و...) قرار دهند و آن‌ها را با وظایف و تکالیفشان دربارۀ امام عصر (عج) آشنا سازند؛

۴-۱. نشر کتاب‌ها و آثاری که پرسش‌ها و شبهات مطرح در حوزه مباحث مهدوی و ابهام‌های موجود در زمینه منجی‌گرایی شیعه را به صورتی عالمانه و متناسب با ذهن و زبان نسل امروز پاسخ دهد؛

۵-۱. نظارت مستمر بر کتاب‌ها و نشریاتی که در زمینه مهدویت و فرهنگ انتظار منتشر می‌شوند و جلوگیری از نشر و پخش آثاری که به عرضه مطالب بی‌محتوا، کم‌محتوا، انحرافی، سست و بی‌اساس در جامعه می‌پردازند؛

۶-۱. انتشار کتاب‌ها و نشریاتی که معارف مهدوی را به زبان‌های روز دنیا در اختیار همه طالبان و مشتاقان این معارف در سراسر جهان قرار دهد.

۲. اصلاح مبانی علوم انسانی و بومی‌سازی آن مبتنی بر اندیشه‌های اصیل اسلامی و ایرانی از سوی وزارت علوم با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o4-o5-t2-t4-t6-s2-s3-s5-s6- w1-w2-w4-w5

۱-۲. وزارت علوم باید در راستای اصلاح مبانی علوم انسانی و بومی‌سازی آن مبتنی بر اندیشه‌های اصیل اسلامی و ایرانی گام بردارد؛ زیرا تفاوت آشکار این مبانی با اصول اسلامی سبب جدایی قشر فرهنگی و روشنفکر جامعه از نیازهای فرهنگی یک جامعه اسلامی شده و برنامه‌ها و تصمیمات از سوی آن‌ها برای جامعه تجویز می‌شود که نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه چه بسا ممکن است همسو با برنامه‌های دشمن قرار گرفته و جامعه را به سوی سکولاریسم و دیگر اندیشه‌های ضداسلامی پیش ببرد؛

۲-۲. در دانشگاه‌های کشور، محتوای مهدوی و امور مربوط به امام عصر (عج) تنها در قالب تعدادی دفاتر فصلی فرهنگ انتظار که توسط دانشجویان در اوقات فراغت اداره می‌شوند، تولید می‌شود و دانشگاه‌ها و دانشجویان عملاً هیچ نقشی در تولید محتوای مهدوی نداشته و غرق در اجرای یکی دو برنامه سالیانه کلیشه‌ای هستند. سایر نهادها و وزارت‌خانه‌ها از جمله آموزش و پرورش نیز وضعیت مشابهی شبیه دانشگاه‌ها دارند که باید چاره‌اندیشی گردد.

۳. ساخت فیلم‌های سینمایی، کلیپ، سرود، نماهنگ، برنامه‌های مفید در موضوع مهدویت و افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای معرفی دکترین مهدویت با زبان‌های مختلف و در راستای مقابله با فیلم‌های هالیوودی بر ضد مهدویت

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o4-o5-o6-t1-t2-t3-t4-t6-s1-s2-s3-s4-s5-s6-w1-w2-w3-w4-w5-w7

۳-۱. امروزه و پس از گذشت ۳۲ سال از انقلاب اسلامی، نتوانسته‌ایم حتی یک مجموعه یا فیلم سینمایی مهدوی تولید و پخش کنیم، در حالی که هالیوود تولید مداوم و پخش فیلم‌های سینمایی موعودگرایانه را سال‌هاست که در دستور کار قرار داده که از آثار پرمخاطب و پرفروش نیز به شمار می‌رود؛

۳-۲. ضرورت مقابله با دست‌ساخته‌های هالیوودی که امروز بسیار معروف‌تر از منجی حقیقی‌اند، به‌طوری که نمادهای آنان بازار کشورهای اسلامی و حتی عربستان و شهرهای مکه و مدینه را نیز فراگرفته است؛ (پورسیدآقای، ۱۳۸۸)

۳-۳. صدا و سیما نسبت به ساخت فیلم‌های سینمایی، کلیپ، سرود، نماهنگ، سخنرانی و... در موضوع مهدویت به‌طور جدی وارد عمل شده و سطح آگاهی آحاد جامعه را در این زمینه افزایش دهد؛

۳-۴. افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای دکترین مهدویت و بالا بردن توان معرفی آن به وسیله زبان‌های مختلف برای مقابله با فیلم‌های هالیوودی تولیدی آنان.

۴. عمق‌بخشی به معارف مهدوی و جلوگیری از برخورد سنتی با مهدویت و انتظار، افزایش اثربخشی جشنواره‌های مختلف مهدویت در سطح داخلی و خارج از مرزهای ایران اسلامی و اعلام رسمی شدن عید آغاز امامت ولی عصر علیه السلام به عنوان جشنی رسمی در نظام اسلامی

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o4-t1-t2-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s6-w1-w2-w3-w4-w5

۴-۱. ضرورت برنامه‌ریزی و تلاش متولیان امر به عمق‌بخشی مفاهیم مهدویت و انتظار در جوانان به‌ویژه آن‌که مشکل عمده جامعه این است که مهدویت و انتظار، نه از حیث عقیدتی، نه از حیث اندیشه و تفکر، و نه از حیث سلوک و رفتار، عمق چندانی در بین مردم و به‌ویژه جوانان ما ندارد و در همین راستا، زیان‌های بسیاری متوجه نظام ما شده است؛

۴-۲. متعهد نمودن مردم به مقوله‌های معرفتی و تعهدآور و جلوگیری از برخورد سنتی مردم با مهدویت و انتظار (متأسفانه مردم ما عادت کرده‌اند، آنچه را که آسان‌تر است و برای تأمین زندگی مادی و عادی آنان، سودمندتر به نظر می‌رسد، برگزینند. مثلاً نیمه شعبان را بهانه‌ای برای طاق نصرت بستن و تزئین معابر و برگزاری جشن‌ها قرار می‌دهند و مداحی‌ها را بر سخنرانی‌ها و دریافت پیام‌های مهدویت و انتظار ترجیح می‌دهند. البته باید توجه داشت که بستن طاق نصرت و چراغانی‌ها هرچه بیش‌تر و بهتر باید انجام شود، اما باید رفتار ما به گونه‌ای باشد که علاوه بر استفاده از نور ظاهری آن‌ها، از نور معرفت صاحب آن‌ها بهره‌مند گردند)؛

۴-۳. آشنا ساختن آحاد جامعه به وظایف خویش در مقابل امام زمان (عج) (بیش‌تر مردم، زیارت جمکران و نماز صاحب الزمان (عج) را تنها ابزاری برای درخواست حوایج از آن بزرگوار می‌شمارند و به جای آن‌که امام را برای امام بخوانند، او را برای خود می‌خواهند و از این‌که شناختی نسبت به مقام و مرام آن عزیز سفر کرده ندارند، کمبودی حس نمی‌کنند، گویا هیچ وظیفه‌ای در ایام غیبت امام زمان ندارند)؛

۴-۴. افزایش اثربخشی جشنواره‌های مختلفی که با موضوعات مربوط به موعودگرایی برگزار می‌شوند در خارج از مرزهای ایران اسلامی؛

۴-۵. اعلام رسمی شدن عید آغاز امامت ولی عصر (عج) است که به نظر می‌رسد تبدیل شدن آن به عنوان جشنی رسمی در نظام اسلامی و شیعه ایران ضمن مقابله با برخی جشن‌های بی‌پایه که ریشه در فرهنگ غرب دارد بر گسترش و تحکیم فرهنگ اسلامی و شیعی خواهد افزود.

۵. تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مقابله با شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی، جلوگیری از ترویج فساد و مقابله با روحیه تجمل‌گرایی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه منتظر ظهور ایران اسلامی

O1-o2-o3-o4-o5-t1-t3-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s6--w2-w3-w4-w5-w6-w7	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۱-۵. از آن‌جا که فریضه مقدس امر به معروف و نهی از منکر، استراتژی مقابله با هرگونه انحراف و کج‌روی در جامعه منتظر است، بر مردم، مسئولان و فرهنگ‌سازان جامعه لازم است برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ غرب و سلطه بیگانگان همواره این ارزش الهی را در جامعه زنده نگه دارند؛

۲-۵. ضرورت برخورد با بی‌حجابی و گسترش فرهنگ غرب در جامعه شیعه و رواج الگوهای اسلامی و مذهبی در سطح جامعه و احیای قوانین وضع شده در این باره که درخواست مراجع عظام و دلسوزان فرهنگی کشور است؛

۳-۵. بر مسئولان، مردم و نهادهای مسئول مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی انتظامی و... لازم است آفات و آثار منفی فرهنگ تجمل‌گرایی و استفاده از واردات کالای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزش‌های غربی را یدک می‌کشند را مورد توجه جدی قرار دهند.

۶. آسیب‌شناسی افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان و تدوین راهکارهای مناسب برای پیشگیری از مصرف مواد و بازگرداندن قشر آسیب‌دیده به جامعه منتظر

O1-o2-o3-o4-t1-t2-t3-t4-t5-s2-s5-s6-w3-w4-w5-w6-w7	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۱-۶. با توجه به افزایش تنوع تولید و تغییر الگوی مصرف مواد مخدر، آسیب‌های جدی آن بر امنیت اجتماعی و تسهیل براندازی در سکوت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، توصیه می‌شود مجلس شورای اسلامی در

تعامل و هم‌اندیشی با نمایندگان ستاد مبارزه با مواد مخدر از رویکرد امنیت ملی تصویب طرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر را در دستور کار قرار دهند؛

۶-۲. مجلس شورای اسلامی می‌تواند بخشی از ابزارهای مقابله با مواد مخدر را در چارچوب قانونمند کردن طرح نظام جامع امنیت اجتماعی پی‌گیری نماید؛

۶-۳. افزایش رایزنی میان معاونت امنیتی - انتظامی وزارت کشور و یا فعال‌سازی دیپلماسی پارلمانی از طریق تعامل سازنده کمیته‌های امنیتی پارلمانی سه کشور ایران، افغانستان و پاکستان، می‌تواند زمینه‌های انعقاد تفاهم‌نامه‌های دفاعی پارلمانی سه‌جانبه با محوریت مبارزه با مواد مخدر را عملیاتی نماید.

۷. افزایش کارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور، بالا بردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های دولتی برای مقابله با تهدیدهای فرهنگی و پرهیز از تهدیدانکاری بیش از حد در فعالیت نهادهای غیردولتی و پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم کشور

O1-o2-o3-t2-t3-14-16-s1-s2-s4-s5-w2-w3-w4-w5-w6-w7	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

- ۷-۱. خدمت‌رسانی به مردم و پاسخ‌گو بودن نهادهای دولتی؛
- ۷-۲. پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم و مرزی در ابعاد مختلف برای از بین بردن ظرفیت‌های واگرایی و زمینه‌های اعتراض اجتماعی مانند فقر، ناامنی، تورم، بی‌کاری، ترافیک و...؛
- ۷-۳. تلاش برای عملیاتی کردن حداکثر ظرفیت‌های معطل مانده قانون اساسی در حوزه تقویت زیرساخت‌های فرهنگی - آموزشی با هدف تقویت حس میهن‌دوستی.

راهبردهای SO

۱. تئوریزه کردن فرهنگ مهدویت و تلاش برای شناساندن آن به جامعه جهانی به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای بیان پایان تاریخ جهان در مقابله با نظریه‌های مطرح درباره پایان جهان و مسئله جهانی شدن.

O1-o2-o3-o4-o5-o6-t1-t2-t3-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s6-w1-w2-w4	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۱-۱. ارائه الگوهای مناسب از حکومت دینی به جهانیان، تا این‌که در پرتو آن، جامعه جهانی به حکومت مهدوی علاقه‌مند شده و مهیای آن گردد؛
۱-۲. بررسی و نقد دیدگاه‌های متفکران مغرب‌زمین در زمینه جهان آینده و آینده جهان؛

۱-۳. دولت زمینه‌ساز و اتخاذ راهبردهایی به منظور استفاده از ظرفیت‌های عرصه جهانی شدن در راستای تبادل فرهنگی از منظر موعودگرایی؛
۱-۴. مشارکت در خلق آثار علمی، فرهنگی و هنری در سطوح داخلی و بین‌المللی به منظور شکل‌گیری فرهنگ جهانی؛

۱-۵. ایجاد تعامل با نهادهای جهانی، گروه‌های بین‌المللی طرفدار صلح و شخصیت‌ها و نخبگان مؤثر به منظور ترویج فرهنگ موعودگرایی؛
۱-۶. تلاش برای پالایش فرهنگ جهانی موعودگرایی و پایان جهانی از مفاهیم خرافه‌گرایی یا امپریالیستی و جایگزین نمودن فرهنگی مبتنی بر عدالت، صلح و امید؛

۱-۷. به‌کارگیری سیاست خارجی مناسب و مشارکت در گفتمان جهانی و هویت‌بخشی‌های جدید.

۲. حمایت از حرکت‌های اسلامی در سایر کشورها که در راستای اهداف حکومت حضرت مهدی (عج) و همسو با انقلاب اسلامی ایران باشد، مانند حرکت شیعیان لبنان، انتفاضه فلسطین و...

O1-o2-o3-o4-o6-t1-t2-t3-t5-t6-s1-s2-s3-s6-w1-w3-w5	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

- ۲-۱. راه‌اندازی شبکه مهادویت در سطح داخلی و بین‌المللی؛
 ۲-۲. حمایت از مبلغان حوزه مهادویت در سطح داخلی و بین‌المللی؛
 ۲-۳. برگزاری همایش‌های داخلی و بین‌المللی و حمایت ویژه دولت از آن‌ها.

۳. تقویت روحیه ولایت‌مداری و اطاعت از ولایت فقیه، دشمن‌شناسی، ترویج ارزش‌ها و شعار دینی، عمق بخشیدن به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه.

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-t1-t2-t3-t4-s1-s2-s3-s4-s5-w1-w2-w3-w4

۳-۱. ترغیب جامعه به پیروی از ولایت فقیه به عنوان پرچمدار حرکت رو به جلوی جامعه اسلامی؛

۳-۲. شناساندن نقش بی‌بدیل ولایت فقیه در هدایت جامعه اسلامی و خنثی نمودن توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی؛

۳-۳. شناسایی و معرفی دوستان و دشمنان جامعه اسلامی به آحاد جامعه و توسعه روابط دوستانه با کشورهای مسلمان.

۴. معرفی سیمای واقعی شیعیان در مجامع بین‌المللی و شبکه اینترنت از طریق سخنرانی مسئولان و کارگزاران کشور، ایجاد سایت‌ها، وبلاگ‌ها و رصد دائمی پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات و کتاب‌های خارجی و فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای شبهاتی که القا می‌شود.

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-o6-t1-t2-t6-s1-s2-s3-w1-w3

۴-۱. استفاده از شبکه اینترنت برای شناساندن تفکر شیعی به جهانیان با ایجاد سایت‌ها، وبلاگ‌ها و رصد دائمی پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای؛

۴-۲. آموزش مفاهیم عمیق شیعه از طریق سخنرانی مسئولان، علما، دانشمندان، اساتید و کارگزاران کشور؛

۳-۴. انتشار کتب و نشریات درباره تفکر شیعی و پاسخ‌های مناسب به شبهات القا شده در این زمینه.

۵. تشکیل اتاق‌های فکر در نهادهای مختلف کشور به‌ویژه دانشگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های بالای نخبگان و چهره‌های فرهنگی و فعالان سیاسی در دستگاه‌های دولتی برای برنامه‌ریزی راهبردی و ارائه راهکارهای لازم.

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-o5-t1-t2-t6-s3-s5-w1-w2-w4

۱-۵. تشکیل اتاق‌های فکر در سطح دانشگاه‌ها و دستگاه‌های دولتی برای برنامه‌ریزی‌های راهبردی و ارائه راهکار در مقابله با دشمن و حمایت از نظام و انقلاب و آرمان‌های اصیل و ارزشی جامعه امری مهم به حساب می‌آید؛

۲-۵. آمادگی نخبگان جامعه، فعالان سیاسی، چهره‌های فرهنگی و فرهیختگان و دستگاه‌های فرهنگی و حتی قضایی برای مقابله با دشمن ضروری است و باید زمینه عضویت نخبگان در نهادهای دولتی و سیاسی با هدف جلوگیری از جذب آنان در جبهه مخالفان فراهم گردد که در نتیجه اقناع و همراه‌سازی جامعه از سوی اساتید و دانشجویان با استدلال‌های منطقی و متقن و روشن‌گری افکار عمومی را به دنبال خواهد داشت؛

۳-۵. فعال کردن کرسی‌های آزاداندیشی و تنویر افکار افراد در زمینه‌های مختلف فکری و مذهبی، فراهم نمودن زمینه مشارکت حداکثری مردم در اداره کشور و جلوگیری از تفرقه در جامعه هواداران و حامیان مهدویت؛

۴-۵. حمایت از ابتکارات، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها در راستای پیشرفت کشور، کاربردی نمودن پژوهش‌ها و ایجاد تعامل بیش‌تر بین صنعت و دانشگاه در زمینه مهدویت.

۶. برقراری اتحاد و انسجام میان مسلمانان جهان

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o4-o6-t1-t2-t4-t5-s1-s2-s4-s5-s6-w4-w5-w7

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود:

الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُا بَعْضًا؛ (شعری، ۱۴۰۵: ۸۵)

افراد باایمان نسبت به یکدیگر همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگه می‌دارد.

۱-۶. اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه‌جانبه بر محور اسلام حرکت کنند، همچون کوهی استوار خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفان‌ها ایستادگی خواهند کرد.

۲-۶. اگر حکومت‌های اسلامی همه امکانات خود را برای تحقق آرمان‌های اسلامی به کار گیرند با تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق و برنامه‌ریزی‌های دقیق می‌توانند در راستای تحقق اهداف حکومت جهانی حرکت کنند.

۳-۶. اگر ملت‌های اسلامی دست به دست هم دهند و امت واحد و یگانه جهانی را تشکیل دهند و از اختلافات فرعی و موسمی بپرهیزند، آن وقت می‌توانند راه را برای ظهور مصلح جهانی هموار سازند. امروزه میلیاردها مسلمان در دنیا زندگی می‌کنند که در بسیاری از کشورها دارای نیروی عظیم هستند.

۴-۶. اگر ملت‌ها و دولت‌های آزاده جهان، آرمان‌ها و آموزه‌های دین اسلام را در عمل کشورها و دولت‌های اسلامی مشاهده کنند، به برتری و حقانیت اسلام و بطلان مکتب‌ها و مسلک‌های دیگر پی می‌برند و در نتیجه، آماده و مشتاق تحقق حکومت جهانی اسلام می‌گردند.

راهبردهای WT

۱. مقابله با ایجاد و گسترش فرقه‌های ساختگی و خنثی‌سازی تهدیدها و هوشیار نمودن جامعه در این زمینه از سوی نهادهای مسئول نظیر وزارت اطلاعات و حوزه‌های علمیه به‌ویژه حوزه علمیه قم.

O1-o2-o3-o4-o6-t1-t2-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s5-s6-w1-w2-w3-w4-w5-w6	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۱-۱. آگاهی بخشی به دوستان جاهل که با ارائه تفسیرهای نادرست از عصر ظهور، گاهی مهدویت را به گونه ای مطرح می کنند که با نفی امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سکوت و ظلم پذیری همراه می شود و مقابله با دشمنان مغرض و آگاه مانند صهیونیسم و بهایی گری که سعی در ساختن چهره های ترسناک و بی منطق از موعود شیعی دارند را رد می کنند.

۱-۲. نیاز است وزارت اطلاعات و حوزه های علمیه به ویژه حوزه علمیه قم، نقش مهم خود را در خنثی سازی تهدیدها و هوشیاری جامعه در برابر جریان های فرقه های انحرافی ایفا نمایند.

۱-۳. مقابله با انحراف ها، بدعت ها، کج فهمی ها، بدفهمی ها و افراط ها و تفریط هایی که در حوزه مباحث مهدوی در جامعه ما رواج پیدا کرده یا خواهد کرد.

۱-۴. مقابله جدی با کلیه جریان های سیاسی - فرهنگی که در قالب کتاب، نشریه، فیلم، نرم افزار، اینترنت و... به تقابل با اندیشه موعودگرایی شیعی می پردازند.

۲. قانونمند کردن قوانین مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه و تشکیل یگان سایبری به منظور جلوگیری از رشد جرایم سازمان یافته و سوء استفاده از بستر اینترنت برای انجام اقدامات جاسوسی اینترنتی و روزآمد کردن شیوه های مقابله با آسیب های جنگ های رایانه ای.

O1-o2-o4-o5-o6-t1-t2-t3-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s5-s6-w1-w2-w3-w5-w7	عوامل ذی مدخل (فرصت ها، تهدیدها، قوت ها و ضعف ها)

۲-۱. باید ظرفیت های تقنینی، نظارتی و اجرایی بازدارنده و مناسبی برای مهار مخاطرات فضای سایبر در دستور کار متولیان امر قرار گیرد. در این راستا افزایش تعامل و هم اندیشی میان کارشناسان وزارت خانه های اطلاعات، فناوری ارتباطات، قوای قضاییه و مقننه و پلیس امنیت اجتماعی و اخلاقی ناجا یا معاونت فرهنگی - اجتماعی ناجا می تواند در ارتقای اثربخشی راهکارهای بازدارنده یا اقدام های تنبیهی مفید واقع شود.

۲-۲. یگان سایبری به منظور شناسایی، جلوگیری و برخورد با رشد قارچ‌گونه جرایم سازمان‌یافته و سوءاستفاده از بستر اینترنت و سایر سامانه‌های ارتباطی در جهت انجام اقدامات جاسوسی اینترنتی، پول‌شویی، تخریب نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه و هتک حرمت و توهین به مقدسات دینی و ارزش‌های انقلابی تشکیل گردد.

۲-۳. شایسته است وزارت‌خانه‌های دفاع و اطلاعات و ستاد کل نیروهای مسلح با تبیین آموزش‌های راهبردی، بستر مقابله هدفمند با آسیب‌های جنگ رایانه‌ای و تقویت عمق استراتژیک نظام در محیط سایبر را فراهم کنند.

۲-۴. توصیه می‌شود برخی نهادهای راهبردی نظام مانند وزارت‌خانه‌های اطلاعات، کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما، حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی، بخشی از کارویژه‌های عملیاتی خود را به سمت روزآمد کردن شیوه‌های مقابله با تهدیدهای فرهنگی و جنگ روانی - رسانه‌ای متمرکز نمایند، به‌ویژه این‌که بیش‌تر مخاطبان خبررسانی آنلاین را اقشار فرهیخته، دانشجویان و دانش‌پژوهان تشکیل می‌دهند که نقش مهمی را در نهضت نرم‌افزاری تولید علم و تحقق دانشگاه اسلامی بر عهده دارند.

۲-۵. حمایت تقنینی و مالی از تعمیق قدرت نرم نظام در محیط‌های مجازی و بهره‌وری حداکثری از محیط‌های وب با جدیدترین شیوه‌های دانش، دانش‌افزایی و هوشمندسازی آنلاین جامعه در برابر تهدیدهای فرهنگی در راستای ارتقای آستانه مقاومت ملی و کارآمدی نظام در محیط‌های مجازی.

۲-۶. ضرورت مقابله با استراتژی شبکه‌سازی امریکا که بر پایه آموزش دموکراتیک، رسانه‌ها، برابری جنسیتی و هواداری سیاسی و تلاش برای معکوس کردن جریان ایده‌هاست. (رشد چشمگیر تفاسیر رادیکال و متعصبانه از اسلام در بسیاری از جوامع غربی در سال‌های اخیر)

۳. تقویت بصیرت و آگاهی افراد برای مقابله و شناخت عرصه‌های مختلف تهدیدهای فرهنگی، حفظ روحیه بسیجی، امید کامل به آینده و مراقبت جدی در

تشخیص‌ها و آگاه ساختن جامعه شیعه ایران از توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دخالت بیگانگان.

o3-o4-o5-t1-t2-t3-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s4-s6-w1-w2-w3-w4-w5-w7	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۳-۱. رجوع به مواضع، بیانیه‌ها و شعارهای امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری و شناسایی مواضع منطبق و مقابل با آن‌ها؛

۳-۲. بررسی نقش بیگانگان در هدایت جریان‌های فتنه اخیر و آگاهی عموم جامعه برای جلوگیری از دخالت سایر کشورها در امور داخلی و تعرض به حاکمیت کشور و طراحی سیاست خارجی منطقی و تهاجمی برای کشور.

۴. اتخاذ استراتژی مناسب برای مقابله با پروژه ایران‌هراسی غرب و ارائه چهره واقعی ایران اسلامی به جهان از طریق اقدامات فرهنگی، توسعه صنعت توریسم و ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی، استفاده از توانمندی دیپلمات‌ها و وابسته‌های فرهنگی، شبکه اینترنت و مجامع بین‌المللی و انعکاس جنایات گروه‌های تروریستی، به‌ویژه منافقین.

o2-o4-o5-o6-t1-t2-t3-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s4-w1-w2-w3-w4-w5-w7	عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)

۴-۱. رایزنی‌های فرهنگی با آشنا کردن اتباع خارجی با اماکن سیاحتی - زیارتی در قالب نمایش عکس، فیلم یا توزیع بروشور، نقش مهمی را در علاقه‌مندی جهانگردان برای سفر به جمهوری اسلامی ایران بر عهده دارند که با مشاهده توسعه اقتصادی و سیاسی علی‌رغم تحریم‌های امریکا، می‌توانند به صورت ناخودآگاه نقش سفیر جمهوری اسلامی ایران را در کشورشان بازی کرده و بالتبع به صورت غیرمستقیم بر تقویت قدرت نرم نظام در خارج از کشور کمک نمایند.

۴-۲. مجلس شورای اسلامی نیز با تصویب قوانین مناسب و هدفمند کردن برخی تسهیلات لازم، می‌تواند قدرت مانور دیپلمات‌های فرهنگی برای جذب جهانگرد را افزایش دهد.

۳-۴. وزارت امور خارجه می‌تواند از وجود دیپلمات‌ها و وابسته‌های فرهنگی سفارت‌خانه‌ها و دفاتر فرهنگی ایران در کشورهای خارجی، برای عمق‌بخشی به اقتدار برون‌سیستی و مهار تهدیدهای فرهنگی علیه ایران و آشنا کردن ایرانیان و اتباع کشور میزبان با جمهوری اسلامی استفاده نماید.

۴-۴. انعکاس جنایات گروه‌های تروریستی به‌ویژه منافقین در قالب عکس، تصویر، توزیع سی‌دی، بروشور یا کتاب که در صورت سازماندهی مناسب می‌تواند در تقویت تعامل میان گروه‌های دوستی پارلمانی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای میزبان برای افزایش فشار بر گروه‌های تروریستی مؤثر باشد.

۵-۴. ضرورت مقابله با اقدامات غرب که سعی دارند با القای غیرصلح‌آمیز بودن پرونده هسته‌ای ایران، کشور را به تلاش برای ساختن بمب اتمی متهم نموده و ایران را عاملی خطرناک برای امنیت و ثبات منطقه و جهان، حامی تروریست و جریان بنیادگرایی افراطی در جهان معرفی نماید.

۵. تأکید بر مشترک‌ها و هویت ملی و مذهبی در جامعه و فراهم نمودن زمینه‌های اتحاد و وفاق ملی، جلوگیری از تحریک و گسترش تنش‌های قومی در استان‌های شمال غربی و جنوب شرق کشور و توجه جدی دستگاه‌های اطلاعاتی کشور به فراهم‌سازی امنیت در سطح کشور در تمام سطوح.

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	o2-o3-o4-o5-o6-t2-t3-t4-t5-t6-s1-s2-s4-s5-s6-w2-w3-w4-w5-w7

۱-۵. دستگاه‌های اطلاعاتی کشور نسبت به تمامی سطوح جامعه اعم از سیاست، اقتصاد و فرهنگ باید هوشیاری جدی داشته باشند. مسائل کلان و اساسی نظیر حفاظت از مرزهای جغرافیایی (به‌ویژه موضوع قاچاق اسلحه به داخل کشور) با حساسیت زیادی باید پی‌گیری و با شدت برخورد شود.

۲-۵. همسان کردن ظرفیت‌های سازمان‌های امنیتی کشور با ماهیت تهدیدهای فرهنگی تقویت کنترل و نظارت عام بر نهادهای غیردولتی و مردم نهاد و موضوع فعالیت آنان و به‌ویژه درآمدها و کمک‌های مالی به آنان با قانون‌گذاری مناسب در این حوزه.

۳-۵. کنترل نامحسوس نواحی جرم‌خیز یا مراکز پرتدد مانند مترو از طریق نصب سامانه‌های دوربین مداربسته یکی از اقدام‌های بازدارنده مناسب نهادهای امنیتی - انتظامی است که در صورت مدیریت کارآمد می‌تواند در ثبات بخشی به امنیت اجتماعی مفید واقع شود.

۴-۵. تلاش وزارتخانه‌های اطلاعات، کشور و سایر دستگاه‌های ذیربط برای امن ساختن فضای امنیتی کشور و جلوگیری از بمب‌گذاری و تهدید و ارباب مردم و برخورد با تحلیل‌های مغرضانه دشمنان از اوضاع داخلی و ایجاد فضای وحشت‌زا و موهوم از احتمال بروز جنگ، آغاز دوره بحران اقتصادی و مشکلات عظیم ناشی از آن.

۵-۵. برنامه‌ریزی برای مقابله با تقویت و ایده جنبش دموکراسی به سبک امریکایی و مستمسک قراردادن مقوله حقوق بشر، حقوق زنان و دامن زدن به مطالبات صنفی و اجتماعی، سوءاستفاده تبلیغاتی از اجرای طرح‌هایی چون طرح امنیت اجتماعی به عنوان محدودکننده آزادی و حقوق زنان و همچنین سازماندهی نارضایتی‌ها و نافرمانی به اصطلاح مدنی به وسیله مطبوعات خاکستری، احزاب و ...

۶. سرمایه‌گذاری در رسانه‌های دیداری و شنیداری برای مقابله با جنگ رسانه‌ای غرب و اقدامات جریان‌سازی رسانه‌ای و مقابله با استراتژی شبکه‌سازی امریکا

عوامل ذی‌مدخل (فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌ها)	O1-o2-o3-o4-o6-t1-t4-t5-t6-s1-s2-s3-s5-s6-w1-w2-w3-w4-w5-w7

۱-۶. باید به نقش رسانه به عنوان ابزاری مهم و جریان‌ساز بیش از پیش اهمیت دهیم و از طرفی نیز قلم‌به‌دستان رسانه‌ای ما نیز باید نسبت به حساسیت‌های موجود آگاه‌تر باشند و با استفاده از آخرین دست‌آوردهای علمی و تکنولوژیکی دانش‌ها و ارزش‌های اسلامی جامعه در قالب هنرمندانه‌ترین فیلم‌ها، سریال‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، نمایشنامه‌ها، کتاب‌ها، رمان‌ها و در قالب آثار هنری دیگر مانند عرصه سینما و... به جامعه و مخاطبان داخلی و خارجی ارائه شود.

۶-۲. ضرورت برنامه‌ریزی برای مقابله با سازمان‌های تبلیغاتی و خبری و کمپانی‌های فیلم‌سازی که سعی در ارائه تصویری سیاه و خطرناک از جمهوری اسلامی ایران برای افکار عمومی جهان دارند که ساخت و پخش فیلم ضدایرانی «سیصد» و فیلم دیگری با نام «فرار از تهران» توسط کمپانی برادران وارنر نمونه‌ای از این تولیدات است.

۶-۳. برنامه‌ریزی برای خنثی نمودن فضای رسانه‌ای ایجاد شده درباره دخالت ایران در عراق، لبنان و... که ایران را در نقش بزرگ‌ترین مدافع تروریسم که به عوامل ناامنی در این کشورها تسلیحات می‌رساند و آن‌ها را آموزش نظامی می‌دهد معرفی نموده است.

۶-۴. مقابله با جریان‌سازی رسانه‌ای و ایجاد محور فشار علیه ایران از سوی رسانه‌های عمدتاً صهیونیستی و دنباله‌روی بیش‌تر رسانه‌های بین‌المللی از این رسانه‌ها و دامن زدن به بحران خبری و سیاسی.

بخش پنجم: رتبه‌بندی راهبردهای پیشنهادی بر اساس میانگین میزان جذابیت هر راهبرد در هر یک از عوامل قوت، ضعف، فرصت و تهدید و گزینش راهبردهای منتخب

مراحل رتبه‌بندی راهبردهای پیشنهادی به شرح زیر است:

۱. میانگین میزان جذابیت راهبردهای ترکیبی پیشنهادی را در هریک از عوامل فرصت، تهدید، قوت و ضعف محاسبه و از حاصل جمع آن‌ها رتبه هر راهبرد را به دست می‌آوریم.

۲. راهبردهای ترکیبی پیشنهادی به ترتیب نزولی از بالا به پایین بر اساس رتبه آن‌ها در فهرستی جداگانه منظم می‌شوند و میانگین رتبه راهبردها را به دست آورده و راهبردهایی که از میانگین بالاتر باشند را به عنوان راهبردهای برتر و منتخب برمی‌گزینیم.

راهبردهای SO و رتبه آن‌ها بر اساس مجموع میزان جذابیت هر راهبرد در عوامل فرصت، تهدید، قوت و ضعف

رتبه	ضعف	قوت	تهدید	فرصت	راهبردهای SO	رتبه
۱۳	۲	۳	۴	۴	تسویزه کردن فرهنگ مهدویت و تلاش برای شناساندن آن به جامعه جهانی به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای بیان پایان تاریخ جهان در مقابله با نظریه‌های مطرح درباره پایان جهان و مسئله جهانی شدن	۱
۱۵	۳	۴	۴	۴	حمایت از حرکت‌های اسلامی در سایر کشورها که در راستای اهداف حکومت حضرت مهدی (عج) و همسو با انقلاب اسلامی ایران باشد، مانند حرکت شیعیان لبنان، فلسطین و...	۲
۱۴	۲	۴	۴	۴	تقویت روحیه ولایت‌مداری و اطاعت از ولایت فقیه، دشمن‌شناسی، ترویج ارزش‌ها و شعائر دینی، عمق بخشیدن به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه	۳
۱۲	۲	۳	۳	۴	معرفی سیمای واقعی شیعیان در مجامع بین‌المللی و شبکه اینترنت از طریق سخنرانی مسئولان و کارگزاران کشور، ایجاد سایت‌ها، وبلاگ‌ها و رصد دائمی پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات و کتاب‌های خارجی و فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای شبهاتی که القا می‌شود.	۴
۱۱	۳	۲	۲	۴	تشکیل اتاق‌های فکر در نهادهای مختلف کشور به‌ویژه دانشگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های بالای نخبگان و چهره‌های فرهنگی و فعالان سیاسی در دستگاه‌های دولتی برای برنامه‌ریزی راهبردی و ارائه راهکارهای لازم	۵
۱۰	۱	۳	۲	۴	برقراری اتحاد و انسجام میان مسلمانان جهان	۶
۷۵	میانگین رتبه راهبردها					

راهبردهای st و رتبه آن‌ها بر اساس مجموع میزان جذابیت هر راهبرد در عوامل فرصت، تهدید، قوت و ضعف

رتبه	فرصت	تهدید	قوت	ضعف	راهبردهای st
۱	۳	۳	۴	۱	توسعه و تقویت نهادها و مؤسسات مختلف دولتی و غیردولتی در راستای گسترش فعالیت‌های قرآنی و ترویج سیره عملی اهل بیت (علیهم‌السلام)
۲	۴	۳	۳	۱۳	قانونمند نمودن نظام جامع مهدویت در کشور، حمایت از فعالیت‌های مهدوی و تأسیس نهادی به عنوان متولی مهدویت در سطح کلان کشور و کلیه دستگاه‌های دولتی در راستای جهت‌دهی به فعالیت‌های مهدویت در داخل و خارج کشور
۳	۳	۳	۴	۱۲	گسترش زمینه‌های تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت با برگزاری مجالس بزرگداشت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و استفاده از ابزارهای مختلف برای تبیین ضرورت غیبت و ویژگی‌های امامت ولی عصر (عج)
۴	۴	۳	۴	۱۴	آشنا ساختن آحاد جامعه شیعه ایران با فلسفه‌های قیام عاشورا و نهضت حسینی مانند احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از ارکان اساسی مورد نیاز جامعه مهدوی
۵	۳	۲	۴	۱۱	دستیابی به اقتدار و توانمندی و عدم وابستگی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و علمی و... در جامعه و دولت منتظر ظهور ایران
۶	۴	۴	۴	۱۶	تقویت تکافل اجتماعی و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان جامعه و فراهم ساختن حق حیات، حق معاش و... بهره‌گیری یکسان از بیت‌المال برای آحاد جامعه شیعه ایران
۷۷	میانگین رتبه راهبردها				

راهبردهای WI و رتبه آن‌ها بر اساس مجموع میزان جذابیت هر راهبرد در عوامل فرصت، تهدید، قوت و ضعف

رتبه	راهبردهای WI	فرصت	تهدید	قوت	ضعف
۱	مقابله با ایجاد و گسترش فرقه‌های ساختگی و خشتی‌سازی تهدیدها و هوشیار نمودن جامعه در این زمینه از سوی نهادهای مسئول، مانند وزارت اطلاعات و حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم	۴	۴	۴	۱۶
۲	قانونمند کردن قوانین مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه و تشکیل یگان سایبری به منظور جلوگیری از رشد جرایم سازمان یافته و سوءاستفاده از بستر اینترنت برای انجام اقدامات جاسوسی اینترنتی و روزآمد کردن شیوه‌های مقابله با آسیب‌های جنگ‌های رایانه‌ای	۳	۴	۴	۱۴
۳	تقویت بصیرت و آگاهی افسراد برای مقابله و شناخت عرصه‌های مختلف تهدیدهای فرهنگی، حفظ روحیه بسیجی، امید کامل به آینده و مراقبت جدی در تشخیص‌ها و آگاه ساختن جامعه شیعه ایران از توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دخالت بیگانگان	۳	۴	۳	۱۳
۴	اتخاذ استراتژی مناسب برای مقابله با پروژه ایران‌هراسی غرب و ارائه چهره واقعی ایران اسلامی به جهان از طریق اقدامات فرهنگی، توسعه صنعت توریسم و ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی، استفاده از توانمندی دیپلمات‌ها و وابسته‌های فرهنگی، شبکه اینترنت و مجامع بین‌المللی و انعکاس جنایات گروه‌های تروریستی به‌ویژه منافقین	۲	۴	۳	۱۳
۵	تأکید بر مشترک‌ها و هویت ملی و مذهبی در جامعه و فراهم نمودن زمینه‌های اتحاد و وفاق ملی، جلوگیری از تحریک و گسترش تنش‌های قومی در استان‌های شمال غربی و جنوب شرق کشور و توجه جدی دستگاه‌های اطلاعاتی کشور به فراهم‌سازی امنیت در سطح کشور	۲	۳	۲	۱۰
۶	سرمایه‌گذاری در رسانه‌های دیداری و شنیداری برای مقابله با جنگ رسانه‌ای غرب و اقدامات جریسان‌سازی رسانه‌ای و مقابله با استراتژی شبکه‌سازی امریکا	۳	۴	۳	۱۳
۷۹	میانگین رتبه راهبردها				

راهبردهای WO و رتبه آن‌ها بر اساس مجموع میزان جذابیت هر راهبرد در عوامل فرصت، تهدید، قوت و ضعف

رتبه	راهبردهای WO	فرصت	تهدید	قوت	ضعف	رتبه
۱	به‌روزرسانی متون مهدویت، شناسایی اقتضائات امروز جهانی و تقویت نسخه‌های مهدوی برای پاسخ‌گویی به آن‌ها در قالب تمام زبان‌ها و با استفاده از همه امکانات در روزآمدترین شکل	۳	۳	۳	۴	۱۳
۲	اصلاح مبانی علوم انسانی و بسوی‌سازی آن مبتنی بر اندیشه‌های اصیل اسلامی و ایرانی از سوی وزارت علوم با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها	۲	۲	۳	۴	۱۱
۳	ساخت فیلم‌های سینمایی، کلیپ، سرود، نماهنگ، برنامه‌های مفید در موضوع مهدویت و افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای معرفی دکترین مهدویت با زبان‌های مختلف و در راستای مقابله فیلم‌های هالیوودی بر ضد مهدویت	۴	۳	۴	۴	۱۵
۴	عمق‌بخشی به معارف مهدوی و جلوگیری از برخورد سستی با مهدویت و انتظار، افزایش اثربخشی جشنواره‌های مختلف مهدویت در سطح داخلی و خارج از مرزهای ایران اسلامی و اعلام رسمی شدن عید آغاز امامت ولی عصر (عج) به عنوان جشنی رسمی در نظام اسلامی	۳	۳	۴	۴	۱۴
۵	تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مقابله با شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی، جلوگیری از ترویج فساد و مقابله با روحیه تجمل‌گرایی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه منتظر ظهور ایران اسلامی	۳	۴	۴	۴	۱۵
۶	آسیب‌شناسی افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان و تدوین راهکارهای مناسب برای پیشگیری از مصرف مواد و بازگرداندن قشر آسیب‌دیده به جامعه منتظر	۲	۲	۲	۴	۱۰
۷	افزایش کارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور، بالا بردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های دولتی برای مقابله با تهدیدهای فرهنگی و پرهیز از تهدیداندکاری بیش از حد در فعالیت نهادهای غیردولتی و پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم کشور	۲	۲	۳	۴	۱۱
میانگین رتبه راهبردها						۸۹

راهبردها را بر اساس رتبه به ترتیب صعودی به نزولی مرتب می‌نماییم.

رتبه	راهبردها	اولویت
۱۶	مقابله با ایجاد و گسترش فرقه‌های ساختگی و خنثی‌سازی تهدیدها و هوشیار نمودن جامعه در این زمینه از سوی نهادهای مسئول مانند وزارت اطلاعات و حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم	۱
۱۶	تقویت تکافل اجتماعی و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان جامعه و فراهم ساختن حق حیات، حق معاش و... بهره‌گیری یکسان از بیت‌المال برای آحاد جامعه شیعه ایران	۲
۱۵	حمایت از حرکت‌های اسلامی در سایر کشورها که در جهت اهداف حکومت حضرت مهدی (عج) و همسو با انقلاب اسلامی ایران باشد، مانند حرکت شیعیان لبنان، فلسطین و...	۳
۱۵	ساخت فیلم‌های سینمایی، کلیپ، سرود، نماهنگ، برنامه‌های مفید درباره مهدویت و افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای معرفی دکتترین مهدویت با زبان‌های مختلف و در راستای مقابله با فیلم‌های هالیوودی بر ضد مهدویت	۴
۱۵	تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مقابله با شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی، جلوگیری از ترویج فساد و مقابله با روحیه تجمل‌گرایی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه منتظر ظهور ایران اسلامی	۵
۱۴	تقویت روحیه ولایت‌مداری و اطاعت از ولایت فقیه، دشمن‌شناسی، ترویج ارزش‌ها و شعار دینی، عمق بخشیدن به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه	۶
۱۴	آشنا ساختن آحاد جامعه شیعه ایران با فلسفه‌های قیام عاشورا و نهضت حسینی، مانند احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از ارکان اساسی مورد نیاز جامعه مهدوی	۷
۱۴	عمق‌بخشی به معارف مهدوی و جلوگیری از برخورد سنتی با مهدویت و انتظار، افزایش اثربخشی جشنواره‌های مختلف مهدویت در سطح داخلی و خارج از مرزهای ایران اسلامی و اعلام رسمی شدن عید آغاز امامت ولی عصر (عج) به عنوان جشنی رسمی در نظام اسلامی	۸
۱۴	طراحی، قانونمند کردن قوانین مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه و تشکیل یگان سایبری به منظور جلوگیری از رشد جرایم سازمان‌یافته و سوءاستفاده از بستر اینترنت برای انجام اقدامات جاسوسی اینترنتی و روزآمد کردن شیوه‌های مقابله با آسیب‌های جنگ‌های رایانه‌ای	۹

۱۰	تئوریزه کردن فرهنگ مهدویت و تلاش برای شناساندن آن به جامعه جهانی به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای بیان پایان تاریخ جهان در مقابله با نظریه‌های مطرح درباره پایان جهان و مسئله جهانی شدن	۱۳
۱۱	قانونمند نمودن نظام جامع مهدویت در کشور، حمایت از فعالیت‌های مهدوی و تأسیس نهادی به عنوان متولی مهدویت در سطح کلان کشور و دستگاه‌های دولتی در راستای جهت‌دهی به فعالیت‌های مهدوی در داخل و خارج کشور	۱۳
۱۲	گسترش زمینه‌های تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت با برقراری مجالس بزرگداشت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و استفاده از ابزارهای مختلف برای تبیین ضرورت غیبت و ویژگی‌های امامت ولی عصر (عج)	۱۳
۱۳	به‌روزرسانی متون مهدوی، شناسایی اقتضائات امروز جهانی و تقویت نسخه‌های مهدوی برای پاسخ‌گویی به آن‌ها در قالب تمام زبان‌ها و با استفاده از همه امکانات در روزآمدترین شکل	۱۳
۱۴	تقویت بصیرت و آگاهی افراد برای شناخت و مقابله با تهدیدهای فرهنگی، حفظ روحیه بسیجی، امید کامل به آینده و مراقبت جدی در تشخیص‌ها و آگاه ساختن جامعه شیعه ایران از توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دخالت بیگانگان	۱۳
۱۵	اتخاذ استراتژی مناسب برای مقابله با پروژه ایران‌هراسی غرب و ارائه چهره واقعی ایران اسلامی به جهان با اقدامات فرهنگی، توسعه صنعت توریسم و ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی، استفاده از توانمندی دیپلمات‌ها و وابسته‌های فرهنگی، انعکاس جنایات گروه‌های تروریستی به‌ویژه منافقین	۱۳
۱۶	سرمایه‌گذاری در رسانه‌های دیداری و شنیداری برای مقابله با جنگ رسانه‌ای غرب و اقدامات جریان‌سازی رسانه‌ای و مقابله با استراتژی شبکه‌سازی امریکا	۱۳
۱۷	معرفی سیمای واقعی شیعیان در مجامع بین‌المللی و شبکه اینترنت از طریق سخنرانی مسئولان و کارگزاران کشور، ایجاد سایت‌ها، وبلاگ‌ها و رصد دائمی پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات و کتاب‌های خارجی و فراهم آوردن پاسخ‌های مناسب برای شبهاتی که القا می‌شود.	۱۲
۱۸	تشکیل اتاق‌های فکر در نهادهای مختلف کشور به‌ویژه دانشگاه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های بالای نخبگان و چهره‌های فرهنگی و فعالان سیاسی در دستگاه‌های دولتی جهت برنامه‌ریزی راهبردی و ارائه راهکارهای لازم	۱۱
۱۹	توسعه و تقویت نهادها و مؤسسات مختلف دولتی و غیردولتی در راستای گسترش فعالیت‌های قرآنی و ترویج سیره عملی اهل بیت (ع)	۱۱
۲۰	دستیابی به اقتدار و توانمندی و عدم وابستگی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و علمی و... در جامعه و دولت ایران	۱۱

۲۱	اصلاح مبانی علوم انسانی و بومی‌سازی آن مبتنی بر اندیشه‌های اصیل اسلامی و ایرانی از سوی وزارت علوم با توجه به تأکید مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها	۱۱
۲۲	افزایش کارآمدی نظام اداری و اجرایی کشور، بالا بردن ظرفیت مسئولیت‌پذیری دستگاه‌های دولتی برای مقابله با تهدیدهای فرهنگی و پرهیز از تهدیدانکاری بیش از حد در فعالیت نهادهای غیردولتی و پیشبرد طرح‌های توسعه‌ای در مناطق محروم کشور	۱۱
۲۳	برقراری اتحاد و انسجام میان مسلمانان جهان	۱۰
۲۴	آسیب‌شناسی افزایش توزیع و مصرف مواد مخدر و قرص‌های روان‌گردان و تدوین راهکارهای مناسب برای پیشگیری از مصرف مواد و بازگرداندن قشر آسیب‌دیده به جامعه منتظر	۱۰
۲۵	تأکید بر مشترک‌ها و هویت ملی و مذهبی در جامعه و فراهم نمودن زمینه‌های اتحاد و وفاق ملی، جلوگیری از تحریک و گسترش تنش‌های قومی در استان‌های شمال غربی و جنوب شرق کشور و توجه جدی دستگاه‌های اطلاعاتی کشور به فراهم‌سازی امنیت در تمام سطوح کشور	۱۰

جمع کل رتبه راهبردها برابر است با: $320 = 75 + 77 + 89 + 79$

میانگین کل رتبه راهبردها برابر است با حاصل تقسیم جمع کل رتبه راهبردها (۳۲۰) بر تعداد راهبردها (۲۵) یعنی ۱۲/۸.

لذا از ۲۵ راهبرد پیشنهادی تعداد ۱۶ راهبرد که رتبه آن‌ها بالاتر از ۱۲/۸ است به عنوان راهبردهای برتر و منتخب، تعیین می‌شوند.

راهبردهای منتخب (حائز نمره بالاتر از میانگین کل)

از میان ۲۵ راهبرد فوق، تعداد ۱۶ راهبرد که نمره جذابیت بالاتر از متوسط داشتند به عنوان راهبردهای منتخب تعیین شدند که ضمن درج آن‌ها، نوع هر راهبرد نیز به شرح زیر تعیین شده است:

۱. مقابله با ایجاد و گسترش فرقه‌های ساختگی و خنثی‌سازی تهدیدها و هوشیار نمودن جامعه در این زمینه از سوی نهادهای مسئول مانند وزارت اطلاعات حوزه‌های علمیه، به‌ویژه حوزه علمیه قم. (WT)

۲. تقویت تکافل اجتماعی و رسیدگی به وضع نیازمندان و محرومان جامعه و فراهم ساختن حق حیات، حق معاش و... بهره‌گیری یکسان از بیت‌المال برای آحاد جامعه شیعه ایران. (ST)
۳. حمایت از حرکت‌های اسلامی در سایر کشورها که در جهت اهداف حکومت حضرت مهدی (عج) و همسو با انقلاب اسلامی ایران باشد، مانند حرکت شیعیان لبنان، فلسطین و... (SO)
۴. ساخت فیلم‌های سینمایی، کلیپ، سرود، نماهنگ، برنامه‌های مفید درباره موضوع مهدویت و افزایش تلویزیون‌های ماهواره‌ای برای معرفی دکترین مهدویت با زبان‌های مختلف و در راستای مقابله با فیلم‌های هالیوودی بر ضد مهدویت. (WO)
۵. تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر، مقابله با شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی، جلوگیری از ترویج فساد و مقابله با روحیه تجمل‌گرایی و شیفتگی به غرب در سطح جامعه منتظر ظهور ایران اسلامی. (WO)
۶. تقویت روحیه ولایت‌مداری و اطاعت از ولایت فقیه، دشمن‌شناسی، ترویج ارزش‌ها و شعائر دینی، عمق بخشیدن به بصیرت دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه. (SO)
۷. آشنا ساختن آحاد جامعه شیعه ایران با فلسفه‌های قیام عاشورا و نهضت حسینی، مانند احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از ارکان اساسی مورد نیاز جامعه مهدویت. (ST)
۸. تلاش برای عمق‌بخشی به معارف مهدوی و جلوگیری از برخورد سستی با مهدویت و انتظار، افزایش اثربخشی جشنواره‌های مختلف مهدویت در سطح داخلی و خارج از مرزهای ایران اسلامی و اعلام رسمی شدن عید آغاز امامت ولی عصر (عج) به عنوان جشنی رسمی در نظام اسلامی. (WO)
۹. توانمند کردن قوانین مقابله با جرایم سایبر و تلفن همراه و تشکیل یگان سایبری به منظور جلوگیری از رشد جرایم سازمان‌یافته و سوءاستفاده از بستر

اینترنت برای انجام اقدامات جاسوسی اینترنتی و روزآمد کردن شیوه‌های مقابله با آسیب‌های جنگ‌های رایانه‌ای. (WT)

۱۰. تئوریزه کردن فرهنگ مهدویت و تلاش برای شناساندن آن به جامعه جهانی به عنوان بهترین تئوری و کارآمدترین گزینه برای بیان پایان تاریخ جهان در مقابله با نظریه‌های مطرح در مورد پایان جهان و مسئله جهانی شدن. (SO)

۱۱. قانونمند نمودن نظام جامع مهدویت در کشور، حمایت از فعالیت‌های مهدوی و تأسیس نهادی به عنوان متولی مهدویت در سطح کلان کشور و کلیه دستگاه‌های دولتی در راستای جهت‌دهی به فعالیت‌های مهدوی در داخل و خارج کشور. (ST)

۱۲. گسترش زمینه‌های تکریم و بزرگداشت نام و یاد حضرت با برگزاری مجالس بزرگداشت (جشن‌ها، دعای ندبه و...) و استفاده از ابزارهای مختلف برای تبیین ضرورت غیبت و ویژگی‌های امامت ولی عصر عج. (ST)

۱۳. به‌روز رسانی متون مهدویت، شناسایی اقتضائات امروز جهانی و تقویت نسخه‌های مهدوی برای پاسخ‌گویی به آن‌ها در قالب تمام زبان‌ها و با استفاده از همه امکانات در روزآمدترین شکل. (WO)

۱۴. تقویت بصیرت و آگاهی افراد برای مقابله و شناخت عرصه‌های مختلف تهدیدهای فرهنگی، حفظ روحیه بسیجی، امید کامل به آینده و مراقبت جدی در تشخیص‌ها و آگاه ساختن جامعه شیعه ایران از توطئه‌ها و نقشه‌های شوم دخالت بیگانگان. (WT)

۱۵. اتخاذ استراتژی مناسب برای مقابله با پروژه ایران‌هراسی غرب و ارائه چهره واقعی ایران اسلامی به جهان از طریق اقدامات فرهنگی، توسعه صنعت توریسم و ترویج فرهنگ ایرانی - اسلامی، استفاده از توانمندی دیپلمات‌ها و وابسته‌های فرهنگی، شبکه اینترنت و مجامع بین‌المللی و انعکاس جنایات گروه‌های تروریستی به‌ویژه منافقین. (WT)

۱۶. سرمایه‌گذاری در رسانه‌های دیداری و شنیداری برای مقابله با جنگ رسانه‌ای غرب و اقدامات جریان‌سازی رسانه‌ای و مقابله با استراتژی شبکه‌سازی امریکا. (WT)

نتیجه

دکترین مهدویت، رمز خروج جهان از همه بن‌بست‌ها، سیاهی‌ها، تبااهی و راز رهایی‌بخش همه ملت‌ها از ستم حاکمان و جور مستکبران است که امید به جهان آینده و آینده جهان را نوید می‌دهد؛ عامل رعب و هراس مستکبران و رمز وحدت و قدرت مستضعفان است و گمگشته همه دردمندان و رنج‌دیدگان و گمشده همه عصرها و نسل‌هاست. در عصر حاضر که جامعه و دولت منتظر شیعه ایران الگوی سایر کشورهای مسلمان قرار گرفته و رسالت زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت را بر عهده دارد، باید با اتخاذ راهبردهای اصولی دکترین مهدویت، برای رسیدن به وضعیت مطلوب جامعه و دولت منتظر گام بردارد.

گفتنی است سنجش وضعیت فرهنگی مهدویت و ارائه راهبردها بر اساس شناخت تیم مجری تحقیق از وضعیت موجود جامعه شیعه ایران و بر پایه نظرسنجی از جامعه آماری بیست نفره از متخصصان و اندیشمندان حوزه مهدویت صورت گرفته است و تحقیق صورت گرفته، بخشی از کار بسیار بزرگی است که باید انجام گیرد و استخراج همه عوامل و راهبردها تلاش محققان بسیاری را می‌طلبد و هر یک از ۲۵ راهبرد ارائه شده در این تحقیق نیز می‌تواند خود به عنوان یک عامل اصلی بر اساس مدل SWOT از سوی محققان و اندیشه‌ورزان مورد بررسی و کنکاش بیشتر قرار گیرد.

منابع

۱. ادیب، مصطفی؛ مختاریان پور، مجید، «مهندسی فرهنگی و زمینه‌سازی ظهور»، مجله راهبرد بومی، سال یازدهم، ش ۱۰۵، خرداد و تیر ۱۳۸۹ش.
۲. اسحاقی، سید حسین، سیده امید، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۳. بزرگی، سید مهدی، «نقش جوانان در مبارزه با فساد و تهاجم فرهنگی دشمنان دین در عصر غیبت»، مجموعه مقالات برگزیده دومین اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷ش.
۴. پورسیدآقایی، سیدمسعود، با جاری انتظار، قم، انتشارات مؤسسه آینده روشن، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۵. حکیمی، مهدی، امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و آینده زندگی، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه، ۱۳۷۹ش.
۶. راعی، جلال؛ صدرا، علی رضا، «الگوی راهبردی - فرهنگی انتظار برای دولت زمینه‌ساز»، مجله راهبرد بومی، سال یازدهم، ش ۱۰۵، خرداد و تیر ۱۳۸۹ش.
۷. راوندی، سعید بن عبدالله، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، ۱۴۰۹ق.
۸. شعیری، تاج‌الدین، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۹. شفیع‌ی سروسستانی، ابراهیم، شناخت زندگی بخش: گفتارهایی در شناخت آخرین حجت حق، تهران، نشر موعود عصر، ۱۳۷۸ش.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، به سوی دولت کریمه، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹ش.
۱۱. _____، منتخب الاثر، قم، مؤسسة السيدة المعصومة عجله الله تعالی فرجه، ۱۴۱۹ق.
۱۲. صدوق، محمد علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، الغیة، قم، مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۴. عصاریان‌نژاد، حسین؛ علوی، سید مجتبی، «فرهنگ انتظار و راهبرد زمینه‌سازی»، پژوهش‌نامه علوم راهبردی، تهران، انتشارات داعا، سال اول، ش ۱، مرداد ۱۳۸۹ش.
۱۵. فیروزآبادی، سید حسن، قیام مهدی منتظر قیام ماست، تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۱۶. کارگر، رحیم، جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه، ۱۳۸۷ش.

۱۷. محمدی خراسانی، علی، چشم‌اندازی به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، بی‌نا، بی‌تا.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۹. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا.
۲۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، تحقیق: فارس حسون، قم، انوارالهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۱ش.

راهبردها و راهکارهای فرهنگی دولت زمینه‌ساز در رویارویی با جنگ نرم

مریم کریمی‌تبار^{*}

چکیده

این نوشتار با تأمل در روایات، وضعیت فرهنگی جهان در عصر ظهور را ترسیم می‌کند و از آن ره‌گذر، به اقدامات اصلاحی امام مهدی (ع) در عرصه فرهنگ و نیز روش امام (ع) در رویارویی با ناهنجاری‌های فرهنگی و ایجاد انقلاب فرهنگی اشاره می‌کند. در ادامه، وضعیت فرهنگی جهان در عصر حاضر و پدیده جنگ نرم بازنگری می‌شود و از کنار هم قرار دادن و مقایسه این دو وضعیت با هم و نیز با الهام از عملکرد و روش امام (ع)، دو راهبرد اساسی بصیرت‌دهی و معرفت‌بخشی برای مقابله با انواع هجمه‌های فرهنگی دشمنان و نیز راهکارهای عملیاتی کردن آن‌ها پیشنهاد شده است که البته اجرای آن‌ها بر عهده دولت زمینه‌ساز خواهد بود.

واژگان کلیدی

دولت، تهاجم، فرهنگ، جنگ نرم، مهندسی فرهنگی، بصیرت، معرفت.

* دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.

مقدمه

پروردگار حکیم و دانا انسان را برای رسیدن به کمال و سعادت جاودانه آفریده است و لطف و فیض بی‌نهایتش اقتضا داشته که شرایط و مقدمات لازم را برای نیل به این هدف متعالی برای انسان فراهم نماید. از مهم‌ترین این مقدمات، فرستادن رسولان و راهنماییانی است که راه سعادت را در مسیر پر پیچ و خم زندگی به بشر نشان دهند و با اقدامات اصلاح‌گرایانه خود جهان را از پلیدی‌ها و انحرافات بپیرایند، لکن ایشان فقط توانستند به صورت نسبی به موفقیت‌هایی دست یابند و اراده الهی بر این تعلق گرفته است که پاک‌سازی جهان از بدی‌ها و ظلم‌ها و برقراری کامل حق و عدالت به دست منجی موعود^ع انجام شود، همچنان‌که در قرآن نیز به این امر اشاره شده است:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾
(انبیاء: ۱۰۵)

تحقق انقلاب جهانی این نجات‌بخش بزرگ نیز مانند هر نهضت و انقلاب دیگری در صورتی امکان‌پذیری و نتیجه‌بخشی دارد که قبلاً در ابعاد مختلف برای آن زمینه‌سازی شود و شرایط برای به ثمر رسیدن آن فراهم گردد. روایات معتبر نیز این مطلب را تأیید می‌کند. پیامبر اسلام^ص فرمود:

يُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ؛ (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲، ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۷)
مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و برای [حاکمیت] حضرت مهدی^ع زمینه‌سازی می‌نمایند.

امام علی^ع فرمود:

ثم تخرج [رایة] من خراسان ... يهزمون أصحاب السفیانی حتی ينزل بیت المقدس یوطیء للمهدی سلطانہ؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۱۱۷)
پرچمی از خراسان (ایران) بیرون می‌آید [حاملان این پرچم] اصحاب سفیانی را شکست می‌دهند تا این‌که به بیت‌المقدس می‌رسند و زمینه حکومت مهدی^ع را فراهم می‌سازند.

روایات مذکور بیان‌گر این مطلب است که تحقق حکومت جهانی منجی، منوط به مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی قیام‌کنندگان مشرق و حرکت پرچم‌های خراسان است.

زمینه‌سازی رسالت حاکمیت صالحان

فراهم آوردن مقدمات ظهور تنها وظیفه گروه یا فرد خاصی نیست، بلکه همه دولت‌ها و ملت‌هایی که خواهان برقراری حکومت صالحان در جهان هستند، باید در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند. لکن در این میان وظیفه دولت‌ها حساس‌تر و مهم‌تر است. مقصود از دولت، جریان سیاسی حاکم بر کشورهاست که تنظیم روابط انسانی و تعاملات اجتماعی را در سطح داخلی و بین‌المللی برعهده دارد. اهمیت نقش دولت‌ها در زمینه‌سازی ظهور از این جهت است که آن‌ها می‌توانند آمادگی پذیرش منجی را در جوامع ایجاد کنند. در این میان دولت‌های اسلامی و شیعی به طور خاص می‌توانند با تبلیغ عملی فرهنگ مهدویت افق آینده حکومت مهدوی را به تصویر بکشند و از این طریق جامعه را پذیرای ظهور مهدی موعود بسازند. برای این منظور، دولت‌های اسلامی باید دکترین ظهور را اساس کار خود قرار دهند و به لحاظ مبانی، اهداف، سیاست‌ها، رسالت‌ها و راهبردها، با دولت کریمه مهدوی همسو باشند.

بنابراین، ترسیم دولت امام مهدی ^{عج} نباید صرفاً به هدف پیش‌بینی و الگوسازی برای آینده باشد؛ بلکه باید کوشید که آن را مدل و الگوی زندگی امروزی قرار داد تا از آن برای رفع کاستی‌ها و نابسامانی‌های جوامع در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و... الگوبرداری شود. عرصه فرهنگی از عرصه‌های مهم برای فعالیت دولت است، مفهوم واژه «فرهنگ» از مفاهیم بسیار پیچیده است که تعاریف بسیاری برای آن بیان شده است. در این مقاله مقصود از فرهنگ «مجموعه باورها، بینش‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، اخلاق و اندیشه‌های پذیرفته شده و حاکم بر یک جامعه» است که افکار، احساسات و رفتار جمعی افراد را شکل می‌دهد. دولت زمینه‌ساز باید

در عرصه فرهنگی نیز همچون سایر عرصه‌ها، دکترین ظهور را ملاک و اساس کار خود قرار دهد. برای رسیدن به این نکته باید وضعیت فرهنگی جوامع در دوران ظهور، اقدامات اصلاحی امام در این زمینه و چگونگی مواجهه امام با ناهنجاری‌های فرهنگی را مطالعه عمیق کرد تا از رهگذر این مطالعه و بررسی، خط و مشی فعالیت‌های فرهنگی دولت زمینه‌ساز روشن گردد.

چشم‌اندازی به وضعیت فرهنگی جهان در عصر ظهور

بدون تردید انقلاب جهانی حضرت مهدی عج فقط دارای ابعاد سیاسی، نظامی و اجتماعی نخواهد بود، بلکه بر اساس روایات تحولات فرهنگی مهم‌ترین بُعد آن است. در نظام مهدوی تطور و دگرگونی عمیقی در عرصه فرهنگ حاصل خواهد شد و تعمیق «فرهنگ دینی» در رأس برنامه‌های دولت قرار خواهد گرفت. کارویژه اصلی دولت امام عج تأمین کمال مطلوب انسانی و رشد و بالندگی فرهنگ بشری در تمامی ابعاد است. شکل و سرشت دولت مهدی عج همان صورت و سرشت دولت پیامبر ص و امام علی ع است، همان‌گونه که رسول خدا ص جامعه مرده را زنده کرد، حضرت ولی عصر عج نیز جهان مرده را زنده می‌کند و برای احیای آن، معارف و حقایق حقیقی را اعطا می‌فرماید. دولت مهدی عج نمونه کامل دولت نبوی و علوی و استمرار روش و منش و احیای آموزه‌ها و قوانین آن‌هاست. امام علی ع می‌فرماید:

واعلموا أنکم إن اتبعتم طالع المشرق سَلَکَ بکم مِنْهاجَ الرَّسولِ ص

فتداویتم من العمی والَصَّمِّ والبَکَم...؛ (مجلسی، همان، ۱۲۳)

بدانید اگر شما از طلوع‌کننده مشرق پیروی کنید، او شما را به راه و روش پیامبر راهنمایی می‌کند و از بیماری کوری و کری و گنگی نجات می‌دهد.

بدیهی است که منظور درمان کوری و کری و گنگی ظاهری نیست، بلکه تداوی روحی منظور است؛ یعنی چشم و گوش و زبان روح گشوده می‌شود و روش درست زندگی و مسئولیت‌ها و تعهدات فردی و اجتماعی شناسانده و

راه از بی‌راهه مشخص می‌گردد و انسان‌ها در همه مسائل زندگی متعهد و تکلیف‌شناس خواهند شد. (حکیمی، ۱۳۷۴: ۲۰۷-۲۰۸)

در این راستا کارکرد دولت مهدوی را می‌توان در سه محور مورد بررسی قرار داد:

۱. رشد عقل و اندیشه و تکامل علم

در پرتو ارشاد و هدایت امام مهدی عج افکار و استعدادها در مسیر کمال به حرکت درمی‌آیند، اندیشه‌ها شکوفا می‌گردند و مردمی بلندنظر با افکاری باز و بینشی وسیع پرورش می‌یابند که بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل می‌کنند و جهانی را آباد و متکامل می‌سازند. بشر در دوران ظهور، به مرز نهایی شناخت و خردمندی دست می‌یابد. در روایت زیبایی از امام باقر ع نقل شده است:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رِءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامُهُمْ... ؛ (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۵؛ حر عاملی، بی‌تا: ج ۳، ۴۹۵)

وقتی قائم ما قیام کند دست عنایتش را بر سر بندگان می‌نهد و بدین وسیله عقل آن‌ها زیاد می‌شود و فهمشان کامل می‌گردد.

همچنین در دولت امام مهدی عج دانش و علم نیز به حد نهایی خود می‌رسد؛ حضرت از حقایق مادی و معنوی جهان پرده برمی‌دارد و مجهولات و نادانسته‌ها را برای همگان روشن می‌سازد. در نتیجه گسترش شناخت و دانایی تکامل علوم مادی، پایه‌های خداشناسی، حق‌باوری و کمال‌گرایی استوار می‌گردد و جامعه‌ای پیش‌رفته و سامان‌یافته تشکیل می‌شود. روایات، جهان را در روزگار امام عصر عج جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیش‌رفت علمی معرفی می‌کند، چنان‌که رسول گرامی اسلام ص می‌فرماید:

يَمْلَأُ اللَّهُ عَرْوَجَلَّ بِه الْأَرْضُ نُورًا بَعْدَ ظُلُمَتِهَا وَ عَدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا؛ (صدوق، بی‌تا: ج ۱، ۲۶۰؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۱۸۵)

خدای عزوجل به وسیله او (قائم) زمین را پس از تاریکی، از نور آکنده می‌سازد و پس از ستم، از داد پر می‌کند و پس از جهل و نادانی، از دانش آکنده می‌سازد.

تفاوت بنیادین پیش‌رفت علم در دوران حکومت مهدی علیه السلام با عصر کنونی در این است که در این زمان پیش‌رفت علم و صنعت در جهت سقوط فرهنگ و اخلاق جامعه بشری است. ولی در روزگار مهدی علیه السلام بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می‌رسد به همان اندازه به تعالی اخلاقی و کمال انسانی نزدیک‌تر می‌گردد و علم و صنعت و تمدن را برای معرفت خدا، پرورش فضایل اخلاقی و رسیدن به هدف آفرینش خود (عبودیت و عبادت) به کار می‌برد. (کارگر، ۱۳۸۳: ۳۳۳)

بنابراین، رساندن افکار، عقول و دانش بشری به اوج تکامل از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی حکومت مهدوی است. او با هدایت بشر به دانش‌های یقینی و گسترش معرفت و دانایی، پایه‌های خداشناسی را استوار می‌کند و جامعه‌ای آرمانی را سامان می‌دهد.

۲. رشد معرفت دینی و بدعت‌ستیزی

تردید نیست که دگرگونی‌هایی در مفاهیم قرآنی و آموزه‌های اسلامی در طول سال‌های متمادی غیبت امام عصر علیه السلام رخ داده است و انگیزه‌ها و عوامل گوناگون ضد اسلامی، افکار انحرافی و منافع قدرت‌های سیاسی و... در این امر نقش داشته‌اند. البته جریان خودرأیی (تفسیر به رأی) در مورد قرآن و احکام الهی مخصوص دوران خاصی نیست، بلکه از زمان رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد و حکومت‌گران بخشی از تعالیم قرآنی و نبوی را برای استقرار حاکمیت خویش دگروار و واژگونه تفسیر کردند. بدین ترتیب، باب تفسیر به رأی و برداشت‌های نادرست از تعالیم وحی گشوده شد و همچنان ادامه یافت و در طول قرن‌های متمادی در ذهن جامعه اسلامی رسوخ و نفوذ کرد تا جایی که در بسیاری از تعالیم وحی، اصل دین و احکام سره اسلام ناشناخته ماند و تفسیرها و برداشت‌های غلط و ضد‌دینی به نام دین جای گرفت و باور گشت. این مسئله در زمان ظهور مفسر واقعی قرآن مسئله‌ای جدی و چالش‌برانگیز است. لذا اصلاح و تبیین معارف دینی، احیای کتاب و

سنت، بدعت‌ستیزی و تحریف‌زدایی از دین، از اقدامات مهم و بایسته دولت مهدوی است. امام تمامی اندیشه‌ها و ادیان غیرتوحیدی و انحرافی را از بین می‌برد، بطلان و پوچی افکار و آرای الحادی، فریب‌کارانه و دنیاگرایانه را برای مردم آشکار می‌گرداند، قانون خدا (قرآن) را تنها مبنای قوانین قرار می‌دهد و با تبیین و تفسیر صحیح، دین خدا را احیا می‌کند. او نظام جهان را بر اساس معارف ناب و حقیقی اسلام سامان می‌دهد و تکالیف فراموش شده را برای مردم بیان می‌کند، آن‌چنان‌که پنداشته می‌شود حضرت، کتاب تازه و آیین جدید آورده است. این مطلب در روایات چنین بیان شده است:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ع جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ ص بِدَوِّ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛ (مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۴: اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۶۵)

هنگامی که قائم ع قیام می‌کند با امر جدیدی می‌آید، چنان‌که رسول خدا ص در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد.

همچنین می‌فرماید:

إِذَا خَرَجَ [الْقَائِمُ] يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قِضَاءٍ جَدِيدٍ...؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۳۸؛ حر عاملی، بی‌تا: ج ۳، ۵۴۰)

هنگامی که قائم خروج می‌کند، امر تازه، کتاب تازه، روش تازه و داوری تازه‌ای را برپا می‌کند...

در روایتی دیگر آمده است:

لَا يَتْرَكَ بَدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛ (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۲۵، ۴۳۶؛ مفید، ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۸۵)

هیچ بدعتی نمی‌ماند، مگر آن‌که آن را از بین می‌برد و هیچ سنتی نمی‌ماند، مگر این‌که آن را به پا می‌دارد.

بنابراین، ارتقای سطح معارف دینی و شناساندن بیش‌تر و بهتر احکام و حقایق راستین دین، از دیگر برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی امام مهدی ع به شمار می‌رود.

۳. رشد تربیتی و تعالی اخلاقی و معنوی انسان‌ها

امام معصوم علیه السلام دارای ولایت‌ها و مسئولیت‌های مختلفی است، از جمله ولایت تشریعی، ولایت قضا، ولایت اجرای احکام و حدود، ولایت اطاعت و فرمان‌بری، ولایت نظارت در شئون اجتماعی، ولایت سیاسی و ولایت هدایت و نفوذ و پرورش معنوی و ولایت تکوینی. (کارگر، همان، ۲۲۴ - ۲۲۵) امام بر اساس ولایت هدایت و نفوذ و پرورش معنوی، به تزکیه نفوس، پرورش قلوب و تربیت روحی انسان‌ها می‌پردازد و تغییر و تکامل در رفتارها و باورهای انسان‌ها را در اولویت برنامه‌های فرهنگی خود قرار می‌دهد و همه کاستی‌های اخلاقی و معنوی را از بین می‌برد. بنابراین، کارویژه بنیادین و کمال‌گرایانه زعامت و حکومت مهدی علیه السلام برنامه‌ریزی صحیح و تلاش برای تربیت دینی و معنوی جامعه و بالندگی فضایل و گسترش تقواست. البته توجه به اموری مانند برقراری عدالت اجتماعی، تأمین بهداشت، آموزش، امنیت و... جایگاه خود را دارد. حضرت جامعه را به سوی تأمین سعادت پایا و فناپذیر رهبری می‌کند و عوامل سقوط شخصیت حقیقی آدمی و موانع رشد و کمال انسانیت را برطرف می‌گرداند.

قرآن مجید در ترسیم سیمای معنوی حکومت صالحان که وعده تحقق آن به دست مهدی موعود علیه السلام داده شده است، می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (حج: ۴۱)

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وای دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست.

این آیه در بعضی تفسیرها به امام مهدی علیه السلام و یاران ایشان تأویل شده است. (قمی، ۱۳۸۷: ج ۲، ۷۸؛ مجلسی، همان: ۴۷) در روایات متعدد نیز به اهمیت و محوریت اخلاق و رشد معنوی و تربیتی انسان‌ها در دولت مهدوی اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

ان يصلح الامة بعد فسادها؛ (اربلی، همان: ج ۲، ۴۷۳)

او این امت را پس از آن که تباه و فاسد شده‌اند اصلاح می‌کند.

براساس این روایت اصلاح مردم بعد از فساد اخلاق آنان و تغییر بنیادین در رفتارها، گفتارها و پندارهای غیراخلاقی، مهم‌ترین و درخشان‌ترین اقدام دولت امام مهدی عجته خواهد بود و این احیاگری و اصلاح، مطلق و فراگیر است و پس از آن فساد و انحرافی وجود نخواهد داشت و زمین نورانی و پر از معنویت خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِن قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بنور ربّها و استغنی الناس (العباد)؛

(طوسی، ۱۴۱۱: ۴۶۸؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ۳۳۰)

و چون قائم ما، قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد و مردم بی‌نیاز می‌شوند.

این روایات به خوبی نشان می‌دهد که از اقدامات اساسی حضرت مهدی برنامه‌های اخلاقی، تربیتی و رساندن بشر به کمال معنوی و روحی است. دورنمایی از اقدامات اصلاحی امام در عرصه فرهنگ به صورت مختصر بیان گردید. حال باید دید امام مهدی عجته برای اجرای این تحولات از چه روش‌هایی بهره خواهد جست و از چه راه‌هایی به آشفته‌گی‌های فرهنگی جهان سامان خواهد داد.

سیره و روش امام مهدی عجته در اصلاحات فرهنگی

تحولات فرهنگی نخست باید از درون انسان آغاز گردد و در حوزه وجودی او صورت پذیرد و سپس به برون جامعه سرایت کند. بر این اساس، امام ابتدا به سیرت و فطرت انسان‌ها توجه می‌کند و با ولایت تکوینی خود و هدایت‌ها و ارشادات فراوان چشم بصیرت مردم را باز می‌کند و در درون انسان‌ها تحولی بنیادین به وجود می‌آورد تا جایی که انسان‌ها حیاتشان را در هدایت و کمال و مرگشان را در هوا و هوس و انحرافات فکری و اخلاقی می‌بینند. بنابراین، روی‌کرد اصلی امام در به ثمر رساندن انقلاب فرهنگی، ایجاد

تحول بنیادین در درون افراد جامعه است. از این رو، اگر میزان فهم و بصیرت تک‌تک افراد جامعه افزایش یابد، حق و باطل، ارزش و ضد ارزش و اخلاق و ضد اخلاق رخ می‌نماید و فرد آگاه و بصیر در دام انحرافات و ناهنجاری‌های فکری و عملی گرفتار نمی‌شود. امام علیه السلام برای اجرای این طرح از روش‌های زیر بهره می‌جوید:

۱. ابطال تفسیرها و برداشت‌های نادرست از دین و تبیین صحیح آیات قرآن و احکام اسلام

امام علیه السلام برای حذف برداشت‌های نادرستی که به نام دین به اذهان القا شده و موجب ایجاد شبهات فکری و انحرافات دینی گردیده است، ابتدا به ابطال آن تفسیرها و تأویل‌ها می‌پردازد و همه پیرایه‌ها را از چهره حقیقی اسلام می‌زداید، سپس با تفسیر صحیح و خالص قرآن و تعالیم و حیاتی، اسلام ناب محمدی و علوی را به مردم آموزش می‌دهد. احادیثی که درباره امام موعود علیه السلام رسیده و از آیین جدید، کتاب جدید و تعالیم جدید سخن گفته، ناظر به همین مطلب است.

۲. استفاده از منطق و برهان

امام علیه السلام از طریق رهبری فکری و روشن‌گری در همه زمینه‌ها، به ترویج و تبلیغ دین اسلام می‌پردازد. امر به معروف و نهی از منکر، ارشاد و هدایت، پاسخ‌گویی به شبهات با تکیه بر برهان و بهره‌گیری از منطق گفت‌وگو و ارشاد، از بارزترین شاخصه‌های دولت مهدوی به شمار می‌رود. بدیهی است که اگر تعالیم اسلامی با منطق صحیح و استدلال عقلی بیان گردد، نافذ و فراگیر خواهد شد تا جایی که هر کسی که کم‌ترین آمادگی برای پذیرش آیین حق را داشته باشد متحول می‌گردد و در مسیر سعادت و کمال قرار می‌گیرد. اما در برخورد با گروهی که جز از طریق توسل به زور و خشونت اصلاح‌پذیر نیستند، با قدرت و شدت برخورد می‌کند؛ چرا که رسالت امام تنها روشن‌گری

و ارائه راه نیست، بلکه علاوه بر آن، باید انقلاب تکاملی اسلام را به مطلوب برساند. لذا سخت‌گیری و جنگ در مرحله بعد از تبلیغ و روشن‌گری قرار دارد. در روایتی از فضیل بن زبیر نقل شده است:

... امام مهدی عجته، حجت را بر همه مردم تمام می‌کند تا کسی را بر او حجتی نباشد. (مجلسی، همان: ج ۵۱، ۳۵)

۳. قاطعیت و سازش‌ناپذیری

حضرت مهدی عجته در قاطعیت و شجاعت همانند رسول خداست. در روایتی آمده است:

یصنع کما صنع رسول الله ص یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله ص أمر الجاهلیة... ؛ (مجلسی، همان: ج ۵۲، ۳۵۲)

همان‌طور که رسول خدا ص عمل کرد، عمل می‌کند. آنچه را پیش از او بوده (سنت‌های غلط و انحرافی) نابود می‌کند، چنان‌که رسول خدا ص جاهلیت را از بین برد.

قاطعیت، خصلت همه رهبران راستین الهی است و در امام مهدی عجته این خصلت در حد اوج و کمال است. اساساً معیار پاک‌سازی جوامع از پلیدی و فساد همین قاطعیت است. تجربه نشان داده که سازش، ارفاق و مسامحه همواره موجب شده که پس از گذشت اندک‌زمانی عوامل کژی و نادرستی دوباره سازمان می‌یابند و وارد عمل می‌گردند. امام این واقعیت را نادیده نمی‌گیرد. لذا برای از ریشه نابود کردن همه عوامل فساد و جریان‌های فاسد، هیچ‌گونه مسامحه‌ای در راه و روش نمی‌کند و تبلیغات دشمنان داخلی و خارجی و تکفیرهای داخلی و ارتجاعی در او هیچ تأثیری نمی‌گذارد و او را به مصلحت‌سنجی مجبور نمی‌سازد. این روش در عین دشواری‌های فراوانی که همراه دارد، از جهتی نیز کارها را آسان می‌کند؛ زیرا آنان که اندیشه رخنه کردن در صفوف نهضت و انقلاب جدید را در سر می‌پروراند و شیوه فتنه‌گری را در پیش می‌گیرند، هنگامی که با قاطعیتی خلل‌ناپذیر روبه‌رو می‌گردند و راهی

برای نیرنگ بازی در مقابل خود نمی‌بینند، دست از انحراف برمی‌دارند و از هرگونه حرکت‌های مخفیانه و کارشکنی‌های پنهانی و سرمایه‌گذاری‌های مرموز دست می‌شویند. (حکیمی، همان: ۷۷ - ۷۸)

بنابراین، امام برای اصلاح جامعه با قاطعیت تمام در برابر هرگونه فساد و انحراف می‌ایستد و علل و عوامل آن را نابود می‌کند. امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

لَا يَقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا تَتَّبِعُ الْمَطَامِعُ؛
(نهج البلاغه، حکمت ۱۱۰)

فرمان خدا را برپا ندارد، مگر کسی که سازش کار نباشد و بسا روش اهل باطل همسو نشود و دل در گرو طمع نداشته باشد.

ناگفته نماند که اقتدار عام و فراگیر و وضع مقررات و قوانین آمرانه از شاخصه‌های اساسی دولت‌هاست؛ یعنی دولت باید از قدرت تأیید شده به منظور تصمیم‌گیری‌های الزام‌آور و صدور فرمان‌های الزامی برخوردار باشد و این مسئله با اقتدارگرایی و خشونت تفاوت اساسی دارد. (کارگر، همان: ۱۸۹)

۴. عدم خشونت و اقتدارگرایی

با روایات و قراین مختلف ثابت می‌شود که روش حضرت مهدی علیه السلام روش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است. (صدوق، همان: ج ۲، ۳۵۱؛ مجلسی، همان: ج ۵۱، ۲۲۴) بر این اساس، روایاتی که سیره آن حضرت را مخالف با سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام قلمداد می‌کند، معارض با احادیث صحیح و معتبری است که بر مفهوم مقابل آن دلالت دارد. این احادیث به صراحت، گویای این مطلب است که روش حکومتی حضرت ولی عصر علیه السلام همانند روش حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرموده است:

... يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً؛
(نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۳۳؛ مجلسی، همان: ج ۵۳، ۳۵۴)

... همان‌طور که رسول خدا ﷺ پس بعثت تمامی آن چیزهای قبلی را بی اعتبار اعلام کرد، مهدی ﷺ نیز چنین خواهد کرد. او اسلام واقعی را دوباره برپا خواهد نمود.

در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَهْدِيَّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسَ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَفْعَالِهِ؛ (اربلی، همان: ج ۲، ۵۱۰)

نهمین از آنها قائم اهل بیت و مهدی امت من و شبیه‌ترین فرد به من از لحاظ ظاهر، سخنان و اعمال است.

لذا با توجه به این که حکومت پیامبر ﷺ بر پایه خشونت و متکی به سلاح و زور نبود، دولت مهدوی نیز مبتنی بر قدرت فیزیکی و اقتدارگرایی نخواهد بود، هرچند همچون رسول خدا ﷺ در مواقع مقتضی و لازم، جنگ و سلاح نیز به کار خواهد آمد. در نتیجه، دولت امام دولتی ضعیف و انعطاف‌پذیر و مسامحه‌کار نیست، بلکه از اقتدار و نفوذی کامل و قاطعیتی بی نظیر برخوردار است.

رابطه امام با مردم، صمیمانه و همراه با ملاطفت و نرمی و ولایت‌مدارانه است، اما در برابر سردمداران کفر و فساد سازش‌ناپذیر و سخت‌گیر است. به عبارت دیگر، اقدامات اصلاحی امام قاطعانه و جدی است، با وجود این که مبتنی بر جنگ و خشونت نیست و تا زمانی که راهی به جز جنگ وجود داشته باشد، امام دست به شمشیر نخواهد شد. از این رو، دولت امام، ظلم‌ستیز، کفرستیز، ضد فساد و ضد خشونت است. این مطلب در روایتی بیان شده است:

... الْقَائِمُ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِئِينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلَ الرَّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعاً أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحْدَ اللَّهِ ... ؛ (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۱۸۳؛ مجلسی، همان: ج ۵۲، ۳۴۰)

هنگامی که قائم خروج می‌کند، اسلام را بر یهود، مسیحیان، صابئان، بی‌دینان، مرتدان و کافران در شرق و غرب زمین عرضه می‌دارد. پس

اگر کسی با علاقه اسلام آورد، او را به نماز و زکات و آنچه در اسلام هست و خداوند آن را واجب کرده، امر می‌کند. اما اگر مسلمان نشد، گردن او را می‌زند تا این‌که در دنیا کسی نباشد که خدا را به وحدانیت شناسد.

این سخت‌گیری در برابر افرادی است که به‌رغم ارشادات و راهنمایی‌های حضرت مهدی (عج) دست از لجاجت و دشمنی برنمی‌دارند و برای جامعه دینی خطرناک هستند. (کارگر، همان: ۳۲۷)

۵. الگو بودن مسئولان در دولت امام

کارآمدترین روش در تعلیم و تربیت انسان‌ها و ارتقای سطح فرهنگ جامعه، عامل بودن مرتبی به گفته‌های خود است. رمز توفیق انبیا و امامان معصوم (علیهم‌السلام) در امر تبلیغ دین، شیوه رفتاری آن بزرگواران بوده است. رفتار و حرکات امام مهدی (عج) نیز بالاترین آموزش و تعلیم عملی معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) به شمار می‌رود؛ زیرا وجود امام (علیه‌السلام) جلوه تمام‌عیار دستورهای الهی است. امام رضا (علیه‌السلام) در مورد ویژگی‌های امام زمان (عج) می‌فرماید:

امام داناترین، حکیم‌ترین، پارساترین، حلیم‌ترین، شجاع‌ترین و بخشنده‌ترین مردم است. او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان‌تر و در برابر خداوند از همه متواضع‌تر است. آنچه به مردم فرمان دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می‌کند و خود بیش از همگان از چیزی که نهی می‌کند، می‌پرهیزد. (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۴۱۸)

این ویژگی در کارگزاران و یاران امام نیز که از طرف امام به عنوان حاکم مناطق مختلف اسلامی منصوب می‌شوند وجود دارد؛ چرا که امام کارگزاران خود را از میان یاران صالح و مخلص خود که واجد برترین صفات اخلاقی و فضایل انسانی باشند انتخاب خواهد کرد؛ کسانی که در واقع الگوی عملی دین‌داری و نمونه عینی ارزش‌های الهی و اسلامی هستند و با عمل و رفتار خود همه ارزش‌ها را به مردم خواهند آموخت و اگر برخی مجریان حکومتی

در وظایف خود مرتکب خطا یا کردار زشتی گردند با سخت‌گیری و مؤاخذه امام روبه‌رو خواهند شد، چنان‌که در روایتی از لیث بن طاووس نقل شده:

... المهدی علیه السلام ان یکون شديداً علی العمال جواداً بالمال، رحیماً بالمساکین؛ (مروزی، ۱۴۱۴: ۲۲۱)

مهدی علیه السلام نسبت به کارگزاران [دولت خویش] بسیار سخت‌گیر، نسبت به دارایی بخشنده و نسبت به تهی‌دستان بسیار مهربان است.

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید:

... يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِي أَعْمَالِهَا...؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸)

او مسئولان و کارگزاران را به جرم کردار زشتشان مجازات خواهد کرد.

۶. استفاده از تمامی امکانات برای اصلاحات

اگرچه بشر به پیش‌رفت حیرت‌انگیزی در زمینه‌های اقتصادی، صنعت، فن‌آوری و علوم مختلف، ارتباطات و... رسیده است، در عصر ظهور این امر به توسعه و تکامل صدچندان می‌رسد و امام از همه این امکانات برای اقدامات اصلاح‌گرایانه خود استفاده می‌کند. حضرت همه وسایل و امکانات تربیتی را در اختیار دارد و با استفاده از آن‌ها مردم همه جوامع را از تعلیمات شایسته و الهی بهره‌مند می‌سازد.

چشم‌اندازی به وضعیت فرهنگی جهان در عصر حاضر

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا﴾؛ (بقره: ۲۱۷)

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.

واژه «لَا يَزَالُونَ» در آیه شریفه دلالت بر استمرار دارد و گویای این واقعیت است که دشمنان همواره با اسلام در حال جنگ هستند و از هر طریقی که بتوانند سعی می‌کنند مسلمانان را از دینشان منحرف سازند. تاریخ نیز بر این

واقعیت گواهی می‌دهد. از آغازین روزهای دعوت، تبلیغات منفی مشرکان علیه پیامبر ﷺ به صورت‌های مختلف آغاز شد. ساحر و مجنون خواندن حضرت، استهزاهای مکرر، محاصره اقتصادی در شعب، جنگ‌های نظامی، کارشکنی‌های فکری منافقان و... گویای تهاجمات گونه‌گون دشمنان به دین مبین اسلام است. در زمان امام علی علیه السلام نیز توطئه‌های معاویه و اقدامات حيله‌گرانه او که به فریب افکار عمومی و وقوع جنگ‌های صفین و نهروان انجامید و نیز بروز فرقه‌های انحرافی متعدد در دوران دیگر امامان علیهم السلام که گاه آگاهانه و برای تخریب و نابودی اسلام ناب سازمان‌دهی می‌شد، بیان‌گر این حقیقت است که مسئله تهاجم به دین اسلام امری تازه و مختص زمان حاضر نیست، بلکه پیشینه‌ای به پهنای ظهور اسلام دارد، وانگهی در هر زمان در شکل و قالبی نو و متناسب با اقتضائات همان زمان طراحی شده است. امروز نیز وقتی دشمنان اسلام به‌رغم کوشش‌های فراوان در جبهه‌های نظامی و اقتصادی با تجربه تلخ شکست مواجه شدند، تصمیم گرفتند در جبهه فرهنگ و از طریق حمله به ارزش‌ها و باورهای دینی مسلمانان وارد عمل شوند و بدین ترتیب از درون به اسلام حمله کردند. از آن‌جا که روز به روز تهاجمات آن‌ها در این عرصه پیچیده‌تر و مرموزانه‌تر گشت، مقام معظم رهبری تعبیر دقیق‌تری را در این مورد به کار بردند؛ تعبیری چون: تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، براندازی فرهنگی، ناتوی فرهنگی و جنگ نرم، تا هرچه بیش‌تر مردم را به خطرات این مسئله و اهمیت مقابله با آن توجه دهند.

لذا تهاجم فرهنگی یا همان جنگ نرم حرکتی است مرموزانه، حساب شده با برنامه‌ریزی دقیق که با استفاده از شیوه‌ها و ابزارها و امکانات متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جای‌گزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۳)

بنابراین، دشمن در جنگ نرم سعی دارد از طریق دگرگونی اندیشه‌ها و ارزش‌ها و در هم شکستن اصول اخلاقی و سست کردن باورهای دینی، ملت مورد نظر را به پوچی بکشانند و چون آن ملت را از لحاظ شخصیتی تضعیف کرد و روحیه استقلال و قدرت مقاومت را از او گرفت، اصول فکری خویش را القا و فرهنگ و باورهایش را بر آن‌ها تحمیل می‌کند.

انگیزه انبیا و مصلحان الهی از ایجاد تحولات فرهنگی در جامعه، الهی بوده است. ایشان قصد دارند مفاسد و انحرافات را اصلاح کنند که در ابعاد مختلف معرفتی، ارزشی، رفتاری و... گریبان‌گیر جوامع شده است و مردم را به سوی ارزش‌های الهی و انسانی سوق دهند و اصالتاً ایشان از طرف خداوند موظف گشته‌اند تا خطاها و انحرافات جوامع را اصلاح کنند. بنابراین، اگر در این راستا در فرهنگ تصرف شود، نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح و شایسته است. آنچه هجوم فرهنگی مذموم به شمار می‌آید و دشمن درصدد انجام آن است تلاش برای تغییر بینش الهی و ارزش‌های والای معنوی و تحمیل الگوهای اخلاقی و رفتاری انحرافی و منحط به جوامع است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۷۳)

اهداف دشمنان از جنگ نرم

استکبار جهانی و سردمداران کفر و شرک درصددند تا با به دست گرفتن تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورها بر سراسر جهان سیطره کامل یابند و همه عالم را مسخر اراده خود سازند، لکن به خوبی دریافته‌اند که بزرگ‌ترین مانع برای رسیدن به این هدف، اسلام است؛ چرا که

در بینش اسلامی آموزه‌های متعالی‌ای چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، آزادگی، همبستگی، امید، معنویت، عزت، ایثار و از خودگذشتگی و... وجود دارد که پای‌بندی به هر یک از آنها می‌تواند خواسته‌های پلید دشمنان را با چالش‌های جدی روبه‌رو سازد. لذا تمامی امکانات و توان خود را به کار گرفته‌اند تا از طریق نفوذ در فرهنگ غنی اسلامی و تغییر در باورها، رفتارها و ارزش‌ها، بنیان‌های فکری و اعتقادی مسلمانان را تخریب کنند و بذریعۀ خودکم‌بینی را در ملت‌های مسلمان شکوفا سازند و فرهنگ تهی و پوچ خود را الگوی فرهنگ برتر به جوامع تحمیل نمایند. به این ترتیب، درصدد برآمده‌اند تا مهم‌ترین مانع در برابر اهداف پلید خود یعنی آموزه‌های اسلامی را دچار استحاله کنند تا به راحتی بتوانند جوامع را به استثمار خود درآورند و بر کل جهان استیلا یابند.

روش‌های جنگ نرم

مجموعه روش‌هایی که دشمن در جنگ نرم از آنها بهره می‌جوید به قرار زیر است:

۱. روش‌هایی که موجب تغییر در بینش افراد می‌گردد و در نظام فکری و اعتقادی آنها دگرگونی ایجاد می‌کند. دشمن در این روش با القای شبهات فکری و یا ارائه نظریات فلسفی، معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانه به عنوان مسائل فلسفی نو، در مبانی معرفتی مسلمانان تردید به وجود می‌آورد و آموزه‌های دینی را که عامل بیداری و پویایی است، کهنه، سطحی، واپس‌گرا و ناکارآمد معرفی می‌کند.

۲. روش‌هایی که موجب دگرگونی در گرایش‌های دینی و ملی افراد می‌گردد. ترویج عقایدی چون اسلام سکولار، تقویت سلفی‌گری و مذاهب انحرافی دیگر و نیز تضعیف برنامه‌های گرایش‌های دینی و معنوی و روش‌هایی چون ایجاد تفرقه و بی‌هویتی در ملت‌ها، تخریب یا تحریف

گذشته جوامع، توسعه روحیه غرب‌گرایی و غرب‌زدگی، تخریب شخصیت‌ها و پست جلوه دادن الگوهای بومی ملت‌ها و... باعث تغییر در گرایش‌های ملی و بومی افراد می‌گردد.

۳. روش‌هایی که موجب تغییر در کنش و رفتار افراد جامعه می‌گردد که بارزترین نمود آن توسعه و ترویج فساد و بی‌بندوباری، گسترش فحشا و ابتذال، مواد مخدر و... است.

ابزارهای جنگ نرم

دشمنان اسلام و بشریت برای رسیدن به مقصود، همه ابزارهای تبلیغاتی، برترین تکنولوژی‌ها و جدیدترین روش‌های علمی را به کار گرفته‌اند، از جمله رسانه‌های ارتباطی جهانی همچون شبکه‌های رادیویی، تلویزیونی، ماهواره‌ای، اینترنتی، بازی‌های رایانه‌ای و صدها روزنامه و هزاران پایگاه خبری و تبلیغاتی که هر کدام به نحوی با نفوذ و تأثیرگذاری در افکار عمومی، در پی ایجاد گسست در شالوده مستحکم دینی و ملی مسلمانان هستند. از ابزارهای دیگر جنگ نرم نیروهای انسانی، نویسندگان، هنرمندان، نخبگان، تحصیل‌کردگان خارج از کشور، روشن‌فکران، تاجران و بازرگانان بین‌المللی و کسانی هستند که می‌توانند اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی بیگانگان را ترویج و منتقل سازند و با ترفندهای گوناگون اسباب خودباختگی فرهنگی ملت‌ها، خصوصاً ملت‌های مسلمان را فراهم آورند. ترویج و تقویت فرقه‌های ضاله مانند بهائیت، وهابیت، شیطان‌پرستی و دراویش منحرف از حربه‌های دیگر دشمنان برای بی‌ثبات‌سازی اعتقادات مسلمانان است.

نتایج جنگ نرم در جوامع کنونی

بخشی از فعالیت‌های فرهنگی ضد دینی دشمنان اسلام تبیین گردید، لکن از آنجا که این جنگ فرهنگی بسیار گسترده و پیچیده است، قهراً تأثیرات منفی

بسیاری هم در جوامع نهاده است. نابسامانی‌ها و کاستی‌های فرهنگی ناشی از آن عبارتند از:

۱. فراموش شدن معیارهای صحیح سعادت و کمال و تحریف و بدعت در اصول دین و احکام اسلام؛
۲. خودنمایی افکار و اندیشه‌های واهی بشری به نام دین و تفسیر شدن آموزه‌های دینی بر طبق سلیقه‌ها و آرای شخصی؛
۳. ترویج انواع ناهنجاری‌های اخلاقی، فساد و فرهنگ ضد دینی؛
۴. رواج فرهنگ تجمل‌پرستی، مصرف‌گرایی و سرمایه‌سالاری؛
۵. تباهی اخلاق و کم‌فروغی معنویت، فراگیری الحاد و دین‌گریزی و جهالت مدرن و ...

آشفته‌گی فرهنگی جوامع در دوران قبل از ظهور در روایات چندی ترسیم گشته است که تنها به بیان یک حدیث از امام صادق علیه السلام بسنده می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ظلم و ستم همه جا را فرا می‌گیرد؛ قرآن فرسوده و بدعت‌ها از روی هوا و هوس در آن ایجاد می‌شود، آیین یکتاپرستی (اسلام) بی‌محتوا می‌گردد؛ اهل باطل بر اهل حق مقدم می‌شوند؛ مردان به مردان و زنان به زنان قناعت می‌کنند؛ مؤمنان، سکوت اختیار می‌کنند؛ کوچک‌ترها، احترام بزرگ‌ترها را حفظ نمی‌کنند؛ ثناگویی و چاپلوسی زیاد می‌شود؛ آشکارا شراب می‌نوشند؛ راه‌های خیر مسدود و راه‌های شرر مورد توجه قرار می‌گیرد، حلال الهی، حرام و حرام او مجاز شمرده می‌شود؛ قوانین و فرمان‌های دینی، مطابق تمایلات اشخاص تفسیر می‌گردد؛ سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا (فساد و بی‌دینی) مصرف می‌شود؛ رشوه‌خواری در میان کارگزاران دولت رایج می‌گردد و پست‌های حساس به مزایده گذاشته می‌شود؛ قمار آشکار می‌گردد و سرگرمی‌های ناسالم رواج پیدا می‌کند؛ شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران می‌آید، ولی شنیدن باطل آسان و جذّاب می‌شود؛ مردم سنگ‌دل و طرف‌دار زورمداران و قدرت‌مندان می‌شوند؛ آلات لهو و لعب، حتی در مکه و مدینه آشکار می‌شود و اگر

کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست؛ تمام همت مردم، شکم و فرجشان است؛ زنان خود را در اختیار افراد بی‌ایمان می‌گذارند؛ پرچم‌های حق‌پرستی فرسوده و کهنه می‌گردد؛ ویران‌گری و تخریب بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد؛ مردم، عصرها در حال نشئه و صبح‌گاهان مستند؛ هر سال، فساد و بدعتی نو پدیدار می‌شود؛ مردم پیرو ثروت‌مندان خودخواه می‌شوند و...
(کلینی، همان: ج ۸، ۳۶)^۱

به یقین اصلاح این همه ناهنجاری به یک انقلاب بزرگ نیاز دارد و جز در سایه‌سار دولت مهدوی امکان‌پذیر نیست، اما دولت زمینه‌ساز در راستای رسالت زمینه‌سازی خود باید تمامی توان و امکانات خود را برای بهبود این اوضاع نابسامان به کار گیرد. از این‌رو مهندسی فرهنگی کشور امری بایسته و لازم است و به همین دلیل، نیز مقام معظم رهبری بارها بر آن تأکید کرده‌اند. ایشان در تبیین مهندسی فرهنگی فرموده‌اند:

یکی از مهم‌ترین تکالیف ما در درجه اول، مهندسی فرهنگ کشور است، یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و ضرورت‌بخش و کیفیت‌بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه به وجود می‌آید، چگونه باید باشد؟ اشکالات و نواقصش چیست؟ و چگونه باید رفع شود؟ کندی‌ها و معارضاتش کجاست؟ مجموعه‌ای لازم است که این‌ها را تصویر کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد. (بیانات مقام معظم رهبری، هشتم دی ۱۳۸۳)

بنابراین، مهندسی فرهنگی یعنی طراحی و تدوین نقشه‌ای مطلوب و جامع برای اصلاح، تکمیل و ارتقای فرهنگ جامعه. نقشه‌ای که بتواند چیستی و چگونگی فرهنگ را تبیین کند و نه تنها راهبردهای اساسی و کلان که راهکارهای عملیاتی و وحدت‌بخش را در عرصه اصلاح فرهنگ ارائه نماید. از

۱. کلینی دو طریق برای این روایت ذکر کرده که بدین قرار است: «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن بعض اصحابه» و «علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن ابی عمیر جمیعاً عن محمد بن ابی حمزة، عن حمزان عن ابی عبدالله علیه السلام» که هر دو طریق نیز صحیح است.

جمله مهم‌ترین اصولی که در تدوین این نقشه باید متولیان امر، به‌ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی بدان توجه کنند، آینده فرهنگی جهان و آموزه‌های مهدویت است. آموزه‌های مهدویت، باید زیربنای مهندسی فرهنگی واقع شود تا چشم‌اندازی روشن پیش‌روی نهادهای مسئول قرار دهد؛ چرا که فرهنگ مهدوی خود برترین شاخص برای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی است.

راهبردهای دولت زمینه‌ساز برای مقابله با هجمه‌های فرهنگی دشمنان

چنان‌که گذشت، تهاجم به تعالیم و فرهنگ غنی اسلام امری تازه و مختص به زمان حاضر نیست، بلکه از آغاز رسالت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وجود داشته و در دوران ائمه علیهم السلام نیز به اشکال مختلفی رخ نموده و تاکنون نیز ادامه یافته است. قرآن کریم روش مقابله با هجمه‌های دشمنان را بیان فرموده است، آن‌جا که می‌فرماید:

«فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»؛ (بقره: ۱۹۴)

پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان‌گونه که بر شما تعدی کرده بر او تعدی کنید.

آیه شریفه می‌تواند بر این مطلب دلالت کند که همان‌گونه که در جنگ نظامی و اقتصادی، به همان شیوه باید مقابله کرد، در جنگ فرهنگی و فکری نیز باید از روش‌های فکری و فرهنگی بهره جست. علاوه بر این، آموزه روشن قرآنی که مشی کلی مقابله را ترسیم فرموده است، روش رویارویی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام با انواع هجمه‌های فرهنگی نیز باید الگو و راه‌گشای دولت زمینه‌ساز در تدوین برنامه‌های راهبردی قرار گیرد.

۱. بصیرت‌دهی

با نگاهی به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دوره ۲۳ ساله رسالت درمی‌یابیم که اولین اقدام حضرت برای تبلیغ دین، روشن‌گری و آگاهی دادن به مردم بود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با بیان آموزه‌های دین اسلام و تفسیر قرآن، عقول و معرفت

انسان‌ها را رشد داد و علم و دانایی را به جای جهل و نادانی نشان داد تا اعراب در پرتو رشد عقلی و علمی، فرهنگ و آداب و رسوم غلط جاهلی را رها کردند و پذیرای دین مبین اسلام گشتند. تاریخ از حکومت رسول خدا ﷺ، حکومتی بر اساس شمشیر و جنگ ترسیم نمی‌کند، بلکه حکومت حضرت اولاً و بالذات بر پایه عقل و منطق و روشن‌گری است و در صورت عدم تأثیر روش گفت‌وگو و ارشاد و در مرحله بعد از آن، جهاد قرار دارد. بصیرت‌دهی و روشن‌گری سیره و منش امامان هدی علیهم‌السلام نیز بوده است. فریاد روشن‌گرانه حضرت زهرا علیها‌السلام برای مقابله با انحرافات پیش آمده بعد از رحلت پیامبر ﷺ، خطبه‌های روشن‌گرانه امام علی علیه‌السلام و دیگر امامان علیهم‌السلام در صحنه‌های گوناگون رویاروی با افراد جامعه و دشمنان دین، بیانگر روش برخورد ائمه با فتنه‌ها و انحرافات است. پیامبر اسلام ﷺ و امامان هدی علیهم‌السلام هم خود بصیر بودند و هم جامعه را به بصیرت و آگاهی فرا می‌خواندند. آن‌ها هیچ‌گاه از غفلت و جهل مردم یا از تعصبات قومی و جاهلی آن‌ها یا از راه تحریک دشمنان و فریب دادن آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود بهره نرفتند. خدای متعال خطاب به رسول گرامی‌اش می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾؛ (یوسف: ۱۰۸)
 بگو این راه من است و پیروانم و با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنم.

آیه شریفه گویای نقش مهم بینش و بصیرت در افکار و افعال انسان است. ارزش و اعتبار باورها و عملکردهای انسان وابسته به نوع بینش و نگرش اوست. به همین دلیل، همه پیشوایان دین بر بصیرت‌دهی به مردم تأکید داشتند. تعاریف متعددی درباره‌ی واژه بصیرت ارائه شده است که با تأمل در مجموع آن‌ها چنین برداشت می‌شود که بصیرت به معنای بینش عمیق و دقیق به مسائل اجتماعی، سیاسی، معنوی و... و توانایی شناخت اشخاص، گروه‌ها، شرایط، رفتارها، حب و بغض‌ها، اهداف و انگیزه‌ها، تعلقات و هوس‌ها و درک صحیح

و فهم درست از همه این وقایع و تحلیل و ارزیابی آن‌ها با ملاک دین است. با توجه به این تعریف می‌توان گفت دو رکن اصلی بصیرت عبارت است از تشخیص جوانب مختلف یک مسئله و تحلیل آن جوانب بدون توجه به احساسات و هواهای نفسانی.

در پرتو بصیرت می‌توان حق را از باطل و دوست را از دشمن به خوبی باز شناخت و درباره پیش آمده‌های گوناگون، واکنشی صحیح و مناسب نشان داد. بصیرت امری درونی است، اما نمود بیرونی و قوی دارد که در طرز سخن گفتن و رفتار کردن و نوع گزینش‌های فرد در برخورد با روی داده‌ها نمایان می‌شود. فرد بصیر در هنگام بحران‌ها و فتنه‌ها می‌تواند مسیر حق را بشناسد و راه رشد و سعادت را تشخیص دهد و در آن مسیر حرکت کند. حضرت امیر علیه السلام در *نهج البلاغه* می‌فرماید:

إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا
وَاضِحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳)

انسان بصیر کسی است که به درستی بشنود و اندیشه کند و به درستی بنگرد و آگاه شود و از عبرت‌ها پند بگیرد، پس راه روشنی را پیماید و از افتادن در پرتگاه‌ها دوری کند.

آن‌چه در این فرمایش برجسته است نتیجه به کارگیری بصیرت است که مانع از سقوط در پرت‌گاه می‌شود.

منابع بصیرت

در متون روایی، مواردی چند منابع اصلی دست‌یابی به بصیرت معرفی شده‌اند که عبارتند از:

۱. قرآن کریم و سخنان اهل بیت علیهم السلام

امام علی علیه السلام قرآن را از مهم‌ترین زمینه‌های کسب آگاهی و بصیرت می‌داند و می‌فرماید:

وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ نَاطِقٌ لَا يَغَيِّرُ لِسَانَهُ وَ بَيِّنٌ لَا تُهْدِمُ أَرْكَانَهُ وَ عَزٌّ لَا تُهْزِمُ أَعْوَانَهُ... كِتَابُ اللَّهِ يُبْصِرُونَ بِهِ وَ تَنْطِقُونَ بِهِ وَ تَسْمَعُونَ بِهِ وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ وَ لَا يَخْتَلِفُ فِي اللَّهِ وَ لَا يُخَالِفُ بِصَاحِبِهِ عَنِ اللَّهِ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)

کتاب خدا، قرآن در میان شما سخن‌گویی است که هیچ‌گاه زبانش از حق‌گویی کند و خسته نمی‌شود و همواره گویاست. خانه‌ای است که ستون‌های آن هرگز فرو نمی‌ریزد و عزتی دارد که یارانش هرگز شکست ندارند... این قرآن است که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و به بصیرت برسید، با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید. بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد. آیاتش در شناساندن خدا اختلافی ندارد و کسی را که همراهش شود، از خدا جدا نمی‌کند.

حضرت در جای دیگری قرآن را هادی معرفی می‌فرمایند که گمراه نمی‌کند:

وَ اعْلَمُوا أَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ هُوَ النَّاصِحُ الَّذِي لَا يَغْشُ وَ الْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ... وَ اتَّبِعُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ وَ اسْتَغِيثُوا فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)

آگاه باشید! همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید... و رأی و نظر مخالف قرآن را به دخالت هوای نفس متهم کنید.

۲. عقل

عقل از منابع بینش انسان است. مراد از عقل، عقلی است که بتواند به شناخت راه سعادت برسد، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

كَفَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُبُلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ؛ (نهج البلاغه، حکمت ۴۲۱)

عقل تو را کفایت می‌کند که راه گمراهی را از رستگاری نشانت دهد.

امام علیه السلام در جای دیگری فکر را عامل بصیرت معرفی می‌نمایند:

مَنْ طَالَ فِكْرُهُ حَسُنَ نَظَرُهُ؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۷)
هرکس فکرش طولانی شود بینایی او نیکو می‌شود.

۳. علم و دانایی

علم و آگاهی از دیگر منابع کسب بینش و بصیرت است. این معنا در *نهج البلاغه* چنین بیان شده است:

هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَ بَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ...؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷)
دانش آنان را به حقیقت بینای رهنمون می‌سازد و آن را با آرامش یقین به کار می‌بندد...

لکن باید توجه داشت که علم بدون ایمان و تقوا موجب بصیرت نمی‌گردد و عالمی که از علم خود برای رسیدن به خواسته‌های دنیوی و امیال نفسانی استفاده کند، هرگز فرد بصیری نخواهد بود و درهای بصیرت تنها به سوی عالمان مؤمن و باتقوا گشوده می‌شود، چنان‌که قرآن کریم نیز می‌فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ»؛ (اعراف: ۲۰۱)

در حقیقت کسانی که از خدا پروا دارند چون وسوسه‌ای از شیطان به ایشان رسد [خدا را] به یاد آورند و به ناگاه بینا شوند.

۴. تاریخ و سرگذشت گذشتگان

توجه به تاریخ و عبرت‌آموزی از سرگذشت پیشینیان موجب بصیرت و نگرش صحیح به زندگی می‌گردد. به همین دلیل، پیشوایان دین همواره بر تفکر و تأمل در سرگذشت اقوام گذشته تأکید داشته‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَاعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳؛ تمیمی آمدی، همان: ۱۹۱)

خدا رحمت کند کسی را که به درستی فکر کند و پند گیرد و آگاهی یابد و بینا گردد.

بر اساس نص آیات قرآن کریم و کلام وحیانی امام علی علیه السلام، قرآن کریم، عقل، علم و تاریخ - که البته تاریخ نیز نوعی از علم است - از منابع و زمینه‌های کسب بصیرت هستند. در بررسی وضعیت فرهنگی دوران ظهور که براساس روایات معتبر ترسیم گردید نیز این نتیجه حاصل شد که امام مهدی علیه السلام اصلاحات فرهنگی خود را در سه محور رشد و تعالی اخلاقی و معنوی، رشد معرفت دینی و رشد عقل و تکامل علم انجام می‌دهند. مقایسه این دو مقوله به روشنی نمایانگر سیره و منش امام مهدی علیه السلام در سامان‌دهی فرهنگی جامعه است؛ چرا که رشد و تعالی اخلاقی و معنوی و رشد معرفت دینی جز در سایه تفسیر صحیح و تأمل عمیق در قرآن کریم و پای‌بندی به تعالیم وحیانی میسر نیست. همچنین این امر افزون بر رشد عقل و اندیشه و تکامل علم، بصیرتی عمیق را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، روش امام در رویارویی با آشفتگی‌های فرهنگی، همان بصیرت‌دهی و روشن‌گری است، چنان‌که سیره و منش پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز چنین بوده است.

بنابراین، می‌توان دلیل توجه پیشوایان به این مسئله را رابطه تنگاتنگ بصیرت با شناخت دقیق تعالیم اسلامی و نیز عمل و پای‌بندی به آن‌ها دانست؛ همان چیزی که در تضاد با منافع و اهداف دشمنان بوده و آن‌ها را به مبارزه مصمم کرده است. به همین دلیل، ولی فقیه امت اسلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله) نیز بارها بر کسب آگاهی و بصیرت تأکید کرده‌اند. بخشی از بیان ایشان در این باره چنین است:

این‌که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده‌ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آن‌ها کند می‌شود؛ بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی‌تواند آن‌ها را گمراه کند، آن‌ها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد... در زندگی پیچیده اجتماعی امروز،

بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله بصیرت اهمیت بدهند. بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع. این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید... جوانان عزیز! هرچه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت.

امیرالمؤمنین علیه السلام در یک خطبه‌ای از جمله: «إنما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع و أحكام تبدع يخالف فيها كتاب الله»، (نهج البلاغه، خطبه ۵۰) مهم‌ترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد. در همین خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: اگر حق به‌طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر شود، کسی نمی‌تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به‌طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولكن يؤخذ من هذا ضعف ومن هذا ضعف فيمزجان». (همان)

آن کسانی که مردم را می‌خواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص در نمی‌آورند؛ باطل و حق را آمیخته می‌کنند، ممزوج می‌کنند، آن وقت نتیجه این می‌شود که «فهناك يستولى الشيطان على أوليائه»؛ (همان) حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می‌شود، این است که بصیرت می‌شود اولین وظیفه ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود.

... امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قلعه اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. این‌ها به‌طور صریح دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی‌اند. این شد یک معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار شویم، بدانیم که داریم راه غلط می‌رویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن را خشمگین می‌کند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیش‌رفت ملت

ایران خشمگین می‌شود، از موفقیت‌های شما خشمگین می‌شود. از استحکام نظام اسلامی خشمگین می‌شود. شما ببینید از کدام یک از کارهای ما دشمن خشمگین می‌شود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین می‌کند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف می‌کند، ذوق‌زده می‌کند، سعی می‌کند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست‌ورزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه‌داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها می‌شود آن اشتباه را برطرف کرد. (بیانات ایشان در جمع مردم چالوس و نوشهر، پانزدهم مهر ۱۳۸۸)

۲. معرفت بخشی

معرفت بخشی دومین طرح زیربنایی برای مقابله با جنگ فرهنگی دشمنان در دولت زمینه‌ساز می‌تواند به شمار آید. منظور از معرفت، شناخت عمیق و همه‌جانبه صفات، سیره اخلاقی، حکومتی، اجتماعی و اهداف عالی امام مهدی علیه السلام است و به عبارت روشن‌تر معرفت به تمام شئون امام اعم از رهبری سیاسی، مرجعیت علمی و دینی، قضاوت و صدور حکم و ولایت تکوینی و معنوی و تشریعی و... بدیهی است این نوع شناخت جز در پرتو معرفی همه ابعاد شخصیتی حضرت و رسالت عظیم ایشان میسر نیست. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

لَا يَقْدِرُ الْخَلَائِقُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَمَا لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ عَلَى كُنْهِ صِفَةِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَام...؛ (مجلسی، همان: ج ۶۰، ۱۶۹)

مردم از پی بردن به کنه صفت خداوند ناتوانند و همان‌گونه که از پی بردن به گوهر صفت خدای متعال عاجزند توان فهم حقیقت صفت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز ندارند و همان‌سان که از دریافت صفت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عاجزند از درک ژرفای صفت امام نیز دور و بی‌بهره‌اند.

لکن نرسیدن به قله رفیع معرفت کامل امام نباید مانع از دستیابی به درجاتی از معرفت ایشان گردد. در واقع عدم معرفت صحیح و حقیقی مردم به امام یکی از عوامل غیبت بوده است. پس رسالت خطیر دولت زمینه‌ساز شناساندن بایسته و همه‌جانبه امام به جامعه اسلامی در جهان است. امروزه، شناختن امام منحصر در مطالعه تألیفات، شرکت در همایش‌ها یا توجه به برنامه‌های اندک و محدود رادیو و تلویزیون است. این‌ها بسیار خوب و ارزشمند است، لکن کافی نیست؛ چرا که معرفت‌بخشی از این طرق، با ذهن و زندگی افراد آمیخته نمی‌گردد. معرفت باید طوری به جامعه ارائه گردد که همه مردم خواه ناخواه وجود امام را در میان خود حس کنند و خود را در محضر امام ببینند. صرف اعتقاد به این که امام در میان جامعه حضور دارد و ناظر به اعمال انسان‌هاست، کافی نیست؛ این اعتقاد باید به باور و یقین تبدیل شود. خدای حکیم نماز را در هر شبانه‌روز پنج نوبت واجب کرد تا همه در طول شبانه‌روز چندین مرتبه او را به یاد آورند و ناظر و حاضر بر اعمال خود و مالک و متصرف در همه امور بدانند. به همین دلیل، مداومت بر نماز، نوعی ملکه تقوا را به وجود می‌آورد که بازدارنده از بدی‌ها و گناهان است. اگر ارائه معرفت درباره امام علیه السلام به گونه‌ای صورت گیرد که مردم را به شناختی درونی، عمیق و بازدارنده برساند آثار مثبت و سازنده‌ای در جامعه خواهد داشت.

بنابراین، شناخت امام اولاً خود موضوعیت دارد و ثانیاً به دلیل آثار مثبتی که بر آن مترتب است طریقت دارد؛ چرا که معرفت حقیقی، موجب عشق و محبت جهت یافته می‌گردد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «... الْحُبُّ فَرْعُ الْمَعْرِفَةِ» (مجلسی، همان: ج ۶۷، ۲۲) ... دوستی حاصل معرفت است.

چنان محبتی نیز تأثیر عملی گسترده‌ای در عمل و رفتار می‌گذارد. از جمله این تأثیرات می‌توان به دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی، موالات و معادات (تولی و تبری)، شناخت توطئه‌ها و نقشه‌های سازمان‌یافته دشمنان، در امان ماندن از شبهه‌های ملحدان، آراستگی اخلاق و خودسازی، پایداری در مقابل

مفاسد و انحرافات و حفظ دین و اعتقادات اسلامی اشاره کرد، همچنان که عدم شناخت و محبت مستلزم رکود، سقوط یا انحراف و حرکت در جهت ضد ارزش‌ها و دور شدن از مسیر هدایت می‌گردد. از این‌رو به فلسفه تأکید بر معرفت به امام در روایات می‌توان پی برد.

در نتیجه، معرفت و شناخت همه‌جانبه و صحیح و بصیرت عمیق جامعه را در برابر انواع ترفندها و حربه‌های دشمنان برای ضربه زدن به اعتقادات و ارزش‌های اسلامی آسیب‌ناپذیر گردد. این معنا به زیبایی در قرآن کریم بیان شده است، آن‌جا که می‌فرماید:

﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ﴾؛ (مائده: ۱۰۵)

مراقب خود باشید؛ هنگامی که شما هدایت یافتید گمراهی کسانی که گمراه شدند (هرگونه فرهنگ گمراه و گمراه‌کننده) به شما ضرری نمی‌رساند.

راهکارهای مناسب برای بصیرت‌دهی و معرفت‌بخشی

پیش از بیان راهکارهای لازم که باید مورد توجه مجریان راهبردی در هر دو عرصه بصیرت و معرفت قرار گیرد، ذکر دو نکته به عنوان مبنای بحث لازم است: نخست آن‌که مسئولان و هادیان فرهنگی و نیز آحاد مردم باید عظمت خطر تهاجم را به درستی درک کنند و آن را جدی بدانند؛ چرا که در صورت عدم باور عمیق و درک صحیح درباره همه ابعاد مسئله و خطرات ناشی از آن قطعاً نمی‌توان راهبردها و راهکارهای مفید و مؤثری برای مقابله با آن ارائه داد و آن‌ها را عملیاتی کرد؛ نکته دوم این‌که رهبران و مسئولان جامعه در درجه اول، خود باید اهل معرفت و بصیرت باشند تا با عمل خود ملت را امر به معروف و نهی از منکر کنند. آن‌ها نباید طوری عمل کنند که تأییدی بر تلاش‌های ضد اسلامی دشمن باشد و راه را برای او هموار گردانند.

راهکارهای پیش‌نهادی به قرار ذیل است:

الف) در بُعد داخلی

۱. اهتمام جدی به امر به معروف و نهی از منکر برای محو عوامل فساد فرهنگی و اخلاقی و احیای ارزش‌های اسلامی؛
۲. توجه به اصل کرامت انسانی و تکریم شخصیت آحاد جامعه و گرایش آن‌ها به آزادی معنوی و استقلال؛
۳. فراهم ساختن زمینه رشد استعدادها و ظرفیت‌های جوانان و پرورش آن‌ها و حمایت از نیروهای خلاق و متعهد در زمینه‌های فرهنگی و هنری؛
۴. معرفی شخصیت‌های برجسته، مؤمن و متعهد اسلامی همچون علما، اندیش‌مندان، ادبا و هنرمندان و... به عنوان الگوی عملی به جامعه به منظور جلوگیری از الگو شدن شخصیت‌های کاذب غیراسلامی، هنری، ورزشی و... همراه با تبیین ویژگی‌های فکری، اخلاقی و عملی آن‌ها؛
۵. برگزاری دوره‌های آموزشی برای همه آحاد جامعه در هر شغل و موقعیتی که هستند و تعلیم اصول و مبنای دین و آموزه‌های اسلامی به صورت معقول و منطقی به آن‌ها به منظور افزایش سطح آگاهی‌ها و ارائه پاسخ‌های منطقی و مناسب به شبهات و پرسش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی در قالب جلسات پرسش و پاسخ؛
۶. ترویج اصول و ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها و تقویت خودباوری در میان دانش‌جویان از طریق اساتید خبره، آگاه و متعهد؛
۷. تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی هدف‌مند و منسجم در مقاطع مختلف تحصیلی؛
۸. تشکیل و گسترش ستادها، مراکز و مؤسسات فرهنگی، متشکل از تیم فعال و مرکبی از صاحب‌نظران و طراحان فرهنگی تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی؛
۹. نظارت جدی بر محصولات فرهنگی، بازی‌های رایانه‌ای، پوشاک و انواع کالاهای وارداتی؛

۱۰. توجه به نهادهای فرهنگی سنتی مانند کانون‌ها، هیئت‌های مذهبی و فعالیت‌های فرهنگی محلی، نظارت بر عملکرد و حمایت از آنها؛
۱۱. چاپ و انتشار کتب، مجلات و جزوات آگاهی‌دهنده و معرفت‌بخش و توزیع گسترده در مراکز دولتی، مدارس، دانشگاه‌ها و... و جلوگیری از انتشار نشریات و کتب گمراه‌کننده؛
۱۲. نظارت متخصصانه و متعهدانه بر عملکرد رسانه ملی و تقویت و تشویق و یا هشدار به آن در مواقع مقتضی؛
۱۳. ایجاد رقابت سالم در تولید برنامه‌های تلویزیونی، فیلم و نمایش‌نامه و... با روی‌کرد ارزشی و اخلاقی و با ایده‌ای قرآنی و اسلامی و تشویق هنرمندان متعهد؛
۱۴. ایجاد اشتغال سالم و واگذاری امور به افراد متخصص، متعهد و کاردان و برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت جوانان و نوجوانان؛
۱۵. تشکیل اتاق‌های فکر برای تأمین دانش و بصیرت و مدیریت راهبردی فرهنگی؛
۱۶. جهت‌دهی فعالیت‌های هنری - علمی و اجتماعی بر محور قرآن و معارف قرآنی و یا تولید فرهنگ و هنر قرآنی.

ب) در بُعد بین‌المللی

۱. مطالعه و پژوهش عمیق در حوزه‌های مختلف فرهنگ اسلامی با هدف مناظره و بحث با نظریه‌پردازان و متفکران غیراسلامی و روشن‌فکرانهای اسلامی و شناساندن فرهنگ و معارف اصیل اسلامی به ایشان؛
۲. تربیت مبلغان متخصص و متعهد و آشنا به زبان، فرهنگ و جریان‌های فکری حاکم در جهان جهت ورود به عرصه‌های مهم علمی و محافل دانشگاهی جهان و تعامل با روشن‌فکران و دانشگاهیان و حتی برقراری ارتباط با مردم و تبیین عقلانی و علمی آموزه‌های دینی و مهدوی؛

۳. ارتباط مداوم با مراکز اسلامی در کشورهای جهان به منظور مبادله اطلاعات لازم و ارزیابی نیازهای دینی، فرهنگی و تبلیغی هر کشور و اقدام مؤثر در این زمینه؛

۴. تشکیل کنفرانس‌های جدی و عمیق توسط کشورهای اسلامی و دولت‌های زمینه‌ساز با هدف برنامه‌ریزی‌های دقیق و اصولی در موضوع توسعه و توانایی فرهنگی و مقابله با انواع تهاجمات و استفاده از تمامی امکانات دنیای اسلام در راستای تحقق برنامه‌های مصوب.

ج) در ابعاد داخلی و بین‌المللی

۱. تربیت نیروی انسانی آگاه، متعهد و متخصص به انگیزه تبیین ابعاد و اهداف جنگ نرم برای مردم به‌ویژه جوانان در سطح جامعه و جهان؛ چرا که تبیین و تبلیغ فرهنگ اسلامی بدون کالبدشکافی فرهنگ‌ها و مکاتب انحرافی و نیت‌های سوء بدخواهان تأثیر بسزایی نخواهد داشت؛

۲. به کارگیری تکنولوژی نوین، فن‌آوری‌های کارآمد و استفاده از همه ظرفیت‌ها و سرمایه‌های فرهنگی برای شناخت چالش‌ها و نقطه‌ضعف‌ها و ارزیابی جهت‌گیری‌های فرهنگی در سطح ملی و جهانی در سال‌های آتی و اصلاح و ارتقای فرهنگی؛

۳. اطلاع‌رسانی مستمر همراه با تحلیل و تفسیر صحیح و واقعی از مسائل و ارائه معیارهای اسلامی و ارزش‌های دینی و اخلاقی؛

۴. تولید رسانه فرهنگی مانند روزنامه یا شبکه‌های تلویزیونی و رادیوی ملی و فراملی یا ایجاد رسانه مشترک اسلامی به منظور تبلیغ اندیشه‌های اسلامی در سطح جهان؛

۵. حضور فعال نهادها و مؤسسات فرهنگی اسلامی در فضای اینترنتی و گسترش معارف اسلام و قرآن در فضای مجازی.

نتیجه

جهان در عصر حاضر سرشار از فساد، بی‌دینی و جهالت است و این همه حاصل تلاش‌های بی‌وقفه دشمنان برای مقابله با دین اسلام و ارزش‌های متعالی الهی است. این مفاسد و ناهنجاری‌ها در آستانه ظهور به انجام خود می‌رسد. امام مهدی عج اقدامات وسیعی را برای سامان دادن به مسائل فرهنگی در جهان اجرا خواهد کرد و مدینه فاضله آرمانی را محقق خواهد نمود.

روایات اوضاع فرهنگی جهان را در عصر ظهور در نهایت پیش‌رفت و تعالی ترسیم کرده‌اند. امام عج برای به ثمر رساندن چنین انقلاب عظیم فرهنگی، رشد و تعالی دین و معنویت، اخلاق و علم و عقل را محورهای اساسی اقدامات اصلاحی خود قرار خواهد داد و با قاطعیت هرچه تمام‌تر و با استفاده از تمامی امکانات فرهنگی و تربیتی و در پرتو منطق و استدلال عقلی به ابطال عقاید باطل و تبیین صحیح آموزه‌های اسلامی و روشن‌گری و ارشاد خواهد پرداخت و از این طریق جامعه جهانی را به سطح‌اعلای تکامل دینی، اخلاقی، علمی و عقلی می‌رساند. اقدامات اصلاح‌گرایانه امام عج و نیز روش ایشان در محقق ساختن برنامه‌های اصلاحی خود، الگوی کامل دولت زمینه‌ساز برای مقابله با آشفتگی‌های فرهنگی است.

بنابراین، دولت زمینه‌ساز نیز باید همان اقدام اصلاحی اساسی امام را در پیش گیرد، یعنی بصیرت‌دهی و روشن‌گری به همراه معرفت‌بخشی درباره امام عج را در رأس برنامه‌های فرهنگی خود قرار دهد و برای عملیاتی کردن این دو برنامه اساسی و کلان، راهکارهای مؤثری را در پیش گیرد که شماری از آن در این نوشتار یاد شد. بدیهی است در صورت اجرای صحیح این راهبردها و راهکارها تک‌تک افراد جامعه در برابر انواع ترفندها و هجمه‌های دشمنان آسیب‌ناپذیر خواهند شد.

منابع

۱. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن، انتشارات مؤسسه صاحب‌الامر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، السنن، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی‌تا.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی المعرفة الائمة، تبریز، انتشارات بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ش.
۴. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سیدطیب موسوی جزائری، ۱۳۸۷ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۶. حکیمی، محمد، عصر زندگی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۴ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، مطبعة العلمية، بی‌تا.
۸. _____، وسائل الشیعه، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ق.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۱۱. _____، من لا یحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، قم، انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام‌الوری، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۷ق.
۱۴. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، بی‌تا.
۱۵. کارگر، رحیم، آینده جهان، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی مهدی موعود، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مروزی، نعیم بن حماد، *کتاب الفتن*، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *تهاجم فرهنگی*، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ش.
۲۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد*، بیروت، انتشارات دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۲۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبه*، قم، انتشارات انوار الهدی، ۱۴۲۲ق.

راهبردهای تولید، انتقال و بازخورد فرهنگ مهدویت

علی میرزامحمدی^{*}

چکیده

بحث مهدویت در مهندسی فرهنگی کشور جایگاهی انکارناپذیر دارد. بر این اساس در این نوشتار، راهکارهای فرهنگی برای گسترش فرهنگ مهدویت در سه مرحله تولید فرهنگی، مبادله و انتقال فرهنگی، ارزیابی و بازخورد تولید بررسی می‌شود. در تولید فرهنگی، با توجه به تعریف معانی و مفاهیم مهدویت، مشخص کردن ابعاد و کارکردهای مختلف مهدویت، ترجمه و تفسیر معانی به زبان عامه و روز (تعاریف عملیاتی) و تبدیل معانی به محصولات فرهنگی قابل عرضه، محصولات فرهنگی تولید می‌گردند. مرحله مبادله و انتقال فرهنگی در سه مرحله انتقال فرهنگ مهدویت با تعامل رودررو، تعامل رسانه‌ای و تعامل شبه‌رسانه‌ای پی‌گیری می‌شود. سپس موانع و مشکلات پیش روی دو مرحله پیشین بررسی می‌گردد و در پایان به شیوه‌های ارزیابی بازخورد و کنترل موانع و مشکلات پیش رو در اشاعه فرهنگ مهدویت پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

مهدویت، مهندسی فرهنگی، شبه تعامل رسانه‌ای، بازخورد فرهنگی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران.

برای چینش الگوی فرهنگی در جامعه، باید به مؤلفه‌های اعتقادی مردم توجه داشت. یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگی، به‌ویژه در جامعه‌ای که فرهنگ آن مبتنی بر پذیرش توحید و عدالت شکل گرفته است و بزرگ‌ترین دغدغه فرهنگی آن جامعه را دین‌داری و گرایش به عرفان و ایمان دینی تشکیل می‌دهد، مسئله مذهب و عناصر متعلق به آن است. در جامعه شیعی ایران نیز اعتقاد به مهدویت، عنصر مهم فرهنگی است. در تحولات سیاسی ایران طی دوران گذشته، یکی از مؤلفه‌های بااهمیت و تأثیرگذار، مسئله مهدویت بوده است. به‌طوری که نمی‌توان فلسفه تاریخ شیعه را بیان کرد و به مسئله مهدویت توجهی نکرد. بسیاری از مصلحان سیاسی و اجتماعی در دوران تاریخ، خود را به مفهوم انتظار متصل کرده بودند. بسیاری از خیزش‌های سیاسی به بحث مهدویت مربوط بوده است. در بحث روان‌شناسی اجتماعی نیز مهدویت تأثیر درخور توجهی از جمله سامان دادن به وضعیت درونی افراد دارد. در طول تاریخ شیعه نیز انسان‌های معتقد به مهدویت، هم در عرصه فردی و هم اجتماعی، زمینه آمادگی را در خود و محیط اطراف خود به وجود می‌آوردند. افرادی که به دنبال ترسیم مهندسی فرهنگی برای جامعه ما هستند، باید کارکردهای فرهنگ مهدویت را مد نظر قرار دهند. فرهنگ مهدویت عبارت است از یک سری هنجارها، ارزش‌ها، شعائر و سازه‌های معرفتی خاص که بر پایه اعتقاد به منجی شکل گرفته است.

نیل پستمن محقق شهیر امریکایی معتقد است: «مشکلی که من در نظام آموزشی کنونی مشاهده می‌کنم، نبود خدای تعالی است.» (پستمن، ۱۳۸۶: ۱۲) مهدویت پاسخگوی این نیاز گمشده بشری است. در عرصه فلسفه تاریخ، سیاست، آینده جهان و حتی عرفان، مؤلفه مهدویت می‌تواند کارکرد پیدا کند. در دوره مدرن، پرسش‌هایی که انسان معاصر آن‌ها را مطرح می‌کند، بدون تردید مذهب در پاسخ می‌تواند به آدمی کمک کند؛ به‌ویژه در طرح سؤال‌های

جدی و اساسی درباره جاودانگی، سعادت، خوبی و مفاهیم اخلاقی و انسانی که مذهب به آنها پاسخ داده و راهکار پیشنهاد می‌کند. با این تفاسیر در مباحث فلسفه تاریخ، آینده جهان و مسائل سیاسی و فرهنگی، بحث مهدویت نیز نمود می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت، بحث مهدویت در مهندسی فرهنگی کشور جایگاهی انکارناپذیر دارد. مهندسی فرهنگی در عرصه مهدویت را می‌توان معطوف به شیوه طراحی و عملیاتی کردن نظام‌های ارزشی یک جامعه معرفی نمود؛ به طوری که این روش مهندسی، فارغ از تأمین و تضمین معیشتی اجتماع، متضمن ترویج و تعمیق باورها و ارزش‌های دینی توده جامعه باشد. متأسفانه نبود استراتژی واحد فرهنگی بزرگ‌ترین معضل و ویروس در حوزه مدیریت راهبردی فرهنگ کشور است به نظر می‌رسد آموزه مهدویت متشکل از عناصر فرهنگ‌زا، این پتانسیل را در درون خود دارد که راهبری اجتماعی و مهندسی نظام فرهنگی کشور را به عهده گیرد. جامعه ما در عرصه فرهنگ محتاج برنامه‌ریزی استراتژیک فرهنگی معطوف به فرهنگ مهدویت است. برنامه‌ریزی استراتژیک به برنامه‌ای گفته می‌شود که خطوط کلی برنامه‌های آینده، نیز سیر کلی حرکت‌ها تا رسیدن به اهداف ایده‌آل را مشخص نماید. بر این اساس در این نوشتار برآنیم به پاسخ سؤالات زیر دست پیدا کنیم:

چه مدلی را می‌توان برای راهکارهای فرهنگی در گسترش فرهنگ مهدویت ترسیم نمود؟

بر اساس این مدل چه ابعادی را باید در مدیریت فرهنگی در نظر گرفت؟
موانع احتمالی و شیوه مقابله با آنها در گسترش فرهنگ مهدویت چیست؟

تعریف مفاهیم پایه و اساسی

۱. فرهنگ

توافق بر سر تعریف واحدی برای این اصطلاح پیچیده و بسیار مهم، کاری دشوار است. ال. کروبر و سی. کلوکهون فرهنگ را شامل الگوهای آشکار و

ناآشکار از رفتار و برای رفتار می‌دانند که به واسطه نمادها حاصل می‌شود و انتقال می‌یابد. هسته اصلی فرهنگ شامل عقاید سستی و به‌خصوص ارزش‌های وابسته به آن است. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۶۳۰) تایلور فرهنگ یا تمدن را مجموعه پیچیده‌ای شامل دانش‌ها، باورها، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و دیگر عادات و توانایی‌هایی می‌داند که انسان به عنوان عضو جامعه آن را داراست. (کوزر، ۱۳۸۷: ۴۴) فرهنگ، یادگرفتنی است؛ به جنبه‌های گوناگونی تقسیم می‌شود؛ تغییرپذیر است؛ شامل قواعدی است که تجزیه و تحلیل آن را به روش‌های علمی ممکن می‌کند و وسیله‌ای است که فرد به کمک آن با محیط خود سازگار می‌شود. (همو: ۶۵-۶۶) فرهنگ‌شناسان معتقدند بخشی از فرهنگ معمولاً در ناقل‌های فرهنگی و کلام رایج نمی‌گنجد و تنها می‌توان به تحلیل کیفیت‌های ذهنی یا غیرذهنی آن پرداخت؛ خواه تحلیل‌کننده آن از این فرهنگ باشد یا نباشد (فرهنگ نهان یا ضمنی). (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۶۳۹)

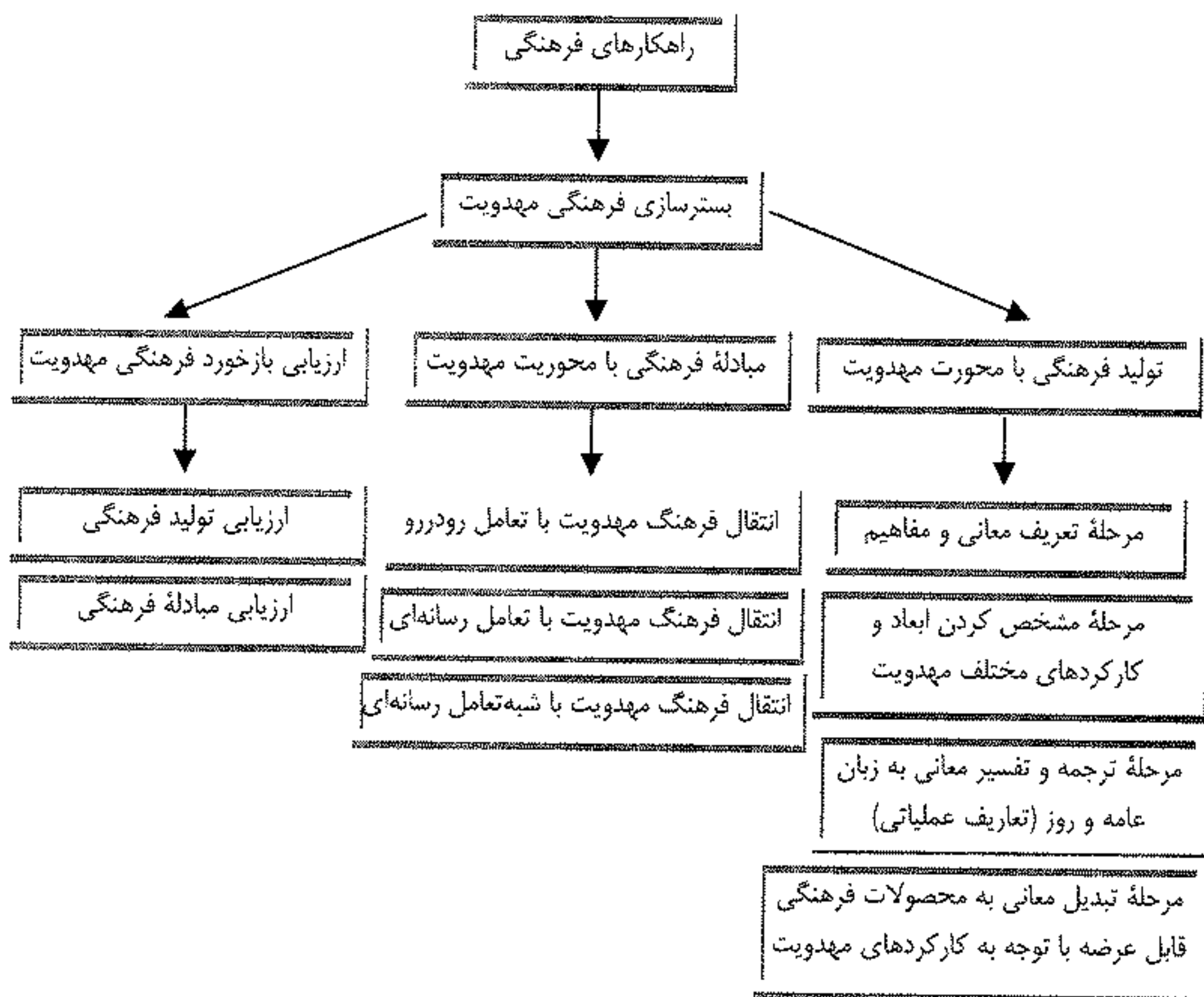
۲. مدیریت راهبردی فرهنگی کشور با محوریت مهدویت

نظام مدیریت عالی (راهبردی) فرهنگی کشور به امر تعیین سیاست‌های کلان، تدوین برنامه‌های راهبردی، هدایت و انجام نظارت عالی بر فرایند انجام مهندسی فرهنگ، و مهندسی فرهنگی کشور می‌پردازد. (فرهی پورزنجانی، ۱۳۸۶: ۲۹) از امور فرهنگی که زیربنای فرهنگ را تشکیل می‌دهند به فرهنگ تعبیر کرده‌اند. به عبارت دیگر، خود این امور فرهنگی، تولیدکننده فرهنگ نیز محسوب می‌شوند. از مهم‌ترین این امور، مذهب است. (پیروزمند، ۱۳۸۶) با توجه به محوریت مذهب در جامعه، یکی از عناصر کلیدی در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور مهدویت است.

۳. مدل راهکارهای فرهنگی برای گسترش فرهنگ مهدویت

مدل مفهومی هر جزء از گستره چیزهایی که نوعی پیوستار را تشکیل می‌دهند و تصور و تجسم یک مصنوع یا بیان خصوصیات آن با کلمات است،

به گونه‌ای که بتوان درباره دستگاہی که این مصنوع مدلی از آن است نتیجه‌گیری کرد. (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۷۶۲) بر اساس مدلی که برای راهکارهای فرهنگی گسترش فرهنگ مهدویت ارائه می‌شود نیز باید بتوان نتیجه‌گیری‌هایی درباره اشاعه فرهنگ مهدویت در سطوح مختلف اجتماعی و فردی به عمل آورد. در مدل‌هایی که از مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی پیش از این ارائه شده بود، حوزه مدیریت به سه حوزه راهبردی، پشتیبانی و اجرایی تقسیم‌بندی می‌شد (نک: فرهی پورزنجان، ۱۳۸۶) ولی آنچه در این نوشتار ارائه می‌شود، بیش‌تر محصولات فرهنگی با محوریت مهدویت را که قابلیت انتقال و مبادله دارند مد نظر دارد.



جدول ۱. مدل راهکارهای فرهنگی برای گسترش فرهنگ مهدویت

راهبردها و راهکارهای تولید، انتقال و بازخورد فرهنگ مهدویت

در این نوشتار، راهکارهای فرهنگی برای گسترش فرهنگ مهدویت را در سه مرحله جست‌وجو خواهیم نمود:

۱. تولید فرهنگی با محوریت مهدویت

مراحل تولید فرهنگی با محوریت مهدویت را در ۴ مرحله دنبال می‌کنیم:

الف) مرحله تعریف معانی و مفاهیم مهدویت

مفاهیم صرفاً ابزارهایی هستند که کارکرد مختصر و سودمندی دارند. آن‌ها تلخیص انتزاعی مجموعه کاملی از رفتارها، نگرش‌ها و ویژگی‌هایی هستند که از نظر ما وجه مشترکی دارند. در این مرحله لازم است مفاهیم مهدویت توسط اهل فن و حکما تدوین شود. احادیث معتبر و اسناد دست اول جمع‌آوری شده و در دایرةالمعارفی تدوین شود. البته چنین کاری انجام شده است، ولی بازنگری در آن ضروری است.

ب) مرحله مشخص کردن ابعاد و کارکردهای مختلف مهدویت

افرادی که به دنبال ترسیم مهندسی فرهنگی برای جامعه ما هستند، باید کارکردهای مهدویت را مد نظر قرار دهند. برای مشخص کردن کارکردها لازم است ابعاد چندگانه مهدویت مشخص شود. دکترین مهدویت یقیناً سرشار از معارف غنی است، ولی برای جلوگیری از پراکنده‌گویی‌ها لازم است ابعاد آن مشخص گردد و بر اساس این ابعاد کارکردها تدوین شود. در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری لازم است. مقصود از جامع‌نگری آن است که در هنگام گفت‌وگو درباره یک موضوع، مجموعه معارف مهدویت به صورت کل مورد مطالعه قرار گیرد. وقتی مفاهیم مهدویت به صورت ناقص و تک‌بعدی بیان شوند و جامع‌نگری رعایت نشود، ممکن سوءبرداشت‌هایی را دامن زند و چهره غیرواقعی از آن ارائه شود. برای مثال، با ملاحظه روایاتی که از جنگ طولانی و خون‌ریزی فراوان خبر داده است، چهره بسیار خشنی از امام غایب

ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی (عج) را بیان کرده است و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جد گرامی‌اش پیامبر مکرم اسلام (ص) معرفی کرده است، غافل می‌مانند. بنابراین گفت‌وگو درباره موضوع مهدویت، صلاحیت علمی کافی می‌خواهد و آن‌ها که چنین صلاحیتی ندارند، نباید به این میدان وارد شوند و ورود آن‌ها به این عرصه به فرهنگ مهدویت آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.

ج) مرحله ترجمه و تفسیر معانی به زبان عامه و روز (تعاریف عملیاتی)

در این مرحله باید مفاهیم و ابعاد مختلف مهدویت را در قالب زبان روز و عامه‌فهم ارائه دهیم، به گونه‌ای که بتوان بازخورد آن را با مقیاس‌های کمی یا کیفی ارزیابی نمود. عوامل مؤثر در این مرحله شامل نوع مفهوم، نوع قالب بیان و زبان، نوع مخاطب، مکان و زمان ارائه است. همان‌گونه که در ادامه خواهیم دید، مشکل اصلی ما در همین مرحله است. به عبارت دیگر، ما نیازمند مترجمانی هستیم که تجلی باطنی مذهب شیعه را وارد جامعه کنند. حضور امام (ع) برای ما در بطن سیاست و فقه ما یک حضور زنده و عینی است. اما شیعه در ترجمه معانی خودش به زبان روز مشکل دارد. ما برخلاف غربی‌ها این معنا و مفهوم را به زبان و برهان عامه ترجمه نکرده‌ایم. ما به حکمایی نیاز داریم که کار ترجمه، تنزیل و تمثیل معنا را انجام دهند.

د) مرحله تبدیل معانی به محصولات فرهنگی قابل عرضه با توجه به کارکردهای

مهدویت

در این مرحله معانی به مصادیق عینی تبدیل می‌شوند و به صورت کتاب، فیلم، سایت، وبلاگ، سی‌دی، نمایش، تئاتر، همایش، گفت‌وگو، سخنرانی، برنامه تلویزیونی یا رادیویی، پوستر، عکس و حتی نمادهای غیرکلامی و از این دست درمی‌آیند. باید سعی کرد مفاهیم مهدویت را در پس‌زمینه محصولات فرهنگی، بدون آن‌که شعاری جلوه کند ارائه داد. برای مثال، درباره کتاب، جامعه امروز نیاز دارد برای گروه‌های سنی مختلف کتاب‌های خاص آن گروه

تولید شود و نوشتن یک کتاب، به عنوان کتاب دینی کفایت نمی‌کند. نه تنها باید کتاب‌هایی نوشته شود که ظاهر آن‌ها دینی است، بلکه کتاب‌هایی که دین مبنا هستند نیز باید تولید شوند؛ یعنی کتاب‌هایی که ظاهر آن‌ها دینی نیست اما دین مبنا هستند. (کتاب‌هایی که بدون ظاهر دینی و وجود آیات و روایات در آن‌ها و بدون تصریح یا استناد به دین یا چهره‌های دینی، مفاهیم دینی داشته باشند.) محصولات فرهنگی مهدویت را می‌توان از نظر شکل و محتوا، قالب و مخاطب طبقه‌بندی نمود. برای مثال، کتاب‌های مهدوی در جدول زیر طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول ۲. مقوله‌بندی کتاب‌ها به عنوان محصول فرهنگی			
شکل	محتوا	قالب	مخاطب
کتاب	مفاهیم	داستانی	کودکان
	کارکردها	شعر	نوجوان
	مصادیق	فلسفی	جوان
	تطبیق	مذهبی	میان‌سال
	...	...	خاص (نخبه‌ها، غیرمسلمان‌ها...)

تولید فرهنگی تبدیل معانی با سطح انتزاع بالا به سطوح پایین‌تر انتزاع است. جدول زیر مراحل تولید فرهنگی با محوریت مهدویت را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ارتباط مراحل تولید فرهنگی با محوریت مهدویت با سطوح انتزاع	
سطح انتزاع	مراحل تولید فرهنگی با محوریت مهدویت
بالا	الف) مرحله تعریف معانی و مفاهیم
	ب) مرحله مشخص کردن ابعاد و کارکردهای مختلف مهدویت
	ج) مرحله ترجمه و تفسیر معانی به زبان عامه و روز (تعاریف عملیاتی)
پایین	د) مرحله تبدیل معانی به محصولات فرهنگی قابل عرضه با توجه به کارکردهای مهدویت

۲. مبادله و انتقال فرهنگی با محوریت مهدویت

پس از تولید محصولات فرهنگی و ایجاد پس‌زمینه‌های آن، باید کار را برای مبادله و انتقال آن به سطح جامعه و حتی سایر نقاط جهان تسهیل نمود. قدرت واقعی مهدویت نه تنها در محتوای آن، بلکه باید در بیان حکمای ما نیز نمود پیدا کند. مخاطب‌گزینی و پیدا کردن زبان مناسب اهمیت ویژه‌ای دارد. با الهام از تامپسون، نظریه پرداز رسانه، بهتر است بین سه نوع تعامل که به واسطه رسانه‌های ارتباطی ایجاد می‌شود، تمایز قائل شده و شیوه‌های بهره‌گیری از این سه شیوه را در انتقال فرهنگ مهدویت جست‌وجو کنیم.

الف) انتقال فرهنگ مهدویت با تعامل رودررو

این نوع تعامل در بافت حضوری به وقوع می‌پیوندد. انتقال فرهنگ مهدویت به این شیوه ویژگی گفت و شنودی (دیالوژیک) دارد. از این‌رو لازم است مبلغان این فرهنگ با روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ارتباطات و انسان‌شناسی فرهنگی آشنایی داشته باشند. مهم‌ترین وجه این نوع انتقال در عرصه کلان و جهانی برقراری ارتباط میان فرهنگی است. برقراری ارتباط از دو راه صورت می‌گیرد: از طریق زبان و از راه ارتباط غیرکلامی یا آنچه ادوارد تی هال (۱۹۵۹) زبان خاموش می‌نامد. (فرارو، ۱۳۷۹: ۷۷) داشتن مهارت در زبان دوم، مبلغان فرهنگ مهدویت را در عرصه جهانی کمک می‌کند انگاره‌های برقراری ارتباط را در بافت فرهنگی مناسبشان درک کنند و همچنین روابط نزدیک فراگیری با خارجیان برقرار سازند. ۹۵ درصد مردم جهان به حدود صد زبان صحبت می‌کنند. انتقال فرهنگ مهدویت با این زبان‌ها به برنامه‌ریزی گسترده‌ای نیاز دارد. بعد دیگر انتقال فرهنگ مهدویت، در نظر گرفتن ارتباط غیرکلامی است. حالات چهره، حرکات و اشارات دست و رابطه چشمی از جمله آن‌هاست. در انتقال فرهنگ مهدویت باید از این بعد، کمال بهره را برد.

غرب از تعامل رودررو برای مبارزه با فرهنگ مهدویت بهره می‌گیرد که نمونه آن، کنفرانس تل‌آویو بود. این کنفرانس که ظاهراً با هدف تحلیل

انقلاب‌های شیعی به‌خصوص انقلاب اسلامی ایران تشکیل گردید و ظاهراً جمله مشهور «اینان به اسم امام حسین علیه السلام قیام کرده و به اسم امام زمان علیه السلام قیام خود را حفظ می‌کنند» در این نشست بیان گردیده و در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که انتظار سبز شیعیان را باید سیاه کرد. پس از این کنفرانس، ساختن فیلم و بازی‌های رایانه‌ای درباره مسئله مهدویت به شکل چشم‌گیری گسترش یافت.

ب) انتقال فرهنگ مهدویت با تعامل رسانه‌ای

در تعامل رسانه‌ای می‌توان فرهنگ مهدویت را در اشکال تعاملی همچون نامه‌نویسی و گفت‌وگوی تلفنی با استفاده از یک رسانه فنی (کاغذ، سیم برق، امواج الکترومغناطیسی و...) به افرادی که در دوردست از نظر مکان، زمان یا هر دو قرار دارند منتقل نمود. شکل مدرن تعامل رسانه‌ای، ایمیل و چت کردن است. این دو شیوه به سبب پتانسل‌های قوی که در خود دارند، می‌توانند به شکل گسترده مورد استفاده قرار گیرند. در اتاق چت، فضایی برای دعوت از افراد وجود دارد که می‌توان از آن بهره برد و به شیوه‌های ماهرانه، زمینه آشنایی افراد را با فرهنگ مهدویت فراهم کرد.

ج) انتقال فرهنگ مهدویت با تعامل شبه‌رسانه‌ای

در تعامل شبه‌رسانه‌ای، فرهنگ مهدویت توسط روابط اجتماعی احراز شده به واسطه رسانه‌های تسوده‌ای (کتاب، روزنامه، تلویزیون، رادیو، سایت، وبلاگ و...) منتقل می‌شود. شبه‌تعامل رسانه‌ای مانند تعامل رسانه‌ای در طول مکان و زمان گسترده است. در شبه‌تعامل رسانه‌ای، فرهنگ مهدویت برای گستره نامعینی از گیرندگان بالقوه ساخته می‌شود. شبه‌تعامل در نهاد خود ویژگی تک‌گویی دارد؛ بدین جهت که جریان ارتباط یک‌طرفه است. غرب در سال‌های اخیر در مبارزه علیه مهدویت از شبه‌تعامل رسانه‌ای بهره بسیاری برده است. به اختصار به ذکر برخی از اقدامات اشاره می‌گردد: ۱. فیلم نوستراداموس، ۲. بازی رایانه‌ای مشهور به «جهنم خلیج

فارس»^۱ ۳. نوشتن و چاپ کتاب توسط صهیونیست‌ها با عناوین زمین سیاره بزرگ محروم، جهانی نوین در حال رسیدن است، شما و سال ۲۰۰۰، چه بر سر ما می‌آید و ده‌ها نوشته و مقاله دیگر در این باره، ۴. تبلیغ جنگ آرماگدون. دکتر حسن بلخاری درباره ابعاد مختلف رسانه‌ها یا آنچه ما در این نوشتار، تعامل شبه‌رسانه‌ای نامیدیم، درباره مهدویت معتقد است:

مسئله مهدویت برای غرب پس از انقلاب اسلامی ایران مطرح شد. جهان امروز جهان تصویر است و مسئله آینده‌نگری (فیوچرسم) در دهه‌های گذشته برای غرب بسیار مطرح بوده است. آینده‌نگری در غرب، ریشه در روش علم تجربی، نگرش‌های سیاسی و اندیشه‌های مذهبی دارد. امریکا با نشان دادن آینده تاریک و خونین بشر در فیلم‌های خود، سعی دارد خود را منجی آینده بشریت معرفی کند. جهان امروز، جهان تصویر است و عمده‌ترین مصداق این تصویر، سینماست... ما در شبانه‌روز بین ۷۸ تا ۷۹ درصد اطلاعات دریافتی را از چشمان به دست می‌آوریم. طبق تحقیقاتی که طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته صورت گرفته، انسان با نیم‌کره راست مغزش با اطلاعات، برخورد شهودی می‌کند و این اطلاعات، بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین تأثیرات را روی شخصیت انسان می‌گذارد. بنابراین، تصویر، کارآمدترین عامل، نه تنها برای انتقال معلومات، بلکه برای تأثیرگذاری روی شخصیت و روان افراد است. غرب در ذات تکنولوژیکی خودش تفوق طلب است. در فلسفه علم مطرح می‌شود که علم فی حد نفسه قدرت می‌آورد و به قول فرانسیس بیکن در آغاز رنسانس: «هدف نهایی علم، قدرت است». در چنین فضایی، غرب برای اعمال این قدرت و کسب مطامع بیش‌تر، از تصویر بهترین استفاده را می‌کند. هالیوود مرکز فیلم‌سازی امریکا است که در هر سال ۷۰۰ فیلم تولید می‌کند و سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار سود خالص دارد و نزدیک به ۷۸٪ سینماها و تلویزیون‌های جهان از آن تغذیه می‌شوند. در غرب فیلم خشتی وجود ندارد.^۲

۱. www.bachehayeghalam.ir

۲. این گفت‌وگو با عنوان فرعی «فیلم‌سازان امریکایی، مهدویت را نشانه گرفته‌اند» منتشر شده است. (www.porsojoo.com/fa/node/1326)

در شبه‌تعامل رسانه‌ای، ابزار سینما اهمیت بیش‌تری دارد؛ زیرا تصویر و سینما، احساس و ادراک را به صورت توأمان درگیر می‌کند. وانگهی، تصویر یک زبان بین‌المللی است که حتی بدون دانستن زبان و کلام دیگری می‌توان، پیام را به همه کس و در هر شرایطی منتقل ساخت.

(د) استفاده بهینه از سه شیوه انتقال و گسترش فرهنگ مهدویت

برای گسترش فرهنگ مهدویت، باید نقاط قوت و ضعف‌های هر سه نوع تعامل را در انتقال پیام شناسایی کنیم. از میان سه شکل انتقال، در شبه‌تعامل، نظارت بازتابی واکنش‌های دریافت‌کنندگان پیام وجود ندارد (تامپسون، ۱۳۸۰: ۱۱۹) و از همین ناحیه نیز ممکن است فرهنگ مهدویت آسیب ببیند. برای مقابله با این نقطه ضعف باید تأثیرات شبه‌تعامل رسانه‌ای را در جامعه با تحقیقات و نظرسنجی‌های گسترده بررسی نمود و نقاط ضعف احتمالی را تخفیف داد. مثلاً برنامه «به سوی ظهور» در شبکه دوم سیما و آن هم در روز تعطیل و در ساعتی پخش می‌شود که کم‌تر کسی به تلویزیون نگاه می‌کند، ولی ممکن است برنامه‌سازان از بازتاب آن در جامعه چندان باخبر نباشند. محصور کردن مهدویت به روزهای پنج‌شنبه و جمعه و روزهای تعطیل به‌طور ناخواسته به فرد القا می‌کند که شاید فرهنگ مهدویت با کار و اشتغال چندان ارتباطی نداشته باشد!

در گفت‌وگوی رودررو مسئله زبان، چه کلامی و چه غیرکلامی، اهمیت ویژه‌ای دارد. در کنفرانس‌ها و همایش‌های مهدویت، باید به مسئله ارتباط زبان غیرکلامی اهمیتی ویژه داده شود. حتی به ارائه‌دهندگان مقالات باید آموزش‌های خاص داده شود تا ارائه‌های جذابی از مقالات داده شود. استفاده از زبان تصویر و ترجمه مبانی نظری مهدویت به زبان تصویر باید در متن این کنفرانس‌ها و همایش‌ها قرار گیرد. ترجمه معنا به تصویر، باید مهم‌ترین بُعد ارتباط باشد. هیچ کلامی تأثیر تصویر را ندارد و هر تصویر معادل هزار کلمه است.

مسئله دیگر، ارتباط و هماهنگی بین سه شیوه انتقال فرهنگ مهدویت است. غرب از تعامل رودررو (کنفرانس‌ها) به این نتیجه می‌رسد که برای مبارزه با فرهنگ مهدویت باید به ساخت فیلم و نوشتن کتاب و... روی آورد و بین سه شیوه انتقال مفاهیم در آن‌ها هماهنگی و یکپارچگی وجود دارد. متأسفانه در جامعه ما بین سه شیوه انتقال فرهنگ مهدویت هماهنگی وجود ندارد و عملاً بازخورد تعاملات رودررو را در دو سطح دیگر (تعامل رسانه‌ای و شبه‌تعامل رسانه‌ای) شاهد نیستیم.

جدول ۴. شیوه‌های انتقال فرهنگ مهدویت							
شیوه انتقال	مصادقات‌های عینی	مجریان و نهادها	ابزار رسانه‌ای	ساختار مکانی - زمانی	گستره اشارات نمادین	جهت‌گیری عمل	دوگویی و تک‌گویی
تعامل رودررو	کنفرانس‌ها و همایش‌های مهدویت	متولیان فرهنگی و نهادهای پژوهشی و...	سخنرانی	بافت هم‌محضوری؛ سیستم مرجع مکانی - زمانی مشترک	زیاد	دیگران خاص	دوگویی
تعامل رسانه‌ای (با واسطه)	گفت‌وگو با تلفن، نامه‌نگاری معمولی و ایمیل درباره مهدویت	سخنوران و مبلغان مسلط به مهدویت و روان‌شناسی ارتباطات	تلفن و نامه و اینترنت	جدایی زمینه‌ها؛ فراهمی گسترده در زمان و مکان	کم	دیگران خاص	دوگویی
شبه‌تعامل رسانه‌ای	کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون و...	اصحاب رسانه، نویسندگان، فیلم‌سازان و...	کتاب، فیلم، تلویزیون، روزنامه، وبلاگ و سایت، ماهواره و...	جدایی زمینه‌ها، فراهمی گسترده در زمان و مکان	کم	گستره نامحدود (نامعین) گیرندگان بالقوه	تک‌گویی

۳. ارزیابی تولید و بازخورد فرهنگ مهدویت

در مهندسی فرهنگی با محوریت مهدویت، تنها تولید و انتقال فرهنگی کافی نیست و باید از بازخورد آن در سطح جامعه و جهان اطلاع یافت و در سیاست‌های آینده، اصلاحات لازم را مبذول داشت.

الف) ارزیابی تولید فرهنگی با محوریت مهدویت

در ارزیابی بازخورد فرهنگ حامل مهدویت باید به آسیب‌ها و موانعی که در مسیر تولید فرهنگ مهدویت وجود دارد توجه ویژه نمود. برخی از این آسیب‌ها در زیر معرفی شده و راهبردهای فرهنگی مقابله با آن‌ها بحث می‌شود.

یکم. موانع مرحله تعریف معانی و مفاهیم

برخی عقاید نادرست درباره مهدویت که برخی به آن دامن زده‌اند، چهره‌ای غیرواقعی و ناامیدکننده از مهدویت ساخته است که باید با این عقاید مبارزه شود. برخی از عقاید نادرست درباره مهدویت عبارتند از:

– **استعجال ظهور:** استعجال به معنای شتاب کردن و خواستن چیزی پیش از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. نهی از عجله و شتاب‌زدگی در امر ظهور بدان سبب است که به دنبال این پدیده، در انسان منتظر، روحیه ناامیدی پیدا می‌شود؛ آرامش و صبوری را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت گله‌مندی و شکایت تبدیل می‌گردد و از تأخیر ظهور بی‌قرار می‌گردد و این بیماری را به دیگران نیز سرایت می‌دهد و گاهی به خاطر استعجال ظهور به حالت انکار وجود امام، گرفتار می‌شود.

– **تعیین زمان ظهور:** از آسیب‌های فرهنگ مهدویت آن است که بعضی به دنبال تعیین زمان برای ظهور هستند، در حالی که زمان ظهور بر مردم مخفی است و در روایات پیشوایان دینی از تعیین وقت برای ظهور به شدت نهی شده است. با این حال، بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور تعیین وقت می‌کنند که کم‌ترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده‌های دروغین را باور کرده‌اند، ولی خلاف آن را مشاهده نموده‌اند.

- تطبیق علایم ظهور بر مصادیق خاص: در روایات، نشانه‌های بسیاری برای ظهور امام مهدی عج بیان شده است؛ اما کیفیت دقیق و ویژگی‌های آن‌ها روشن نیست و این بستری برای تحلیل‌ها و تفسیرهای شخصی و احتمالی گردیده است. هرچند گاهی بعضی در پی تطبیق علایم ظهور بر پدیده‌های موجود برمی‌آیند و بدین‌وسیله از نزدیکی ظهور و احتمال قریب‌الوقوع بودن آن خبر می‌دهند. این جریان نیز از آسیب‌های فرهنگ مهدویت است که گاهی به یأس و ناامیدی از ظهور می‌انجامد.

- طرح مباحث غیرضروری: در فرهنگ ناب مهدوی، معارف بسیاری وجود دارد که پرداختن به آن‌ها یک ضرورت شمرده می‌شود و در آگاهی‌بخشی به شیعیان نقشی اساسی دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد ایشان در زمان غیبت بسیار مهم است. گاهی افراد و مجموعه‌ها در قالب گفتار و مقاله‌ها و نشریات و حتی کنفرانس‌ها به بحث‌هایی روی می‌آورند که هیچ ضرورتی برای طرح آن‌ها احساس نمی‌شود، بلکه گاهی سبب ایجاد شبهه‌ها و سؤالات انحرافی در ذهن و اندیشه منتظران می‌گردد. برای مثال، پرداختن به بحث ملاقات با امام زمان عج و ترغیب و تشویق فراوان و به شکل افراطی نسبت به این موضوع، پیامدهای ناگواری دارد و سبب ناامیدی و گاهی انکار امام عج می‌گردد. پرداختن به مباحثی مانند ازدواج حضرت، یا وجود فرزند برای آن بزرگوار و یا محل زندگی حضرت و مانند آن نیز از نمونه‌های بحث‌های غیرضروری است که بجاست جای خود را به مباحث کاربردی و تأثیرگذار در مسیر زندگی منتظران بدهد.

دوم. موانع مرحله مشخص کردن ابعاد و کارکردهای مختلف مهدویت برای جلوگیری از پراکنده‌گویی‌ها لازم است ابعاد مهدویت مشخص گردد و بر اساس این ابعاد، کارکردها تدوین شود. در طرح مباحث مهدویت، جامع‌نگری لازم است. رعایت نکردن جامع‌نگری ممکن است به برداشت‌های نادرستی منجر شود که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- نگاه پراگماتیسمی به مهدویت: عدم جامع‌نگری ممکن است به شکل نگاه پراگماتیسمی جلوه کند. در این نگاه به این نکته تأکید می‌شود که امام زمان (عج) اگر هم وجود نداشته باشد اعتقاد به او مفید است. این نگاه عمل‌گرایانه به مهدویت، ممکن است موجه جلوه کند، ولی زمینه را برای آنچه ما جهل موجه‌نما می‌نامیم فراهم می‌کند. از منظر فرهنگ ناب مهدویت، امام زمان (عج) هم حقیقت است و هم اعتقاد به او مفید است. واقعیت امر، این است که قصه امام زمان (عج)، اسطوره نیست و نباید متهم به نگاه اساطیری مذهبی شود. قصه امام زمان (عج)، حقیقت و فایده هر دو توأم با یکدیگرند.

- سکولاریسم و جدایی دین از سیاست: عدم جامع‌نگری به گونه دیگری در نفوذ سکولاریسم در ابعاد دینی نیز نمود دارد. شاینر (۱۹۶۶) شش معنا و کاربرد را برای سکولاریسم پیدا کرده است. زوال دین، سازگاری دین با دنیا، جدایی دین و جامعه، جایگزینی صورت‌های مذهبی به جای نهادهای مذهبی، سلب تقدس از جهان و حرکت از جامعه مقدس به جامعه دنیوی. (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۸۹-۲۹۰) اما دولت منتظر هرگز در این معانی با سکولاریسم هماهنگی ندارد. سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم به شدت با سکولاریسم در تضاد است. افزون بر این که قوانین اسلامی در عرصه‌های اقتصاد، حقوق، ریاست، مدیریت، اخلاق، تربیت و... نیز نافی این ادعاست. حکومت سکولار هرگز نمی‌تواند برای زمینه‌سازی ظهور برنامه‌ریزی فرهنگی داشته باشد. دولت منتظر همانند حکومت جهانی مصلح، باید ماهیتی ضدسکولاریستی داشته باشد؛ زیرا قیام امام (عج) همراه با تشکیل حکومت دینی و دولت اسلامی است و احادیث بسیاری بر حضور حضرت مهدی (عج) در حیات اجتماعی انسان‌ها دلالت دارد که تمام این موارد با سکولاریسم ناسازگار است. افزون بر آن، دولت منتظر با مبانی سکولاریسم از جمله کثرت‌گرایی دینی نیز در چالش است. البته مخالفت دولت منتظر با سکولاریسم به معنای مخالفت با علم و تعقل نیست، بلکه با سکولاریسم و علم‌گرایی نافی وحی،

مخالفت می‌کند. سکولاریسم، رابطه دین را با دنیا منقطع می‌داند، ولی مهدویت هر دو بعد دین و دنیا را مد نظر دارد.

– **مهدویت‌هراسی:** وقتی مفاهیم مهدویت به صورت ناقص و تک‌بعدی بیان شوند و جامع‌نگری رعایت نشود، ممکن است سوء برداشت‌هایی را دامن زند و چهره غیر واقعی از آن ارائه شود. برای مثال، با ملاحظه روایاتی که از جنگ طولانی و خون‌ریزی فراوان خبر داده است، چهره بسیار خشنی از امام غایب ترسیم می‌کنند و از روایات دیگر که جلوه‌های محبت و مهربانی امام مهدی (عج) را بیان کرده است و سیره و اخلاق او را همانند خلق و خوی جد گرامی‌اش پیامبر مکرم اسلام (ص) معرفی کرده است، غافل می‌مانند. نشان دادن چهره خشونت‌آمیز از امام مهدی (عج) که برداشت نادرستی از فرهنگ مهدویت است به عمد توسط رسانه‌های غربی به شکل دیگری نمود پیدا کرده که از آن به مهدویت‌هراسی یاد می‌کنیم. دیرزمانی است که غرب نسبت به مسئله مهدویت با دیده تأمل نگریسته، جهت آمادگی غربیان در مواجهه با این قیام تمهیداتی اندیشیده شده است.

سوم. موانع مرحله ترجمه و تفسیر معانی به زبان عامه و روز (تعاریف عملیاتی)

همان‌گونه که دکتر بلخاری نیز تأکید می‌کند، شیعه در ترجمه معانی خودش به زبان روز مشکل دارد. ما برخلاف غربی‌ها این معنا و مفهوم را به زبان و برهان عامه ترجمه نکرده‌ایم و نیاز به حکمایی داریم که کار ترجمه و تنزیل و تمثیل معنا را انجام دهند. قدرت غرب به بیان است نه به محتوا. برخی مشکلات و موانعی که در ترجمه معانی مهدویت به زبان روز وجود دارد عبارتند از:

– **برداشت‌های نادرست از مهدویت:** در مسئله مهدویت، همواره شبهه وجود داشته است. از مهم‌ترین این شبهات، مسئله عمر امام زمان (عج) است. هرچند در جواب این شبهه نکات بسیاری گفته شده است، ولی بازنگری و نگاه جدید به

این پاسخ‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوع‌های این فرهنگ اسلامی است. تحلیل نادرست و ناقص از روایات به دریافت غیرصحیح می‌انجامد که چند نمونه از آن را بیان می‌کنیم:

۱. بعضی گمان می‌کنند چون اصلاح جهان از فسادها به دست امام عصر ع خواهد بود، ما در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم، بلکه ممکن است گفته شود برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی ع باید برای ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه اقدام کنیم! این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می‌داند.

۲. برخی از ظاهر بعضی روایات این‌گونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی پیش از قیام امام مهدی ع محکوم و مردود است. بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی بوده است موضع نادرستی گرفته‌اند.

- تبلیغ امکان‌ناپذیر بودن تحقق مهدویت: از آن‌جا که ما در بیان و ترجمه مفاهیم مهدویت ناموفق عمل کرده‌ایم، زمینه برای این تبلیغات جهان غرب فراهم شده است که امکان تحقق مهدویت وجود ندارد. باید کوشید با این ایده انحرافی که هیچ مدینه فاضله‌ای برتر و پیشروتر از وضع کنونی در جامعه جهانی که غرب آن را رهبری می‌کند نیست، مبارزه کرد. پوپر در مصاحبه با *اشپیگل*، اصل ضرورت فکر کردن به مدینه فاضله را دروغ بزرگی می‌داند. فوکویاما، نظریه‌پرداز سرمایه‌داری معتقد است: «اگر تاریخ پایانی هم دارد، پایان آن، همین جامعه فعلی ایالات متحده امریکا است.»

حسن رحیم‌پور ازغدی، جهانی شدن غربی را با جهانی شدن مهدوی چنین مقایسه می‌کند:

جهانی شدن غربی، توجیه ستم غربی بر جهان است. اینان با گلوبالیزیشن مهدوی مخالفند و به گلوبالیزیشن سرمایه‌داری امریکا

فراخوان می‌کنند. اگر گلوبالیزیشن، عبارت باشد از جهانی کردن آمریست امریکا و منافع سرمایه‌داری حاکم بر امریکا، صهیونیسم و انگلیس، این گلوبالیزیشن فقط به نفع آنهاست و همان را ترویج می‌کنند. این جهانی شدن، همه فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های مقاومت را می‌بلعد و هضم می‌کند؛ اما اگر بگوییم که ما گلوبالیزیشن را قبول داریم، اما نه با معیارهای سرمایه‌داری یهود، بلکه با معیارهای امام مهدی (عج) که می‌گوید در تمام دنیا هیچ انسان گرسنه‌ای نباید باشد و نباید در گوشه‌ی افریقا بچه‌های یازده ساله وزنشان به اندازه‌ی بچه‌های شش ماهه‌ی واشنگتن و نیویورک باشد و نباید استخوان دنده‌ها و پهلوهایشان پوست آنها را بشکافد و از زیر پوستشان بیرون بزند، آنها این گلوبالیزیشن مهدوی یعنی عدالت جهانی را پس می‌زنند و آن را توهم و یوتوپیا می‌دانند؛ چون امام مهدی (عج) امنیت را برای همه، نه فقط برای سرمایه‌دارهای غرب می‌خواهد. روایت داریم که در زمان حکومت جهانی امام مهدی (عج) امنیت بدان حد بر جهان حاکم می‌شود که یک دختر نوجوان بدون کم‌ترین توهین و تهدیدی به تنهایی از این سوی عالم به آن سوی خواهد رفت. این در روایات ماست. گلوبالیزیشن مهدوی یعنی امنیت برای همه، امنیت برای دخترهای افریقا، مکزیک، غنا و افغانستان، نه فقط برای دختران سرمایه‌داران نیویورک. اما تفکر جهانی شدن از آن نوع که لیبرال سرمایه‌داری می‌گوید و می‌خواهد، در واقع عین محافظه‌کاری است. ... خط تبلیغاتی آنان، این است که سخن گفتن از مهدویت و گلوبالیزیشن و وعده‌ی عدالت جهانی، خیال‌بافی است و ممکن نیست.

(www.shrifnews.net)

– یک کاسه‌سازی جامعه‌شناختی: موضوع دیگری که درباره‌ی مطالعه‌ی مهدویت جالب توجه است و باید به دقت آن را تحلیل نمود، یک کاسه‌سازی‌هایی است که برخی جامعه‌شناسان غرب از جریان مهدویت داشته‌اند؛ به این معنا که جریان مهدویت را در قالب جنبش‌های هزاره‌ای قرار داده‌اند و حتی آن را مشابه برخی از کیش‌های ابتدایی مانند کیش کالا^۱ در ملانزی تصور می‌کنند. آنان در این مطالعه‌ها کوشیده‌اند برای اعتقاد به موعود، ریشه‌های غیرالهی

1. Cargo Cults.

جست‌وجو کنند. بیش‌تر نویسندگانی که درباره این مسئله تحقیق کرده‌اند، پیوند نیرومندی را میان هزاره‌گرایی و محرومیت و ستم‌گری تشخیص داده‌اند. (همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۵۵) برخی نویسندگان مانند انگلس، هابزباون و ورزلی، برای این جنبش‌ها ریشه‌های مارکسیستی جست‌وجو کرده‌اند. برخی مانند بورویج (۱۹۶۵) آن‌ها را به عوامل روان‌شناختی مربوط کرده‌اند. (همو: ۱۵۱ - ۱۶۷) کوهن، جنبش‌های هزاره‌ای را خیال‌پردازانه می‌داند و برای حل مسائل از راه خیال‌پردازی و نتیجه ضعف عمومی در شناخت واقعیت‌های موجود، کوشش‌هایی تصور می‌کند. (همو: ۱۶۲) آیا می‌توان مهدویت را با این تبیین‌های جامعه‌شناختی یک‌کاسه کرد؟ حتی متأسفانه خطر این یک‌کاسه‌سازی در میان برخی محققان ما نیز وجود دارد و برای تحلیل جامعه‌شناختی درست آن باید اقدام نمود.

— **تمامیت‌طلب جلوه دادن مهدویت:** در بحث‌های دانشگاهی غرب، ایده مهدویت، اساساً ایدئولوژیک، توتالیت‌ر و تمامیت‌طلب برشمرده می‌شود؛ چرا که یک نفر به نام مهدی عج می‌خواهد بر کل دنیا حکومت واحد برقرار کند. چون در روایت آمده است: «مهدی عج با برهان و شمشیر، از راه انقلاب جهانی به حاکمیت و عدالت جهانی دست خواهد یافت. او با مسیحیان به وسیله انجیل حقیقی و با یهودیان به تورات حقیقی احتجاج و استدلال می‌کند و برای هیچ کس، عذر و بهانه‌ای نمی‌گذارد و اغلب مردم با منطق و برهان و موعظه و رحمت، متقاعد می‌شوند و آن‌ها که لجاجت می‌کنند با شمشیر، اصلاح خواهند شد و بشریت دیگر جز مسلمان نخواهند بود. (رحیم‌پور ازغدی: www.shrifnews.net)

— **متفاوت جلوه دادن جریان مهدویت با ظهور مسیح یا منجی در ادیان دیگر:** مانع فرهنگی دیگری که برخلاف جریان یک‌کاسه‌سازی جامعه‌شناختی است، متفاوت جلوه دادن جریان مهدویت با ظهور مسیح یا منجی در ادیان دیگر است. این جریان مهدویت را جریانی کاملاً متفاوت از ظهور مسیح یا منجی در

سایر ادیان تبلیغ می‌کند. این متفاوت جلوه دادن، زمینه را برای متضاد جلوه دادن این جریان‌ها و حتی در تقابل بودن آن‌ها فراهم می‌نماید.

— تبلیغ جدایی مهدویت از اسلام (اسلام علیه مهدویت): یکی از مواردی که بسیار کم به آن پرداخته شده است، تبلیغ جدایی مهدویت و انحرافی جلوه دادن آن از جریان اصیل اسلام است. این پروژه بسیار خطرناک، هم توسط دشمنان اسلام و هم توسط برخی فرقه‌های به ظاهر اسلامی تبلیغ می‌شود.

— آرمان‌شهرپنداری مهدویت: از دیگر موانع فرهنگی مهدویت، آرمان‌شهرپنداری مهدویت است. چه آرمان‌شهر را در مفهوم عامیانه آن کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی، اما تحقق‌ناپذیری تلقی کنیم که واقعیت‌های طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن لحاظ نشده است (روویون، ۱۳۸۵: ۵) یا چه در معانی فلسفی و جامعه‌شناختی آن همانند کارل مانهایم در کتاب *ایدئولوژی و آرمان‌شهر* آن را تعارضی بدانیم که در ناهماهنگی بنیادین آن با وضعیت واقعی، یعنی وضعیتی که خود در آن پدید آمده است وجود دارد (همو: ۸) مهدویت با آرمان‌شهر، فرسنگ‌ها فاصله دارد. برخلاف تمدن‌های دیگر که موعود، یک موجود ذهنی است و در زندگی تجلی ندارد، منجی و موعود مهدویت یک موجود زنده عینی است.

چهارم. موانع مرحله تبدیل معانی به محصولات فرهنگی قابل عرضه با توجه به کارکردهای مهدویت

— مهدویت‌ستیزی فرهنگی: مهدویت‌ستیزی از زمان پیدایش تفکر ظهور موعود وجود داشته است، اما در سال‌های اخیر شاهد تشدید پدیده‌ای به نام مهدویت‌ستیزی فرهنگی بوده‌ایم. با کهنه‌شدن روش استعماری پیشین، دنیای غرب به فکر شکل‌دهی امپراتوری جدیدی افتاد که بر مبنای عقاید دینی و مذهبی باشد تا بتواند بر اساس آن، چتر استعماری خود را دوباره بر کشورهای اسلامی مسلط نماید. برای این منظور به بازخوانی پیشگویی‌های کتاب عهدین یهود و مسیحیت پرداختند که در آن به شرایط و علایم آخرالزمان و چگونگی

وقوع جنگ آخرالزمان اشاره می‌کرد و این‌که جهان توسط یک منجی نجات خواهد یافت. این پیشگویی، آرمان و آمیزه‌ای بود که در تمام ادیان الهی دیده می‌شد و چه روشی بهتر از این می‌توان یافت تا با عقاید مردم همراه شد و آن را معرفی نمود که مردم آرزو دارند. با شکل‌گیری تفکر پروتستانی در مسیحیت و دامن زدن به آمیزه‌های یهود، مقدمات شکل‌گیری مکتب صهیونیسم فراهم شد و صهیونیسم فرزند نامشروع دو تفکر یهودیت افراطی و مسیحیت تفریطی شد. این استعمارگران هنگامی که با جهان اسلام روبه‌رو شدند با استفاده از ابزارهای تبلیغ خود مثل فراماسونرها، روشنفکران غرب‌گرا، مادی‌گرایان غرب‌زده، رسانه، سینما، صنعت، تصویر و هزاران راه دیگر به ذهن مردم کشورهای اسلامی این باور را القا کنند که انسان امریکایی - اروپایی، انسان برتر و متفکر است و راه و روش او، برتر و کارآمدتر است. او منجی و نجات دهنده جوامع دیگر از فقر و بدبختی و عقب‌افتادگی است و راه نجات کشورهای دیگر تنها کمک گرفتن از این انسان است و با القائات خود، تفکر اروپایی - امریکایی را تفکر برتر و منجی جهان معرفی نمودند. سیطره صهیونیسم بر رسانه‌های جهان، اکنون بیش از پیش نمایان شده است. اگرچه در گوشه و کنار جهان اسلام، همواره از گردهمایی‌ها، کنفرانس‌ها، میزگردها و تصمیم‌های قاطع در برابر این ترفندها سخن گفته می‌شود، متأسفانه همه آن‌ها صوری و ظاهری بوده است. (احمد رضا سالک: www.rasekhon.net) عقیم ماندن اقدامات جهان اسلام به این سبب است که از عمق کار دشمن آگاه نیستیم یا حداکثر کلیاتی می‌دانیم که حتی با آن نمی‌توانیم برابری کنیم. وقتی می‌گوییم از جزئیات نبرد تبلیغاتی دشمن ضد خود آگاه نیستیم، منظور این است که پژوهش‌های مستند همراه با نام و نشان و آمار و ارقام را در زمین حقایق چنگ‌اندازی صهیونیسم بر این رسانه‌ها در دست نداریم. وقتی چنین اطلاعاتی در دست نباشد، به‌طور مسلم هیچ‌گونه مقابله جدی نیز صورت نخواهد گرفت.

صهیونیست‌ها به دلیل اهمیت جهانی رسانه‌ها و تأثیر آن‌ها در تسلط بر افکار بشر، از همان ابتدای تشکیل صهیونیسم بر این مهم مبادرت ورزیده و برنامه‌ریزی‌های اساسی را در سیطره بر رسانه‌های گروهی جهان انجام داده‌اند. یکی از باورهایی که استعمارگران با آن مشکل داشتند، روحیه و عقیده ظهور و در انتظار منجی ماندن بود که باعث می‌شد مسلمانان، به‌ویژه شیعیان در مقابل ظلم و استعمار سر فرود نیاورند و همیشه روحیه قیام و اعتراض داشته باشند. برای این‌که بتوانند این نیروی اعتراض و قیام در برابر ظلم را خاموش کنند، سعی در تبدیل عقیده معترض بودن به عقیده نشستن و منتظر بودن داشتند. با بیداری اسلامی در ایران، مرحله به مرحله جوامع دیگر نیز از خواب افیونی استعمارزدگی بیدار می‌شدند و تشیع با مطرح کردن منجی‌گرایی در تفکر خود و مختص کردن آن به خاندان پیامبر ﷺ، جهان مسیحیت و یهودیت را به چالش کشید و نبرد هزاره آخرالزمان را بنا نهاد که نبرد منجیان دروغین در مقابل منجی حقیقی خواهد بود. صهیونیست‌ها که توانسته بودند با به راه انداختن فرقه‌هایی چون بابیت و بهائیت، انحرافات در تفکر منجی‌گرایی شیعه به وجود آورند، این بار با تفسیر و تبیین مستدل‌تری از مقوله مهدویت روبه‌رو می‌شدند که ریشه در تفکر اصیل تشیع اثنی‌عشری داشت و توانسته بود با اتکا به زعامت علمای شیعه جعفری خود را حفظ نموده، در هزاره سوم با منطقی به‌روز و به زبان جهانی مطرح شود. این بار دشمن تشیع و مهدویت، افزون بر عقاید انحرافی و گروه‌های دیگر مسلمان که شیعیان را رافضی و بدعت‌گذار می‌دانستند. یهودیت و مسیحیت صهیونیستی بود که برای تسلط بر جهان، باید تفکر شیعی را از سر راه برمی‌داشت. استعمار این بار نیز دست به دامان سلاح قدیمی خود، یعنی تحریف و تفرقه زد و با ترویج تفکرات فرقه‌گرایی مثل دامن زدن به سنی و شیعی بودن، دامن زدن به وهابیت افراطی، تحریف مبانی معارف مهدویت، مانند ارتباط با امام زمان عجله تعالی فرجه و نایبان حضرت و رواج خرافه‌پرستی و ظاهرینی در دین سعی در به زانو درآوردن شیعه نمود. از سوی

دیگر با وارد کردن بحث آخرالزمان و منجی‌گرایی در رسانه‌ها و سینمای خود اعتقاد به منجی را به نفع خود تفسیر نمود. این‌بار شاید سلاح استعمار کارآمدتر باشد به دلیل استفاده به‌روز از تکنولوژی و فناوری در مبارزه با تفکر مهدویت، مانند ساخت فیلم و مستندهایی همچون فیلم‌های «مردی که فردا را دید» و «آرماگدون» و در زمینه تغییر ذهنیت نسل نوجوان در سراسر جهان با ساخت بازی‌های کامپیوتری ضد اسلام و مهدویت سعی در شکل‌دهی ذهنیت نسل آینده اسلام بر ضد مهدویت کردند.

– موازی‌سازی و رقیب‌سازی در جریان مهدویت: غرب در مبارزه با جریان مهدویت، دو سیاست کلی را پیگیری کرده است:

یک. موازی‌سازی و رقیب‌سازی در درون اسلام: در سیاست نخست، غرب کوشیده در درون اسلام با حمایت از مدعیان دروغین مهدویت، زمینه شکل‌گیری فرقه‌های انحرافی را پدید آورد. یکی از این فرقه‌های منحرف، فرقه بابیت است که رهبر آن «علی محمد باب»، ابتدا ادعای نیابت امام مهدی (عج) را مطرح کرد و سپس مدعی شد همان مهدی موعود است و در نهایت ادعای پیامبری نیز کرد. این فرقه منحرف زمینه شکل‌گیری مکتب انحرافی بهائیت شد.

دو. رقیب‌سازی بیرونی: غرب در این سیاست می‌کوشد در فرهنگ خود بدیل و رقیبی را برای مهدویت جست‌وجو کند و خود را ناجی بشر جلوه دهد. غرب در سال‌های اولیه انقلاب، مقالات، کتاب‌ها و فیلم‌های گوناگون درباره مهدویت ساخت؛ اما از دهه ۹۰ سبک کار را عوض کرد. در این دهه، فیلم‌هایی مانند «صهیون» و «آمارگدون» ساخته شد که به جای تخریب مهدویت، به اثبات مدعای غربیان در زمینه آینده جهان می‌پردازد. غرب به عنوان رقیب، نحله‌های گوناگون فکری را مطرح کرده و خواهد کرد. در دوره معاصر از آرا و مکاتبی که داعیه حکومت جهانی و فراگیر را مطرح کرده است، می‌توان به ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم اشاره کرد. نظریه انترناسیونالیستی و جهان‌وطنی مارکسیسم به جهانی شدن آموزه‌های سوسیالیستی و جهان‌گیر

شدن حکومت پرولتاریا اشاره می‌کند. از دیدگاه مارکسیست‌های ارتدوکس، همه جهان تحت حکومت واحد کمونیستی قرار خواهد گرفت. فروپاشی اتحاد شوروی در جایگاه پرچمدار بلوک سوسیالیستی، ناکامی قطعی اندیشه حکومت جهانی پرولتاریا را اثبات کرد و به تدریج این قبیل مباحث از ادبیات سیاست بین‌المللی کنار نهاده شد. اندیشه حکومت جهانی در اندیشه طرفداران لیبرالیسم از دیرباز وجود داشته است؛ اما با فروپاشی بلوک سوسیالیستی، جان تازه یافت. نتیجه آن‌که لیبرالیسم، واپسین تجربه بشری و پایان ایدئولوژی‌سازی است. بنابراین، پایان جنگ سرد، پایان تاریخ نیز به شمار می‌رود. فوکویاما که تز پایان تاریخ را مطرح کرده، این نکته را چنین باز می‌گوید:

آنچه شاهد هستیم، تنها پایان جنگ سرد یا گذر از دوره ویژه‌ای از تاریخ پس از جنگ نیست، بلکه پایان تاریخ نیز هست؛ یعنی نقطه پایان تطوّر ایدئولوژیک بشر و جهانی شدن دموکراسی لیبرال غربی به شکل نهایی دولت بشری. (Fukuyama: 1992)

در این تلقی، جهانی شدن دموکراسی لیبرال امری محتوم است؛ پس تشکیل حکومت واحد جهانی مهم‌ترین دستاورد برای بشر خواهد بود. لیبرالیسم کمالی است که در معنای آن گنج بشر می‌تواند به نحو حقیقی آشکار شود و از سوی دیگر تحقق این امر با توجه به امکانات موجود در اختیار کشورهای لیبرال کاملاً عملی است. بنابراین، رهبران دنیای لیبرالیسم باید مسئولیت کنونی خویش را در جهت تشکیل حکومت جهانی درک کنند و دیگر جریان‌ها و منتقدان روند موجود باید این نکته را درک کنند که هر نوع مخالفت و مقاومت در برابر این جریان عظیم تاریخی، مقاومتی محکوم به شکست خواهد بود. به این ترتیب، امروزه مکتب لیبرالیسم داعیه‌دار اصلی جهانی شدن است و صاحب‌نظران بسیاری در جهت تبیین نظری و ایجاد مبانی فلسفی و نظری این امر می‌کوشند. (لاریجانی، ۱۳۷۴: ۲۶۹) تئوری «پایان تاریخ» فوکویاما، «دهکده جهانی» مک‌لوهان، «موج سوم» الوین تافلر و نظریه «برخورد تمدن‌ها» هانتینگتن هر یک از منظرهای مختلف به انجام این مهم می‌پردازند.

– شعاری جلوه کردن: از مهم‌ترین موانع تبدیل معانی به محصولات فرهنگی قابل عرضه با توجه به کارکردهای مهدویت شعاری جلوه کردن است. باید مفاهیم، به گونه‌ای به محصول فرهنگی تبدیل شوند که در پس‌زمینه محصول مخفی شوند و شعاری جلوه نکنند. باید از روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مخاطب مطلع شد و مخاطب‌گزینی کرد و پیام را با سطح مخاطب تنظیم نمود.

جدول ۵. مراحل و موانع در مسیر تولید فرهنگی با محوریت مهدویت	
موانع	مراحل تولید فرهنگی با محوریت مهدویت
– شبهات و موانع عقیدتی	الف) مرحله تعریف معانی و مفاهیم
– نگاه پراگماتیسمی به مهدویت – سکولاریسم و جدایی دین از سیاست – مهدویت‌هراسی	ب) مرحله مشخص کردن ابعاد و کارکردهای مختلف مهدویت
– برداشت‌های نادرست از مهدویت – مشکلات ترجمه معانی مهدویت به زبان روز (زبان و برهان عامه) – تبلیغ عدم امکان تحقق مهدویت – یک‌کاسه‌سازی جامعه‌شناختی – تمامیت‌طلب جلوه دادن مهدویت – متفاوت جلوه دادن جریان مهدویت با ظهور مسیح یا منجی در ادیان دیگر – تبلیغ جدایی مهدویت از اسلام (اسلام علیه مهدویت) – آرمان‌شهرپنداری مهدویت	ج) مرحله ترجمه و تفسیر معانی به زبان عامه و روز (تعاریف عملیاتی)
– مهدویت‌ستیزی – موازی‌سازی و رقیب‌سازی در جریان مهدویت – شعاری جلوه نمودن	د) مرحله تبدیل معانی به محصولات فرهنگی قابل عرضه با توجه به کارکردهای مهدویت

ب) ارزیابی بازخورد فرهنگ مهدویت

در مرحله دوم ارزیابی، بازخورد انتقال فرهنگ مهدویت در جامعه مد نظر است. باید در سه شیوه انتقال فرهنگ، بازخورد فرهنگ مهدویت بررسی شود و شیوه‌های کنترل مشکلات و موانع احتمالی تجزیه، تحلیل و چاره‌جویی شود.

در تعامل رودررو باید برای بررسی بازخوردهای فرهنگ مهدویت و حتی مهدویت‌ستیزی دشمنان، نگرش‌ها و عواطف افراد را مورد مطالعه قرار دارد. برای کنترل موانع احتمالی نیز باید شیوه‌های مدیریت دیالوگ را آموزش داد. نیز باید از شیوه‌های ارتباط غیرکلامی با توجه به مطالعات انسان‌شناسی فرهنگی بهره گرفت.

در تعامل رسانه‌ای (با واسطه) بررسی نگرش‌ها و عواطف در بازخورد فرهنگ مهدویت عملی است، ولی شاید در این شیوه، کنترل موانع احتمالی چندان عملی نباشد؛ چرا که ابزارهای رسانه‌ای آن از کنترل خارج است. دشمنان مهدویت نیز از این ابزار بهره می‌گیرند، ولی مدافعان آن نیز می‌توانند بهره‌مند شوند. ابزاری مانند نامه، ایمیل، تلفن و پیام کوتاه می‌توانند فرهنگ زیرزمینی را نیز ایجاد نمایند. اطلاع از مشخصات این فرهنگ زیرزمینی، کاری است که تا به حال جدی گرفته نشده است. این فرهنگ زیرزمینی ممکن است راهبردهای فرهنگی را با مشکل روبه‌رو کند.

اما مهم‌ترین بُعد بازخوردها به شبهه‌تعامل رسانه‌ای مربوط می‌شود. بازخوردهای شبهه‌تعامل رسانه‌ای را هم از بعد کمی و هم کیفی می‌توان بررسی نمود. در بعد کمی، کفایت برنامه‌های پاسخگوی نیازهای روز و در بعد کیفی، محتوای آن‌ها و اقناع مخاطب و تأثیر آن بر زندگی روزمره مد نظر است. مشکلات و موانع احتمالی شبهه‌تعامل رسانه‌ای را باید با تحلیل محتوای محصولات فرهنگی و بیرون آوردن مفاهیم پنهان در زمینه متن و برنامه‌ریزی در جهت پاسخگویی به آن‌ها برطرف نمود.

جدول ۶. شیوه‌های کنترل و اطلاع از بازخورد فرهنگ مهدویت		
شیوه انتقال	شیوه‌های بررسی بازخورد	شیوه‌های کنترل مشکلات و موانع احتمالی
تعامل رودررو	بررسی نگرش‌ها و عواطف طرف دیالوگ	مدیریت دیالوگ، شناخت ارتباط غیرکلامی
تعامل رسانه‌ای (با واسطه)	بررسی نگرش‌ها و عواطف افراد	_____
شبهه‌تعامل رسانه‌ای	بررسی کمی	بررسی و تحلیل محصولات شبهه‌تعاملی، بیرون آوردن مفاهیم پنهان آن‌ها و برنامه‌ریزی در جهت پاسخگویی به آن‌ها
	بررسی کیفی	

منابع

۱. پستمن، نیل، ماهنامه سیاحت غرب، ش ۴۸ (به نقل از: نیویورک تایمز، ۱۱ نوامبر ۲۰۰۶)، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶ ش.
۲. پیروزمند، علی‌رضا، «نقش دین در مهندسی فرهنگی کشور»، مجموعه مقالات همایش مهندسی فرهنگی، ج ۱، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶ ش.
۳. تامپسون، جان. پ، رسانه‌ها و مدرنیته، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۰ ش.
۴. حق‌وردی، مهدی، «مهدویت، غرب و بازی‌های رایانه‌ای»، به نقل از: www.bachehayeghalam.ir، ۱۳۸۵ ش.
۵. روویون، فردریک، آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب، ترجمه: عباس باقری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵ ش.
۶. فرارو، گری. پی، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه: غلامعلی شاملو، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹ ش.
۷. فرهی‌پور زنجانی، برزو، «تعامل سند چشم‌انداز نظام یا نقشه مهندسی فرهنگی کشور و سندهای نظام جامع توسعه»، مجموعه مقالات همایش ملی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی در افق ۱۴۰۴، ظرفیت‌ها و پایداری، چالش‌ها و فرصت‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۸. کوزر، لوئیس، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ ش.
۹. گولد، جولیس؛ کولب، ویلیام. ل، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: گروه مترجمان، به کوشش: محمدجواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. لاریجانی، صادق، کاوش‌های نظری در سیاست خارجی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۸۱ ش.
12. Fukuyama, Francis, The End of history and The last man, Loundon, 1992.
13. www.porsojoo.com
14. www.rasekhon.net
15. www.sharifnews.ir

همبستگی اجتماعی مهدوی، الگویی برای دولت و جامعه زمینه‌ساز

اسماعیل چراغی کوتیانی*

چکیده

هر نظام اجتماعی برای پایداری و پویایی خود نیازمند فضایی آرام و به دور از هرگونه تضاد و تنش است و این مهم به زمینه‌هایی نیاز دارد که بدون آن‌ها پیشرفت غیرممکن خواهد بود. یکی از این زمینه‌ها وجود وفاق ملی و همبستگی اجتماعی در سطح جامعه است. از این‌رو امروزه همه نظام‌های سیاسی جهان با درک درست از این واقعیت به دنبال تحقق و تثبیت همگرایی در جوامع خود هستند. به باور ما، دولت و جامعه مهدوی در این فضیلت نیز سرآمد جوامع انسانی است و یکی از راهبردهای امام زمان (عج) پس از ظهور، ایجاد همبستگی اجتماعی در بین جوامع بشری است. ایشان برای رسیدن به این وفاق، شیوه‌ها و راهکارهایی را به کار خواهند برد که الگویی شایسته برای جوامع طالب همگرایی به شمار می‌رود؛ راهکارهایی چون گسترش دین و جهان‌بینی واحد، توسعه همه‌جانبه عدالت اجتماعی، توسعه مهرورزی، ارتقای سطح فکری فرهنگی جامعه و البته با رهبری کارزماتیک و فرهنگدانه خویش. این راهکارها می‌توانند هم در تلاش برای تحقق شرایط و زمینه‌های ظهور منجی و هم در ساماندهی به وضعیت نظام اجتماعی موجود برای دولت و جامعه زمینه‌ساز الگو باشند.

واژگان کلیدی

مهدویت، امام مهدی (عج)، دولت زمینه‌ساز، جامعه زمینه‌ساز، همبستگی اجتماعی، الگوها.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدیر گروه جامعه‌شناسی پژوهشکده مهدویت.

مقدمه

هر ساختار اجتماعی نیازمند زمینه‌ها و شرایطی است که پویایی خود را مرهون آنهاست. هر جامعه، اهداف و آرمان‌هایی دارد که اعضا را با وسایلی پذیرفته شده، برای دستیابی به آنها تشویق می‌کند. اما بی‌شک شرط ضروری برای رسیدن به این اهداف تعریف شده، در گام نخست فراهم آوردن زمینه‌هایی است که حرکت اعضا را به سوی اهداف تسهیل کند و در مرحله بعد زدودن شرایطی است که مانعی بر سر راه رسیدن به اهداف مورد نظر جامعه هستند.

وجود شکاف، تنش و گسستگی بین لایه‌های گوناگون جامعه، چون گسلی عمیق و دامن‌گستر مانع پویایی و حرکت نظام اجتماعی در مسیر دستیابی به اهدافش به شمار می‌رود و در مقابل انسجام و همبستگی بین بخش‌های مختلف نظام اجتماعی، چون موتور محرکه‌ای است که حرکت جامعه را در رسیدن به آرمان‌هایش سرعت بخشیده و کمک می‌کند در زمان کم‌تری به اهدافش دست یابد.

پارسونز (جامعه‌شناس امریکایی) معتقد است هر نظام اجتماعی برای پویایی و پویایی خود، باید دارای سازوکاری باشد که بتواند چهار تکلیف ضروری را انجام دهد که عبارتند از تطبیق نظام با محیط، دستیابی به هدف، یکپارچگی و سکون (نگه‌داشت الگو). مراد او از کارکرد یکپارچگی، تنظیم روابط متقابل اجزای نظام است. (ریتزر، ۱۳۸۰: ۱۳۱)

امروزه همه نظام‌های سیاسی و اجتماعی جهان به این درک و فهم دست یافته‌اند که مهم‌ترین راه نگه‌داشت و پویایی اجتماعی ساخت‌های مورد نظرشان، از مسیر انسجام ملی و همبستگی اجتماعی می‌گذرد. از این‌رو به هر وسیله‌ای در تلاشند که نوعی وحدت و یگانگی در بین قشرهای مختلف جوامع خود ایجاد نمایند تا از این طریق اعضا را در دستیابی به اهدافشان یاری نمایند. این را زمانی می‌توان به خوبی درک کرد که به انبوهی از

نظریه پردازی‌هایی که اندیشه‌ورزان فرهنگ‌ها و جوامع مختلف برای نیل به همبستگی اجتماعی ارائه داده‌اند نظری افکند که در چارچوب‌های نظری به آن اشاره خواهد شد.

اسلام نیز همچون دیگر نظام‌های سیاسی - اجتماعی برای خوشبختی و سعادت بشر، دسته‌ای از باورداشت‌ها، بینش‌ها، نگرش‌ها و کنش‌های ویژه‌ای را به عنوان ارزش معرفی نموده، از مؤمنان خواسته است از مسیرهای پذیرفته شده به این اهداف دست یابند و با توجه به کارکرد مثبت یکپارچگی و همگرایی در جای‌جای آموزه‌های خود به آنان توصیه کرده که در این مسیر همبستگی خویش را حفظ کرده به ریسمان الهی چنگ زنند و از تفرقه اجتناب کنند. قرآن، از یک سو همبستگی اجتماعی بین مسلمانان را به عنوان نعمتی الهی یاد کرده و تأکید می‌کند فقدان همبستگی بین جامعه عرب پیش از اسلام، کانون آتشی بود که داشت آن جامعه را در کام خود فرو می‌برد، اما جامعه عرب در پرتو اسلام و با دستیابی به وفاق اجتماعی از سقوط حتمی و نابودی قطعی نجات یافت. (آل عمران: ۱۰۳) از سوی دیگر، مردم را به اطاعت از پیامبر ﷺ فراخوانده، از تفرقه و جدایی بازداشته و آن را عامل سستی و از بین رفتن قدرت جامعه اسلامی بیان می‌کند. (انفال: ۱۰۳)

افزون بر سفارش قرآن به حفظ همبستگی اجتماعی، این خط سیر توصیه به یکپارچگی را در سنت و سخنان پیامبر خدا ﷺ و جانشینان او به روشنی می‌توان دید. پیامبر گرامی اسلامی ﷺ از زمان بعثت تا رحلت، همواره در آموزش‌ها و تعالیم خود و در عمل در جهت نفی تفرقه و تحکیم پایه‌های وحدت و همبستگی و همدلی میان امت اسلام و حتی تفاهم با غیرمسلمانان، گام برداشتند. از ساختن مسجد گرفته تا بستن عقد اخوت و برادری بین امت و تلطیف فضای اجتماعی خشن حاکم بر جوامع عرب در آن زمان. پیامبر خدا ﷺ و جانشینان او در طول حیات خود پیروانشان را به انسجام اجتماعی و حفظ وحدت و یکپارچگی و دوری از تفرقه و چنددستگی دعوت می‌کردند.

حضرت علی علیه السلام بزرگ‌ترین دستاورد رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله را ایجاد الفت و اتحاد در میان مردمی متفرق و پراکنده می‌داند؛ مردمی که به واسطه تعصبات جاهلی به جان یکدیگر افتاده و در حال سقوط بودند و پیامبر با تعالیم اسلامی همه را به خدای یگانه متوجه نمود، و امتیازات موهوم، مانند مال و ثروت و نژاد و رنگ را از میان برد، ایشان می‌فرماید:

... در روزگاری که مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون و روش‌های متفاوت بودند، عده‌ای خدا را به پدیده‌ها تشبیه کرده و گروهی نام‌های ارزشمند خدا را انکار و به بت‌ها نسبت می‌دادند و برخی به غیرخدا اشاره می‌کردند. پس خدای سبحان مردم را به وسیله محمد صلی الله علیه و آله از گمراهی نجات داد و هدایت کرد. (شریف رضی، ۱۳۸۳: ۲۵)

فلسفه اصلی جمعی بودن بسیاری از مناسک دینی مانند حج، نماز جماعت و... نیز ایجاد حس همبستگی و پیوندهای اجتماعی بین مسلمانان بوده است. فلسفه این همه تأکید نیز بسیار روشن است؛ زیرا در جامعه اسلامی، باید میان افراد همبستگی و وحدت وجود داشته باشد؛ چرا که هرچه اتحاد و همبستگی میان افراد بیش‌تر باشد، امکان تحقق فضایل بیش‌تری در میان مردم میسر و بسیاری از قوانین اخلاقی در جامعه اجرا می‌شود و افراد جامعه انسانی بیش‌تر و بهتر می‌توانند استعدادهای خدادادی خویش را در ابعاد مختلف مادی و معنوی، آشکار نموده و زمینه تعالی خود و جامعه خویش را مهیأتر نمایند.

در نگرش شیعه به آموزه مهدویت نیز بر این نکته تأکید شده است که یکی از برنامه‌های مهم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه پس از ظهور این است که به همبستگی اجتماعی و یکپارچه کردن امت اسلامی همت خواهند گمارد که این خود نشان از اهمیت و ارزش بودن گفتمان «همبستگی اجتماعی» است. در آموزه‌های دینی به این بعد از ابعاد اصلاحی امام زمان اشاره‌های بسیاری شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در دعای امام علی علیه السلام درباره آن حضرت چنین آمده است:

وَاجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ؛ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۴؛ مجلسی، بی تا: ج ۵۱، ۱۱۵)
و پراکندگی امت را با او جمع فرما!

۲. امام صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند به وسیله او بین دل‌های پراکنده و مخالف یکدیگر ائتلاف می بخشد. (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۳۱۴)

۳. در برخی دعاهایی که برای زیارت امام زمان علیه السلام وارد شده است چنین می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ
وَ يَلْمَّ بِهِ الشَّعَثَ؛ (قمی، ۱۳۷۸: ۸۷۶)
سلام بر مهدی که خداوند وعده داده است که به وسیله او همبستگی به
وجود آورده و پراکندگی را برطرف کند.

در دعای افتتاح نیز همین مضمون را با عبارتی دیگر چنین می خوانیم:

اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنَا وَ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا؛ (همو: ۲۲۹)
خدایا، به واسطه مهدی پراکندگی ما را به همبستگی مبدل کن و
از هم گسیختگی ما را التیام بخش.

۴. علی علیه السلام فرمود:

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَمِنَّا آلَ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟ فَقَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا، بَلْ مِنْنَا. يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتَحَ بِنَا وَ بِنَا يُنْقِذُونَ مِنَ الْفِتَنِ
كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشُّرْكِ وَ بِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ
إِخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ؛ (مجلسی، بی تا: ج ۵۱، ۸۴)

به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: آیا مهدی از ما آل محمد است یا از غیر ما؟ فرمود:
نه، بلکه از ماست. خداوند دین را به دست او ختم می کند، چنان که به
وسیله ما آغاز کرد و به واسطه ما مردم از فتنه‌ها نجات می یابند،
همان گونه که از شرک نجات یافتند و به وسیله ما خداوند پس از
دشمنی فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت، دل‌هایشان را با هم الفت می دهد،
همان طور که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد.

۵. امام حسین علیه السلام نیز وقتی وضعیت جامعه از هم پاشیده و از هم گسیخته دوران پیش از ظهور را توصیف کرد، در جواب راوی که پرسیده بود: آیا هیچ خیر و خوبی در آن زمان وجود نخواهد داشت؟ فرمود:

الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَ يَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ: (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

همه خوبی‌ها در آن زمان است؛ زیرا قیام‌کننده ما خواهد آمد و همه [ناهنجاری‌ها] را اصلاح خواهد کرد.

بدون شک امام زمان علیه السلام در بسط و گسترش گفتمان همبستگی از معجزه استفاده نمی‌کند، بلکه این هدف را از مسیر سازوکارها و راهبردهای اجتماعی خاصی به انجام خواهند رساند که در روایات به آن‌ها اشارت رفته است که با استخراج و تبیین آن‌ها، می‌توان به گنجینه‌ای راهبردی از شیوه‌های ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی، دست یافت. گنجینه‌ای پربها که هم می‌تواند همه را با برنامه‌های اصلاحی امام زمان علیه السلام آشنا کند و هم ذخیره‌ای پایان‌ناپذیر برای نظام‌های اجتماعی باشد که راه‌های وصول به همبستگی اجتماعی را جست‌وجو می‌کنند. اما نکته بسیار مهم این است که هر جامعه یا دولتی که می‌خواهد زمینه‌ساز باشد باید بتواند راهبردهایی را که امام زمان علیه السلام برای اجرای برنامه‌های اصلاحی خود به کار می‌گیرد در حد توان خود به کار گرفته و از این طریق، زمینه‌های آغاز حرکت اصلاح‌طلبانه حضرت را فراهم آورند. در این نوشتار برآنیم نخست، سازوکارهایی را که امام زمان علیه السلام از طریق آن‌ها به ایجاد همبستگی اجتماعی همت می‌گمارد از لایه‌لای آیات و روایات استخراج نموده، سپس با توجه به نیاز روزافزون جامعه امروز ما به حفظ همبستگی اجتماعی و انسجام ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظرش از یک‌سو و وظیفه‌ای که نظام اسلامی ما در قبال زمینه‌سازی ظهور امام زمان دارد از سوی دیگر، به بررسی نقش جامعه و دولت زمینه‌ساز در تحقق و حفظ همبستگی اجتماعی اقشار مختلف جامعه پردازیم.

پرسش آغازین

هر تحقیق با پرسش یا پرسش‌هایی آغاز می‌شود که محقق می‌کوشد به آن پاسخ دهد. در این نوشتار سؤال اصلی ما این است که به راستی امام زمان عج چه راهکارهایی را برای ایجاد همبستگی اجتماعی در بین مردمی که ظهور را درک کرده‌اند، به کار می‌گیرد؟ و به دنبال آن این پرسش رخ می‌نماید که به راستی نقش جامعه و دولت زمینه‌ساز در زمینه ایجاد همبستگی اجتماعی چیست؟

فرضیه تحقیق

گمان ما بر این است که امام زمان عج راهکارهای متعدد، متنوع و گوناگونی را در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، برای همبستگی اجتماعی به کار خواهند گرفت. ایشان با استفاده از محبوبیتی که در بین اقشار مختلف جامعه دارند ابتدا وحدتی در نوع نگرش انسان‌ها به هستی ایجاد می‌نمایند و در مرحله بعد و در سایه‌سار این وحدت نگرش به تصحیح، تعدیل و هدایت کنش‌ها اجتماعی و سامان دادن به نظام اقتصادی در راستای یک‌پارچه کردن جامعه گام برمی‌دارند.

روش تحقیق

در این نوشتار، همچون دیگر نوشتارهای از این دست، مسئله را به روش توصیفی - تبیینی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای، بررسی کرده‌ایم. در این روش با رجوع به کتاب‌هایی که به توصیف و یا تبیین آموزه مهدویت، اعم از کتب روایی یا ادعیه و یا کتب تحلیلی پرداخته‌اند، به بررسی و تبیین مسئله همت گماشته‌ایم.

پیشینه تحقیق

در ضمن کنکاش‌هایی که درباره این موضوع نمودم. در آثار مختلف و به گونه‌ای پراکنده به برخی راهکارهای تحقق همبستگی در زمان ظهور اشاره شده بود. اما به هیچ اثری که به صورت مستقل و مستوفی به این بحث آن هم

از نگاه جامعه‌شناختی به آن پرداخته باشد، برخورد نکردم. از این نظر طرح این مسئله، پرداختی نوین و بدون پیشینه است.

چارچوب نظری تحقیق

هر پدیده اجتماعی در پیدایی خود نیازمند علل و عواملی است که در به وجود آوردن آن نقش داشته‌اند. همبستگی اجتماعی نیز در پیدایی‌اش وام‌دار عوامل ایجادکننده خود است؛ اما در این‌که چه عاملی در ایجاد این پدیده نقش دارد، بین اندیشه‌ورزان و نظریه‌پردازان اجتماعی، توافقی وجود ندارد. جامعه‌شناسان و اندیشه‌ورزان بسیاری درباره پدیده همبستگی اجتماعی و علل به وجودآورنده آن به نظریه‌پردازی دست زده‌اند که در ذیل به عمده‌ترین آن‌ها اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت:

ابن‌خلدون، متفکر اسلامی عصبیت را عامل همبستگی اجتماعی می‌داند. فارابی و خواجه نصیر طوسی نیز به همبستگی اجتماعی مبتنی بر محبت، اعتقاد داشتند.

دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی اعتقاد داشت که همبستگی اجتماعی مبتنی بر دو عامل وجدان جمعی و تقسیم کار است. پارسونز، جامعه‌شناس امریکایی بر این باور بود که همبستگی مبتنی بر تعادل ارزش‌ها و محیط است.

زیمل و کوزر (و البته به نوعی مارکس) وجود دشمن مشترک را عامل همبستگی اجتماعی معرفی می‌کردند. (یعقوبی، ۱۳۸۳: ۱۶)

بی‌تردید هر یک از این نظریه‌ها در پرداخت به این موضوع به بخشی از واقعیت نظر افکنده‌اند. هیچ‌یک از این چند نظریه به تنهایی نمی‌توانند پاسخ‌گوی پرسشی باشند که در این نوشتار در پی پاسخ به آن بوده‌ایم. از نظر ما ترکیب این نظریه‌ها می‌تواند ما را در پردازش اطلاعات، تبیین و نتیجه‌گیری کامل‌تری یاری رساند.

مفاهیم کلیدی

همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی است که در علوم اجتماعی کاربرد بسیاری دارد. این مفهوم در زبان لاتین معادل "social solidarity" به کار رفته است که به معنای وحدت (unity)، وفاق (agreement) و وفاداری (suppok) که ناشی از علائق، احساسات و همدلی و کنش‌های مشترک است، استعمال شده است. (Hornby: 1998) در روان‌شناسی اجتماعی، همبستگی به کششی اطلاق می‌شود که یک گروه برای اعضای خود دارد و همه نیروهای انگیزشی که احساس فرد را به گروه تحت تأثیر قرار می‌دهند ... خواه در درون خود فرد یا بیرون از او ریشه یافته باشند ... در نظر می‌گیرد. (جولیوس؛ ال. کولب: ۱۳۷۶) در جامعه‌شناسی نیز تعریفی نزدیک به همین معنا برای همبستگی اجتماعی بیان شده است، به زبان جامعه‌شناختی، همبستگی، پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگرند. از این رو گفته شده است که همبستگی در ذات خود حایز یک معنای اخلاقی است که متضمن وجود یک اندیشه، یک وظیفه و یا الزام متقابل است. (آلن، ۱۳۷۰: ۴۰۰)

دولت

دولت در لغت به معنای اقبال و سعادت، پیروزی در امری، غنیمت، مال، سطنت و... آمده است. در اصطلاح، برای این واژه، سه تعریف ارائه کرده‌اند:

الف) دولت عبارت است مجموعه تشکیلات حقوقی، جغرافیایی و اجتماعی معین و مشخص مردمان در سرزمینی خاص. با توجه به این تعریف، دولت واحدی است دربر گیرنده چهار عنصر جمعیت، سرزمین، حکومت و حاکمیت.

ب) دولت به معنای هیئت مجریه (حکومت) و مقننه (پارلمان) است.

ج) دولت به معنای قوه مجریه کشور و هیئت دولت که وظیفه‌اش اجرای قانون است. (آراسته‌خو، ۱۳۷۱: ۵۶-۵۷)

مراد ما از دولت در این نوشتار معنای دوم از مفهوم دولت است؛ یعنی تمام کسانی که مجاری امور و برنامه‌ریزی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فکری - فرهنگی نظام به دست آنهاست و به عنوان مسئولان نظام و هیئت حاکمه نامیده می‌شوند؛ زیرا هر برنامه‌ای که بخواهد در جامعه طرح‌ریزی و اجرا شود بدون همکاری آنان به ثمر نخواهد رسید.

جامعه

جامعه‌شناسان در ارائه تعریفی از جامعه با هم اتفاق نظر ندارند. البته این عدم اتفاق اختصاصی به تعریف جامعه ندارد؛ زیرا آنان در بسیاری از مفاهیم دیگر که در حوزه علوم انسانی و اجتماعی کاربرد دارند نیز با همین مشکل تعریف روبه‌رو هستند. اما به نظر می‌رسد تعریفی که ما در صدد ارائه آن هستیم از جامعیت بیش‌تری برخوردار است. این که «جامعه، جمعیتی سازمان یافته از اشخاص است که با هم در سرزمینی مشترک سکونت دارند و با همکاری در گروه‌ها نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی‌شان را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگی مشترک به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شوند.» (نیک‌گهر، ۱۳۶۹: ۹۹)

زمینه‌ساز

اصطلاح «زمینه‌ساز» برگرفته از مضمون احادیثی است که از گروه‌هایی یاد می‌کنند که پیش از ظهور حضرت مهدی (عج) بسترها و شرایط لازم را برای قیام ایشان فراهم می‌آورند. این اصطلاح معادل فارسی کلمات «تمهید»، «توطئه» و «اعداد» در عربی است که به معنای مقدمه‌چینی، فراهم‌سازی، آماده‌سازی و بسترسازی است؛ چنان‌که کلمات «يُوطِئُونَ» (قزوینی، بی‌تا: ۱۳۶۸) و «لِيُعِدَّنَّ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰) در احادیث، به همین معناست.

با توجه به این معنا، زمینه‌سازی ظهور، یعنی فراهم ساختن و ایجاد مقدمات و اسباب و علل ظهور به گونه‌ای که شرایط برای تحقق ظهور و خارج شدن امام از پرده غیبت، مهیا و هموار باشد تا امام بتواند حرکت خود را آغاز و حکومت جهانی‌اش را تحقق بخشد. (پورسید آقایی، ۱۳۸۸: ۲۰) با این تفسیر روشن می‌شود که دولت و جامعه زمینه‌ساز، ساختارهای سیاسی و نظام‌های اجتماعی هستند که با استفاده از ظرفیت‌های انسانی و توانمندی‌های علمی، فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود، به پاکی پهنه هستی پرداخته و با فراهم آوردن شرایط لازم، ظرف زمین را برای ظهور امام زمان (عج) آماده می‌سازند.

عوامل همبستگی اجتماعی

بدیهی است همه پدیده‌های عالم در پیدایش و مرگ خود از اصول و قواعدی پیروی می‌کنند. هیچ پدیده‌ای نه بی دلیل رخ می‌نماید و نه بی علت رخ در نقاب نیستی می‌کشد. پدیده‌های اجتماعی نیز همچون دیگر پدیده‌های هستی، از این قانون تبعیت می‌کنند. همبستگی از پدیده‌های اجتماعی است که با تکیه بر عوامل و اسبابی خاص در سپهر جامعه ظهور یافته و پیامدهایی را برای آن به ارمغان می‌آورد.

بر اساس گزارش آموزه‌های دینی، یکی از آسیب‌هایی که جامعه پیش از ظهور از آن رنج می‌برد، گسست اجتماعی و واگرایی شگفتی است که بر آن غالب می‌شود. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶) با این حال، در روایات دینی آمده است که این فضای عارضی و خلاف فطرت بشر عمر درازی نخواهد داشت و با آمدن آخرین ذخیره الهی، چهره درهم ریخته و زمین گسل خورده و نسل ازهم گسسته با راهبری و راهنمایی او دوباره به همگرایی و همبستگی روی خواهند آورد. (مجلسی، بی تا: ج ۵۱، ۸۴)

در این جا این سؤالی مهم در ذهن رخ می‌نماید که امام زمان (عج) با چه سازوکاری موفق می‌شود جامعه واگرایی پیش از ظهور را به جامعه‌ای با سیمای

خوش به هم پیوسته و منسجم تبدیل کند؟ در ذیل به بررسی و تبیین جامعه‌شناختی عوامل و سازوکارهایی می‌پردازیم که امام زمان (عج) با به‌کارگیری آن‌ها در گرایش به سوی همبستگی و وحدت، به جامعه یاری می‌رساند.

۱. رهبری کاریزماتیک، عامل همبستگی

جامعه‌شناسان اندیشه‌ورز بر این نکته تأکید دارند که یکی از عوامل بسیار مهم ایجاد همبستگی در بین گروه‌های اجتماعی و جامعه، مدیریت دگرگونی‌های اجتماعی از سوی یک رهبر توانا و محبوب است. رهبر جامعه دو کارکرد مهم سازماندهی به گروه و روحیه‌بخشی به آن را بر عهده دارد. سازماندهی بدین معناست که رهبر به جامعه سازمان و جهت می‌دهد و هدف‌های گروه را پیوسته در ذهن خود نگاه می‌دارد و مسئولیت تنظیم وسایل دستیابی به این هدف‌ها را بر عهده می‌گیرد. اما کارکرد روحیه‌بخشی بدین معناست که رهبر می‌کوشد احساس حسن نیت و هماهنگی را در گروه ایجاد کند. روحیه گروه را همیشه بالا نگه دارد و از ایجاد شکاف در داخل گروه جلوگیری کند. (کوئن، ۱۳۷۵: ۹۹) در این فرایند، رهبرانی موفق‌ترند که افزون بر جایگاه اقتدار قانونی دارای نوعی رهبری فرهنگ‌دانه یا کاریزماتیک باشند. این نوع اقتدار از ویژگی‌های شخصیتی و نفوذ شخصی فرد سرچشمه می‌گیرد. این‌گونه افراد برای توده مردم جاذبه و ویژه‌ای دارند. (همو: ۳۰۱) این‌گونه رهبران تلاش می‌کنند جایگاه ویژه‌ای برای خود نسبت به دیگران قائل نشوند و همچون اعضای دیگر جامعه رفتار کنند و به عبارت روشن‌تر، روابط درون جامعه خود را هرچه بیش‌تر به سوی افقی شدن پیش می‌برند و این خود عاملی مهم برای احساس همبستگی اعضای جامعه است. وقتی افراد جامعه بدانند در مزایای اجتماعی هیچ تفاوتی با رهبر خود ندارند، او نیز همچون یکی از آنان و بلکه گاه در سطحی پایین‌تر می‌پوشد و می‌خورد و رفتاری ساده دارد؛ احساس تعلق به گروه را بیش‌تر در خود احساس می‌کنند.

در رویکرد شیعی به آموزه‌های دین، به تأثیر این عامل در انسجام اجتماعی در قالب مفهوم «امامت» و «ولایت» اشاره شده است. هرچند تفاوت بسیاری بین مفهوم «رهبری کاریزماتیک» و «امامت و ولایت» در رویکرد دینی وجود دارد، اما هر دو در این نکته مشترکند که رهبری می‌تواند عاملی مهم در ایجاد همبستگی اجتماعی باشد.

در نگرش شیعی، امام در جامعه اسلامی، هم نقش سازماندهی اهداف جامعه و وسایل دستیابی به آنها را برعهده دارد و از این‌رو مرجع علمی، قانون‌دان و قانون‌گذار و حاکم و رهبر سیاسی و فرمانده کل قواست و هم از آن جهت که پدر معنوی جامعه است که فرزندان ایمانی‌اش را از خودشان بیش‌تر دوست دارد و آنها نیز باید او را دوست بدارند و به او و دوستانش توفی داشته باشند و از دشمنانش براثت بجویند، نقش روحیه‌بخشی و شکاف‌زدایی از ساحت جامعه را ایفا می‌کند و این بدان معناست که ولایت امام علیه السلام مهم‌ترین عامل وحدت و اشتراک در جامعه اسلامی است. هم از این نظر که دل‌های همه خدایپرستان کانون محبت و ارادت به اوست، هم از آن‌رو که حاکم و رهبر سیاسی و مرجع علمی و اخلاقی جامعه است. پس امام محور نظم اجتماعی اسلامی است؛ از این‌رو علی علیه السلام فلسفه وجودی سازمان امامت و ولایت را همبستگی اجتماعی دانسته (شریف رضی، ۱۳۸۳: ۲۵۲، حکمت ۴۸۶) و جایگاه رهبر را چونان ریسمانی محکم معرفی می‌کند که مهره‌ها را متحد ساخته به هم پیوند می‌دهد و هشدار می‌دهد که اگر این رشته از هم بگسلد، مهره‌ها پراکنده می‌شوند و هر کدام به سویی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع‌آوری نخواهند شد. (همو: ۱۴۷، خطبه ۱۹۰) این‌گونه روایات به اهمیت رهبری و تأثیر آن در اصلاح خلق و تهذیب نفوس و دگرگونی در اجتماع اشاره دارد؛ بدین معنا که وقتی رهبری، صحیح و بر پایه علم و دین استوار باشد، می‌تواند جامعه آلوده و گرفتار پراکندگی را به جامعه‌ای پاک و منسجم تبدیل کند. در برخی دیگر از روایات، وجود امام به کعبه تشبیه شده است؛

(مجلسی، بی تا: ۳۵۸) زیرا کعبه به عنوان قبله همه مسلمانان کارکرد ایجاد حس همبستگی و وحدت در بین آنان را بر عهده دارد. حضور حول محور ولایت و رهبری امت نیز نمادی از همبستگی اجتماعی امت اسلام را به رخ دیگران می‌کشد.

امام زمان علیه السلام رهبری الهی است که با توانایی و محبوبیت خاصی که در دل مردم دارد، جمع پریشان امت اسلامی را بر محور ولایت خویش منسجم می‌کند. مدیریت بی نظیر ایشان در سامان بخشی به زندگی مردم از یک سو و مهرورزی و دل‌سوزی وی نسبت به جامعه اسلامی از سوی دیگر، زمینه را برای همبستگی فراگیر در جامعه اسلامی فراهم می‌آورد. در بسیاری از روایات و ادعیه بر این دو وجه از شخصیت امام زمان علیه السلام اشاره شده است. در برخی ادعیه، از امام زمان علیه السلام به عنوان «نظام الدین» و «يعسوب المؤمنين» (قمی، ۱۳۷۸: ۸۷۰، زیارت صاحب الامر) که اشاره به بُعد انسجام بخشی شخصیت ایشان دارد، یاد شده است. با این توضیح که «نظام» در لغت به معنای «چیدن» و «نخ تسبیح» (بندرریگی، ۱۳۶۲: ۵۹۲) و «يعسوب» به معنای پادشاه زنبوران (ملکه زنبوران) (همو، ۳۶۱) آمده است. در روایتی دیگر به این کارکرد وحدت بخشی رهبری امام زمان علیه السلام چنین تصریح شده است:

امت او چنان نزدش پناه جوید که زنبورهای عسل نزد ملکه خود؛ زمین را از عدل و داد مالا مال کند، همان گونه که از جور و ستم مالا مال شده است؛ به طوری که مردم همچون جامعه نخستین خود گردند؛ وی خفته‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی را نمی‌ریزد. (مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۸۶: ج ۱، ۲۵۷)

گفتنی است در این روایت، امام علیه السلام منظور خود از «يعسوب» بودن امام زمان علیه السلام را با استدلال به آیه‌ای از قرآن بیان می‌کند. به نظر می‌رسد معنای جمله «همچون جامعه نخستین خود» که برگرفته از آیات قرآن است، این باشد که در جامعه اولیه بشری، مردم یک امت بودند و بر پایه صفا و فطرت انسانی می‌زیستند و اختلافی در میان آن‌ها نبود، چنان‌که خداوند در قرآن فرموده

است: «مردم، امتی یگانه بودند.» (بقره: ۲۱۳) و امام زمان علیه السلام این یکپارچگی بر ساخته بر فطرت - که توسط زورمندان و فتنه انگیزان در طول تاریخ - از کف مردم گرفته شده بود را با روشن کردن چراغ فطرت به آنان برمی گرداند.

۲. دین و جهان بینی واحد، عامل همبستگی

از دیگر عوامل ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه، توجه به دین و دین مداری اعضا جامعه است. عمده ترین کارکرد دین، ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی است. امیل دورکیم (جامعه شناس شهیر فرانسوی) در تعریف خود از دین به نقش دین در ایجاد همبستگی گروهی اشاره می کند. وی دین را نظام یکپارچه ای از عقاید و رفتارهای معطوف به امور مقدس می داند که تمام پیروان پایبند به عقاید و رفتارهای دینی را در یک اجتماع اخلاقی واحد، هماهنگ و متحد می سازد. (افروغ، ۱۳۷۹: ۶۵) از نظر وی تشریفات و شعائر دینی برای پیوند دادن اعضای گروه، ضروری است. او عقیده دارد که مناسک دینی در زمانی که مردم مجبور به سازگار شدن با تغییرات عمده در زندگی شان هستند، همبستگی گروهی را مجدداً تأیید می کند. (گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۰۴) دورکیم برای جامعه دو نوع همبستگی را برمی شمرد: همبستگی مکانیکی و همبستگی ارگانیکی. وی معتقد است آنچه باعث همبستگی مکانیکی، یعنی همبستگی جوامع پا گرفته بر اساس همانندی و تشابه می شود، وجود یک «وجدان جمعی» قوی است که مجموعه ای از اعتقادات و عواطف مشترک در میان شهروندان است و این وجدان جمعی لازم و ضروری را دین برای جامعه به ارمغان می آورد. (ادوارد، ۱۳۷۳: ۱۰۰) ابن خلدون، اجتماعی اندیش مسلمان نیز بر نقش دین در حفظ همبستگی اجتماعی تأکید کرده و معتقد است که دین در بین نیروها ایجاد وحدت می کند و رقابت ها و حسادت ها را از بین برده، به افراد روحیه ایثار می بخشد که نتیجه آن ایجاد دولت های وسیع است. وی افول باورهای دینی جامعه را مایه تزلزل همبستگی اجتماعی معرفی می کند. (ملکوتیان، ۱۳۷۶: ۲۱)

در اسلام نیز به بعد انسجام بخشی دین و اعتقادات و مناسک مشترک دینی تصریح شده است. اصولاً یکی از مهم ترین و بنیادی ترین عوامل پیوند میان افراد در جامعه اسلامی، همان عقیده اسلامی است که موجب به وجود آمدن مشترکات بسیار زیادی در زمینه باورها، ارزش ها و نیز هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و حقوقی در میان مسلمانان می شود و این یگانگی در جهان بینی است که هستی را در چشم جامعه اسلامی به یک رنگ خاص هویدا کرده و کنش های اعضای جامعه اسلامی را سمت و سویی الهی می بخشد؛ زیرا با توجه به محتوای آموزه های اسلام، اخلاق اسلامی و تمامی قوانین فردی و اجتماعی در جامعه مسلمانان، بر عقیده اسلامی استوار است. بی تردید در سایه این رنگ الهی، جامعه اسلامی به همبستگی و انسجامی دست می یابد که به جرئت می توان گفت در هیچ بازاری به چنین متاعی پربها دست نمی یازد و جالب این جا است که یگانگی در دین و اعتقادات مذهبی، نه تنها ایجادکننده همبستگی اجتماعی در بین افراد فراهم آمده در درون یک مرز جغرافیایی و سیاسی است، بلکه این توانایی را دارد تا این گونه مرزها را نیز درنور دیده و همه معتقدان به آیین اسلام در سرتاسر گیتی را منسجم و همبسته نماید؛ زیرا از نگاه اسلام مرز بین انسان ها عقیدتی است و نه جغرافیایی. از این رو تمام مسلمانان را به دور از هرگونه تفاوت در رنگ و زبان و ملیت، عضوی از اعضای امت یگانه اسلام می داند. علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

اسلام اصل انشعابات قومی و ملی را بدین صورت که مؤثر در تکون پیدایش اجتماع باشد ملغی ساخته است... انشعابات و ملیت هایی که بر اساس وطن تشکیل می گردند، امت و مجموعه خود را به سوی وحدت و یگانگی حرکت می دهند و در نتیجه این ملت از ملت های دیگر که در وطن های دیگر قرار دارند روحاً و جسماً جدا می گردد... در این صورت برخورد یک جامعه با جامعه جدید یا جوامع دیگر به گونه ای نظیر برخورد انسان با سایر اشیا و موجودات طبیعت است که آنان را استخدام می کرده، استثمار می کند و تجربه قرن های طولانی از آغاز خلقت تا کنون

به این حقیقت گواهی می‌دهد. به همین دلیل است که اسلام، این قبیل انشعابات و تمیزات را ملغی ساخته و اجتماع انسانی را بر اساس عقیده و نه نژاد و وطن و نظایر آن پایه‌ریزی نموده است. حتی مساک در بهره‌برداری‌های جنسی (ازدواج) و ارث اشتراک در عقیده و توحید است، نه در منزل و وطن. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۲۵)

با رجوع به آیات قرآن می‌توان به این اصل دست یافت که مهم‌ترین عامل ایجاد همبستگی اجتماعی، تکیه بر دین و اعتقادات مشترک دینی است. خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید:

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و خداوند میان دل‌هایتان الفت برقرار کرد و به برکت نعمت او برادر گشتید.

در این آیه اولاً عامل همبستگی را «حبل الله» که به معنای «ریسمان الهی» است دانسته است و در روایات دینی و تفاسیر، «ریسمان الهی» به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام که ترویج‌دهنده اعتقادات دینی و مذهبی است، و نیز به اسلام تفسیر شده است. (مکسارم شیرازی، ۱۳۶۹: ۴۲) بنابراین در اسلام، اتحاد و پیوند، خودبه‌خود، دارای ارزش مطلق نیست. ارزش همبستگی و اتحاد، نسبی است و بستگی به محور بودن دین حق و مصالح معنوی دارد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۰۰) و ثانیاً قرآن به مردم یادآوری می‌کند که این همبستگی پدید آمده در جامعه گسسته و گسل‌خورده عرب آن زمان، در پرتو عنایت خداوند و مددسانی دین به دست آمده است و از آن به نعمت الهی یاد شده است:

«وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا». (آل عمران: ۱۰۳)

به عبارت دیگر، قرآن بر این باور است که همبستگی اجتماعی تنها در صورتی به بهترین وجه و کامل‌ترین شکل آن امکان‌پذیر است که بر محور خدا و معارف و ارزش‌های نشئت گرفته از او بنیان شود. به هر حال از نگاه

قرآن نیز دین و اعتقاد توحیدی یکی از عوامل مهم همبستگی اجتماعی است و در مقابل، بی‌دینی، شرک و دوگانه‌پرستی عامل تششت و تفرقه و گسست اجتماعی است. (آل عمران: ۱۰۵) به تعبیر استاد مطهری:

توحید عملی ... اعم از توحید عملی فردی و توحید عملی اجتماعی ... عبارت است از یگانه شدن فرد در جهت یگانه‌پرستی خدا و نفسی هر گونه پرستش قلبی از قبیل هواپرستی، پول‌پرستی، جاه‌پرستی و غیره، و یگانه شدن جامعه در جهت یگانه‌پرستی از طریق نفی طاعوت‌ها و تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها فرد و جامعه تا به یگانگی نرسد به سعادت نایل نمی‌گردد و جز در پرتو حق‌پرستی به یگانگی نمی‌رسد... انسان در نظام شرک هر لحظه به سویی و به جانب قطبی کشیده می‌شود. (مطهری، ۱۳۷۵: ۱۱۶-۱۱۷)

با توجه به نقش برجسته دین در ایجاد حس همبستگی اجتماعی است که نظام‌های سکولار معاصر که از اندیشه توحیدی و اعتقادات دینی فاصله گرفته‌اند ناگزیر شده‌اند ایدئولوژی‌های خودساخته دیگری مانند وطن‌پرستی، نژادپرستی و ملیت‌گرایی را جایگزین آن سازند، به این امید که بتوانند همبستگی را در جوامع خود برقرار نمایند.

سؤال مهم این است که به راستی چه رابطه معناداری بین دین و همبستگی اجتماعی وجود دارد؟ پاسخ می‌دهیم دین و اعتقاد توحیدی، جامعه را در نگرش فرد مؤمن، همچون خانواده‌ای بزرگ و دارای یک جهان‌بینی هماهنگ جلوه‌گر می‌سازد. از این‌رو اگر چنین اعتقادی در جامعه دامن‌گستر شود، هرچه کاستی و تجاوز و تعدی و افراط و تفریط است از آن برمی‌افتد و خودخواهی و تمایز طبقاتی و زیاده‌خواهی از آن رخت برمی‌بندد و از مردم، امت میانه‌ای فراهم می‌آید که بنیان اجتماعی آن بر سنت‌های عادلانه بنا شده است. (حکیمی، ۱۴۰۹: ۴۵۰) در این‌گونه جوامع عامل مهم در همبستگی بین اعضا، باورهای دینی افراد است. از این‌رو هرچه درجه ایمان بالاتر باشد، افراد اهداف شخصی را کم‌تر در نظر می‌گیرند و حتی ممکن است برای نیل به اهداف

گروه، مهم‌ترین علایق فردی خود را کنار بگذارند. اعتقادات دینی با پیوند زدن زندگی اعضای امت اسلامی و یکپارچه دانستن جامعه مسلمانان و تعیین حق و تکلیف برای آنان در برابر یکدیگر، زمینه مناسبی را برای رشد همبستگی اجتماعی به وجود می‌آورد.

یکی از راهکارهای مهمی که حضرت مهدی عج برای ایجاد همبستگی اجتماعی و محو تفرقه و جدایی در جامعه به کار خواهند گرفت، گسترش یک جهان‌بینی واحد و ارزش‌های یگانه بر اساس آموزه‌های اصیل اسلام است. بر اساس گزارش روایات، در دوران پس از ظهور، جهان‌بینی یکپارچه‌ای توسط امام زمان عج بر جهان حاکم می‌گردد و الگوهای رفتاری جامعه نیز به تبع آن جهان‌بینی، یکپارچه و منسجم خواهد بود و یکرنگی و یگانگی واقعی در اندیشه و کنش پدیدار خواهد شد. امام زمان عج همبستگی واقعی را بر اساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی‌ریزی کرده و جامعه بشری را زیر پرچم خداپرستی جمع خواهند نمود. علی ع در توصیف این منظره شگفت‌انگیز و غرورآفرین به مالک بن حمزه می‌گوید: «چگونه خواهی بود هنگامی که شیعه اختلاف کنند (به جان هم بیفتند)؟» مالک گفت: «در چنین زمانه‌ای هیچ خیری نیست.» امام فرمود: «تمام نیکی در این روزگار است. در این زمان قائم ما قیام می‌کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد می‌آورد.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)

امام صادق ع نیز آن چشم‌انداز دل‌نواز را این‌گونه توصیف می‌کنند:

فَوَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ! لَيُرْفَعُ عَنِ الْمِلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا، كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ». (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۳، ۴)

پس سوگند به خدا ای مفضل، که اختلاف از ملت‌ها و ادیان برداشته می‌شود و دین یگانه می‌شود، همان‌گونه که خداوند فرمود: «همانا دین در نزد خدا اسلام است.»

به هر حال، حضرت مهدی عج با زنده کردن اسلام به غربت رفته و با احیا نمودن عناصر و مجموعه‌های فرهنگی دین که در طول تاریخ به علل گوناگون

به فراموشی سپرده شده بود، فرهنگ واحدی را در میان مسلمانان حاکم می‌کند که در ایجاد گفتمان همبستگی اجتماعی در جامعه اسلامی نقش بسزایی دارد. به‌ویژه اگر به این نکته توجه کنیم که عناصر و مجموعه‌های مهم در فرهنگ اسلامی، مانند وجود روحیه تعاون و همکاری، برادری ایمانی میان مسلمانان و همبستگی آنان، صله رحم، احترام به والدین و رعایت حقوقی که اسلام برای حاکم اسلامی، مؤمنان، همسایه‌ها، کوچک‌ترها، بزرگ‌ترها و... تعیین کرده است، همه در راستای تقویت پیوندهای اجتماعی در جامعه اسلامی است و امام زمان به احیای دوباره این عناصر فرهنگی و ارزش‌های دینی همت خواهد گمارد و از این طریق همبستگی اجتماعی بی‌بدیلی را در ساخت جامعه جهانی به وجود خواهد آورد.

۳. گسترش همه‌جانبه عدالت اجتماعی

شاید در دایره هستی هیچ فرهنگ و جامعه‌ای وجود نداشته باشد که عدالت برای او ارزش نباشد. همه اندیشه‌ورزان جهان، هرچند ممکن است در تعریف خود از عدالت، یا تعیین مصادیق آن با هم اختلاف باشند، اما همه یکصدا بر حسن عدالت و ضرورت وجود آن در لایه‌های پیچیده زندگی اجتماعی تأکید دارند. هرچند برخی گرایش‌های منسوخ مثل سوفسطایان و برخی فلاسفه غربی با نگاهی بدبینانه به مفهوم عدالت نگاه کرده‌اند. مثلاً نیچه اعتقاد داشت که اصل در اخلاق، قدرت است. انسان باید قدرت خود را توسعه دهد و هرچیزی که نشانه ضعف یا موجب آن شود، مطلوب نیست. به اعتقاد وی مفاهیمی چون عدالت و قبح ظلم، دستاویزی برای قدرتمندان هستند که می‌خواهند به وسیله آن‌ها مردم را رام کنند و هیچ اساس دیگری نمی‌توان برای آن در نظر گرفت. در واقع انکار ارزش عدالت، در انکار اصالت اخلاق ریشه دارد؛ بدین معنا که ارزش‌های اخلاقی، مطلق و اصیل نیستند. به هر حال غیر از کسانی که منکر اصالت ارزش‌های اخلاقی هستند، طرف‌داران همه نظام‌های اخلاقی عدالت را یک ارزش معتبر می‌دانند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

اصولاً در سلسله مراتب نیازهای انسانی، یکی از نیازهای مهم روانی احساس تحقق عدالت فردی و رعایت انصاف در همه عرصه‌های اجتماعی است. بیش‌تر انسان‌ها نسبت به ظلم و بی‌انصافی در حق دیگران حساسند. از این‌رو در آموزه‌های اسلامی نیز بر ارزش محوری بودن عدالت تأکید شده است؛ به‌گونه‌ای که در رویکرد اسلامی هیچ حوزه‌ای از ساحت‌های وجودی انسان (فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بدون گردش بر محور عدالت نیست. به تعبیر استاد مطهری:

در قرآن، از توحید گرفته تا معاد و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. (مطهری، ۱۳۶۱: ۲۸)

عدالت مورد نظر اسلام چیزی است که خداوند به طور صریح به آن امر کرده است (نحل: ۹۰) و فلسفه فرستادن پیامبران الهی نیز اقامه قسط و عدل بوده است. (حدید: ۲۵)

در گفتار پیشوایان دین نیز درباره عدل، تعبیرهای کنایی زیبایی به کار برده شده است که نمایان‌گر برجستگی جایگاه این نیاز بشری است. از جمله گفته شده: «عدل گواراتر از آبی است که فرد تشنه به آن دست می‌یابد.» (مجلسی، بی تا: ج ۵۷، ۳۷) یا «عدل از غسل شیرین‌تر و از خامه نرم‌تر و از مشک خوش‌بوتر است.» (همو: ۳۹) و این‌که «عدل، آرامش‌بخش دل‌هاست.» (صدوق، ۱۳۸۶: ۲۴۸) و «عمل به عدل نشاط‌آور است.» (شریف رضی، ۱۳۸۳: ۵۳، نامه ۴۱۲)

بحث عدالت و در مقابل آن ظلم در آموزه‌های دینی در هر دو بُعد فردی و اجتماعی مطرح شده است. اما در این میان بر بُعد اجتماعی آن بسیار تأکید شده است، به‌گونه‌ای که بیش‌تر مباحث عدل و ظلم در متون دینی در این‌باره است. در این مباحث بر نقش عدالت در روابط کلان اجتماعی، درون گروه‌ها و تعامل‌های اجتماعی جزئی تأکید شده و در مقابل، آثار نامطلوب بی‌عدالتی یادآوری شده است. (آذربایجانی، ۱۳۸۷: ۴۲۰)

در رویکرد اسلام، پایه همه نظام‌های انسانی جهان، عدل است. (مجلسی، بی‌تا: ج ۷۸، ۸۳) و بر نقش عدالت به منزله محافظی برای استمرار دولتها و نظام‌های سیاسی (خوانساری، ۱۳۷۳: ۱۶۹) و افزایش کارآمدی هرچه بیش‌تر آنها (همو: ج ۳، ۲۰۵) تأکید شده است. همچنین عدالت‌ورزی در یک جامعه به عنوان بهترین وسیله برای بقای آن (همو: ج ۶، ۶۸) و مایه نشاط و پویایی و بالندگی، (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۴۸، ح ۱۶۹۹) معرفی شده است. در نظرگاه اسلام، رعایت انصاف - که بعدی از عدالت‌ورزی شمرده می‌شود - به دلیل برچیدن اختلاف‌ها و قوت بخشیدن به روابط اعضای جامعه، به استمرار حیات جامعه کمک می‌کند. (همو: ۲۷۱، ح ۹۱۱۶) و در مقابل، فراهم کردن موجبات احساس بی‌عدالتی در افراد به سستی (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۲، ۳۶) و کوتاهی عمر جامعه (شریف رضی، ۱۳۸۳: ۴۰۴، نامه ۵۳) و در نهایت فروپاشی (آمدی تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۱۰، ح ۱۰۴۲۹) آن می‌انجامد.

با دقت در متون دینی درباره عدالت اجتماعی که در بالا به بخشی از آنها اشاره نمودیم به خوبی روشن می‌شود که مهم‌ترین تأثیر عدالت و انصاف بر رضامندی اعضای جامعه است که این خود زمینه‌ساز صمیمیت بیش‌تر در روابط اجتماعی و در پی آن ایجاد همبستگی اجتماعی در سطح جامعه است. این برداشت به روشنی در خطبه فدکیه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بیان شده است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

وَ الْعَدْلَ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ... وَ الْعَدْلَ فِي الْأَحْكَامِ إِيْنَسًا لِلرَّعِيَّةِ. (صدوق، ۱۳۸۶، ۲۴۸)

«تنسيق» به معنای «هماهنگ ساختن و در یک خط قرار دادن قلب‌ها» است و «ایناس» به معنای «انس گرفتن» است. کلام فاطمی اشاره به این واقعیت است که عدالت‌ورزی، هم دل‌های مردم را با هم پیوند می‌دهد و هم مایه انس گرفتن مردم با یکدیگر و با حاکمیت است و این سبب‌ساز نوعی همبستگی اجتماعی و انسجام ملی در جامعه اسلامی است.

این خط سیر عدالت‌محورانه اسلام در حکومت مهدوی نیز ادامه خواهد یافت و اصولاً برجسته‌ترین شعار انقلاب مهدوی توسعه عدالت در تمام عرصه‌های زندگی بشر است. جدیت امام زمان (عج) در گسترش عدالت به میزانی است که یکی از مشهورترین صفات ایشان، «عدل منتظر» (قمی، ۱۳۷۸: ۲۹۸) است. بر اساس روایات، عدالت مهدوی تا آنجا پیش می‌رود و عمیق می‌گردد که درون خانه‌ها قانون عدل حاکم می‌شود و روابط داخلی در چارچوب و معیار و میزان عدالت شکل می‌گیرد. امام باقر (ع) در روایتی می‌فرماید:

بدانید! همان‌طور که سرما و گرما به داخل خانه‌های مردم نفوذ می‌کند، عدالت او (امام زمان ع) به درون خانه‌هایشان راه خواهد یافت. (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۳۶۲)

حضرت حتی در مسائل عبادی نیز عدالت را رعایت می‌کند و در هنگام حج، از مردم می‌خواهد اعمال مستحبی را انجام ندهند تا راه برای انجام مناسک تمتع باز و از ازدحام جمعیت کاسته شود. امام صادق (ع) می‌فرماید:

اولین دستور عادلانه‌ای که از قائم صادر می‌شود این است که نمایندگان آن حضرت اعلام می‌دارند: طواف‌کنندگان مستحبی و کسانی که به استلام حجرالاسود مشغولند، مطاف را برای حاجیان و ناسکین اعمال تمتع خالی کنند. (همو: ۳۷۴)

در حوزه عدالت اقتصادی و توزیعی نیز حضرت با توزیع عادلانه بیت‌المال و درآمدها و نظارت دقیق بر دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی حکومت، زمینه لازم برای رفاه و آسایش همگانی را فراهم خواهد کرد، به گونه‌ای که ساکنان آسمان‌ها و زمین، از شرایط به وجود آمده راضی و خشنود خواهند شد. ابوسعید خدری می‌گوید:

پیامبر (ص) فرمود: «به مهدی بشارتتان می‌دهم. او به هنگام اختلاف مردم، از میان امت من ظهور خواهد کرد و ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود خواهند شد. او مال را صحیح تقسیم می‌کند.» مردی پرسید:

«صحيح چيست؟» فرمود: «ميان همه به صورت مساوي.» (مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۳۸۶، ج ۱، ۴۳۳)

گسترش عدالت در همهٔ ساحت‌های زندگی بشر از سوی امام زمان (عج) سبب‌ساز رضایتمندی عمومی مردم و کاهش یافتن اختلافات و تنش‌های اجتماعي و در پی آن، شکل‌گیری همبستگی اجتماعي خواهد بود. آنچه مایه و پایهٔ گسست اجتماعي است، بی‌عدالتی و ستمی است که از سوی مردم بر یکدیگر، یا از سوی حاکمیت‌های سياسي بر مردم هموار می‌شود؛ اما وقتی که شمیم دل‌انگیز عدالت، همهٔ عرصه‌های زندگی را فراگیرد، دیگر تنش‌ها و تضادهای اجتماعي از جامعه رخت بر بسته و جای خود را به انس و الفت و اعتماد و اطمینان میان ملت و دولت خواهد داد و این صمیمیت و دگرخواهی، بستر مناسبی برای شکل‌گیری همبستگی فراهم می‌آورد.

۴. توسعهٔ مهرورزی (محبت، عامل همبستگی اجتماعي)

وجود رابطهٔ عاطفی بین اعضای یک نظام اجتماعي، می‌تواند سبب‌ساز همبستگی بین آن‌ها باشد. وقتی اعضای جامعه، به این سطح از درک برسند که تلاش همهٔ اعضا برای یک هدف است و همه برای یکدیگر مفید هستند، این درک، عواطف و محبت را در میانشان برمی‌انگیزد و به همبستگی اجتماعي آن‌ها کمک می‌کند. انسان می‌تواند الگوی روشن این نوع همبستگی را در نهاد خانواده به روشنی ببیند. به راستی چرا بین اعضای یک خانواده متعادل، همبستگی و انسجام دیده می‌شود؟ چرا اعضای خانواده در هنگامه‌های سختی و خطر یا ناملایمات زندگی، از افراد خانواده خود پشتیبانی و حمایت می‌کنند؟ و چرا نسبت به دیگرانی که خارج از این محدوده‌اند یا چنین حسی ندارند یا بسیار کم‌رنگ‌تر است؟ بی‌شک علت مهم آن، وجود نوعی ارتباط عمیق عاطفی و دوستانه بین اعضای خانواده است که آن‌ها را برای همدیگر جذاب و مهم جلوه می‌دهد و این سرآغازی برای یک همبستگی عمیق و تنگاتنگ میان آن‌ها می‌شود.

در قرآن کریم بر نقش برجسته محبت و مهرورزی در ایجاد حس همبستگی در جامعه تأکید شده و از آن به عنوان یک نعمت بزرگ یاد کرده که نباید به فراموشی سپرده شود:

نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودند، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید. (آل عمران، ۱۰۳)

در این آیه شریفه، «برادری» کنایه از وجود همبستگی اجتماعی بین جامعه مسلمان است که در سایه سار الفت و محبت و عواطف معنوی به وجود می‌آید. پیش از اسلام، قبایل عرب با هم دشمن بودند و علت دشمنی آنان، مسائل مادی زندگی بود. تراحم در امور مادی بین آنان احساساتی منفی ایجاد کرده بود. اما اسلام با طلوع خود، آنان را بر محور حق جمع کرده و ریشه آن دشمنی‌ها را در بینشان خشکاند و با ارائه بینش درست و معرفی اهداف معنوی متعالی، در میانشان محبت و برادری و عاطفه مثبت را زنده کرد و زمینه همبستگی اجتماعی را در میان آن‌ها فراهم آورد. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۰۳) وجود این الفت و مهربانی بین امت اسلامی به قدری باارزش است که خداوند به پیامبر بزرگوارش می‌فرماید:

و [خدا] میان دل‌هایشان الفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است. (انفال: ۶۳)

البته نقش مهرورزی و محبت در ایجاد همبستگی اجتماعی، منحصر در همبستگی در مسیر حق نیست، بلکه گروه‌های دیگری که از نظر اسلام باطل و گمراه محسوب می‌شوند نیز ممکن است از این طریق به همبستگی دست یابند. قرآن از گروه‌هایی از کفار یاد می‌کند که به سبب منافع مادی مشترک همدیگر را دوست می‌داشتند و یاری می‌کردند و به نوعی بین خود همبستگی ایجاد می‌نمودند:

ابراهیم [به بت پرستان عصر خود] گفت: جز خدا، فقط بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست. (عنکبوت: ۲۵)

شاید به دلیل نقش زیاد عواطف در ایجاد همبستگی است که اسلام، به امت اسلامی سفارش اکید می‌کند که با دشمنان دوستی نکنند و با آنان روابط دوستانه برقرار ننمایند؛ زیرا به هر حال، دوستی و محبت، زمینه‌ساز همبستگی است و همبستگی بین دو قطب مخالفی که اهداف متفاوتی دارند بی‌معناست. خداوند در قرآن می‌فرماید:

مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند؛ و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست. (آل عمران: ۲۸)

امام زمان (ع) نیز از این راهبرد وحدت‌آفرین، برای ایجاد حس همبستگی اجتماعی در جهان پس از ظهور، استفاده خواهد کرد. ایشان با بازتعریف ارزش‌های اسلامی و ارائه اهداف مشترک برای اتحاد جامعه اسلامی و با گسترش مهرورزی و توسعه، فضای همدلی و مهربانی بر محور آموزه‌های اصیل دینی، گام مهمی را در مسیر همبستگی اجتماعی بین همه فرهنگ‌ها برمی‌دارند. در دولت انسجام‌آفرین او، کینه‌ها از سینه‌ها بیرون خواهد رفت و کینه و نفرت جای خود را به عشق و محبت و دوستی خواهد داد و از این طریق حس قرابت و نزدیکی را که سبب‌ساز همبستگی عمیق و همه‌جانبه است در جامعه جهانی به وجود خواهند آورد. امیرالمؤمنین (ع) فرمود:

ذَهَبَتِ الشَّخَنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ۳۱۶)

چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل بندگان خدا بیرون رود.

از برخی از روایات نیز استفاده می‌شود که حس برادری و قرابتی عمیق و همه‌جانبه بر روابط اجتماعی سایه می‌افکند و برادری را تا بدان جا می‌رساند که هر کس نیاز خود را از ذخیره مالی برادر مؤمنش برطرف می‌کند و هیچ‌گاه از جانب او با این کنش مخالفتی صورت نخواهد گرفت. در روایتی آمده است:

عده‌ای از شیعیان خدمت امام باقر علیه السلام آمدند و گفتند: «عده ما در کوفه زیاد است! اگر شما هر فرمانی بدهی اطاعت خواهند کرد.» (به عبارتی از امام خواستند که قیام کند) امام علیه السلام فرمود: «آیا چنین است که اگر یکی از آنان نیازی داشته باشد، بیاید و آنچه نیاز دارد از جیب دیگری بردارد؟» گفتند: «نه.» امام علیه السلام فرمود: «پس این گروه [که در راه دادن مال به یکدیگر این‌گونه بخل می‌ورزند] برای دادن خون خویش [در راه اصلاح جامعه] بخیل‌تر خواهند بود.» آن‌گاه حضرت فرمود: «مردم هم‌اکنون آسوده‌اند [در حال توقف حرکت تربیتی اسلام به سر می‌برند] از مردم همسر می‌گیریم، از یک‌دیگر ارث می‌بریم، حدود الهی را اقامه می‌کنیم، امانت را باز می‌گردانیم (یعنی زندگی مردم در همین حد است)؛ اما به هنگام رستاخیز قائم، آنچه هست، هم‌ترازی (مزامله) است، تا آن‌جا که هر کس، هر چه نیاز داشته باشد بدون هیچ مانعی از جیب دیگری برمی‌دارد. (همو، ۳۷۲)

تعبیر به «مزامله» در این روایت بسیار کلیدی است؛ زیرا مزامله به معنای رفاقت و دوستی خالص و به دور از پیرایگی است و این روشن می‌کند که سطح روابط اجتماعی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام سطحی بسیار متعالی است که محدوده خواسته‌های شخصی، فردی و مادی را درنور دیده و محبت و دوستی خدایی را الگوی رفتارهای اجتماعی قرار داده است. روشن است که چنین الگوهای رفتاری می‌توانند عامل همبستگی بسیار ژرف و گسترده در جامعه بشری باشند.

اشاعه همبستگی اجتماعی از طریق ایجاد فضای دوستی و محبت که توسط حضرت مهدی علیه السلام صورت خواهد گرفت، قرینه راهبردی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از ورود به مدینه، از آن برای ایجاد همبستگی اجتماعی در بین جامعه نوپای اسلامی، استفاده کرد. در روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده به این نکته تصریح شده است. علی علیه السلام می‌فرماید:

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتم: «ای رسول خدا، آیا مهدی از ما آل محمد است یا از غیر ما؟» فرمود: «نه، بلکه از ماست. خداوند دین را به دست ما

ختم می‌کند، چنان‌که به وسیلهٔ ما آغاز فرمود. و به واسطهٔ ما مردم را از فتنه‌ها نجات می‌دهد، همان‌طور که از شرک نجات یافتند. و خداوند به وسیلهٔ ما پس از دشمنی فتنه‌ها و آزمایش‌های سخت، دل‌هایشان را با هم الفت می‌بخشد، همان‌گونه که پس از دشمنی شرک، آنان را برادر دینی قرار داد و دل‌هایشان را با هم الفت بخشید.» (همو: ج ۵۱، ۸۴)

۵. ارتقای سطح فکری و فرهنگی جامعه

تفاوت اساسی بین انسان و سایر حیوانات، نیروی تعقل و تفکر است. در جای‌جای قرآن نیز انسان‌ها بر استفادهٔ بهینه از این نیروی خدادادی ترغیب شده‌اند. اما سوگمندان باید گفت در بسیاری از انسان‌ها، این نیرو تحت تأثیر نیروهای شهوت و غضب از پرتوافکنی بازمانده و زمینه‌ای ایجاد می‌شود که انسان‌ها در کنش‌های فردی و اجتماعی خود، آن‌چنان‌که باید، رفتار نکنند. در این فرایند نیروی خرد آدمی در زیر رسوبات فکری و خرافات و کنش‌های نادرست پنهان می‌شود و درک ناب و زلال انسانی بی‌فروغ می‌گردد و انسان‌ها کج‌روی را در اثر کج‌اندیشی آغاز می‌کنند. از این‌رو برای جهت‌دهی درست به روابط اجتماعی باید اصلاح را از خرد و اندیشه آغاز کرد. باید غبارهای شهوانی و هواهای نفسانی را که بر چراغ عقل نشسته است، زدود تا در سایهٔ نورافشانی آن به بازسازی الگوهای صحیح کنش‌های فردی و اجتماعی، دست یافت. اندیشه‌ورزان «برای اصلاح یک اجتماع فاسد، نخست ایده و افکار و اعتقادات نادرست آنان را تغییر می‌دهند؛ زیرا تا انقلابی در افکار پیدا نشود، نمی‌توان انتظار اصلاحات عمیق در جنبه‌های عملی داشت.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹: ج ۴، ۴۴۴) علی‌علیه این روش اصلاح‌گرایانه را یکی از روش‌های پیامبران بزرگ الهی در اصلاح جوامع دانسته است.

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ ... وَ يُثْبِرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ؛ (شریف رضی، ۱۳۸۳: ۲۴، خطبه ۱)

خداوند پیامبران خود را مبعوث کرد و [هر از چندگاه متناسب با خواسته‌های انسان] رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری به

پیمان فطرت را از آنان بازجویند... و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند.

در آموزه‌های دینی وارد شده است که پس از ظهور نیز همین برنامه دنبال خواهد شد. چراغ عقل فروزان و غبارهای تیره از ساحت خرد انسانی زدوده خواهد شد. به عبارت روشن‌تر، یکی از برنامه‌های اصلاح‌گرایانه امام زمان (عج) در ساحت روابط اجتماعی، ارتقای سطح فکری انسان‌ها و روشن کردن چراغ عقل است تا در سایه‌سار آن، بشر بتواند الگویی از روابط اجتماعی برای خود برگزیند که تأمین‌کننده مصلحت دنیوی و اخروی او باشد. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛ (مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲، ۳۳۶)

زمانی که قائم ما به پاخیزد، دست خویش را بر سر بندگان خواهد کشید و این‌گونه اندیشه آنان را جمع و اخلاقشان را تکامل می‌بخشد.

پس از ظهور که خرد ناب انسانی زیر سایه تربیت انسان کامل جایگاه خود را بازمی‌یابد، الگوی روابط اجتماعی نیز شکل نوینی به خود خواهد گرفت و واگرایی تحمیل شده بر انسان، جای خود را به همگرایی و همبستگی اجتماعی خواهد داد. کنش‌ها به گونه‌ای سازمان می‌یابند که تأمین‌کننده سعادت این دنیایی و آخرتی انسان باشند. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه‌ها به محبت و دوستی تبدیل می‌شود و روابط اجتماعی بر اساس انسان‌دوستی شکل می‌گیرد. در نتیجه با از بین رفتن زمینه‌های گسست اجتماعی، جامعه به سوی انسجام حرکت خواهد کرد.

دولت مهدوی، الگوی دولت و جامعه زمینه‌ساز

شکی نیست که همبستگی اجتماعی از پدیده‌هایی است که کارکردهای مثبت بسیاری را برای جامعه بشری به ارمغان می‌آورد. جامعه‌ای که در آن

همبستگی وجود داشته باشد، می‌تواند به اهداف و آرمان‌های خود جامعه عمل پوشانده و در سایه‌سار آن، اعضای خود را به سوی سعادت و خوشبختی رهنمون سازد. در مقابل، جوامعی که از این موهبت بی‌بهره‌اند و از نوعی گسست اجتماعی رنج می‌برند، به جای این‌که نیرو و توان خود را برای رسیدن به آرمان‌های خود به کار برند، تمام توانشان را صرف تنش و تضاد نموده و بدین سبب از سامان دادن به ساختارهای اجتماعی خود باز می‌مانند.

روشن است که یکی از نیازهای بسیار مهم و راهبردی جامعه امروز ما، همگرایی اجتماعی و انسجام ملی است. در عصری که استکبار جهانی به دنبال محو تنها کشور و دولت شیعی - که به نام امام زمان عجته و بر اساس دکترین مهدویت شکل گرفته - است و از هیچ تلاشی برای نابودی آن فروگذار نمی‌کند، به حکم عقل و شرع لازم است دولت و جامعه زمینه‌ساز از همه ظرفیت‌های خود برای ایجاد همبستگی اجتماعی، استفاده کند. برای دستیابی به این مهم راه‌ها و راهکارهای بسیاری وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها الگو قرار دادن دولت و جامعه مهدوی است. دولت و جامعه مهدوی، هم الگوی نقش و هم گروه مرجعی است که می‌تواند جامعه ما را هم در رسیدن به همگرایی و هم ارزیابی در ایفای نقش همبستگی اجتماعی، یاری دهد. از این‌رو دولت اسلامی وظیفه دارد با الگوی نقش قرار دادن دولت مهدوی و اقتباس از سازوکارهای کار بسته توسط ایشان، در صدد ایجاد وفاق ملی و همبستگی اجتماعی باشد و از طرفی با بررسی عوامل و موانع همبستگی در فراهم آوردن زمینه‌های انسجام اسلامی و رفع موانع آن همت گمارد. این تلاش از دو سو داری کارکرد مثبت است؛ زیرا از سویی با تحقق همبستگی اجتماعی، جامعه از پی‌آمدهای مثبت آن بهره‌مند می‌شود و از سوی دیگر نقش زمینه‌سازی ظهور و گام برداشتن برای تحقق شرایط آن‌که در روایت نیز به آن اشاره شده است، فراهم می‌آید؛ زیرا می‌دانیم امام زمان عجته پس از ظهور تلاش می‌کند همبستگی اجتماعی را در جامعه تحقق بخشد. پس کوشش دولت و جامعه زمینه‌ساز در

راستای همت و کار امام زمان علیه السلام قرار گرفته و جامعه ما در ردیف فراهم‌آورندگان سعادت بشر قرار خواهد گرفت.

برای تحقق رویکرد جامعه آرمانی مهدوی، همه برنامه‌ریزی‌های دولت زمینه‌ساز در ساحت‌های گوناگون زندگی اجتماعی، از سیاست گرفته تا فرهنگ و اقتصاد و... باید شبیه جامعه مطلوبی باشد که در قرآن و روایات به آن وعده داده شده است. از این‌رو راهکارهایی که امام زمان علیه السلام برای ایجاد همبستگی به کار می‌برد، می‌تواند الگویی کامل برای دولت و جامعه زمینه‌ساز باشد.

نتیجه و پیشنهاد

۱. جامعه‌شناسان بر نقش برجسته رهبران و نخبگان اجتماعی در ایجاد همبستگی اجتماعی تأکید دارند. در اندیشه دینی ما نیز بر نقش «ولایت» پیشوایان دینی که در جان و دل توده‌ها جا دارند، در ایجاد همبستگی اجتماعی اشاره شده است. از سویی در رویکرد شیعی به فقه و کلام اسلامی، فقها به عنوان جانشینان عام امام زمان علیه السلام در عصر غیبت معرفی شده‌اند. این گروه در طول تاریخ اسلامی به‌ویژه در تاریخ پس از غیبت که نقششان برجسته شد، نقش ولایت - که از شاخصه‌های محوری برای همبستگی اجتماعی است - را به خوبی ایفا کرده‌اند. با رجوع به تاریخ پس از غیبت و با نگرستن به نقطه‌های عطف تاریخ شیعه، حضور پررنگ و تأثیر عمیق آنان بر رویدادهای تاریخی را به خوبی می‌توان دید که جنبش تنباکو، جریان مشروطیت، پیروزی انقلاب اسلامی و... نمونه‌هایی از آن است. در جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و حوادث پس از آن، همه مردم ایران به روشنی نقش مهم ولایت فقیه در ایجاد همگرایی اجتماعی و گذر از بحران‌ها را مشاهده کرده‌اند. از این‌رو تثویز کردن اصل مرفی ولایت فقیه و تبیین جایگاه و کارکردهای مثبت و بی‌بدیل آن برای جامعه اسلامی به عنوان یکی از کارآمدترین سازوکارها برای ایجاد همبستگی اجتماعی، امری لازم و ضروری است. دولت زمینه‌ساز

می‌تواند با فراخوان عمومی از نخبگان حوزوی و دانشگاهی برای تبیین این جایگاه یاری بخواند. سوگمندانه باید گفت امروز با گذشتن بیش از سی سال از انقلاب اسلامی، هنوز اراده‌ای استوار و جدی برای تبیین اصول و ترویج و تبلیغ این جایگاه مهم اجتماعی صورت نگرفته است.

۲. از دیدگاه اندیشه‌ورزان اجتماعی، نقش دین و ایدئولوژی در ایجاد حس همبستگی اجتماعی، انکارناپذیر است. در این میان، دین اسلام که آموزه‌های آن بر اساس نگرشی واقع‌بینانه از زندگی بشر و بهره‌مند از جامعیت و کمال، ارائه شده است، با تأکید بر ضرورت همبستگی اجتماعی برای پایایی و پویایی جامعه، نقش برجسته‌ای در همگرایی اجتماعی دارد. با سیری گذرا در وصیتنامه‌های شهدا در دوران دفاع مقدس - که نماد همبستگی اجتماعی است - کارکرد انجام‌بخشی دین به روشنی آشکار می‌شود. شهدا در این وصیتنامه‌ها هدف خود از شرکت در جهاد را رضای خدا، حفظ اسلام، ادامه راه امام حسین (علیه السلام) و پیروی از دستور ولایت فقیه بیان کرده‌اند که همه این عوامل در دین و ایدئولوژی خلاصه می‌شود. از این رو بر دولت و جامعه زمینه‌ساز لازم است با برنامه‌ریزی‌های دقیق و با استفاده از رسانه‌های سنتی و مدرن تأثیرگذار به تبلیغ اصول و مبانی و آموزه‌های اسلام، بپردازند. تا زمانی که شناخت جامعه از اسلام و کارکردهای مثبت آن در سطحی نپذیرفتنی باشد، یا این که بر اثر تبلیغات ضد دینی، دین به عنوان عامل عقب‌ماندگی جامعه معرفی شده و زمینه دین‌گریزی فراهم آید، در کارکرد انسجام‌بخشی دین اختلال به وجود خواهد آمد و این به معنای محروم کردن جامعه از کارکرد مثبت عاملی تأثیرگذار در انسجام اجتماعی است.

۳. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در همبستگی اجتماعی، توسعه عدالت اجتماعی است. گسترش عدالت در جامعه سبب‌ساز توسعه رضایتمندی عمومی می‌شود. رضایتمندی در سطح جامعه از سویی به رابطه صمیمانه دولت و ملت کمک می‌کند و از سوی دیگر به گسترش مهرورزی در بین آحاد ملت

یاری می‌رساند که این دو را به یقین می‌توان سرمایه اجتماعی یک کشور نامید که زمینه‌های همگرایی اجتماعی را فراهم می‌آورد. در مقابل، هر دولتی که برای تحقق عدالت اجتماعی از خود تلاشی نشان ندهد و بلکه برعکس برنامه‌ریزی‌های آن به گسترش بی‌عدالتی کمک کند، خود عاملی برای بروز نارضایتی‌های اجتماعی و زمینه‌ساز گسست اجتماعی خواهد بود. از این‌رو بر دولت زمینه‌ساز لازم است از تمام ظرفیت‌های خود برای توسعه عدالت، استفاده نموده و بکوشد عدالت را در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی اجرا نماید. دولتی که برخاسته از ملت منتظر است باید محوری‌ترین شعار امام زمان (عج) که همان توسعه عدالت است را سرلوحه برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهد.

۴. فرهنگ هر جامعه، شیوه زندگی آن جامعه است که با سه مؤلفه ارزش‌ها، هنجارها و تمدن شناخته می‌شود. از میان این سه مؤلفه، ارزش‌ها نقش کلیدی‌تری دارند؛ زیرا هنجارها و ابعاد مادی فرهنگ بر اساس ارزش‌ها شکل می‌گیرند. هرچه ارزش‌های یک جامعه متعالی‌تر باشند، فکر و فرهنگ جامعه نیز متعالی خواهد بود. وقتی سطح فکری و فرهنگی مردم تعالی و ارتقا می‌یابد که غبارهای جهل و نادانی از ساحت فکر انسان زدود شود تا بتواند با اندیشه درست به مصلحت‌ها و مفسده‌های زندگی خود بیندیشد و این جز در سایه آموزه‌های دینی و احیا و ترویج ارزش‌های دینی در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی امکان‌پذیر نیست. از این‌رو یکی از وظایف دولت زمینه‌ساز، بالا بردن سطح فکری و فرهنگی جامعه است و این بدان معناست که با استفاده از سازوکارهایی تلاش کنند سطح افکار مردم چنان بالا رود که با محور قرار دادن ارزش‌های دینی به مصالح واقعی خود بیندیشند و به این نتیجه برسند که انسجام اجتماعی کارکردی مثبت برای جامعه‌شان داشته و برای پایایی و پویایی جامعه مفید است و در مقابل، گسست اجتماعی ممکن است موجودیت کشور و ملتشان را به خطر اندازد.

منابع

۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی؛ با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ش.
۲. آراسته‌خو، محمد، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۱ش.
۳. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۴. افروغ، عماد، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی، تهران، فرهنگ دانش، ۱۳۷۹ش.
۵. بندرریگی، محمد، فرهنگ جدید عربی - فارسی (ترجمه المنجد الطلاب)، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۶. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ش.
۷. پورسیدآقایی، سیدمسعود، «زمینه‌سازی ظهور» فصل‌نامه مشرق موعود، قم، مؤسسه آینده روشن، سال سوم، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۸ش.
۸. ج. گرب، ادوارد، نابرابری اجتماعی؛ دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌نژاد، تهران، نشر معاصر، ۱۳۷۳ش.
۹. جولیس، گولد؛ ال. کولب، ویام، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستار: محمدجواد زاهدی مازندرانی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۷۶ش.
۱۰. حکیمی، محمدرضا، الحیاء، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۹ش.
۱۱. خوانساری، آقاجمال، شرح غرر و درر آمدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۲. ریتزر، جورج، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، علمی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
۱۳. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۳ش.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عسل الشرایع، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۶ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۱۶. قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، السنن، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی تا.

۱۷. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۱۹. کوئن، بروس، *درآمدی به جامعه شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، ۱۳۷۵ ش.
۲۰. کورانی، علی، *عصر ظهور*، ترجمه: عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۲۱. گیدنز، آنتونی، *جامعه شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، بی تا.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، ۱۳۶۱ ش.
۲۵. _____، *مجموعه آثار - ج ۲*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ ش.
۲۶. مؤسسة المعارف الاسلامیه، *معجم احادیث الامام المهدی (۸ جلدی)*، قم، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹ ش.
۲۸. ملکوتیان، مصطفی، *سیری در نظریه های انقلاب*، تهران، نشر قومس، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۳۰. نیک گهر، عبدالحسین، *مبانی جامعه شناسی*، تهران، رایزن، ۱۳۶۹ ش.
۳۱. یعقوبی، عبدالرسول، *عوامل همبستگی و گسستگی ایرانیان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳ ش.
32. Hornby, oxford advanced lerner's dictionary, A.S fifth edition, 1998, entry or solidarity.

شاخص‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز ظهور

محمد مهدی حائری پور^{*}

چکیده

اگر به ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر^ع معتقدیم، باید بپذیریم زمینه‌سازی، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی دارد. این شاخص‌ها در بخش‌های گوناگون، متفاوتند. در این نوشتار، به بررسی شاخص‌های فرهنگی پرداخته شده است. این شاخص‌ها عبارتند از: عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری، بصیرت و روشن‌بینی، تسلیم در برابر ولیّ خدا، کار و تلاش پیگیر و مستمر.

واژگان کلیدی

شاخص‌های فرهنگی، جامعه زمینه‌ساز ظهور، عدالت‌خواهی، عدالت‌محوری، بصیرت و روشن‌بینی، تسلیم در برابر ولیّ خدا، تسلیم در برابر اوامر فقیه، کار و تلاش، فرهنگ کار.

* عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت)

مقدمه

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

يُخْرِجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ؛ (فروینی، بی تا؛ ج ۲، ۱۳۶۸، ح ۴۰۸۸)

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و برای حکومت مهدی عج زمینه‌سازی می‌نمایند.

این روایت، سنگ بنای بحث دربارهٔ زمینه‌سازی ظهور و ضرورت آن و لزوم برنامه‌ریزی برای آن گردیده است و البته لزوم زمینه‌سازی برای قیام و انقلاب جهانی حضرت مهدی عج صرف نظر از روایات امری عقلی و عقلانی به شمار می‌رود؛ زیرا هیچ پدیده‌ای در عالم بدون مقدمه موجود نمی‌شود و هیچ انقلابی در عالم بدون طیّ زمینه‌های آن تحقق نمی‌یابد. پس چگونه ممکن است انقلابی بزرگ به گستردگی همهٔ زمین و با سابقه‌ای به درازای تاریخ بشر و با آرمانی به بلندی آرمان همهٔ انبیا و اوصیا بدون زمینه‌سازی و بسترسازی لازم شکل گیرد؟

بنابراین، زمینه‌سازی برای ظهور مهدی عج فراتر از امری مطلوب و مرغوب، امری ضروری و بایسته است که لازم است برای بررسی ابعاد آن و راهکارهای اجرایی کردن آن، نشست‌های علمی و همایش‌های ملی برگزار شود و پژوهشگران و محققان عرصه‌های گوناگون به‌طور جدی و متعهدانه و با شوق و رغبت برخاسته از شعور دینی در این میدان وارد شوند و کاری پیگیر و مستمر انجام دهند و سپس رسانه‌های جمعی نتایج این هم‌اندیشی و همفکری را با بهترین روش‌های رسانه‌ای ترویج و تبلیغ کنند تا ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور به یک دغدغه ملی و اجتماعی و بلکه وظیفه‌ای دینی برای آحاد جامعه در سطوح مختلف تبدیل گردد.

ابعاد زمینه‌سازی با تأکید بر بُعد فرهنگی

کارهای بزرگ و ایده‌های بلند، زمانی به تحقق و شکل‌گیری نزدیک می‌شود که فراگیر و وسیع باشد. بنابراین وقتی سخن از زمینه‌سازی برای ظهور منجی جهانی مطرح است، لازم است همه بخش‌های جامعه با این هدف بلند هماهنگ باشند و در حرکت خود و سیاست‌های خرد و کلان هر بخش، به سمت و سوی آن آرمان بزرگ جهت‌گیری کنند. با این بیان، زمینه‌سازی باید در عرصه سیاسی، مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی داشته باشد و بخش‌های مختلف آن را در جهت زمینه‌سازی ظهور قرار دهد. همان‌گونه که در بُعد اجتماعی، لازم است نهادهای گوناگون در حرکت خود، آرمان ظهور و بسترسازی برای آن را ملاحظه کنند و حرکت خود را بر اساس آن تنظیم نمایند؛ ولی مهم‌ترین بخشی که لازم است در جهت ظهور و زمینه‌سازی ظهور کار کند، بخش فرهنگی است. متولیان فرهنگ و اندیشه اجتماع لازم است فعالیت‌های فرهنگی را هماهنگ با آرمان ظهور و در جهت تقرب و تعجیل امر ظهور تنظیم کنند؛ بلکه به‌طور ویژه قوانین و برنامه‌هایی را در این جهت‌گیری تدوین کنند و راهکارهای عملی کردن آن را نیز اندیشیده و پیشنهاد دهند؛ زیرا عرصه فرهنگ اساسی‌ترین میدان و کلیدی‌ترین بخش برای تحول یک جامعه است، چنان‌که پیر فرزانه انقلاب و بزرگ‌معمار اندیشه اسلامی فرمود: «رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است.» (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱۰، ۳۵۶)

بدیهی است جامعه‌ای که بخواهد در جهت زمینه‌سازی ظهور حرکت کند، در عرصه فرهنگ، عادات و آداب و رسوم، بایسته‌هایی دارد و ما برآنیم در این مجال شاخص‌های فرهنگی چنین جامعه‌ای را بررسی کنیم. می‌خواهیم درباره این‌که یک جامعه زمینه‌ساز چه ویژگی‌های فرهنگی دارد و از نظر فرهنگی و آنچه مربوط به فکر و اندیشه و سپس نحوه عملکرد و تعامل آن‌ها می‌شود چگونه است، بحث کنیم. به عبارت دیگر، در این باره که در جامعه زمینه‌ساز ظهور، فرهنگ اجتماعی و ارتباطات و روابط بین آحاد جامعه از چه مؤلفه‌هایی

برخوردار است تا متولیان فرهنگ بدانند برای زمینه‌سازی ظهور چه اموری باید در جامعه اسلامی به صورت فرهنگ اجتماعی درآید، سخن می‌گوییم. آری، گاهی بعضی از معروف‌ها در جامعه و افراد آن دیده می‌شود و گوشه و کنار درباره آن بحث می‌شود. اما برای این که به صورت فرهنگ عمومی درآید کاری همه‌جانبه و تلاشی پیگیر لازم است. هدف ما این است که درباره بعضی از معروف‌ها در عرصه فکر و اندیشه و نیز عمل، فرهنگ‌سازی کنیم. یعنی آن‌چه را در عصر ظهور و برای استقبال از ظهور به آن نیاز است به شکل فرهنگ عمومی در جامعه اسلامی درآوریم.

۱. فرهنگ عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری

جامعه زمینه‌ساز، جامعه‌ای عدالت‌محور است و در همه شئون به دنبال اجرایی کردن عدالت. بنابراین پیوسته عدالت را هم در عرصه‌های فردی و هم اجتماعی مطالبه می‌کند؛ چون دولت مهدی دولت عدل است و «یملأ الارض قسطاً و عدلاً». بنابراین جامعه زمینه‌ساز باید تحمل اجرای عدالت را داشته باشد و از قوانین عادلانه - گرچه به ضرر اشخاص باشد - نگریزد. لازمه رسیدن به چنین نقطه‌ای شناخت مفهوم عدالت و گستره آن و نیز شناخت برکات اجرایی شدن آن در جامعه است و سپس تلاش برای این که عدالت در همه جا و برای همگان اجرا شود، نه مقطعی، فصلی و گزینشی.

پس جامعه زمینه‌ساز جامعه‌ای عدل‌محور است؛ هم در تفکر، هم در تقنین و برنامه‌نویسی و قانون‌گذاری و هم در اجرا و عملیاتی کردن؛ و نیز در همه بخش‌ها عادلانه فکر کردن و عادلانه تدوین کردن قانون و عادلانه اجرا کردن، نه برای مردم و توده‌ها عدالت را خواستن و عده‌ای را در حاشیه امن قرار دادن.

الف) راهکار تحقق فرهنگ عدالت‌خواهی

اگر افراد با اجتناب از معاصی و رعایت پروای الهی بتوانند ملکه عدالت را در خود پدید آورند و با این تعادل در میان قوای نفسانی خود ارکان حیات

اخلاقی را در وجود خود نهادینه کنند، آن‌گاه می‌توانند در عصر ظهور که عصر استقرار عدل ناب و مطلق است، خویشتن را با شرایط نوین آن عصر هماهنگ کنند؛ و گرنه هاضمه شخصیت افراد، قدرت تحمل مؤلفه‌های عدالت مهدوی را نخواهد داشت و چنین وضعی به تعارض درون افراد و برون جامعه می‌انجامد که بن‌بستی خطرناک است و در روزگار علی علیه السلام پیش آمد: «و قتل فی محرابه لشدة عدله.» مردم تحمل عدالت حاکم را نداشتند، بنابراین با او همراه و همگام نبودند، بلکه در برابر او ایستادند و او را به بی‌دینی و بی‌عدالتی متهم کردند. آری، وقتی عدالت را به نفع خود و در حوزه منافع قومی و قبیله‌ای خود تفسیر کنی، در برابر عدالتی که چنین ره‌آوردی نداشته باشد می‌ایستی و مقابله می‌کنی، حتی اگر آن عدالت به وسیله مظهر عدالت، علی علیه السلام اجرایی شود.

ب) ارتقای سطح معرفت دینی مردم

مردم در جامعه زمینه‌ساز باید فهم و تلقی صحیحی از دین داشته باشند. با مطالعه تاریخ ادیان درمی‌یابیم بر اثر عوامل مختلف و با گذشت زمان، متدینان کم‌کم از خلوص نخستین خود فاصله می‌گیرند و خطوط اصلی و فرعی و انشعابات، فراوان می‌شود و راه‌های انحرافی شکل می‌گیرد، ولی همگی در چهره حق و حقیقت! در اسلام، گرچه قرآن از تحریف لفظی مصون مانده است، ولی تفسیرهای نادرست از سویی و نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و فرقه‌سازی استعمار همگی در انحراف توده‌ها مؤثر بوده است و این همه به گریز از عدالت آسمانی و مهدوی می‌انجامد. پس باید به دین ناب برگشت و سطح معرفت صحیح را بالا برد؛ همچنان‌که حضرت علی علیه السلام با گروه‌هایی جنگید که یا هواپرستی و دنیاطلبی‌شان آنان را به خروج در مقابل امام وقت واداشته بود (= ناکثین و قاسطین) یا فهم سقیم و تعصب کور دینی (= مارقین و خوارج). در زمان امام عصر علیه السلام هم دو گروه مقابل او خروج کرده، بر او تیغ می‌کشند: هواپرستان و کنج‌اندیشانی که نه فهم ژرف و جامعی از دین و کارکرد آن دارند و نه ادب و تربیت لازم دینی در برخورد با حجت زمان را.

بنابراین امام در جبهه خارجی باید با نظام سلطه و استکبار، و در جبهه داخلی با آن‌ها که درک درستی از دین و عدالت دینی ندارند، بجنگد.

جامعه زمینه‌ساز این‌گونه نیست، بلکه هماهنگ با امام و حجت خداست و قرار است بازوی امام برای مقابله با جبهه خارجی و نیز منحرفان داخلی باشد. پس باید معرفت دینی او ناب و عمیق و متصل به چشمه زلال قرآن و عترت باشد. بنابراین، از شاخصه‌های مهم فرهنگی چنین جامعه‌ای، برنامه‌ریزی و تلاش برای ارتقای معرفت دینی بر اساس مؤلفه‌های قرآن و عترت است.

در جامعه زمینه‌ساز باید عالمان و کارشناسان دینی متعهد میدان‌دار باشند و فضای سالم تبلیغ و ترویج دین و معارف دین وجود داشته باشد و گرچه صداهای دیگر نیز هست و شنیده می‌شود؛ ولی صدای حق رساتر و بلیغ‌تر به گوش رسد تا به مصداق آیه کریمه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر: ۱۸) امکان پیروی از نیکوترین قول فراهم باشد، نه آن‌که رسانه‌ها میدان جولان باطل و آرای ناحق گردد و فضای شناخت تیره و تار شود و جامعه را به تحیر و سرگردانی سوق دهد.

در جمهوری اسلامی، ساخت و راه‌اندازی شبکه‌های مستقل صوتی و تصویری برای ترویج فرهنگ صحیح دینی از همین‌جا بایسته و ضروری می‌گردد و شبکه‌هایی مانند رادیو معارف، گامی بلند در این جهت است که البته هنوز جایگاه لازم را در جامعه اسلامی ما پیدا نکرده و تنها مخاطبانی خاص را متوجه خود ساخته است.

ج) آثار و نشانه‌های عدالت‌خواهی در جامعه

برای این‌که معلوم شود جامعه تا چه اندازه عدالت‌خواه است و بر محور عدالت حرکت می‌کند می‌توان به میزان ظلم‌ستیزی در آن جامعه نگاه کرد.

مسئله مبارزه با ظلم هم در فطرت پاک انسانی ریشه دارد؛ یعنی انسان، فطرتاً از بدی و ظلم نفرت دارد و آن را نفی می‌کند و همین مطلوب عقل و

شرع است؛ یعنی عقل و شرایع الهی از هرگونه ظلم و ستم نهی می‌کنند و همه انبیا برای اقامه عدل و نفی ظلم از جوامع بشری مبعوث شدند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید: ۲۵)

اگر بگوییم همه مبارزات و جنگ‌های انبیا در طول تاریخ برای برپایی عدل و نفی ظلم و ستم بوده سخنی گزاف نگفته‌ایم و این‌که مهدی موعود عج پرچم‌دار عدالت در همه عرصه‌های زندگی است، امری روشن و قطعی است و اوست که این جهاد مقدس و مستمر را به پیروزی نهایی عدل بر ظلم خواهد رساند.

بنابراین انبیا عدالت‌خواه بودند و به اندازه‌ای در این مسیر پیش رفتند که جامعه زمان با آن‌ها همراهی و همیاری کرد و مهدی موعود عج نیز در این هدف بزرگ - یعنی اجرای عدالت در جهان - نیازمند یاری و همراهی مردم است و خداوند چنین خواسته است که کار انبیا و اولیا با همراهی مردم به انجام رسد. پس امتی که خواستار ظهورند باید روح نفی ظلم و انکار نسبت به ظالم و ستمگر داشته باشند و ظلم را در همه اقسام و اندازه‌هایش رد کنند. این قدم بزرگی در اجرای عدالت خواهد بود.

د) مظاهر ظلم و ستم در جوامع بشری

پیش از برخورد با ظلم و مبارزه با ظالم، باید مصداق و مظاهر آن‌ها را شناخت. همان‌طور که انبیای الهی تلاش می‌کردند دشمن واقعی انسان را به او معرفی کنند و بعد از او بخواهند با او بجنگد و از خانه خود بیرون کند. در تعالیم قرآن آمده است دشمن و ظالم گاهی بیرونی است که از آن به طاغوت تعبیر می‌شود، مانند فرعون‌ها و نمرودها و حاکمان ستمگر در هر زمان، و گاهی درونی است که همان رذایل اخلاقی و عادات زشت رفتاری است که هم فرد و هم جامعه را تباه می‌کند. همه این‌ها ضد عدل است و مهدی

موعود^{۱۱} بناست این‌ها را بشکند و نابود کند؛ چون به همان اندازه که بت‌های سنگی، ما را از خدا دور می‌کنند، بت نفس و شیطان درون نیز ما را در برابر خدا قرار می‌دهد و از مسیر عدل و قسط خارج می‌کند. پس جامعه باید بداند و بفهمد مهدی موعود^{۱۲} که امام عدل و داد است و «یملأ الارض قسطاً و عدلاً»، می‌آید تا همه مظاهر ظلم را بردارد و همه ظالمان را از پا درآورد؛ یعنی هم با طاغوت‌ها در سطح جهان مبارزه می‌کند و هم با انواع بدی‌ها و خصلت‌های زشت در روابط فرد و جامعه، که جز با این مبارزه فراگیر تحقق عدل جهانی و کامل ممکن نخواهد بود.

ه) راه‌های مبارزه با ظلم و ستم در جامعه

پس از این‌که مظاهر ظلم و ستم و بدی و منکر شناخته شد، باید جامعه در برابر ظلم و بدی واکنش نشان دهد؛ بی‌تفاوت نباشد و از کنار بدی و زشتی عبور نکند، بلکه اولاً در دل نسبت به ظلم و بدی احساس نفرت داشته باشد، یعنی آن بدی و ستم را قلباً نفی کند و آن را منکر بشمارد و نسبت به آن دشمنی ورزد. این آغاز یک مرزبندی روشن، بین انسان‌های عدالت‌خواه و آدم‌های باطل‌گرا و لایابالی است.

مرحله دوم، انکار زبانی است؛ یعنی با زبان خود، منکر را نفی کند و نسبت به آن موضع بگیرد و از آن نهی کند و این مرحله‌ای است که از مرحله قبل خبر می‌دهد؛ یعنی نشان می‌دهد این ناهی از منکر پیش از نهی لسانی، انکار قلبی داشته است و به عبارت دیگر هماهنگی دل و زبان به نمایش درمی‌آید. آن‌ها که ظلم را نمی‌خواهند و با ستم و ستمگری و بدی و شر بیگانه‌اند، افزون بر نفرت قلبی در زبان نیز تنفر خود را آشکار می‌کنند و بر سر ظلم و ظالم فریاد می‌کشند. این برخورد نشان از آمادگی قلبی این افراد برای استقبال از عدالت دارد. اینان نسبت به سایر افراد جامعه بهتر و بیش‌تر با امام عدل‌گستر همکاری و همیاری خواهند داشت. پس جامعه زمینه‌ساز ظهور از نظر فرهنگی باید شعارش نفی ظلم و ستم در دل و زبان باشد و فرهنگ نهی و نفی منکر

در جامعه رایج باشد، به گونه‌ای که رد منکر امری کاملاً معروف و شناخته شده باشد و همگان بپذیرند و استقبال کنند و بخواهند تا آنجا که اگر کسی در برابر منکرات ساکت بماند مورد اعتراض دیگران قرار گیرد و همگان از رفتار او متعجب شوند که چگونه است این مسلمان در جامعه اسلامی هیچ احساس و تعهدی از خود نشان نمی‌دهد؛ درست همان‌طور که وقتی نابینایی در خطر سقوط است و در کنار او صاحب‌چشمی هست و دستگیری‌اش نمی‌کند، مورد انکار و اعتراض قرار می‌گیرد که:

چو می‌بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیني گناه است آری، در جامعه زمینه‌ساز ظهور، مقابله با منکر و ظلم و ستم در هر شکل و در هر اندازه و به هر نسبت و از هر شخص و مقام، یک فرهنگ و شاخص فرهنگی است که مقدمات استقبال از جامعه ظهور را که جامعه‌ای عادلانه و عاری از هر ظلم و ستمی است فراهم می‌کند. قرآن در توصیف امت اسلامی اولین شاخصه آن‌ها را همین امر می‌داند:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»
(آل عمران: ۱۱۰)

وقتی نهی از منکر فرهنگ شود، سختی‌های آن نیز تحمل می‌شود؛ مانند هر مقصود و مقصد زیبایی که وقتی به آن فرهنگ برسد، مشکلاتش تحمل می‌شود، نه این‌که به اشتباه گفته شود سری که درد نمی‌کند دستمالش نمی‌بندند یا به غلط معنا شود که نباید تعهدی و مسئولیتی نسبت به دیگران داشته باشی که سبب دردسر و مشکلات تو شود. به عکس در قرآن آمده است:

«... وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ...» (لقمان: ۱۷)

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

من المشقة و الاذى في الامر بالمعروف و النهي عن المنكر؛ (عروسی حویزی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۰۷، ح ۶۴)
باید در مسیر این دو واجب الهی بر سختی‌ها و مشقت‌ها صبور باشی!

۲. بصیرت و روشن بینی

از شاخص‌های مهم جامعه زمینه‌ساز ظهور، بصیرت و روشن بینی است. وقتی به تاریخ پر فراز و نشیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام می‌نگریم، اهمیت بصیرت در میان اصحاب ایشان برای همراهی و یاری آن بزرگواران معلوم می‌گردد، به‌ویژه در تاریخ زندگی امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام.

امام علی علیه السلام آن‌گاه که فتنه‌ای در میان مسلمین آشکار می‌شود و جنگی میان دو قبیله اهل قبله رخ می‌دهد می‌فرماید:

وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ؛ (عبده، ۱۴۱۲: ج ۲، ۸۷)

جز اهل بصیرت و صبر و استواری کسی نمی‌تواند علم این مبارزه را بر دوش کشد و جز آن‌ها که با روشن بینی جایگاه‌های حق را می‌شناسند.

به راستی که چه زیبا فرمود و می‌دید که گروهی سُبْحَه بر کف و تسبیح بر لب، به نیرنگ و فریب دشمن، علی علیه السلام را با قرآن‌های بر نیزه معامله می‌کنند و بی‌بصیرتی خود را به نمایش می‌گذارند که: «لا حکم الا لله» و علی علیه السلام می‌غرد و می‌نالد که: «کلمة حق يراد بها الباطل». یعنی چه بسا که کوردلانی سخن حقی را فریاد کنند، ولی معنای باطلی را قصد کنند و البته از بی‌بصیرت‌ها جز این انتظاری نیست.

صلح امام حسن علیه السلام و قیام امام حسین علیه السلام را نیز جز اهل بصیرت و صبر برنتافتند و با آن بزرگواران همراهی و همیاری نکردند. مهدی علیه السلام ادامه امامان و اهداف بلند آن‌هاست و آن‌ها که یاری‌اش می‌کنند، باید ویژگی یاوران با بصیرت آن‌ها را داشته باشند. اگر در انقلاب اسلامی ایران که در شعاعی بسیار کوچک‌تر از قیام جهانی مهدوی شکل گرفته است، «بصیرت» از مهم‌ترین عناصری است که مورد تأکید رهبری بصیر نظام قرار می‌گیرد، چگونه می‌تواند در آن انقلاب بزرگ تأثیرگذار نباشد؟

آیا جامعه زمینه‌ساز ظهور نباید برای بسترسازی قیام مهدوی، دشمن‌شناس باشد تا دشمن او را دور نزنند؟ آیا نباید نسبت به رهبری و امامت، بصیرت دینی کامل داشته باشد تا اطاعت و تسلیم همه‌جانبه داشته باشد؟

الف) مفهوم بصیرت

این کلمه از ماده «بصر» گرفته شده و بَصَر، نوری است که چشم به وسیله آن، دیدنی‌ها را می‌بیند و جمع آن ابصار است (مصطفوی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۸۰) و نیز به معنای علم و آگاهی به کار رفته است: «بصرت بالشیء اذا صرت به عالماً بصيراً» (همو: ۲۷۹)

در جمع‌بندی باید گفت: «رؤیت» و «نظر» مطلق دیدن است و مقید به علم و آگاهی نیست، ولی «بصیر» کسی است که نگاهی همراه با علم و آگاهی دارد. (همو: ۲۷۸)

با دقت در آیات شریفه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز معلوم می‌شود بصیرت، نگاهی فراتر از نگاه سطحی به وسیله چشم است و مراد از آن، نگاه عمیق و همراه با تأمل و دقت است. در ادامه بحث، به آیات و روایات توجه خواهید کرد.

ب) اهمیت بصیرت

در اهمیت بصیرت، همین بس که قرآن کریم فرموده است:

«وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ»؛ (اعراف: ۱۷۹)

و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری.] آن‌ها همان غافل‌ماندگانند.

در این آیه کریمه الهی آمده است که نگاه بی‌بصیرت و چشمی که ژرف‌نگر نباشد سودی ندارد و همین بیان در کلام بلند امیر بیان و مولای متقیان آمده است:

نَظَرُ الْبَصَرِ لَا يُجْدِي إِذَا عَمِيَتْ الْبَصِيرَةُ؛ (آمدی تمیمی، ۱۳۶۰: ۹۹۷۲)
نگاه چشم سودی ندارد، آن‌گاه که دیده بصیرت آدمی کور باشد.

و در بیان رسای دیگری فرمود:

فَقَدْ الْبَصَرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدَانِ الْبَصِيرَةِ؛ (همو: ۶۵۳۶)
از دست دادن بینایی آسان‌تر از دست دادن بینش و روشن‌بینی است.

ج) چگونگی تحصیل گوهر بصیرت

برای تحصیل و تقویت بصیرت در جامعه، به تفکر و تعلّم نیاز است. افراد باید یاد بگیرند آنچه را می‌شنوند یا می‌بینند به خوبی درک کنند؛ یعنی از مقابل دیده‌ها و شنیده‌ها به آسانی نگذرند، بلکه در برابر آن‌ها از گوهر تعقل و تفکر بهره بگیرند. همان‌طور که قرآن در برابر آیات الهی که در پیرامون ماست، به تفکر و اندیشه دعوت می‌کند و حتی آن‌گاه که سخن از نگاه و دیدن است، به دنبال آن، سخن از تفکر و تعقل است و البته محصول چنین فرآیندی، ایمان عمیق به آفریدگار عالم و خضوع و خشوع و بندگی در برابر اوست و به عکس، اگر شب و روز صدها آیه و نشانه را ببینی و عبور کنی و نیندیشی و تعقل نکنی از غفلت‌ها رهایی نمی‌یابی.

امام علی علیه السلام فرموده است:

فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ جَدَدًا وَ أَضْحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي؛ (شریف رضی، ۱۳۷۸: ۱۵۱، خطبه ۱۵۳)

بینا کسی است که شنید، و اندیشید، و دید، و به دل بینا گردید، و از آنچه مایه عبرت است سود گزید. سپس راهی روشن را سپرد، و از افتادن در پرتگاه‌ها و گم شدن در کوره‌راه‌ها دوری کرد.

پس لازم است در محیطی که دشمن از هر فرصتی برای تشویش اذهان و گمراهی افراد استفاده می‌کند، بیدار بود و بیداری و هوشیاری به روشن‌بینی و فهم درست است و این محصول ژرف‌نگری و پرهیز از سطحی‌نگری است. نباید به هر شنیده‌ای ترتیب اثر داد و حتی هر دیده‌شده‌ای را باور کرد و بر اساس آن تصمیم گرفت؛ چه بسا صحنه‌سازی کرده و شایعه‌پراکنی کرده باشند تا جامعه را به سمت و سویی که می‌خواهند سوق دهند و از راه‌های درست گمراه کنند.

عنصر دیگر برای تحصیل و تقویت گوهر بصیرت، راهنمایی و ارشاد معلمان راه است.

آگاهان و عالمان جامعه وظیفه دارند روشننگری کنند و از این راه بصیرت‌افزایی نمایند؛ چنان‌که آحاد جامعه موظفند خود را در معرض علم و اندیشه، عالمان متعهد و رهبران فکری جامعه قرار دهند و از دانش و بینش آن‌ها توشه بگیرند.

امام علی علیه السلام فرمودند:

بِالْهُدَى يَكْثُرُ الْإِسْتِصَارُ؛ (آمدی تپسی، ۱۳۶۰: ۴۱۸۶)

با راهنمایی، کسب بینش زیاد می‌شود.

جامعه زمینه‌ساز از تمام ظرفیت و قابلیت خود برای ارتقای سطح فکر و بینش مردم باید استفاده کند. از تریبون‌های رسمی مانند جمعه و جماعت گرفته تا انواع رسانه‌ها باید در خدمت دانش‌افزایی و بینش‌افزایی آحاد جامعه باشد. فکر صحیح و اندیشه روشن و علم و آگاهی مفید و زندگی‌ساز باید پیوسته به جامعه تزریق شود و خرد و کلان در هر صنف و گروهی باید معارف ناب را از معلمان راه ارتزاق کنند تا بصیرت و روشن‌بینی افراد جامعه بالا رود و در برابر هجمه دشمن و سم‌پاشی فکری و فرهنگی او بیمه گردند یا دست‌کم آسیب‌ها به حداقل برسند.

صداوسیما که از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فکر و فرهنگ مردم است باید با برنامه‌سازی درست و رشد و بالندگی روزانه، در این جهت حرکت کند و با اطلاع دقیق از آخرین ترفندها و حرکت‌های دشمن، به تناسب حجم حملات او، در روشن‌گری و ژرف‌نگری آحاد جامعه ایفای نقش نماید و دیگر متولیان فکر و فرهنگ مردم نیز همین دغدغه را داشته باشند و در این جهت مهم گام بردارند.

۳. تسلیم کامل در برابر ولیّ خدا

از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی برای جامعه زمینه‌ساز ظهور، آن است که افراد جامعه به درجه‌ای از بلوغ دینی و بصیرت اسلامی برسند که در برابر ولیّ خدا، تسلیم کامل باشند و اراده او را بر خواست خود مقدم داشته و فرمان او را عین فرمان حق بدانند:

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۷۷)

تاریخ اسلام، گواهی می‌دهد که در میان اصحاب پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی ﷺ کم نبوده‌اند کسانی که در برابر دستورات پیامبر و ائمه ﷺ، به تحلیل‌های ناقص ذهن خود یا دیگران اعتماد می‌کردند و دست‌کم در دل به آنچه اولیای الهی می‌خواستند، راضی نبودند و گاهی حتی فهم ناقص خود را بر ایشان تحمیل می‌کردند؛ ولی حق این است وظیفه مرید در مقابل مراد خود و مأموم در قبال امام خویش، اطاعت و تسلیم کامل است، هم در ظاهر و هم در درون و باطن. قرآن می‌فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾؛ (نساء: ۶۵)

نه به خدا آن‌ها به حقیقت ایمان نیاورده‌اند تا آن‌گاه که در نزاع‌های خود تو را حاکم و حاکم قرار دهند [و به آنچه حکم می‌کنی گردن گذارند] و

در آنچه فرمان می‌دهی در جان خود، سختی و مشقتی نیابند و با همه وجود در برابر آن تسلیم باشند.

و در روایات اسلامی، تسلیم بودن در برابر ائمه و فرمان آنان، از ارکان دین و اساسی‌ترین پایه‌های آن شمرده شده است. به یک نمونه جالب توجه کنید:

ابی‌الجارود خدمت امام باقر علیه السلام رسید و عرض کرد:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! هَلْ تَعْرِفُ مَوَدَّتِي لَكُمْ وَ انْقِطَاعِي إِلَيْكُمْ وَ مُوَالَاتِي إِيَّاكُمْ؟ قَالَ: فَقَالَ: نَعَمْ. قَالَ: فَقُلْتُ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةً تُجِيبُنِي فِيهَا فَإِنِّي مَكْفُوفُ الْبَصَرِ قَلِيلُ الْمَشْيِ وَ لَا أَسْتَطِيعُ زِيَارَتَكُمْ كُلَّ حِينٍ! قَالَ: هَاتِ حَاجَتَكَ؟ قُلْتُ: أَخْبِرْنِي بِدِينِكَ الَّذِي تَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ أَنْتَ وَ أَهْلُ بَيْتِكَ لِأَدِينُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ! قَالَ: إِنْ كُنْتَ أَقْصَرْتَ الْخُطْبَةَ فَقَدْ أَغْظَمْتَ الْمَسْأَلَةَ! وَ اللَّهُ لَأُعْطِيَنَّكَ دِينِي وَ دِينَ آبَائِي الَّذِي تَدِينُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ الْإِقْرَارَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ الْوَلَايَةَ لَوْلِيِّنَا وَ الْبِرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا وَ التَّسْلِيمَ لِأَمْرِنَا وَ انْتِظَارَ قَائِمِنَا وَ الْاجْتِهَادَ وَ الْوَرَعَ؛ (كلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۲۱)

ای پسر رسول خدا، آیا دوستی مرا نسبت به خودتان و تمام توجهم را نسبت به خودتان و موالاتم را می‌دانید؟ فرمود: آری! گفتم: من از شما سؤالی را می‌پرسم؛ زیرا من چشم دیدن ندارم و توان راه رفتنم کم است و نمی‌توانم در هر وقتی به زیارت شما بیایم. شما به من بگویید درباره دینتان، همان که خود و اهل بیتتان با آن دین، خدا را عبادت می‌کنید تا من نیز همان‌گونه خدا را بندگی کنم! فرمود: اگر سخن را کوتاه کردی، ولی سؤال بزرگی پرسیدی! به خدا سوگند، دین خود و پدرانم را که با آن خدا را می‌پرستیم به تو خواهم داد [و آن عبارت است از]: شهادت بر توحید و رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اقرار به آنچه که از سوی خدا آورده و ولایت نسبت به اولیای ما، و برائت از دشمنان ما، و تسلیم شدن به اوامر ما [اهل بیت] و انتظار قائم ما، و تلاش و کوشش و پرهیزکاری.

جامعه زمینه‌ساز ظهور با درک و دریافت صحیح از جایگاه ولی خدا، با همه وجود در برابر او تسلیم است و حتی آن‌جا که علت و فلسفه احکام آن‌ها را

نفهمد نیز چون و چرایی ندارد و گردن می‌نهد و انجام می‌دهد و بالاتر در دل و جان هم پذیرفته است؛ چنان‌که مرحوم مجلسی در توضیح حدیث گذشته در فراز «والتسليم لأمرنا» می‌گوید:

أَيُّ الرِّضَا قَلْبًا بِمَا يَصْدُرُ عَنْهُمْ قَوْلًا وَفِعْلًا مِنْ اخْتِيَارِهِمُ الْمَهَادَنَةَ أَوْ الْقِتَالَ أَوْ الظُّهُورَ أَوْ الْغَيْبَةَ وَ سَائِرَ مَا يَصْدُرُ عَنْهُمْ مِمَّا تَعْجِزُ الْعُقُولُ عَنْ إدْرَاكِهِ وَ الْأَفْهَامُ عَنْ اسْتِنْبَاطِ عِلَّتِهِ كَمَا قَالَ تَعَالَى: «فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۶، ۱۴)

در دل به آنچه از ناحیه آن‌ها می‌رسد راضی باشد؛ خواه سخن آن‌ها یا افعال آن‌ها از قبیل این‌که صلح اختیار کند یا جنگ، ظهور یا غیبت و امور دیگری که از ایشان می‌رسد، از آنچه که عقل‌ها از درک آن‌ها و فهم‌ها از به دست آوردن علت آن‌ها عاجز است؛ چنان‌که خداوند در قرآن فرمود: «ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آن‌که تو را داور گردانند.»

جامعه زمینه‌ساز ظهور باید تمرین سلم و تسلیم کند و در برابر آنچه به عنوان حکم خدا به او می‌رسد، دلی پذیرا داشته باشد. وقتی قرار شد در زمان غیبت، فقیه جای معصوم قرار گرفته و تصمیم بگیرد و اقدام کند، جامعه ولایی باید تن دهد و گردن گذارد و هیچ چون و چرایی نکند و بر اساس تحلیل‌های خود یا دیگران، دستور ولی فقیه را به دایره نقد و نظر نیاورد و شبهه‌افکنی و تردیدآوری نکند، گرچه در فرمان فقیه، احتمال خطا منتفی نیست؛ ولی آنچه هست این است که وظیفه جامعه منتظر ظهور، گردن نهادن و تسلیم بودن در برابر این دستور است؛ زیرا ولی خدا پای این حکم فقیه را امضا کرده است:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۸۱)

در مسائلی که در غیبت پیش می‌آید به عالمان و فقیهان مراجعه کنید! به راستی که ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم.

این رویکرد می‌تواند جامعه‌ساز ظهور را برای پذیرایی از حجت الهی و سرسپردن به اوامر او و همراهی کامل در برپایی انقلاب و نظام الهی در همه جهان آماده‌تر کند.

۴. کار و تلاش پیگیر و مداوم

قرآن کریم به موضوع کار و تلاش در زندگی انسان ارزش فراوان داده است و رسیدن به اهداف بلند الهی انسانی را در دنیا و آخرت مرهون سعی و تلاش انسان می‌داند:

«وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُورًا»؛ (اسراء: ۱۹)

و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنانند که تلاش آن‌ها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد.

«وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ»؛ (نجم: ۳۹ - ۴۰)

و این‌که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.

و در روایات اسلامی نیز به عمل و کار و تلاش آدمی بهای فراوانی داده شده است. امام هادی علیه السلام فرمودند:

النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَفِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ؛ (عاملی، بی‌تا: ۱۰)

مردم در دنیا به مال‌هایشان سنجیده می‌شوند و در آخرت به کارهایشان.

امام علی علیه السلام فرمود:

لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ ... يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ ...؛ (شریف رضی، ۱۳۷۸: حکمت ۱۵۰)

از آن‌ها مباش که بدون کار به آخرت امید دارد! ... مردمان نیکوکار را دوست دارد اما اعمال آن‌ها را انجام نمی‌دهد.

و روایات فراوان دیگری هست که با بیانات مختلف، دعوت به کار و تلاش می‌کند و پیروزی و سربلندی و رسیدن به اهداف را در سایر عمل و کار

می‌داند، ولی متأسفانه در جوامع بشری کار و تلاش جایگاه شایسته خود را ندارد و حتی در جوامع اسلامی نیز تنبلی و کسالت، فراوان دیده می‌شود و حال آن‌که هر جامعه‌ای که طالب سربلندی و عزت است باید تلاشی مضاعف داشته باشد و روی همین اصل، مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۹ را سال «همت مضاعف و کار مضاعف» خواندند.

مهم‌تر این‌که از روایات استفاده می‌شود جریان ظهور و قیام و انقلاب مهدی (ع) محصول یک تلاش و کار جمعی و خستگی‌ناپذیر است و برخلاف فهم بعضی از ساده‌اندیشان، کار امام زمان (ع) تنها به اعجاز و امداد غیبی نخواهد بود، بلکه اساس حرکت جهانی حضرت بر کاری مداوم و تلاشی پیگیر و نفس‌گیر خواهد بود:

ذُكِرَ الْقَائِمُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا ع فَقَالَ: أَنْتُمْ الْيَوْمَ أَرْخَى بِلَا مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ قَالُوا: وَكَيْفَ؟ قَالَ: لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُنَا لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْعَلَقُ وَالْعَرَقُ وَالنُّومُ عَلَى السُّرُوجِ؛ (نعمانی، ۱۴۲۲: ۲۹۶، باب ۱۵)

نزد حضرت رضا (ع) سخن از قائم (ع) شد؛ امام (ع) فرمود: شما امروز آسوده‌تر از آن روز هستید! عرض کردند: چگونه؟ فرمود: اگر قائم ما خروج کند جز خون بسته شده و عرق و بر روی زین‌های اسبان خفتن، چیزی در کار نخواهد بود.

از این‌گونه روایات درمی‌یابیم برای رسیدن به اهداف بلند ظهور، جمعیت یاوران مهدی (ع) باید جمعی تلاش‌گر و پرکار باشند. به همین جهت جامعه زمینه‌ساز ظهور باید فرهنگ کار و تلاش را در خود نهادینه کند. ارزش‌گذاری افراد بر اساس کار بیشتر و بهتر و خلاقیت و ابتکار و تولید فکر و عمل صحیح باشد و بر سستی و تنبلی و کسالت اعتراض شود و بی‌کاری و بی‌حالی یک نقطه منفی بزرگ تلقی شود.

ضرورت کار در همه عرصه‌های حیات اجتماعی یک شاخص مهم برای جامعه زمینه‌ساز است. جامعه بستر ساز ظهور جامعه‌ای است که از نظر اقتصادی جامعه‌ای رو به رشد است که اصول اسلامی اقتصاد را رعایت می‌کند

و به جای راکد کردن سرمایه‌ها و رایج کردن اکل مال به باطل، ثروت را در مسیر تولید بیش‌تر به کار می‌گیرد و در عرصه سیاسی، مدیر فعال و با نشاط و پر کار و خلاق را برمی‌گزیند و تشویق و تأیید می‌کند تا به وسیله او مجموعه‌ای از نیروها به کار و فعالیت و تلاش ترغیب شوند و نهادهای اداری جامعه، نهاد کار و تلاش و خدمت به مردم باشد. در عرصه فرهنگی، جامعه زمینه‌ساز، جامعه‌ای است که روش‌های آموزشی و پرورشی را پیوسته مورد ارزیابی قرار داده و به دنبال راه‌های صحیح‌تر و کامل‌تر است تا فرهنگ کشور در سطوح مختلف آموزشی، رو به رشد و اصلاح باشد.

بنابراین جامعه زمینه‌ساز ظهور در همه بخش‌ها، جامعه کار و تلاش است و رکود و فرسایش در هیچ بخشی دیده نمی‌شود و اگر جز این باشد، جامعه منتظر شکل نمی‌گیرد و افراد برای انقلابی عظیم در سطح جهان که به دنبال تحولی بنیادین در ساختار سیاسی فکری، فرهنگی و اجتماعی آن است، همت و آمادگی نخواهند داشت. باید روحیه کار و تلاش عمومی شود و عشق به تحول و تغییر و ساختن جامعه ایده‌آل به فرهنگ عمومی جامعه تبدیل شود.

راهکارهای تحقق فرهنگ کار در عرصه‌های گوناگون اجتماعی

برای ترویج و اشاعه فرهنگ کار و تلاش، هم کارهای فرهنگی لازم است و هم اداری و اجرایی. نخست لازم است در همه رسانه‌ها درباره کار و ارزش آن در اسلام و تعالیم دینی و آثار و برکات دنیایی آن به خوبی تبلیغ و تبیین صورت گیرد. دیگر این‌که افراد در محیط‌های مختلف کاری برای پر کاری و تلاش و خلاقیتشان مورد تشویق علنی و آشکار قرار گیرند و به عنوان الگویی اجتماعی معرفی شوند و دستاورد کار و تلاش آن‌ها معرفی و ترویج گردد. سوم این‌که در مجموعه‌های اداری و سازمان‌های رسمی و غیررسمی، مدیران بر اساس کار و تلاش و کیفیت و کمیت کارشان انتخاب شوند و در این موضوع شایسته‌سالاری ملاحظه گردد، نه روابط!

برای ساختن جامعه ظهور نیاز به کار فراوان داریم؛ برای همراهی امام عصر علیه السلام، تلاشی مضاعف می‌خواهیم؛ برای رسیدن به اردوی یاوران مهدی علیه السلام، به کار شبانه‌روزی و مداوم نیازمندیم و تنها با داشتن جامعه‌ای که فرهنگ کار و تلاش در آن به بالاترین درجات خود برسد، می‌توانیم به سوی جامعه ظهور رفته و به آن نزدیک شویم.

نتیجه

برای زمینه‌سازی ظهور، همه بخش‌های جامعه باید جهت‌گیری خود را نسبت به ظهور مشخص کنند و در این میان، بخش فرهنگ، جایگاه ویژه‌ای دارد. جامعه از نظر فرهنگی باید از شاخص‌هایی برخوردار باشد که برای ظهور موعود جهانی آمادگی بیش‌تری داشته باشد. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از:

۱. عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری: جامعه زمینه‌ساز باید در همه سطوح از عدالت و اجرای آن استقبال کند و این نیاز به کار فرهنگی گسترده دارد که عدالت را در بخش‌های گوناگون معرفی و نهادینه کند.
۲. بصیرت و روشن‌بینی: لازم است جامعه، پیوسته و در همه مسائل، دارای آگاهی لازم و به‌ویژه در برابر دشمنان و انحراف‌افکنی و شبهه‌پراکنی آن‌ها، قدرت تحلیل و پاسخ‌گویی داشته باشد و این وظیفه مهم دستگاه‌های فرهنگی و حوزه‌های علمی و تبلیغی است.
۳. تسلیم در برابر ولی خدا: جامعه زمینه‌ساز باید با اطاعت کامل از ولی فقیه به عنوان نایب امام زمان علیه السلام در زمان غیبت آماده اطاعت کامل از امام عصر علیه السلام در دوران ظهور گردد.
۴. کار و تلاش پیگیر و مستمر: فرهنگ کار همه‌جا توسعه یابد و ارزش و ارزشمندی در کار و تلاش بیش‌تر نهادینه شود.

منابع

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق: میرجلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰ش.
۲. خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.
۳. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۵. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، *الدرة الباهرة*، تحقیق: جلال‌الدین علی الصغیر، بی‌نا، بی‌تا.
۶. عبده، محمد، *شرح نهج البلاغه*، قم، دارالذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۷. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *نور الثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق.
۸. قزوینی (ابن ماجه)، محمد بن یزید، *السنن*، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
۹. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، تحقیق: میسانجی و بهبودی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، قم، نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
۱۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبه*، تحقیق: فارس حسون، قم، انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

رویکرد کلامی، فصل الخطاب نزاع‌های تئوریک در مسائل زمینه‌سازی ظهور

حسن ملایی*

چکیده

به موازات طرح جدی مسئله زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان^ع و لزوم آن در سال‌های اخیر، درباره ضرورت و گستره آن سؤالات و شبهاتی به وجود آمده که قائلان به لزوم زمینه‌سازی و گستره مورد ادعای آنان را به واکنش واداشته است. در این میان آن‌چه باعث شگفتی شده آن است که این شبهات از جانب معتقدان به مهدویت بوده است، به‌طوری که هر کدام برای اثبات نظر خویش و رد دیدگاه دیگری، به دلایل نقلی تمسک جسته و همین امر باعث شده واقعیت مطلب برای کسانی که در این موضوع به دنبال حقیقت و شناخت وظیفه خویش هستند، مشتبه شود. تأثیر مهمی که التزام به هر یک از دیدگاه‌های مطرح شده می‌تواند بر بینش‌های اصلاحی فردی و به‌خصوص سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی بگذارد، نویسنده را به چاره‌جویی برای این معضل واداشته است.

نویسنده این سطور، توجه نکردن به نوع رویکرد مسئله زمینه‌سازی و مبنای کلامی آن، یعنی قاعده لطف و نیز عدم دقت کافی در شناخت این قاعده را، علت اصلی چنین چالشی قلمداد نموده و بر آن عقیده است که به جای تمرکز بر ادله نقلی مسئله در مقام دفاع و پاسخگویی به

* کارشناسی ارشد مهدویت و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت.

شبهات، باید با تغییر در رویکرد، به سراغ مبنای کلامی مسئله زمینه‌سازی ظهور، یعنی قاعده لطف رفته و با تبیین درست آن به سوالات و شبهات پاسخ داد.

واژگان کلیدی

امامت، امام زمان عج، ظهور حضرت مهدی عج، زمینه‌سازی برای ظهور، وظایف منتظران، قاعده لطف، شبهات مهدویت.

مقدمه

با تکیه بر سنت قطعی خدای متعال که «أَبَى اللّٰهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۸۳) هر پدیده‌ای برای این‌که در هستی تحقق پیدا نموده و وجود خارجی یابد، نیازمند فراهم شدن اسباب و شرایطی است که تنها در صورت وجود همه شرایط، امر و حکم خدای سبحان بر آن تعلق گرفته و آن پدیده محقق خواهد شد و محقق نشدن امری، نشان از محقق نشدن اسباب آن داشته و وقوع آن، نیازمند وقوع شرایطش است. ظهور امام زمان عج نیز پدیده‌ای ممکن‌الوجود است که قابلیت تحقق را در دنیای خارج داشته و بر اساس وعده پروردگار محقق خواهد شد؛ اما فعلیت یافتن آن بر اساس سنت الهی یاد شده، نیازمند تحقق اسباب و زمینه‌ها بوده و این مطلب مورد تأیید همگان است. اما درباره این‌که آیا انسان‌ها نیز در فراهم آوردن اسباب و زمینه‌سازی ظهور، نقش و وظیفه‌ای دارند، یا این‌که وقوع آن تنها در دست خدا بوده و انسان‌ها هیچ نقشی در آن نخواهند داشت، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است و در برابر کسانی همچون شیخ مفید، خواجه نصیر و دیگران که تلاش انسان‌ها برای ایجاد بسترهای لازم برای ظهور حضرت مهدی موعود عج را امری ثابت شده و مورد تأیید عقل و نقل می‌دانند، برخی دیگر، وجود هرگونه برهانی بر لزوم زمینه‌سازی برای ظهور و تکلیف آماده‌سازی برای قیام حضرت حجة بن الحسن عج را نفی نموده و با وجود این‌که اقرار می‌کنند تا علت تامه قیام و حکومت جهانی حضرت مهدی عج

فراهم نگردد، ظهور مبارک ایشان اتفاق نخواهد افتاد، اما اصرار دارند که لازمه پذیرش چنین مطلبی، التزام به ثبوت تکلیف زمینه‌سازی بر انسان‌ها نیست. همچنین در میان قائلان به لزوم زمینه‌سازی انسان‌ها برای ظهور امام عصر (عج) درباره گستره وظیفه زمینه‌سازی اختلاف وجود دارد و از صرف دعا برای فرج امام زمان (عج) تا انجام هر عملی برای آماده نمودن ظهور حتی تشکیل حکومت زمینه‌ساز، اختلاف نظر است.

برآیند این اختلاف‌های نظری، کندی تلاش عملی برای ورود جدی به زمینه‌سازی برای ظهور را موجب شده است، چنان‌که چنین به نظر می‌رسد هرگونه فعالیتی برای فراهم نمودن اسباب مردمی ظهور، متوقف بر حل و فصل پایه‌های تئوریک آن است.

لزوم تغییر رویکرد و تبیین مبنای کلامی مسئله زمینه‌سازی ظهور

آنچه در بحث زمینه‌سازی ظهور باعث شگفتی شده، آن است که همه نظریه‌پردازان در این موضوع، از آیات قرآن و روایات معصومان (ع) برای اثبات مدعای خود بهره می‌گیرند و در روش استناد، با هم اختلاف دارند و هر یک دیگری را به اشتباه و انحراف در برداشت صحیح از قرآن کریم و سخنان امامان معصوم (ع) متهم می‌کنند. اما آنچه در این مسئله نسبت به آن غفلت شده و تلاش‌های علمی را بی‌حاصل نموده، توجه نکردن به این نکته مهم است که بسیاری از طرفداران هر دو نظریه، به‌رغم ارائه روشمند مطالب خویش، به جای توجه و تکیه به پیش‌فرض‌ها و مبانی کلامی زمینه‌سازی ظهور، برای مجاب نمودن دیگری، به دلایل نقلی تمسک جسته‌اند تا مدعای خویش را ثابت کنند.

به نظر می‌رسد برای خروج از این بن‌بست نظری و پیش از هرگونه اظهارنظر درباره مسئله مورد بحث، باید رویکرد محققان درباره این مسئله تغییر و از رویکرد نقلی صرف، به رویکردی عقلی و کلامی که بستر طرح مبنای عقلی موضوع زمینه‌سازی ظهور را فراهم می‌کند تغییر داده شود؛ زیرا

فهم فقیهانه آیات و روایات مسئله زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی (عج) حتی به عنوان عمل مکلفان، به شناخت و پایبندی به مبانی کلامی و عقلی مسئله، محتاج است، چنان‌که یکی از دانشوران در تشریح این نکته می‌گوید: «وقتی فقه، حکم الهی و تکلیف مکلف را موضوع کار خویش قرار داده است و می‌خواهد حکم را تشخیص دهد و تکلیف را بشناسد، مبانی‌ای را از پیش پذیرفته و باورهایی را مسلم گرفته است که چنین در بناها سخن می‌گوید و در شاخه‌ها جست‌وجو می‌کند. اگر امروز بخواهیم دفاعی عقلانی از شریعت داشته باشیم نمی‌توانیم نسبت به این مبانی که در اجتهاد نقشی بسزا داشته و شریعت بر آن بنیان نهاده شده بی‌توجه باشیم و به اندازه‌ای که به بحث‌های اجتهادی اعتنا می‌کنیم آن‌ها را مورد توجه و مذاقه قرار ندهیم. این مباحث و تحقیقات می‌تواند هندسه تفریع فروع بر اصول را ترسیم کند. وقتی این تصویر کلی به دست آمد معلوم خواهد شد که کدام‌یک از مبانی‌ای که فقیه به عنوان پیش‌فرض گرفته و بر اساس آن به اجتهاد پرداخته تام و کامل و کدام‌یک مورد مناقشه و نیازمند بازنگری و استدلال است». (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۰-۲۱ و ۲۶ با تلخیص)

نسبت کلام و فقه و تأثیر آن در مسئله

آن‌چه باید در مباحث زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان (عج) همواره مورد توجه باشد، آگاهی و اشراف به رابطه فقه و کلام است. به این رابطه از دو زاویه می‌نگریم: «اول؛ رابطه بیرونی: ارتباطی که دو دانش در مبادی و مقدمات با هم دارند؛ مباحثی همچون روش‌شناسی، قلمروشناسی، منابع و اهداف دو علم از این قبیل هستند. دوم؛ رابطه درونی: ارتباطی که دو دانش در مسائل و قضایای یکدیگر دارند.» (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۵)

بر این اساس، نخست در بحث قلمرو باید گفت همان‌طور که در جمع‌بندی سخن متکلمان از تعریف علم کلام، آن را به قواعد و مسائلی که نتیجه‌اش تسلط انسان بر اثبات و دفاع از اصول دین و رد و دفع شبهات با اقامه دلیل و

برهان (خاتمی، ۱۳۷۰: ۱۱) تعریف نموده‌اند، رسالت مهم علم کلام، دفاع از مجموعه تعالیم دین است. (نک: ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸: ۱۰۲؛ قراملکی، بی‌تا: ۱۰۰) در این صورت، هر مسئله فقهی قابلیت دارد تا به مسئله‌ای کلامی تبدیل شود و کافی است موضع دین از آن ناحیه مورد حمله و شک و شبهه قرار گیرد. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۴) موضوع زمینه‌سازی برای ظهور نیز با آن‌که در نگاه نخست به اعمال مکلفان و حوزه فقه برمی‌گردد، از این نظر مسئله‌ای کلامی خواهد شد. این در حالی است که وظیفه علم فقه، بیان دیدگاه‌های فقهی و دست یافتن به مدرک حکم است و نه دفاع از آن‌ها در برابر شبهات؛ چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند: «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعية الفرعية عن ادلتها التفصیلیة» (عاملی، بی‌تا: ج ۱، ۴۰)

دوم این‌که در بحث روش شناختی، اگرچه هر دو علم فقه و کلام بر روش نقلی و عقلی مبتنی هستند، اما کاربرد روش عقلی در کلام، گسترده‌تر از علم فقه بوده و می‌توان ادعا نمود که در این حوزه، اصل اولی، استفاده از عقل است (سبحانی، ۱۴۱۲: ۳۷) و البته این امر به سبب رسالت حفاظت از معارف دینی است که بر عهده علم کلام قرار دارد. همین امر، ضرورت به‌کارگیری منبع عقل و به‌ویژه کاربرد استقلالی آن را در تبیین مسئله زمینه‌سازی ظهور با رویکرد کلامی، دو چندان می‌کند و این نکته مهمی است که متأسفانه تاکنون کم‌تر به آن بها داده شده است.

منظور از کاربرد استقلالی عقل، آن است که عقل به عنوان منبعی مستقل در کنار منابع دیگری چون قرآن و سنت، برای استنباط معارف، مورد بهره‌برداری قرار گرفته، به‌طوری که در صغرا و کبرا یا دست‌کم در کبرای قیاس، حکم عقلی قرار گرفته باشد. توضیح بیش‌تر مطلب آن‌که اجمالاً هیچ‌کس در کاربرد ابزاری عقل و در استفاده عملی آن، کم‌ترین تردید را روا نداشته است؛ اما کاربرد استقلالی عقل با توجه به استفاده‌های نابجای آن توسط برخی و اشتباه حکم وهم با حکم عقل که به سبب نداشتن موازین صحیح حاصل شده است،

سبب گردیده برخی اندیشه‌ورزان و صاحب‌نظران در استفاده از آن، با احتیاط برخورد کرده و از این منبع سرشار محروم شوند. البته باید دانست استفاده نمودن از عقل مستقل که نتیجه آن، معطلی در استخراج بسیاری از احکام الهی است، راه چاره نیست؛ بلکه کار عاقلانه، فراگیری ضوابط و جایگاه‌های کاربرد عقل و در نتیجه، بهره‌وری از این نعمت عظیم خدادادی است.

اندک جست‌وجویی در آیات قرآن و روایت معصومان علیهم‌السلام کافی است تا ارزش و قدر عقل و اندیشه، برای استنباط معارف الهی و حجیت آن در نزد شارع مقدس را ثابت نماید و از این‌روست که در بیشتر مذاهب اسلامی و از جمله تشیع، عقل یکی از منابع استنباط در کنار کتاب خدا و سنت معصومان علیهم‌السلام قرار گرفته است. تویخ‌های مکرر «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (یس: ۶۸؛ صافات: ۱۳۸) و نظایر آن در قرآن، حاکی از جایگاه ویژه عقل و درک آن است. در کتاب *الکافی*، یکی از معتبرترین کتاب‌های روایی شیعه، بسابی مستقل درباره عقل وضع شده است. در این باب در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که:

مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۱)

همچنین امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَئِمَّةُ وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ. (همو: ۱۵)

با چنین پشتوانه محکم قرآنی و روایی است که به کارگیری عقل و اندیشه، پیوسته مورد توجه عالمان شیعی بوده است و حجیت آن تا بدان‌جا پیش رفته که قاعده مهمی در میان علمای دین به عنوان «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع» به دنبال قاعده «کل ما حکم به الشرع، حکم به العقل» مطرح شده و این‌چنین بر عقلانیت دین و دینی بودن عقل تأکید شده است. البته عالمان شیعه برای خلاصی از آسیب عقل‌گرایی افراطی فرقه‌هایی چون معتزله و نیز

برای اطمینان و استحکام استدلال خویش، به آیات و روایات نیز تمسک جسته‌اند.

سوم، باید به این نکته توجه داشت که غایت کلام بر غایت فقه مقدم است؛ زیرا به قول فیاض لاهیجی: «تمام علوم شرعی مبتنی بر آن است؛ چرا که علم کلام، اساس آن علوم بوده که هرگونه اخذ و اقتباس در آن‌ها به این علم بازمی‌گردد؛ زیرا مادامی که وجود آفریننده عالم و قادر و تکلیف‌گر و فرستنده رسولان و نازل‌کننده کتب آسمانی ثابت نگردد، علم تفسیر و حدیث و فقه و اصول متصور نخواهد بود.»^۱ به دلیل متفاوت بودن مبانی کلامی است که مسائل فقهی و عملی ادیان و حتی مذاهب گوناگون اسلامی با هم اختلاف پیدا کرده‌اند. توجه به این نکته در رویکرد کلامی به مسئله مورد بحث، تأثیری تام دارد.

چهارم، رابطه فقه و کلام؛ منابع فقه بر بسیاری از پیش‌فرض‌ها و مبانی کلامی استوار است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۹) از این‌رو در برداشت از متون منبع فقهی، اگر بین دلیل کلامی و حکم عقل مستقل با ظاهر آیات قرآن و روایات، تعارضی پیش آید، حکم قطعی عقل، محور استناد قرار گرفته و گزاره‌های نقلی با توجه به گزاره‌های ثابت شده در کلام، تفسیر و تبیین می‌شوند. برای مثال، بسیار اتفاق افتاده که فقیه بزرگواری وجوب امری را از ادله نقلی استنباط می‌کند و خود و مقلدانش را به آن ملتزم می‌نماید، اما در هنگام عسر و حرج، آن حکم وجوبی را به واسطه قاعده نفی عسر و حرج، منحل اعلام می‌کند؛ در حالی که مبنای این قاعده فقهی خود، برهان عقلی، یعنی قاعده لطف است؛ چنان‌که در تبیین آن گفته شده: «تکلیف به آن‌چه موجب مشقت تحمل‌ناپذیر است، در واقع مقرب به معصیت و خلاف لطف است؛ زیرا انگیزه تکلیف در غالب موارد اطاعت و انقیاد است و امر با تکلیف

۱. «بینی علیه ما عده من العلوم الشرعیة فانه اساسها و الیه یتول اخذها و اقتباسها لانه ما لم یثبت وجود صانع عالم قدیر مکلف مرسل للرسول و منزل للکتب لم یتصور علم تفسیر و حدیث و لا علم فقه و اصول.» (فیاض لاهیجی، بی‌تا: ج ۱، ۱۲)

حرجی نقض می‌شود.» (بجنوردی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۵۲) بنابراین «باید گفت عقل نه تنها به عنوان یک منبع مستقل در استنباط احکام مطرح است، بلکه علاوه بر این، عقل در تفسیر صحیح سایر منابع و برداشت منطقی از آن‌ها، همچنین در تبیین بسیاری از موضوعات وابسته به مصلحت و مفسده و در سنجش رابطه منابع با یکدیگر کارآیی دارد.» (علی‌دوست، ۱۳۷۹: ش ۱۵)

پنجم، معارف کلامی و عقلی، قدرت توسعه و تضییق ظواهر احکام مطرح شده در آیات و روایات را دارند و اگر چنانچه در ذیل و تفسیر آیه‌ای که به صورت مطلق معنایی را افاده کند، روایتی از معصوم وارد شود که به موارد خاصی اشاره شود، بر اساس بیان بعضی مفسران، موارد ذکر شده در روایات از باب ذکر مصداق کامل است، نه این که تنها همان مورد، معنا و مقصود آیه باشد. برای مثال، علامه طباطبایی پس از این که در ذیل آیه «الَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكَتَابَ يَتْلُوهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (بقره، ۱۲۱) حدیثی از امام صادق علیه السلام ذکر می‌کند که فرمود: «هم الأئمة.» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۲۱۵) در ادامه می‌گوید: «این بیان از باب جری و انطباق بر مصداق کامل است.» (طباطبایی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۲۶۶) در مسائل کلامی نیز همین‌طور است و در بسیاری از موارد، اگر روایت یا روایاتی در ذیل اطلاق یک مسئله کلامی قرار گیرد، در صورت نبود قرینه‌ای بر محصور بودن، بیان معصومان از باب ذکر برخی مصادیق آن است، نه تحدید و شمردن مصادیق انحصاری آن موضوع کلامی. توجه به این نکته و نکات پیش گفته در اخذ دلالت آیات و روایات، مسئله زمینه‌سازی ظهور بسیار مؤثر است.

چگونگی تغییر مسئله زمینه‌سازی ظهور از رویکرد فقهی به رویکرد کلامی

گفتیم که همه موضوع دینی، هرچند فقهی، زمانی که مورد هجوم شبهات واقع شوند توسط علم کلام مورد حمایت و دفاع قرار گرفته و در نتیجه موضوع این علم واقع خواهد شد. اما مطلبی که در جریان تغییر مسئله

زمینه‌سازی ظهور از رویکرد فقهی به رویکرد کلامی باید به آن توجه نمود، ملاک کلامی بودن یک مسئله است.

برای کلامی بودن یک مسئله باید آن موضوع به افعال و صفات الهی برگردد؛ زیرا در جای خود ثابت شده است که موضوع اصیل علم کلام، خداوند، صفات و افعال اوست و سایر اصول دین نیز به دلیل این که به صفات و افعال الهی تعلق دارد، جزو موضوعات علم کلام محسوب می‌گردد؛ چنان که یکی از فرهیختگان در این باره می‌گوید: «علم کلام علمی است که دربارهٔ خدای سبحان و اسما و صفات و افعال او سخن می‌گوید... از این رو، هر مسئله‌ای که در آن، پیرامون فعل الله بحث شود مسئله‌ای کلامی است.» (جوادی آملی، بی تا: ۱۴۱) بنابراین موضوعی همچون زمینه‌سازی مردمی ظهور که به فعل انسان مربوط شود، در بدو نظر، موضوعی فقهی است نه کلامی؛ اما همان‌طور که گفته شد باید توجه کرد که این امر مانع از کلامی شدن آن با توجه به ریشه‌ها و مبانی عقلی آن نمی‌شود. برای مثال، موضوع توسل به معصومان علیهم‌السلام در نگاه اول، موضوعی فقهی بوده و در کتاب‌های فقهی بر استحباب آن تأکید می‌شود، اما خاستگاه آن به علم کلام بازمی‌گردد. به این معنا که بحث می‌شود که آیا اساساً استمداد و پناهجویی به امامان معصوم علیهم‌السلام با توحید سازگار است یا نه و آیا موجب شرک نمی‌شود؟ همین اختلاف در مبانی کلامی باعث شده شیعه آن را نه تنها جایز، بلکه مستحب مؤکد بداند؛ اما وهابیت آن را حرام می‌شمرد. از این رو در روزگار ما توسل، به عنوان یک موضوع کلامی، مورد بحث و کنکاش قرار گیرد.

اگر به اختلافاتی که در مسئله زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت عجله‌الله‌فرجه وجود دارد دقت شود، روشن خواهد شد که ریشه اصلی این اختلاف‌ها به اختلاف در مبانی کلامی متعلق زمینه‌سازی، یعنی ظهور امام برمی‌گردد و پیش‌فرض‌های کلامی نظریه‌پردازان دربارهٔ ظهور حضرت مهدی عجله‌الله‌فرجه در روند ارائه نظراتشان دربارهٔ زمینه‌سازی تأثیر تمامی داشته است. به همین دلیل برای

تشخیص صحت بناها، باید به سراغ مبناها درباره ظهور رفت و این گونه است که این بحث به ظاهر فقهی به یکباره، در فضای علم کلام حضور می‌یابد. مطلبی که می‌تواند مقدمه‌ای بر شناسایی مبنای کلامی زمینه‌سازی ظهور باشد آن است که ظهور امام عصر ع همچون وجود مبارک ایشان، رحمت، نعمت و لطف بزرگی برای انسان‌هاست؛ چنان‌که حضرت امام موسی کاظم ع در تفسیر آیه «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» (لقمان: ۲۰) فرمود:

النعمۃ الظاهرة، الإمام الظاهر و الباطنة، الإمام الغائب؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۶۸)

نعمت ظاهر، امام ظاهر و نعمت باطن، امام غایب است.

حال سخن این است که در بهره بردن از نعمت ظهور امام و لطف ویژه الهی آیا ما انسان‌ها نقش و وظیفه‌ای داریم یا خیر؟ پاسخ‌های متفاوتی که به این پرسش داده شده، مبنای مسئله زمینه‌سازی ظهور امام زمان ع قرار گرفته است. مهم است بدانیم متکلمان برای پاسخگویی به این پرسش، از برهانی عقلی به نام «قاعده لطف» استفاده نموده‌اند و از همین‌رو پذیرفتن یا نپذیرفتن این قاعده - که البته به تبیین صحیح و دقیق آن بستگی دارد - در رأی نهایی یک محقق درباره لزوم یا عدم لزوم زمینه‌سازی ظهور و حتی گستره آن در صورت اول، نقش دارد.

قاعده لطف، دریچه فهم دقیق زمینه‌سازی ظهور

از مهم‌ترین ادله‌ای که از دیرباز برای اثبات عقلی لزوم وجود حجت خدا بر زمین و منافات نداشتن غیبت با آن، استفاده شده، برهان و قاعده لطف است. این قاعده چنان‌که در ادامه نیز ثابت خواهد شد، افزون بر اثبات نعمت اصل وجود امام، با تبیین، تقسیم و تقریر صحیحی که در قسم لطف مقرب ارائه خواهد شد، دریچه‌ای به سوی فهم دقیق موضوع زمینه‌سازی ظهور و پاسخگوی مسائل آن خواهد بود. از این‌رو بررسی قاعده لطف ضروری است.

تعریف قاعده لطف

یکی از معضلاتی که سبب شده موضوع زمینه‌سازی ظهور، چه در بحث لزوم و چه از حیث گستره، نتواند جایگاه خدشه‌ناپذیری پیدا کند، عدم تبیین دقیق و جامع قاعده لطف در این راستاست. از این‌رو برای جلوگیری از برخی سوءبرداشت‌ها و نقدهای نادرست، لازم است نخست مفهوم و حدود قاعده لطف به صورت مختصر تشریح شود.

لطف در لغت، به مجرد ارفاق، احسان، اکرام، مهربانی و شفقت (راغب اصفهانی، بی‌تا: ذیل ماده لطف) گفته می‌شود. اما این واژه در اصطلاح متکلمان چنین اطلاقی ندارد و مفهوم محدودتری را می‌رساند و این خود نکته مهمی است که باید در طول بحث به آن توجه شود.

گرچه بسیاری از متکلمان بزرگوار شیعه در عبارات خود به تعریف لطف پرداخته‌اند، اما به نظر می‌رسد توجه بیش‌تر به گونه لطف محصل و نادیده انگاشتن لطف مقرب، سبب شد به جای تعریف جامع و مشتمل بر هر دو قسم از لطف، تعریفی را که مورد استناد بسیاری دیگر نیز واقع شده ارائه دهند که تنها نمایانگر لطف محصل بوده و همین امر باعث مشکلاتی در اثبات مقاصد بعدی ایشان و از جمله اثبات لزوم زمینه‌سازی انسان‌ها برای ظهور شد. برای مثال، ابواسحاق نوبختی از علمای بنام امامیه در قرن چهارم در تعریف لطف چنین گفته است:

اللطف أمر يفعل الله تعالى بالمكلف لا ضرر فيه، يعلم عند وقوع الطاعة منه و لولا له لم يطع؛ (نوبختی، ۱۴۱۳: ۵۵)

لطف، امری است که خداوند، نسبت به مکلف انجام می‌دهد و مستلزم ضرر نیست، و از وقوع طاعت از مکلف معلوم می‌شود که خداوند آن را در حق مکلف، انجام داده است و اگر آن لطف نبود، وی اطاعت نمی‌کرد.

چنان‌که خواهیم گفت، آن‌چه این عالم اندیشه‌ورز ذکر نموده، تعریف لطف محصل، یعنی یک قسم لطف است و نه خود تعریف جامع لطف اصطلاحی؛^۱ لکن در مواردی از این عبارت برای تعریف لطف استفاده شده است.

همچنین در تعریفی دیگر از علامه حلی چنین آمده است: «مراد ما از لطف، آن است که مکلف، با آن به انجام طاعت، نزدیک و از ارتکاب گناه دور شده و تأثیری در قدرت مکلف بر انجام دادن تکلیف ندارد.»^۲ ظاهر این عبارت نیز آن است که نزدیک کردن به طاعت و دور گرداندن از معصیت، فعلیت دارند؛ در حالی که وجدان انسان، به خلاف آن حکم می‌کند؛ زیرا همه بندگان به طاعت، نزدیک و از گناه دور نشده‌اند. پس لازم است چنین تعبیر شود: لطف، آن است که صلاحیت برای نزدیک گرداندن (به طاعت) و دور کردن (از گناه) را دارد. بنابراین، هر آن‌چه را که صلاحیت دارد تا انسان را به فرمان‌برداری فراخواند و از نافرمانی برحذر کند، لطف است و به تقریب و تبعید فعلی، اختصاص ندارد. (خرازی، ۱۳۸۳)

بنابراین تعریف دانشمند نامی شیعه جناب سید مرتضی، تعریفی جامع از لطف به نظر می‌رسد. ایشان در این‌باره می‌گوید:

إِنَّ اللَّطْفَ مَا دَعَا إِلَى فِعْلِ الطَّاعَةِ؛ (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۱۸۶)

لطف، آن است که انسان را به انجام اطاعت از فرمان خدا دعوت می‌کند.

البته این اطاعت شامل انجام واجبات و ترک محرمات می‌شود. نکته ظریفی که در این تعریف آمده آن است که با لفظ دعوت و خواندن (دَعَا) به عنصر اختیار، اصالت داده شده و این همان مطلب کلیدی است که توجه به جایگاه اختیار در قاعده لطف، در تبیین لزوم تلاش مردمی برای زمینه‌سازی ظهور تأثیر بسزایی خواهد داشت و البته درباره آن به زودی توضیح داده خواهد شد.

۱. صاحب القواعد الکلامیه درباره این تعریف گفته است: «الظاهر من کلامه أنه بصدد تعریف اللطف المحصل فقط، بقرينة قوله: يعلم عند وقوع الطاعة منه.» (ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸: ۹۸)

۲. مرادنا باللطف هو ما كان المكلف معه اقرب الى الطاعة و أبعد من فعل المعصية و لم يبلغ حد الاجاء. (بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۱۷)

اگر به این نکته توجه شود که اطاعت از خدای سبحان، در حقیقت راه رسیدن به سعادت انسان‌هاست می‌توان لطف خداوند را بسیار ساده تعریف نموده و چنین گفت: «لطف، آن است که بتواند انسان را به کمال نهایی و سعادت ابدی نزدیک کند.» (خرازی، ۱۳۸۳) بنابراین ارسال کتاب آسمانی، تکلیف کردن انسان‌ها، بیم و بشارت، فرستادن انبیا و نصب اوصیا، بیان و اجرای حدود و... نمونه‌هایی از لطف هستند، چنان‌که نیروی عقل و اموری مانند سلامتی، بیماری، فقر، بی‌نیازی، ناتوانی، نیرومندی و... همگی رحمت‌ها و لطف‌هایی هستند که در رساندن انسان به قرب الهی و سعادت ابدی، مؤثرند.

مبانی قاعده لطف

پس از تقریر و تعریف قاعده لطف، شایسته است به مبانی آن که دفع‌کننده بسیاری از شبهات بر نظریه تکلیف انسان‌ها بر زمینه‌سازی ظهور است، اشاره شود:^۱

مبنای اول: کمال مطلق بودن خداوند

اولین پیش‌فرضی که اساس قاعده مذکور قرار گرفته، آن است که خدای متعال، کمال مطلق و منبع هرگونه خیر و نیکی در نهایت خود است و همین امر لزوم و حتمیت لطف از جانب ذات مقدس برای تعالی را سبب می‌شود. شیخ مفید، متکلم نام‌دار شیعه می‌گوید:

آنچه را اصحاب از لطف واجب می‌دانند، به سبب گرم و بخشش خداوند است و وجوب آن از آن جهت نیست که برخی گمان کرده‌اند عدل خداوند است که لطف را واجب کرده است و اگر خداوند آن را انجام ندهد، ظالم است.^۲

۱. البته با توضیحات بعدی مشخص می‌شود که نامیدن آن به قاعده و برهان حکمت یا لطف حکیمانه مناسب‌تر است.

۲. إن ما أوجبه أصحاب اللطف من اللطف إنما وجب من جهة الجود والكرم لا من حيث ظنوا أن العدل أوجبه وأنه لو لم يفعله لكان ظالماً. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۹)

از این عبارت، درمی‌یابیم لزوم لطف، به سبب لزوم عدل و قبیح بودن ظلم که عقلاً به آن حکم کرده‌اند نبوده، بلکه لزوم لطف از جهت ذات فیاض خداوند است. مرحوم ملاصدرا، درباره اثبات نبوت که یکی از کارکردهای لطف است می‌گوید:

همان‌طور که در عنایت الهی برای نظم جهان، لازم است باران بیارد و عنایت خداوند از این‌که ابرها را باران‌زا کند کاستی ندارد، نظام عالم نیز نیازمند کسی است که عوامل خیر دنیا و آخرت را به بشر بشناساند. پس به لطف و رحمت خداوند بنگر که چگونه با ایجاد چنین انسانی، میان نفع دنیوی و اخروی جمع کرده است و چگونه چنین انسانی (پیامبر) را برای استواری نظام جهان آفریده است؛ آری، کسی که رویاندن مو بر ابروها و فرو بردن کف پاها را مهمل نگذاشته است، چگونه وجود کسی را که برای جهانیان رحمت است و بندگان خدا را به رحمت و رضوان او در دنیا و آخرت سوق می‌دهد، مهمل می‌گذارد؟ (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۵۴: ۴۸۸-۴۸۹)

مبنای دوم: حکمت خداوند

یکی دیگر از مبانی قاعده لطف که در استدلال به حتمیت و لزوم لطف از جانب خدای متعال استفاده می‌شود، حکمت اوست. علامه حلی در تقریر آن می‌گوید:

دلیل وجوب لطف، آن است که لطف، غرض مکلف (خداوند) را حاصل می‌گرداند. بنابراین، واجب است و اگر نباشد، نقض غرض لازم می‌آید. (حلی، ۱۳۸۲: ۱۰۸)

توضیح آن‌که اگر خداوند عزوجل که از انسان‌ها، اطاعت و فرمان‌برداری را خواستار است، بداند بیش‌تر مکلفان، زمانی از خدا اطاعت نموده و به وی نزدیک‌تر شده و در نتیجه به کمال می‌رسند که خداوند، کارهایی را از روی لطف برای آن‌ها انجام دهد، حکمت خداوند ایجاب می‌کند آن کار را انجام دهد؛ زیرا اگر آن کار را ترک کند، غرض خود را نقض کرده است و این خلاف حکمت بالغه خداوندی است. یکی از محققان این نکته را از آیه «وَمَا

أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ» (اعراف: ٩٤)
چنین استنباط نموده و می گوید:

و مفاد الآیه آن الله تعالى أرسل رسله لإبلاغ تكاليفه تعالى إلى العباد و إرشادهم إلى طريق الكمال (اللطيف المحصل)، غیر آن الرفاء و الرخاء و التوغل فی النعم المادية، ربما يسبب الطغيان و غفلة الإنسان عن هدف الخلقة و إجابة دعوة الأنبياء، فاقتضت حكمته تعالى أخذهم بالبأساء و الضراء، لعلهم يضرعون و يبتهلون إلى الله تعالى و لاجل ذلك نشهد أن الأنبياء لم يكتفوا بإقامة الحجة و البرهان، و الإتيان بالمعجز، بل كانوا - مضافاً إلى ذلك - مبشرين و منذرين. و كان الترغيب و التهيب من شئون رسالتهم، قال تعالى: «رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ» (نساء: ١٦٥) و الإنذار و التبشير دخیلان فی رغبة الناس بالطاعة و ابتعادهم عن المعصية... فلولاها لما كان هناك حركة إيجابية نحو التكليف إلّا من العارفين الذين يعبدون الله تعالى لا رغبة و لا رهبة، بل لكونه مستحقاً للعبادة فتحصل من ذلك أن ما هو دخیل فی تحقق الرغبة بالطاعة و الابتعاد عن المعصية فی نفوس الأكثرية الساحقة من البشر، يجب على الله سبحانه القيام به صوناً للتكليف عن اللغو، و بالتالي صوناً للخلقة عن العبث. (سبحانی، ١٤١٢: ج ٣، ٥٣-٥٤، با تلخیص)

نسبت لطف خدای متعال با حکمت او

ضابطه مهمی که در بحث لطف خدای متعال باید مورد توجه قرار گیرد، حکمت اوست. همین حکمت بی منتها اثبات گر و معین کننده حدود بسیاری از صفات فعلی دیگر خداوندی است؛ به گونه ای که حتی در لطف و فضل الهی که در بیان قاعده لطف توسط متکلمان مطرح شده است، میزان افاضه الهی به مخلوقات، حکمت اوست. چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

إن کرم الله سبحانه لا ینقض حکمته. (تبسمی آمدی، ١٣٦٦: ١٩٣)

بنابراین مطلق احسان و لطف که در معنای لغوی نیز آمد، برای خدا اثبات نمی‌شود و در علم کلام نیز به نظر می‌آید کسی قائل به لزوم انجام مطلق لطف حتی در صورت تعارض با حکمت برای خدای متعال نشده است.

نکته مهم دیگری که در بحث لطف مقرب، کم‌تر به آن توجه شده و همین امر باعث بروز شبهاتی گردیده، آن است که لطفی که با توجه به حکمت الهی، وجوب و لزوم آن برای خدا ثابت می‌شود دربارهٔ بیش‌تر افراد جامعهٔ بشری و نوع انسانی است، اما عنایت‌های خدا به اشخاص خاص، از باب تفضل اوست و اثبات وجوب این‌گونه لطف بر خدای سبحان، مشکل می‌نمایاند؛ چنان‌که اندیشه‌ورزی به خوبی به این امر اشاره کرده است:

أَنَّ اللُّطْفَ الْمُقَرَّبَ إِذَا كَانَ مُؤَثَّرًا فِي رَغْبَةِ الْأَكْثَرِيَّةِ بِالطَّاعَةِ وَ تَرْكِ
الْمَعْصِيَةِ يَجِبُ مِنْ بَابِ الْحِكْمَةِ وَ أَمَّا إِذَا كَانَ مُؤَثَّرًا فِي أَحَادِهِمُ
الْمَعْدُودِينَ، فَالْقِيَامُ بِهِ مِنْ بَابِ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ. (سبحانی، ۱۴۱۲: ج ۳، ۵۵)

با توجه به این نکات باید گفت تا جایی که حکمت الهی اقتضا کند و مانعی نباشد، لطف خداکثری، لازمهٔ کمال بی‌نهایت خداوند است؛ زیرا خداوند، نسبت به بندگان خود، لطیف، بخشنده و کریم است. حال اگر محل (بندگان)، آمادگی و قابلیت پذیرش لطف و فیض وجودی خداوند عزوجل را داشته باشد، باید خداوند، لطف خود را شامل حال او گرداند؛ زیرا در ساحت خداوندی، بخل راه ندارد و بخشش و گرم او بی‌نقص و عیب است. (مظفر، ۱۳۶۶: ۵۱) این مطلبی کلیدی برای فهم لزوم زمینه‌سازی ظهور حضرت بقیه الله علیه و آله از طرف انسان‌هاست.

مبنای سوم: اختیار انسان و تأثیر آن در سرنوشت او

مبنای سوم قاعدهٔ لطف، در نظر گرفتن اختیار آدمی است؛ زیرا خدای متعال سرنوشت انسان را به انتخاب، اراده و تلاش او منوط نموده است. از این‌رو انسان را مکلف ساخته و روشن است که اختیار، از شرایط تکلیف به شمار

می‌رود؛ زیرا فلسفه تکلیف، آزمایش افراد است تا بتوانند آگاهانه و آزادانه و با انجام فرمان‌های پروردگار، استعدادهای خود را شکوفا کنند و در نتیجه به کمال مطلوب دست یابند. همین امر باعث شده تقریباً همه متکلمان عبارت «لم يبلغ حد الاجاء؛ لطف، به مرز اجبار نمی‌رسد» (نک: بحرانی، ۱۴۰۶: ۱۱۷؛ مظفر، ۱۳۶۶: ۳۲۴؛ ربانی گلپایگانی، ۱۴۱۸: ۱۰۲؛ حلی سیوری، ۱۴۲۲: ۲۲۷) را در تعریف لطف بگنجانند تا تأکید کنند الطاف الهی به گونه‌ای نیست که اختیار را از انسان سلب کند و او را به انجام طاعت الهی مجبور سازد. البته موضوع اختیار را از زاویه دیگری نیز می‌توان نگریست که این مطلب در بیان تفاوت لطف محصل با مقرب از آن یاد خواهد شد.

اقسام لطف در قاعده لطف

برخی از شبهاتی که بر قاعده لطف و استناد مسئله امامت به آن و در نتیجه، درباره موضوع زمینه‌سازی برای ظهور امام مهدی (عج) به این قاعده شده، بر اثر کم‌توجهی به اقسام لطف و تعریف درست آنهاست و متأسفانه مدافعان این قاعده و قائلان به تکلیف زمینه‌سازی، در تبیین مقصود خویش، به این مهم کم‌تر توجه کرده‌اند.

مشهور علمای کلام، لطفی را که به خداوند متعال نسبت داده می‌شود، از جهت بهره‌مند ساختن انسان‌ها به دو گونه لطف محصل و لطف مقرب تقسیم می‌کنند که ضمن انتخاب و ارائه تعریف صحیح هریک، در ذیل به بیان آنها می‌پردازیم:

لطف محصل

لطف محصل، عبارت است از ایجاد برخی زمینه‌ها از سوی خداوند که تحقق هدف و غرض خلقت و آفرینش بر آنها متوقف است، به گونه‌ای که اگر خداوند این امور را در حق انسان‌ها انجام ندهد، کار آفرینش لغو و بیهوده می‌شود. برخی از مصادیق این نوع لطف، بیان تکالیف شرعی، توانمند ساختن

انسان‌ها برای انجام دادن تکلیف، نصب و معرفی حافظ دین و... است. (طبرسی نوری، بی تا؛ ج ۱، ۵۰۵ - ۵۰۶) در واقع چنین لطفی اصل تکلیف و اطاعت از خدا را محقق می‌سازد.

لطف مقرب

لطف مقرب، عبارت است از اموری که خداوند برای بندگان انجام می‌دهد و در سایه آن، هدف و غرض از تکلیف برآورده می‌شود، به گونه‌ای که اگر این امور انجام نمی‌شد، امتثال و اطاعت برای عده زیادی از بندگان میسر نبود. (شریف مرتضی، ۱۴۱۱: ۱۸۹ - ۱۹۰) وعده به بهشت و تحذیر از جهنم که در قرآن کریم آمده و نیز بلاها و نعمت‌هایی که خداوند نازل می‌کند، به گونه‌ای که انسان‌ها را به انجام نیکی‌ها و ترک حرام‌ها تحریک می‌نماید، مصادیقی از لطف مقرب است.

تفاوت لطف مقرب و محصل و تأثیر آن در مسئله

دیگر نکته مهمی که در بحث زمینه‌سازی ظهور و لزوم تلاش برای آن بسیار تعیین کننده است و به اثبات یا نفی لزوم آن به وسیله مردم می‌انجامد، توجه به تفاوت لطف محصل با لطف مقرب است. از این رو لازم است برخی از تفاوت‌های مهم این دو لطف بیان شود:

نخستین تفاوت آن است که اگر لطف محصل نمی‌بود، اساساً اصل وجود تکلیف شرعی محقق نمی‌شد و نبوت و امامت بی معنا می‌گشت؛ اما در صورت عدم وجود لطف مقرب، اگرچه تکلیف و نصب پیشوا و راهنما مطرح بود و چه بسا درباره برخی اشخاص، امتثال هم می‌شد، اما نوع مردم، امتثال تکلیف نمی‌کردند (لطیفی، ۱۳۸۷: ۳۱) و در واقع غرض تکلیف محقق نمی‌شد.

دومین تفاوت لطف محصل با لطف مقرب آن است که گرچه محدوده هر دو لطف، تا حوزه اختیار انسان‌هاست و آن‌ها را مجبور به خوب بودن نمی‌کند، اما این اختیار، کارکرد دیگری نیز دارد و آن این که برخلاف لطف

محصل، شرط تحقق و نزول لطف مقرب از سوی خدای متعال، اختیار انسان‌هاست. این مطلب شواهد بسیاری در قرآن دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». (رعد: ۱۱)

در این آیه شریفه، هرگونه اراده خدا بر تحول اساسی در جامعه انسانی، به نوع عملکرد افراد آن جامعه وابسته شده است و سنت الهی به این تعلق گرفته که هرگز بدون توجه به کیفیت رفتار انسان‌ها، تغییری را محقق نمی‌سازد. علامه طباطبائی^۱ نیز درباره وجود ارتباط بین اعمال انسان و حوادث خارجی در جهان می‌فرماید:

یکی دیگر از احکام اعمال این است که بین اعمال انسان و حوادثی که رخ می‌دهد ارتباط هست. البته منظور ما از اعمال، تنها حرکات و سکانات خارجی‌ای است که عنوان حسنه و سیئه دارند، نه حرکات و سکاناتی که آثار هر جسم طبیعی است. به آیات زیر توجه فرمایید:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَاعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ».

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ».

«ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».

این آیات، ظاهر در این است که میان اعمال و حوادث تا حدی ارتباط هست. اعمال خیر و حوادث خیر و اعمال بد و حوادث بد و در کتاب خدای تعالی دو آیه هست که مطلب را تمام کرده و به وجود این ارتباط تصریح نموده است؛ یکی آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و دیگری آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ». (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۷۱)

افزون بر این، در مصادیق اجتماعی لطف مقرب، اختیار انسان‌ها باید به صورت عمومی و فراگیر و نه فردی و شخصی باشد. در نظر گرفتن این ویژگی‌های لطف مقرب، در فهم لزوم زمینه‌سازی عموم انسان‌ها برای درک نعمت ظهور و نیز استنباط صحیح روایاتی که از امور خارق‌العاده و معجزه در قیام و حکومت جهانی حضرت ولی‌عصر علیه السلام سخن می‌گویند، سهمی بسزا دارد.

تقسیم جدیدی از لطف

با توجه به دو تفاوت یادشده، می‌توان لطف را از منظری دیگر به لطف محقق و لطف معلق تقسیم نمود. با این توضیح که لطف محقق، شامل لطف محصل و لطف مقربی که نیاز و طلب عمومی باعث تعلق مشیت الهی و تحقق آن شده است می‌شود، اما لطف معلق، لطف مقربی است که به سبب عدم اختیار عمومی و طلب نوع انسان‌ها با وجود نبود مانع از جانب خدای رحیم، هنوز به سوی آن‌ها نازل نشده و تحقق نیافته است.

لطف مقرب، اثبات‌گر تکلیف زمینه‌سازی است، نه لطف محصل

همان‌طور که بر اهل مطالعه پوشیده نیست، با توجه به تعریف لطف محصل و مقرب، اثبات لزوم امام حیّ بر روی زمین در سخن علمای بزرگوار، با استفاده از لطف محصل بوده است که امام را واسطه بین خدا و مخلوقات دانسته‌اند. شیخ مفید در رویارویی با منکران وجود حضرت حجة بن الحسن علیه السلام که می‌گویند: چه دلیلی بر وجود امام هست؟ می‌فرماید: دلیل بر آن این است که باید در هر زمانی امامی معصوم باشد، و الا آن زمان از امام معصوم خالی می‌شود با این که امام لطف است و لطف در هر زمانی بر خدا لازم است. (مفید، ۱۴۱۳: ۴۴)

البته این بیان به روشنی توانایی اثبات لزوم زمینه‌سازی را ندارد؛ چرا که امام می‌تواند در روی زمین باشد و بدون این که شناخته شود، کار واسطه فیض بودن خویش را انجام دهد، بدون این که حتی مردم او را بشناسند، چه رسد به

این‌که برای ظهورش زمینه‌سازی کنند، مانند حضرت خضر. نکته مهم این‌جاست که اثبات لزوم زمینه‌سازی برای ظهور امام، اولاً با استفاده از قاعده لطف مقرب بودن امام صورت می‌گیرد، نه لطف محصل بودن وی و ثانیاً توجه به اصل اختیار بیش‌تر جامعه انسانی، در نزول نعمت ظهور حاکم الهی و آسمانی بر سراسر گیتی ضروری است. از این‌رو برای ورود به اثبات لزوم وظیفه زمینه‌سازی برای ظهور به وسیله قاعده لطف، تقریر و تبیین لطف مقرب بودن وجود امام، ضروری است.

اثبات لطف مقرب بودن امام

چنان‌که گفتیم لطف مقرب، به هر امری گفته می‌شود که در دور نمودن بیش‌تر بندگان از گناه و نزدیک ساختن آن‌ها به اطاعت خدا، مؤثر است؛ ولی برخلاف لطف محصل، در نزول آن، اختیار مردم دخالت داشته و همچنین مرتبه آن بعد از اثبات اصل تکلیف است. اثبات ضرورت وجود امام، این‌گونه است که:

اولاً وقتی خدای حکیم، تکالیفی را بر بندگان واجب نمود، غرض او از جعل احکام، اطاعت انسان‌هاست تا با انجام آن، به کمال و سعادت برسند، نه این‌که هدف، تنها بیان تکالیف و یا صرف امتحان باشد تا اگر خداوند از لطف قسم دوم (مقرب) دریغ کند، نقض غرضی لازم نیاید. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾. (اعراف: ۱۶۸)

این آیه شریفه به خوبی بیان می‌کند که هدف از ابتلای مردم با خیرات و شرور، انجام فرمان‌های الهی است تا در سایه آن، به کمال مطلوب برسند و حکمت الهی اقتضا می‌کند آنان را گرفتار سختی‌ها کند تا به سوی اوامر الهی برگردند. بنابراین آیات قرآن نیز این برداشت عقلی را تأیید می‌کند.

ثانیاً وجود و نصب امام، افزون بر لطف محصل از مصادیق لطف مقرب نیز هست. این مطلب با توجه به منزلت، وظایف و ویژگی‌های امام که جانشین

رسول اکرم ﷺ در دریافت وحی است، اثبات شدنی است و می‌توان آن را در دو حوزه فردی و اجتماعی تبیین نمود.

الف) حوزه فردی: همان‌گونه که اشاره شد، انسان مختار با وجود قدرت عقل، توانایی تشخیص امور حق از باطل را دارد؛ ولی با وجود این و حتی در صورت ابلاغ دستورهای الهی ممکن است از انجام دستورهای خدا سر باز زند و این نیست، مگر به خاطر وجود هوای نفس که از درون به مثابه دشمنی خانگی به شدت انسان را تهدید می‌کند، چنان‌که بسیاری از آیات و روایات بر صحت این مطلب گواه هستند^۱ و ما را نسبت به خطرات هواهای نفسانی بر حذر داشته‌اند. افزون بر آن، وسوسه‌های شیطان رجیم نیز وجود دارد که برای گمراه نمودن انسان قسم یاد کرده است.^۲ با این اوصاف، اگر کسی باشد که به دقایق هوای نفس آگاه و بر ترفندهای شیطان مسلط بوده و با تذکرات به موقع و تشویق او به بی‌اعتنایی به این دو دشمن غدار و با نفس‌های مسیحایی خود به انسان، توان و روحیه بخشیده و مانند پدر و مادری دلسوز مراقب او باشد و البته ما نیز به او دلبستگی داشته باشیم، بی‌تردید توفیق انسان به انجام دستورها و بندگی خدا را چندین برابر خواهد کرد و بسیاری از موانع را از مسیر عبودیت وی برطرف خواهد نمود. استاد شهید مطهری^۳ می‌فرماید:

اگر انسان بخواهد فقط با تکیه به تفکر و تذکر و محاسبه النفس و مراقبه و غیره، اخلاق سوء را یک‌یک با سرانگشت فکر و حساب از خود بردارد و خود را اصلاح نماید، البته عملی است؛ اما مثل همان است که انسان بخواهد براده‌های آهن را یک‌یک جمع کند. ولی اگر انسان این توفیق را پیدا کند که کاملی پیدا بشود و او شیفته آن کامل گردد، می‌بیند کاری که او در ظرف چند سال انجام می‌داد، این در ظرف یک روز انجام می‌دهد: مُجِبَّةٌ لِّصَفْوَةِ اَوْلِيَائِکَ. (مطهری، بی‌تا: ج ۲۲، ۷۷۴)

۱. «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي». (یوسف: ۵۳)

۲. «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ». (ص: ۸۲)

امام معصوم همان کسی است که جنبه لطف مقرب بودن ایشان از این جهت برای هر انسانی، راه‌گشا است و البته در لزوم چنین لطف شخصی از جانب خدای رحمان جای تأمل است لکن فضل خدا این مورد از لطف را نیز دربر می‌گیرد.

ب) حوزه اجتماعی: مطالعات انسان‌شناسانه، که البته مورد تأیید اسلام نیز هست، ثابت نموده که انسان‌ها، موجودی اجتماعی هستند و بدون تشکیل اجتماع، در ادامه زندگی با مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شوند. از سویی دیگر نیز تأثیر شگرف اجتماع، اجزای حقیقی (عموم مردم) و حقوقی (حاکمان، مسئولان و خواص) و مفاد قوانین جاری در جامعه نیز بر کسی پوشیده نیست. صرف‌نظر از جامعه آرمانی صالح برای کمال بشر که بدون قوانین و مجری الهی ممکن نبوده و از مبينات لطف محصل امام به شمار می‌رود، این مطلب، نزد همگان روشن است که اگر جامعه، تحت نظارت حاکمی باشد که آنان را از تجاوزگری بازدارد و به عدل و انصاف دعوت کند، به صلاح نزدیک و از فساد و تباهی به دور خواهد بود. (حلی، ۱۳۸۲: ۳۶۲) حال اگر چنین ریسی از جانب خدا و معصوم نیز باشد، دیگر جای تردید در لطف بودن آن نمی‌ماند. بنابراین امام و خلیفه الهی صرف‌نظر از وجوهی که درباره لطف محصل مانند حفاظت از دین خدا دارد، مأموریت‌هایی از باب لطف مقرب دارد که تشویق و تحذیر بندگان، دلگرمی و امیدبخشی به آنها، تشکیل حکومت و اجرای احکام الهی، بسط عدل و داد و زدودن ظلم و جور در اجتماع و هر آنچه مانع رشد و کمال جامعه انسانی است، از این قسم از لطف است. با این توضیح، لطف مقرب بودن حکومت جهانی حضرت مهدی عجته به اثبات بیش‌تر نیاز ندارد.

نیاز حکومت به عنوان تجلی لطف مقرب امام، بر وجود زمینه انسانی

برای یافتن راز تحقق نیافتن لطف مقرب الهی درباره امام مهدی عجته و تشکیل حکومت جهانی توسط ایشان، باید یک‌بار دیگر به مفهوم لطف مقرب

و تفاوت آن با لطف محصل پروردگار توجه کنیم. لطف محصل اگر از جانب خدای متعال انجام نشود، نقض غرض در آفرینش را به دنبال دارد. از همین رو در تحقق آن، زمینه انسانی و به بیان روشن، اختیار و تلاش انسان‌ها، جایی ندارد، مانند فرستادن انبیا. اما در لطف مقرب، اراده خداوند متعال هنگامی به تحقق آن تعلق می‌گیرد که بستر مناسب آن، که همانا تعلق اختیار آدمی و تطبیق آن با خواست خداست، به وجود آید.

در حقیقت، لطف محصل، بیان دیگر رحمت عمومی پروردگار، مانند دادن رزق به همگان، و لطف مقرب همان رحمت ویژه الهی است و رحمت ویژه به منزلگاه ویژه نیاز دارد. افزون بر دلایل عقلی که بیان شد، این سنت تغییرناپذیر الهی است و در قرآن بارها درباره آن سخن رفته است. قرآن کریم با بیانی شیوا می‌فرماید: ﴿إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (اعراف: ۵۶) و این‌گونه سنت الهی پروردگار را به بشر یادآوری می‌کند که احسان، شرط انزال رحمت ویژه خدای متعال است. این مطلب در جایی دیگر این‌گونه بیان شده است:

﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾؛ (انعام: ۵۴)

و چون کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند نزد تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته، که هر کس از شما به نادانی عمل بدی کند، آن‌گاه بعد از آن توبه کند و به اصلاح [کار خود] پردازد، بی‌تردید خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

در این آیه شریفه، اصل رحمت خداوند متعال بر بندگان، اصلی قطعی شمرده شده است؛ ولی نزول رحمت ویژه، نیازمند وجود زمینه و شرایطی در بندگان است که در صورت انجام گناه این شرط مفقود می‌شود. اما پروردگار مهربان، باز نوید رحمت به انسان‌ها داده و وعده فرموده اگر کسی از خطاهای خویش توبه نموده و از راه منحرف برگردد و خود را اصلاح نماید، شایسته آمرزش و رحمت خدا خواهد شد. از همین نکته، به ضعف این ادعا از سوی

برخی که نعمت‌های الهی بر اساس شایستگی و لیاقت مردم به آن‌ها داده نمی‌شود، (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۹۹) پی می‌بریم؛ زیرا نعمت‌های عمومی پروردگار به شایستگی مردم وابسته نیست، ولی نعمت‌های خاص که حاکمیت جهانی امام معصوم علیه السلام از آن جمله است، به تصریح قرآن و روایات و عقل، نیازمند کسب آمادگی است.

خداوند متعال با تولد امام دوازدهم علیه السلام بر روی زمین و حضور ناشناس وی در میان مردمان در قالب غیبت، لطف محصل بودن امام را برای رسیدن بشر به کمال، محقق و با تحقق آن، زمینه حدوث لطف مقرب امام که تشکیل حکومت جهانی توسط وی است را نیز فراهم نموده و به تحقق آن نیز وعده حتمی داده است؛ اما به دلیل سنخ لطف مقرب و تفاوت آن با لطف محصل، اختیار و انتخاب جهانیان، شرط تعلق اراده الهی و تحقق آن است. بنابراین گرچه فرج و ظهور امام زمان علیه السلام امری است که خدایی بوده و به اراده ذات مقدسش وابسته است، اما با توجه به این‌که اراده خدا در تحقق گونه‌های اجتماعی لطف مقرب، به اراده انسان‌ها منوط شده و قرآن کریم آن را به عنوان یک سنت الهی القا نموده است، می‌توان نتیجه گرفت که خواست و رغبت مردم جهان به برقراری حکومت جهانی به وسیله مردی آسمانی و خلیفه الهی، در واقعه ظهور قائم آل محمد علیه السلام نقش بسزایی دارد و در واقع ظهور حضرت مهدی علیه السلام امری الهی - مردمی است. افزون بر آیاتی که در سطور پیشین ذکر شد، مفاد بسیاری از آیات دیگر قرآن مانند «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، مؤید سخن بالاست.

با نگاهی به سیره معصومان، پذیرش یا رد حاکمیت سیاسی امامان معصوم علیهم السلام نیز بر اساس چنین باوری قابل تفسیر است. برای مثال، حضرت علی علیه السلام در بیان دلیل پذیرش درخواست مردم برای در دست گرفتن حکومت، فرمود:

أَمَّا وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَّا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ
بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُّوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَّا

سَغَبَ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِئِهَا؛
(شریف رضی، بی تا؛ خطبه ۳)

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما و پیمان‌نگرفته بود که در برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان، سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهسان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و پایانش را چون آغازش می‌انگاشتم.

ملاحظه می‌کنید که خواست و اراده جمعی بر پذیرش ولایت سیاسی امام معصوم، زمینه‌ساز تشکیل حکومت امام شده است. در نمونه دیگر و برخلاف مورد پیشین، وقتی از امام حسن علیه السلام علت دست کشیدن از جهاد با معاویه و تسلیم حکومت به وی، توسط برخی از یاران مطرح شد، فرمود: «سوگند به خدا اگر با معاویه می‌جنگیدم، مردم مرا به او تسلیم می‌کردند.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴۶، ۲۰) با توجه به این مطالب، جایگاه اختیار نوع بشر در موضوع زمینه‌سازی ظهور روشن می‌شود.

به جز آیات و روایاتی که بیان شد، شواهد بسیاری وجود دارد که ظهور حضرت مهدی علیه السلام را امری وابسته به اختیار انسان‌ها می‌شمرد و اگرچه اراده خدا، علت تامه آن است، ولی اراده جمعی بر تعلق مشیت خدا بر ظهور منجی عالم، تأثیر بسیاری دارد و در حقیقت این عدم خواست عمومی و جهانی برای پذیرش ولایت معصوم، باعث محرومیت از برکات حکومت حضرت مهدی علیه السلام شده است. آیاتی مانند «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری: ۳۰) «هر مصیبتی که به شما می‌رسد به سبب اعمالی است که انجام داده‌اید» که مسئولیت مصیبت تحقق نیافتن حکومت امام مهدی علیه السلام را متوجه خود انسان‌ها می‌داند یا سنت قطعی «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹) که تلاش برای فراهم نمودن بسترها و اصلاح وضعیت موجود را عامل تعلق مشیت خدا و نزول رحمت وی می‌شمرند، بسیارند.

چنان‌که گفتیم، امام معصوم افزون بر لطف محصل بودن، از آن‌جا که زمینه رسیدن به کمال و انگیزه تقرب الهی را با تشکیل حکومت و مدیریت حکیمانه جامعه به صورت کامل فراهم می‌کند، مصداق لطف مقرب خدا نیز هست. همچنین اثبات شد که اصل نخست، آن است که امام معصوم نه تنها لطف محصل، بلکه در صورت نبود مانع، لطف مقرب خدا که همان حکومت دین در جهان است را در میان مردمان جاری می‌نماید، اما جریان این لطف مقرب الهی، مشروط به خواست بیش‌تر انسان‌هاست؛ گرچه ممکن است گونه‌های دیگر لطف مقرب امام به چنین شرطی مشروط نباشند و خود، شرط خاص خویش را بطلبند.

مفهوم زمینه‌سازی و دو برداشت از آن

مشکلی که باعث شده برخی از افراد، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی (عج) را کاملاً مردود یا محدود بشمارند، بیانی است که از مفهوم زمینه‌سازی ارائه شده است. از این‌رو برای جلوگیری از سوء برداشت‌ها لازم است مفهوم زمینه‌سازی بازخوانی شود.

برخی از قائلان به لزوم زمینه‌سازی ظهور، موضوع را به گونه‌ای طرح نموده‌اند که چنین به نظر می‌آید مقصود آن‌ها از زمینه‌سازی کشف علت تامه غیبت و تلاش برای رفع موانع آن است؛ چنان‌که یکی از آنان می‌گوید:

اگر بخواهیم اسباب ظهور را پیدا کنیم، باید آن را از موانع حضور امام و به تعبیری دیگر از علل غیبت سراغ بگیریم؛ چون با رفع و از بین رفتن این موانع، ظهور بلافاصله تحقق خواهد یافت. بنابراین رفع علت غیبت، سبب ظهور است و به عبارتی دقیق‌تر می‌توان گفت با رفع علت غیبت، دلیل حضور امام که همان لطف و جویی از طرف خداوند است، موجود است و مانع حضور نیز مفقود می‌باشد و از این‌رو ظهور فوراً و وجوباً تحقق خواهد یافت. (نودهی، ۱۳۸۳)

ملاحظه می‌کنید که سخن نویسنده سطور بالا که قائل به لزوم زمینه‌سازی برای ظهور است، چنین می‌نمایاند که علت تامه غیبت، قابل کشف است و

وقتی این علت که مانع از ظهور امام است کشف و سپس برداشته شود، حتماً ظهور حضرت اتفاق می‌افتد. در این زمینه باید دانست که اولاً همان‌گونه که گفته شد، برای اثبات تکلیف زمینه‌سازی نیازی به دانستن علت تامه و شرط کافی نیست، بلکه آگاهی از شروط لازم ظهور که در بسیاری از روایات به آن‌ها تصریح شده است برای اثبات لزوم بسترسازی ظهور کافی است. ثانیاً مراد از علت غیبت در میان برخی بزرگان چون شیخ مفید، علت اصطلاحی و تامه نیست؛ چنان‌که ایشان در جواب این سؤال که وجه مخفی بودن و غیبت امام چیست، می‌فرماید:

وجه و حکمت مخفی بودن ایشان به سبب کثرت دشمن و کمی یاور است و ممکن است که به دلیل مصلحتی مخفی باشد که خدای متعال علم به آن را مخصوص خود نموده باشد. (مفید، ۱۴۱۳ الف: ۴۴-۴۵)

عبارت آخر شیخ مفید به خوبی بیان‌گر همین نکته است و مراد ایشان و بزرگان دیگری چون شیخ طوسی از علت، معدّات، بسترها و علل عرضی است. در ضمن با توضیحی که درباره اقسام لطف و ویژگی‌های آن‌ها داده شد، تناقضی در کلام ایشان نخواهد بود؛ زیرا وجود امام، مصداق لطف محصل به شمار می‌رود، اما ظهور و حکومت ایشان مصداقی از لطف مقرب است که شرایط خود را دارد. خلاصه آن‌که اگر مقصود از زمینه‌سازی در کلام قائلان آن، رفع علت تامه غیبت نباشد، این اشکال وارد نیست.

باید دانست منظور از زمینه‌سازی برای ظهور و قیام امام زمان (عج) با توجه به مفاد قاعده لطف، همان بسترسازی و آمادگی عموم انسان‌ها برای پذیرش ولایت و حکومت حضرت مهدی (عج) و به بیان دیگر، به معنای رساندن جامعه و امت به حدی مطلوب از آمادگی برای انجام وظایف خود در مقابل امام زمان (عج) است و این همان انجام تکلیف اجتماعی هر فرد در رویارویی با غیبت امام جامعه، در کنار تکالیف فردی اوست. یکی از قائلان به زمینه‌سازی ظهور نیز به این نکته توجه کرده و چنین می‌گوید:

احادیث و اخبار رسیده حکایت از آن دارد که همان‌گونه که مردم در عصر حضور ائمه وظایفی بر عهده داشته‌اند که می‌بایست نسبت به امام حاضر ادا می‌کردند، در عصر غیبت نیز افزون بر تکالیف عمومی، وظایفی در خصوص مسئله غیبت بر دوش دارند تا ضمن وصول به اجر و ثواب، گام‌هایی نیز در زمینه ظهور بردارند. (فاکر میدی، ۱۳۸۳)

گفتنی است حتی کسانی که زمینه‌سازی به معنای نخست را نپذیرفته‌اند، به لزوم انجام تکالیفی در عصر غیبت معتقدند و همین امر، وفاق نظری این موضوع را بیش‌تر می‌کند.

مزایای تعریف زمینه‌سازی به معنای آمادگی و آماده‌سازی

در ارائه معنای دوم زمینه‌سازی، یعنی آمادگی و آماده‌سازی، برخلاف معنای اول آن یعنی رفع علت تامه، به دو امر توجه شده است و همین مطلب باعث می‌شود نه تنها اشکالاتی که بر معنای اول گرفته شده وارد نباشد، بلکه هر انسان منصف و آگاه به تعالیم اسلامی را به پذیرش آن وادارد. این دو امر عبارتند از:

۱. اراده خداوند متعال، سبب اصلی تمام امور و از جمله ظهور امام مهدی عج است و تنها آنچه بر عهده ماست باید انجام دهیم. البته با این تأکید که باید با توجه به وظایف ما در مقابل امام زمان عج در تشریح وظایف با لحاظ نمودن تکالیف اجتماعی، تجدیدنظر اساسی و جدی صورت گرفته و در تبیین مسئولیت‌ها به وظایف فردی بسنده نگردد.

۲. بر اساس این قرائت، امید به ظهور امام زمان عج همیشه پابرجا خواهد بود؛ زیرا گرچه برای ظهور ایشان ایجاد آمادگی اجتماعی لازم است، اما این آمادگی لزوماً منحصر در تلاش انسان‌ها و کسب اختیاری لیاقت و شایستگی آن‌ها نیست، بلکه اگر انسان‌ها در انجام وظایف خود نسبت به امام کوتاهی ورزند و ظلم و فساد عالم‌گیر شود (چنان‌که در روایات آمده است) همین ظلم و فساد فراگیر در جامعه، عموم انسان‌های غفلت‌زده را به ستوه آورده و از

درون ظلمت، آمادگی جبری محقق می‌شود و در نتیجه آن، نور ظهور شکوفه خواهد زد. مانند کسی که به او توصیه می‌شود برای پیش‌گیری از فلان بیماری، نزد پزشک رود و به دستور او ملتزم شود. در این فرض، گاهی ممکن است که شخص با اختیار خود نزد پزشک رفته و امور خود را اصلاح نماید، اما گاهی ممکن است شخصی به دلیل نادانی و غرور و عدم احساس نیاز، از رفتن به پزشک حاذق سر باز زند تا بیمار شود و بیماری او شدت یابد، به گونه‌ای که آنقدر درد بر او غلبه کند که او را ناگزیر به رفتن نزد پزشک نماید. البته در صورتی که این آمادگی جبری شود، دیگر برکات آمادگی اختیاری و اقبال به ولایت‌مداری را به همراه نخواهد داشت. از این رو امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ» (انعام: ۱۵۸) فرمود:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ مِنَّا. ثُمَّ قَالَ: يَا أَبَا بَصِيرٍ! طُوبَى لِشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنْتَظَرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ «لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۵۷)

یعنی خروج قائم منتظر ما. سپس فرمود: ای ابابصیر، خوشا به حال شیعیان قائم ما! کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمان‌بردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که «نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند».

معنای دوم و صحیح از زمینه‌سازی (آمادگی و آماده‌سازی) و اعتقاد به لزوم آن، مزایایی دارد که نگاه تنگ‌نظرانه به زمینه‌سازی، فاقد آن است و این مزایا عبارتند از:

۱. از سستی و تنبلی و رکود در اصلاح فرد و جامعه اسلامی جلوگیری می‌کند، در حالی که قائل به عدم لزوم تلاش همه‌جانبه برای زمینه‌سازی ظهور، یا دچار سستی و رکود مطلق در انجام وظایف می‌شود، یا این‌که در بهترین

حالت قابل تصور، به سبب برداشت نادرست از محدوده وظایف و تکالیف و انحصار آن در وظایف شخصی و فردی، تنها به انجام تکالیف فردی و حتی کم‌تر از آن بسنده نموده و در حوزه تکالیف اجتماعی خویش که مورد اهتمام جدی اسلام است دچار تقصیر و کوتاهی خواهد شد.

۲. اختیار، به عنوان شاخصه‌ای مهم در سعادت یا شقاوت فرد و جامعه، نقش خود را در محدوده خویش، بدون محدود نمودن اراده و قدرت الهی ایفا می‌کند، در حالی که انکار زمینه‌سازی ظهور و سپردن همه چیز به دست خداوند متعال، به انکار عامل اختیار در سرنوشت انسان که پشتوانه محکم قرآنی و روایی دارد منجر خواهد شد.

غیرمنطقی بودن ادعای عدم لزوم زمینه‌سازی

با این توضیح، ادعای مؤثر نبودن میزان آمادگی مردمی برای ظهور امام زمان (عج) نیز غیرمنطقی می‌نمایاند؛ زیرا اگر مراد آن است که آمادگی عمومی علت تامه ظهور است بسیاری از قائلان به دیدگاه درست درباره زمینه‌سازی، چنین چیزی را نگفته‌اند و اگر مراد از آمادگی عمومی، تلاش و کسب لیاقت اختیاری برای ظهور باشد نیز روشن شد که گرچه آمادگی عمومی، اعم از آمادگی اختیاری و جبری است اما در هر صورت، آمادگی عمومی، زمینه لازم ظهور است و اگر مراد آن است که بدون هیچ آمادگی اختیاری و جبری نیز می‌توان توقع ظهور امام زمان (عج) را به دلیل قدرت مطلق بودن خداوند متعال داشت، بی‌پایه بودن عقلی و نقلی این سخن با توجه به حکمت خداوند و نقش اختیار انسان‌ها در سرنوشتشان و نیازمندی جایگاه امر و فعل خدا در لطف مقرب به آمادگی و ظرفیت قابل، مشخص شد. البته آمادگی بشر برای ظهور لزوماً به گذشت زمان طولانی وابسته نیست و ممکن است به واسطه اتفاقی شگرف، زمینه اضطرار به امام معصوم و پذیرش ولایت ایشان در بشر به وجود آید. افزون بر این، التزام به چنین ادعایی باعث ناامید شدن انسان‌ها در

بسیاری از برهه‌های زمانی خواهد شد. این همان چیزی است که در روایات مهدوی از آن نهی شده و به انتظار در هر صبح و شب برای فرج امام زمان ع تأکید شده است.

جایگاه معجزه در قیام جهانی امام زمان ع

گرچه مطالبی که تاکنون بیان شد برای رد برداشت ناصواب از مفهوم خدایی بودن ظهور امام زمان ع کافی است، اما از آن‌جا که گاهی با توجه به مضمون برخی روایات مهدوی مبنی بر معجزه بودن ظهور و پیروزی حضرت مهدی ع ممکن است چنین توهمی پیش آید که لزوم زمینه‌سازی از سوی انسان‌ها، تلاشی بی‌سرانجام و خارج از وظایف ماست، تذکر نکاتی لازم است: آنچه باید در توضیح روایات بیان‌گر وقوع کرامات و معجزه در زمان ظهور حضرت مهدی ع مورد توجه قرار گیرد، توجه به عنصر اختیار در سرنوشت انسان‌ها و لزوم تلاش برای کسب سعادت ایشان است که در مبنای اول قاعده لطف بیان شد. اگر بناست ظهور، قیام و حکومت حضرت مهدی ع تماماً با معجزه و اعمال خارق‌العاده انجام شود، چرا این همه سال انتظار و غیبت؟ چرا در همان سال‌های نخست، بلکه در زمان پیامبر مکرم اسلام و دیگر امامان این‌گونه نشد؟ خداوند متعال بارها در قرآن انسان‌ها را با خطاب «لَا يَعْزِلُونَ» (زمر: ۴۳؛ حجرات: ۴؛ حشر: ۱۴ و...) محاکمه می‌کند؛ زیرا اسلام، دین تحقیق و تعقل است. چگونه ممکن است درباره همه این سؤال‌ها بگوییم ما نمی‌دانیم و خداوند حکیم بهتر می‌داند؟ آیا خداوند حکیم دستور به فراگرفتن حکمت نداده است؟ یکی از نویسندگان در این زمینه می‌گوید:

نپذیرفتن اسلام نتیجه نادانی است. اگر مردم عقلشان به‌جا آمد و توانستند مسائل واقعی را درک کنند، اسلام را قبول می‌کنند. از این روایت «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَ عُقُولِهِمْ وَكَمَلَتْ بَيْنَهُمْ أَحْلَامُهُمْ» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷۵) معلوم می‌شود در زمان حضرت مردم آمادگی عقلی پیدا می‌کنند، اما این هم به وسیله معجزه

نیست. زمینه‌اش را باید آن کسانی که در انتظار حضرت هستند به وسیله تبلیغات و مسائل دیگر فراهم کنند. (امینی، ۱۳۸۰: ۲۴)

البته ممکن است برخی از قائلان این کلام به گونه‌ای سخن بگویند که به نظر برسد، منظور آن‌ها این است که انقلاب حضرت مهدی عج انقلابی کاملاً عادی است. البته با توجه به انبوه روایات موجود، این کلام درست نیست؛ اما نباید برای پاسخگویی به برخی برداشت‌های نادرست که قیام مهدی موعود عج را کاملاً عادی و بشری می‌دانند منفعلانه و بدون بررسی همه‌جانبه، جانب افراط در پیش گرفته و اساساً قیام ایشان را به صورت مطلق، معجزه‌ای از طرف خدا معرفی کنیم که یا انسان‌ها هیچ نقشی در آن ندارند، یا نقش آن‌ها بسیار کم‌رنگ است. حکمت وقوع معجزات در عصر ظهور همانند حکمت وقوع آن در عصر رسول اکرم ص است که برای بشارت به مؤمنان و اتمام حجت و مشخص نمودن حقیقت برای کسانی که حق برای آن‌ها پوشانده شده صورت می‌گیرد و چیزی از مسئولیت انسان‌ها نمی‌کاهد.

حقیقت آن است که قیام حضرت مهدی عج قیامی الهی و مردمی است و نقش هر کدام محفوظ است و هر دیدگاهی که یکی از دو جنبه مذکور را به کناری نهد، دیدگاهی انحرافی و نزد عقل و نقل مطرود است.

نتیجه

موضوع زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عج از مسائل بسیار تأثیرگذار در روند اصلاح و برنامه‌ریزی فردی و اجتماعی است. برای استنباط صحیح این موضوع باید در روش استنباط دقت کافی صورت گیرد و به جای رویکرد صرفاً نقلی و مطالعه آیات و روایات، از روش کلامی که در آن هم به محکّمات عقلی و هم به مستندات نقلی توجه می‌شود استمداد جوییم، بلکه برای دفاع از این اندیشه، براهین عقلی و احکام عقل مستقل قابل استفاده در این مسیر، مورد توجه جدی واقع شود. ثمره مهم چنین رویکردی آن است که

نه تنها افزون بر روایات، در تبیین موضوع زمینه‌سازی ظهور و فروعات آن می‌توان از مستقلات عقلی مدد گرفت، بلکه باید در روایات مجمل و به ظاهر متعارض تفسیر آن‌ها را بر عهده مبانی کلامی و عقل قطعی گذاشته و حتی در شناخت گستره و قلمرو زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر^{عج} نیز از نقش و کارکرد استقلالی عقل، غافل نشد.

منابع

۱. امینی، ابراهیم، *گفت‌وگوهای مهدویت*، قم، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۰ش.
۲. بجنوردی، محمدحسن، *القواعد الفقیه*، قم، نشر هادی، ۱۳۷۷ش.
۳. بحرانی، ابن میثم، *قواعد المرام فی علم الکلام*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۴. بنی‌هاشمی، سید محمد، *راز پنهانی و رمز پیدایی*، تهران، نیک معارف، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.

۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۶. جوادی آملی، عبدالله، *ولایت فقیه، ولایت فقاهت و عدالت*، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، بی تا.
۷. حسین زاده، علی محمد، *فقه و کلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۸. حلی سیوری (فاضل مقداد)، *مقداد بن عبدالله، اللوامع الإلهية فی المباحث الكلامية*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۲ ق.
۹. حلی، حسن بن یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تعلیقه: آیت الله سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. خاتمی، احمد، *فرهنگ علم کلام*، تهران، انتشارات صبا، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. خرازی، محسن، «قاعده لطف»، فصل نامه علمی تخصصی *انتظار موعود*، ش ۸ - ۹، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳ ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین، *المفردات فی غریب القرآن*، قم، مکتبه رضویه، بی تا.
۱۳. ربانی گلپایگانی، علی، *القواعد الكلامية*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. _____، *درآمدی بر علم کلام*، قم، انتشارات دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. سبحانی، جعفر، *الالهیات علی هدی کتاب و السنة و العقل*، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
۱۶. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، قم، دارالهجرة، بی تا.
۱۷. شریف مرتضی (علم الهدی)، علی بن حسین، *الذخیره فی علم الکلام*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۸. صدر المتألهین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *المبدأ و المعاد*، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ ش.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ ق.

۲۱. طبرسی نوری، سید اسماعیل، *کفایة الموحدين*، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، بی‌تا.
۲۲. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، *ذکری الشیعة*، بی‌جا، بی‌تا.
۲۳. علی دوست، ابوالقاسم، «فقه و عقل»، فصل‌نامه *قیاسات*، پژوهش‌نامه فصلانه در حوزه فلسفه، دین و فرهنگ، ش ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۷۹ش.
۲۴. فاکر میبدی، محمد، «زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی عصر (عج)»، فصل‌نامه *انتظار موعود*، قم، بنیاد فرهنگ حضرت مهدی موعود (عج)، ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۸ش.
۲۵. فیاض لاهیجی، عبدالرزاق، *شوارق الالهام فی شرح تجرید الکلام*، اصفهان، انتشارات مهدوی، بی‌تا.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم، دارالهجرة، بی‌تا.
۲۷. قراملکی، احمد، *هندسه معرفتی کلام جدید*، قم، مرکز مطالعات حوزه علمیه، بی‌تا.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۹. لطیفی، رحیم، *دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۳۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.
۳۱. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار شهید مطهری*، تهران، انتشارات صدرا، بی‌تا.
۳۲. مظفر، محمدرضا، *عقاید الامامیه*، قم، مکتبه شکوری، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۳۳. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *النکت الاعتقادیة*، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۴. _____، *اوائل المقالات*، قم المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۵. نوبختی، ابراهیم بن نوبخت، *الیاقوت فی علم الکلام*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۳۶. نودهی، علیرضا، «نظریه اختیاری بودن ظهور»، ماه‌نامه *موعود*، تهران، مؤسسه موعود، ش ۴۹، آذر و دی ۱۳۸۳ش.
۳۷. نویسندگان، *گفت‌وگوهای مهدویت*، قم، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۳۸. هادوی تهرانی، مهدی، *مبانی کلامی اجتهاد*، قم، مؤسسه فرهنگی خرد، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

زمینه‌سازی ظهور منجی؛ وظایف و راهکارها

زهره رمضان‌زاده بادل^۱

چکیده

غیبت، انتظار و ظهور منجی، واژه‌های آشنا و تأمل‌برانگیزی در ادبیات شیعی هستند. البته در متون روایی و احادیث مأثوره نیز از واژه‌های کلیدی به شمار می‌آیند. ظهور منجی غایب‌شده از دیده‌ها که از پس ابر غیبت نورافشانی می‌کند، یکی از آموزه‌های مهم و مترقی شیعه است و در این راستا، بررسی راهکارها برای زمینه‌سازی ظهور و نقش و وظایف منتظران در عصر غیبت، اهمیت بسیاری دارد.

این پژوهش بر آن است با الهام از آموزه‌های اصیل قرآن و سیره و سنت مأثوره، راهکارها و راهبردهایی در جهت زمینه‌سازی ظهور حکومت عدالت‌گستر منجی موعود، ارائه دهد. نخست، ضمن ارائه تعریفی از مفهوم انتظار، حکومت و جامعه زمینه‌ساز ظهور، مبانی و اهداف جامعه منتظر ارائه می‌شود و در ادامه، با بیان راهکارها و راهبردهای این جامعه، به نقش اساسی سه عنصر حیاتی تعلیم و تربیت، هنر و رسانه در فرهنگ‌سازی انتظار اشاره شده است.

واژگان کلیدی

ظهور منجی، منتظر، شیعه منتظر، زمینه‌سازی ظهور، راهبرد فرهنگی، زمینه‌سازی ظهور.

* کارشناسی علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

انتظار در لغت به معنای چشم‌به‌راهی است و منتظر کسی است که با امید، انتظار می‌کشد. البته این واژه، در فرهنگ فاخر و غنی شیعه، معنایی عمیق‌تر یافته است و در قاموس اصطلاحات شیعی، معنا و مرتبه‌ای والا دارد. انتظار با امید آغاز می‌شود و به فرج و گشایش خاتمه می‌یابد. فرج نیز در فرهنگ شیعی، معنایی قابل تأمل دارد. اهل لغت، فرج را به «انکشاف الغم» تعریف کرده‌اند؛ چنان‌که می‌گویند:

فرج الله عنك الغم (بالتشديد) تفریجاً کشفه، و كذلك فرج الله عنك غمک یفرجه (بالکسر) من باب ضرب. (طریحی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۳۲۲)

انتظار، واژه‌ای مقدس و متعالی است و به واقع مکتب انتظار، مدرسه انسان‌ساز است و از این اندیشه متعالی حکایت دارد که همه مسلمانان در یک جهاد و مبارزه همیشگی هستند و در این مبارزه نباید دست از هیچ‌گونه کاری کشید. به حکم آیه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِيَ وَفَرَادَى» (سبأ: ۴۶) تا پیروزی و گشایش و فرج، باید بی‌سکت و سکون کوشید. انتظار دل در گرو امیدداشتن به آینده‌ای روشن است، نه در انزوا نشستن، غم‌خوردن و به خمودگی و رکود گراییدن.

پیشوایان شیعه در سخنان گهربار خویش، بذر امید و ایمان به این حقیقت متعالی را در دل پیروانشان کاشته و در طول سالیان متمادی آن را پرورده‌اند که ثمره آن، ظهور منجی موعود است که با ظهورش در کارها گشایشی حاصل می‌شود و بنابر صریح آیه «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵) اراده الهی بر آن است که مستضعفان و آن‌ها که دل در گرو اطاعت حق و گسترش عدالت دارند، والیان و وارثان حقیقی زمین هستند.

از آن‌جا که خداوند بندگان را به حال خود وا نمی‌گذارد، نشانه‌هایی از جانب او و در کلام پیامبران و امامان جاری شده تا نهال امید در دل مؤمنان

حقیقی همچنان رشد کند و با رسیدن به هدف اصلی آفرینش بالیده و بارور گردد و بی تردید نقش بی بدیل پیشوایان شیعه در این میان سهمی سترگ و سازنده است.

با تأمل در کلام اهل بیت علیهم السلام می توان به خوبی دریافت که اندیشه متعالی آنان در قالب و چارچوبی دقیق و هدفمند، ارائه شده که انتظار در این چارچوب نقش محوری دارد.

اسلام که در تمام مسائل زندگی روزمره دقت نظر دارد، این امر مهم را وانگذاشته و حتی در جزئیات آن وارد شده و این حقیقت را برای پیروانش ترسیم کرده است. در این زمینه، سفارشات و پیشگویی هایی کرده است تا پیروانش با دقت و کنکاش در این سخنان گهربار به وادی و ورطه حیرت و ضلالت درنیافتند. برنامه ای ترسیم نموده است تا شیعیان و دیگر مشتاقان، با اجرای آن به سعادت و فوز عظیم دست یابند و تنها منبع و منشأ در این باره، کلام این پیشوایان است.

جامعه و دولت زمینه ساز

در عهد آخرالزمان که فتنه ها و ظلم و ستم رو به اوج است، چشم امید همه مستضعفان جهان، به جامعه ای است که نمی گذارد چشم ها نمناک اشک غم و اندوه باشند و خون ریخته شده در راه احقاق حق و عدالت طلبی ضایع و تباه گردد. ویژگی های این جامعه و حکومت زمینه ساز، در پرتو کلام ائمه اطهار علیهم السلام آشکار است و باید با توجه و تمسک به این روایات، در پی تشکیل و بناسازی چنین جامعه و حکومتی باشیم، نه آن که تنها به دعا و استغاثه بسنده کرده، دست بر دست نهاده، به گوشه ای خزیده و کنج انزوا و عافیت طلبی گزینیم. قطعاً این نوع برداشت انحرافی از مضمون مرقی انتظار، هیچ کس را به هدف و مقصود نمی رساند و افرادی که دارای این تفکر و مبنای فکری هستند، چه بسا در زمان ظهور امام دوازدهم علیه السلام نیز در صف منافقین، قاعدین و خوارج درآیند.

کلام ائمه علیهم‌السلام در کنار قرآن تنها راه حقیقی و دست‌یافتنی است تا بتوان با عمل به دستورات، هشدارها، توصیه‌ها و... طعم شیرین و حقیقی ظهور منجی را در کنار ایشان و نه در مقابل ایشان بچشیم.

ائمه اطهار علیهم‌السلام در طرح‌ریزی این برنامه مدون، جامعه، دولت و حکومتی منتظر نیز پیش‌بینی کرده‌اند، که جز با پیاده‌کردن برنامه‌ای جامع و کاربردی، نمی‌توان اساس جامعه‌ای منتظر را پی‌ریزی کرد. جامعه‌ای که مبتنی بر ارزش‌هایی تعریف شده است و جهان را از تکرار قدرت در عرصه جهانی به سمت و سوی ساختاری واحد از قدرت و حکومت در دنیا سوق می‌دهد، همگان را به پذیرش این باور می‌کشاند، ساختار زر و زورمداری کنونی عرصه سیاست را به نقد کشیده و به سخره می‌گیرد و سرانجام زمینه‌ساز تغییر و ایجاد توازن در معادلات قدرت و سیاست به نفع نیروهای خیر و حق محور است.

به راستی، این راه، صراطی مستقیم است که از موباریک‌تر و از تیزی شمشیر برنده‌تر است. در این راه، «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» گویان، از خداوند مدد می‌جوییم. همگی، در این مسیر همچون سپاه طالوتیم که مبتلا به این ابتلا و آزمونیم، تا ایمان حقیقی از ایمان غیرحقیقی شناخته شود.

«فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بَنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». (بقره: ۲۴۹)

و اگر کسی بیش از کف دستی آب خورد، از جرگه رستگاران خارج خواهد بود: «وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ» و در این میان داوودها نیز هستند که علم و حکمت به آن‌ها اعطا گردیده است و اگر فضل الهی شامل حال بندگان نمی‌شد، فساد در زمین گسترده می‌شد.

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾. (بقره: ۲۵۱)

به بیان شیوا و بلیغ رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای: ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پُر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، به عکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. ... امروز اگر ما می‌بینیم در هر نقطه دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، این‌ها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آن‌ها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با این‌ها آماده کنیم. (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت نیمه شعبان در مصلاي تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰)

برنامه‌ای به هم پیوسته که با همه عرصه‌ها اعم از فردی، اجتماعی، فرهنگی و... مرتبط است؛ برنامه‌ای مترقی و رو به پیشرفت و بدون هیچ گونه عقب‌گرد. با پیش روی قرار دادن این برنامه، می‌توان راهبردها و راهکارهایی درباره جامعه و دولت زمینه‌ساز تعریف کرد تا دست همه دجال‌ها و دسیسه‌گران و سفیانی‌ها در اجرای اهداف شوم خود کوتاه و بریده گردد: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ». (مسد: ۱)

به برکت عنایات حضرت صاحب‌الزمان عجله الله تعالی فرجه، انقلاب اسلامی ایران که در راستای زمینه‌سازی برای حکومت عدل پی‌ریزی شده است، گامی در جهت تعجیل در فرج مولایمان عجله الله تعالی فرجه است و این همان چیزی است که در اخبار وارده از ائمه اطهار نمود دارد:

قال أبي جعفر عليه السلام: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيتَ نَفْسِي لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۴۳)

و رَوَى عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: رَأَيْتُ غَنَمًا كَثِيرَةً سُودًا دَخَلَ فِيهَا غَنَمٌ
كَثِيرٌ بَيْضٌ. قَالُوا: فَمَا أَوْلَتْهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْعَجَمُ يُشَارِكُونَكُمْ فِي
دِينِكُمْ وَ أُنْسَابِكُمْ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثُّرَيَّا لَنَالَهُ
رَجَالٌ مِنَ الْعَجَمِ فَأَسْعَدَهُمْ بِهِ فَارِسٌ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۸، ۲۳۰)

راهبردها و راهکارهای فرهنگی

ظهور منجی و انتظارِ چشیدن طعم شیرین فرج، چیزی نیست که تنها از جانب پیامبران گرانقدر و امامان علیهم‌السلام تئوریزه شده باشد؛ بلکه پروردگار جهانیان این شهد شیرین را در فطرت آدمی سرشته است. انتظار، برنامه‌ای جهانی و همگانی است که به جرئت می‌توان گفت ذهن همهٔ جهانیان را به خود مشغول کرده است، به‌طوری که این مهم در همهٔ ادیان از بدوی‌ترین آن‌ها گرفته تا ادیان ابراهیمی و توحیدی، حقیقتی انکارناپذیر است.

منجی‌گرایی و موعودگرایی، نقطه‌ای است که بسیاری از سیاستمداران به آن توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند و در جریان سیاست‌های منتهی به آن، همهٔ توان خود و نیروهای خود را بسیج نموده‌اند تا منجی ساخته‌شده و قالب‌ریزی شده‌ای برای مردم جهان ترسیم کنند و البته پیکان مکر و حيلة آنان بیش از همه، مسلمان معتقد به منجی واقعی، یعنی شیعیان را نشانه رفته است و در عرصهٔ سیاست‌های داخلی و بین‌الملل، خود به طریقی سعی در اجرای این هدف داشته‌اند. هدف از طراحی و ترسیم این منجیان موهومِ تصنعی، انحراف افکار و ارائهٔ تصویری نادرست، بلکه معکوس از منجی در همهٔ ادیان و مذاهب است. در این عرصه، همهٔ خیرها در برابر شرها و اهریمنان ایستاده است.

﴿وَانتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾. (هود: ۱۲۲)

و هنگامی که یاری خداوند فرا رسد مردم را می‌بینید که گروه‌گروه به دین اسلام و مذهب حق می‌گروند:

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا». (نصر: ۱-۲)

فرج و گشایش که در اسلام مطرح شده است، طرحی همگانی و برنامه‌ریزی شده است که از جانب خداوند متعال برای رسیدن به یک هدف اساسی و مهم پی‌ریزی شده است.

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». (توبه: ۳۳)

انتظار و زمینه‌سازی حکومت عدل، آیات و روایات قابل توجهی را به خود اختصاص داده است تا چراغی فروزان برای اهل هدایت باشد. اما متأسفانه این مکتب و میراث گرانبها در سطر سطر کتب، مستور مانده و ذهن متفکران را تنها در عرصه علمی و تئوریک به خود مشغول داشته است.

بی‌تردید، سعادت‌مند و رستگار حقیقی کسی است که با ترتیب اثر دادن به این میراث عظیم علمی، خود را نه تنها در جمع دوست‌داران و یاوران منجی موعود ببیند، بلکه جامعه‌ای را نیز با خود همراه کرده و «امام متقین» محسوب گشته و همه منتظران خرد و کلان را در نیل به این مقصود بسیج و یک‌جهت کند. برای وصول به این هدف مقدس، راهکار، طرح، برنامه و مسیری مستقیم برای خویش و جامعه تنظیم نموده و انجام آن را بر همه و به‌ویژه برای خودش واجب و قطعی‌الاجرا بداند. در تنظیم این برنامه باید مراحل را پیش رو قرار دهد:

۱. تعریف و تبیین اهداف؛
۲. تدوین برنامه‌ها و چشم‌اندازها بر اساس ایدئولوژی و اندیشه متعالی انتظار؛
۳. تبلیغ و ترویج اهداف و برنامه‌ها؛
۴. تلاش برای نیل به اهداف مشخص شده با بسیج عمومی؛

۵. دغدغه‌مندی و نظارت بر اجرای برنامه‌ها در راستای نیل به اهداف پیش‌بینی شده.

تعلیم و تربیت، هنر و رسانه در ترویج و تبلیغ هدف مقدس انتظار فرج، اهمیتی ویژه و وافر دارد که همگان بر آن انگشت تأیید می‌نهند. این سه عنصر اساسی در جامعه منتظر، مقام و موقعیتی استراتژیک دارند. انقلاب، خیزش و نهضتی برپا می‌کند که جنین در بطن مادر، سربازی برای قیام حکومت جهانی موعود است.

اگر از کودکی در روستایی دورافتاده، از شغل مورد علاقه‌اش پرسش شود، در پاسخ می‌گوید: در آینده‌ای نزدیک، پزشکی حاذق، سربازی جنگ‌آور، مخترعی بزرگ، مبلغی جهانی و... خواهم شد تا در خدمت لشکر سپاهیان مولایم باشم.

هنر و رسانه نیز، نقشی اساسی در ترویج و بسط فرهنگ انتظار خواهند داشت. رسانه مهدوی، طنین صدای برقراری حکومت عدل جهانی را به گوش همه جهانیان خواهد رساند. هر هنرمند، به عنوان منتظر باید وارد عرصه رقابت با منجی‌های موهوم اهریمنی شود و با شجاعت و شهامت، در تأسیس، ترویج و تعمیق هنر انتظار، قدم‌های رو به جلویش را با استواری در جای خویش محکم کند. حتی کودکی در آن سوی مرزهای تصور، در دهکده‌ای که فرسنگ‌ها با مرکز تمدن فاصله دارد، صدای آینده و تأسیس حکومت عدل را بشنود و چشم‌انتظار منجی موعود باشد. جامعه منتظر می‌تواند در سه عرصه تعلیم و تربیت، هنر و رسانه با تعلیم و باورمندی وجود منتظر و منجی موعود و پرورش منتظر راستین و حقیقی در یکدل و مصمم کردن همگان برای تمنای ظهور و در پی آن، تعجیل در فرج صاحب‌الزمان^ع گامی عظیم و مؤثر بردارد. در این میان، درک صحیح از مفهوم انتظار و ظهور منجی، بسیار مهم و بلکه کلیدی است و می‌تواند چون چراغی تابناک، روشنی‌بخش راهی باشد که در این مسیر باید پیموده شود.

مکتب انتظار، مکتبی همگانی و کاربردی است که همه کارها و رفتار انسان را در زیر چتر خود جای می‌دهد و درسی عملی است که از حد و مرز علم و ایمان صرف فراتر می‌رود.

در سراسر انتظار، گوهری نهفته است که جز با ممارست و تلاش فراوان و درک معنای واقعی منتظر و منتظر و دوری از هرگونه رکود و خمودگی، نمی‌توان بدان دست یازید و این گوهر درخشان، دستیابی به حد اعلای انسان شدن و کمال انسانی در پرتو این امر عظیم است. در واقع، انتظار نیز خود وسیله است و نه هدف. انتظار، راهی به رهایی از قید و بندهای این جهانی و آزادی از بند طواغیت و دل و امید بستن به حقیقتی حیات‌بخش و ظهوری نجات‌بخش است.

پیشوایان ما در میان همه نشانه‌ها و علایمی که پیش از ظهور مطرح نموده‌اند در میان همه سختی‌ها، جنگ‌ها، کشتارها، سردرگمی‌ها، حیرانی‌ها و علایم بسیار سخت و طاقت‌فرسا، برنامه‌ای راهبردی تدوین نموده‌اند که با دقت نظر، می‌توان آن را در تربیت و تعلیم منتظران واقعی رستگاران حقیقی به کار بست. این برنامه راهبردی انتظار - که از متن و محتوای روایات و احادیث مأثوره، می‌توان به آن دست یافت - شامل دو بخش عمده می‌گردد: منتظرباوری و منتظرپروری.

فرهنگ راهبردی انتظار

۱. منتظرباوری^۱

گام اول در به وجود آوردن جامعه منتظر به معنای حقیقی آن، منتظرباوری است؛ به طوری که فرد فرد جامعه، با باوری راستین و اعتقادی راسخ به آن

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَ أَهْلَ الضَّلَالِ الْجَنَّةَ وَإِنَّمَا عَلَى بَهْدِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا فِي زَمَنِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْإِيْتِمَامِ بِالْإِمَامِ الْخَفِيِّ الْمَكَانِ الْمَسْتُورِ عَنِ الْأَعْيَانِ فَهُمْ بِإِمَامَتِهِ مُبْرَوْنُ وَبَعْرُوتِهِ مُسْتَمْسِكُونُ وَلِخُرُوجِهِ مُنْتَظِرُونَ مُوقِنُونَ غَيْرُ شَاكِينَ صَابِرُونَ مُسْلِمُونَ.» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۴۳)

حضرت و با بینشی قوی و کارآمد، در پرورش خویش به عنوان فرد منتظر به جلو گام بردارد.

به تعبیر و بیان بلیغ استاد علامه جوادی آملی، آن‌که بخواهد در ظلمات عصر غیبت امام عصر علیه السلام از مرگی جاهلانه رهیده و به حیاتی عقلانی دست یازد و در زمره اهل سعادت قرار گیرد، ناگزیر از معرفت به وجود امام معصوم زمان خویش است، آن‌گاه، چون امامت و امام خویش را در پرتو معرفت توحید و نبوت شناخت، برنامه‌های حکومت و دولت کریمه امام خویش را خواهد شناخت تا بداند در برابر چنین امام و چنان حکومتی چه وظیفه‌ای بر عهده دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۷۸) در این راستا، برنامه‌هایی از سوی پیشوایان معصوم ما ارائه گردیدند تا ما را در نیل به این مهم یاری رسانند. بدیهی است با تدوین و اجرای راهکارهای راهبردی در جامعه، می‌توان باور به انتظار را نه تنها در وجود همه افراد جامعه منتظر نهادینه کرد، بلکه چهره واقعی و حقیقت وجودی آن پیشوای منتظر علیه السلام را می‌توان به همه جهانیان شناساند و در این راه باید همه توان خود را به کار گرفت؛ همه نیروها را در تمامی عرصه‌ها بسیج کرد، تا در راه شناساندن وجود امام منتظر و در نتیجه، پرورش نیروهای منتظر قیام کرد، قیامی همچون قیام قائم آل محمد علیهم السلام.

در واقع می‌توان با استفاده از کلام معصومان علیهم السلام اتاق جنگی تأسیس کرد تا با برنامه‌ریزی مستمر و تدوین چشم‌اندازهایی تا ظهور منجی موعود و حتی بعد از آن، به سوی سعادت ابدی پیش رویم و در زمره یاران و سربازان واقعی آن حضرت به شمار آییم. این برنامه، شامل امام‌شناسی، منتظرشناسی، تکالیف منتظران، اتفاقات قبل، حین و بعد از ظهور است.

الف) امام‌شناسی

بشارت ظهور، نام و شرح حال این سرسلسله در کلام انبیاء علیهم السلام از آدم تا خاتم و امامان علیهم السلام، به عناوین و القاب و اشکال گوناگون به چشم می‌خورد.

رسول خدا ﷺ می فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ النَّاسَ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا
تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ الْأُمَمُ ثُمَّ يَقْبَلُ كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ وَ يَمْلَأُهَا
عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلُمًا وَ جَوْرًا. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۷۲)

در این سیستم ایدئولوژیک، فلسفه وجودی امام که با نام منجی موعود شناخته شده است، در رأس این هرم قرار دارد و مفاهیمی چون نام امام، زندگینامه و شرح حال ایشان، علت نیاز به ایشان و علت غیبت ایشان، ذهن هر متعهد منتظری را به خود مشغول می کند و البته نخستین چیزی که مد نظر پیامبران و امامان علیهم السلام قرار داشته، همین نکته بوده تا همگان را به وجود امامی بشارت دهند که خاتم امامان علیهم السلام و اکمال کار پیامبران علیهم السلام است و شناخت و باور به امام حق، چنان مهم است که هر کس امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

ب) زندگی با امام، یاد امام و اقتدا به حضرت

منتظر با امام خویش چنان رابطه ای دارد که برای همگان درک شدنی نیست. منتظر واقعی، امام را نه با چشم سر، بلکه با چشم دل می بیند. در لحظه لحظه زندگی خویش، امام و پیشوای خویش را می بیند، با او می زیصد، به او عشق می ورزد، بدون یاد او سر بر بالین نمی نهد و بی ذکر نام و تبسم یاد او، چشم نمی گشاید. جانش، لبریز از عشق و یقین است؛ یقین به وجود او و عشق به دیدار روی او. با تمام وجود خویش، امام خویش را حی و حاضر می بیند. چنین افرادی در آئینه احادیث، بهترین اهل هر زمان معرفی شده اند.

امام سجاد علیهم السلام می فرماید:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ [الْقَائِلِينَ] بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنْظِرُونَ [الْمُتَنْظِرِينَ]
لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۲۲؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ۳۱۷)

ج) تمسک به ولایت امام

همان‌طور که همه موجودات عالم، از تابش خورشید وجود امام، از پس ابر بهره می‌گیرند، از پس پرده غیبت از وجودش بهره می‌جوید و از الطاف حقیقی ایشان برخوردار می‌گردد.

وَلَا تَخْلُوْا اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ حُجَّةِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ اَهْلِ
الْاَرْضِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۳)

در سختی‌ها، از او استمداد می‌جوید و گاه با قلب و حتی گاه با چشم ظاهر از وجود امام بهره می‌گیرد. در گوشه تنهایی خویش، یاد او مونس جانش می‌شود.

تمام وجودش، لبریز از شوق دیدار امام خویش است تا به هدف خویش که همان خداجویی و خداشناسی است، دست یابد. در ظاهر و باطن، برای ذکر نام و اجرای فرامین آن حضرت و برای رضای خداوند متعال قیام می‌کند و سر از پا نمی‌شناسد. همه توان خویش را به کار می‌بندد و حتی جان خود را در طبق اخلاص می‌نهد تا امامش از وی راضی باشد.

لحظه‌ای از یاد امام و رضایت‌مندی ایشان غفلت نورزیده و در همه عرصه‌های زندگی خویش آن حضرت را مرکز پرگار قرار داده و الگوی خویش می‌داند و به این الگوی والا و حقیقی اقتدا می‌کند.

در همه لحظات و سراسر عرصه زندگی‌اش امام را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خویش می‌بیند.

د) پیروی و تسلیم

از وظایف یک منتظر و پیرو واقعی، پیروی و تسلیم بی‌چون و چرا در برابر مولای خویش است.

منتظر واقعی، در انتظار ظهور امام و رهایی بخش خویش است تا با اجرای فرامین، تحقق وعده الهی در زبور را به چشم خویش بنگرد.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾. (انبیاء، ۱۰۵)

در واقع انتظار آن می‌کشد که مقابل امام منتظر خویش سر تسلیم فرود آورد
تا در زیر لوا و پرچم وی عالم و عالمیان را به هدف اصلی و اساسی پروردگار
جهانیان برساند.

یارب به که شاید گفت، این نکته که در عالم
رخساره به کس ننمود، آن شاهد هرجایی
در دایره قسمت، ما نقطه تسلیمیم
لطف آن‌چه تو اندیشی، حکم آن‌چه تو فرمایی
چشم بر راه است تا عالم را از وضعیت نا مطلوب و ناصواب، به وضع
حقیقی خویش برساند.
پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرَجًا وَ مَرَجًا وَ تَظَاهَرَتِ الْفِتَنُ وَ...
فَيَبْعَثُ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَّنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يَفْتَحُ حُصُونِ
الضَّلَالَةِ وَ قُلُوبًا غُفْلًا يَقُومُ فِي الدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ
الزَّمَانِ وَ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، ۲۶۶)

در بسیاری از روایات و کلام معصومان علیهم‌السلام حتی وجود پیروان حقیقی
امام را از موجبات اصلی ظهور و قیام منجی موعود معرفی نموده‌اند
و در مقابل، نبود چنین یاران مخلصی که پا در رکاب امام خویش باشند و سر
تعظیم در مقابل فرامین او فرود آرند، یکی از دلایل غیبت ظاهری امام ثابت
گردیده است.

۲. منتظرپروری

پس از شناخت کامل و باور کافی از امام منتظر علیه‌السلام، نوبت به پروراندن
منتظرانی راستین فرا می‌رسد. به دیگر سخن، منتظرباوری و منتظرپروری سر بر

یک بالین نهاده و قرین یکدیگرند. در اجرای این مهم، هر فردی موظف به تدوین راهبردی برای نیل به مقصود منتظرپروری است.

یک منتظر واقعی متعهد، در طول حیات خویش برنامه‌ای تدوین می‌کند که مبتنی بر فطرت، عقل و دین و ایمان خویش است و این برنامه نه تنها شامل او می‌شود، بلکه تمام افراد جامعه را دربر می‌گیرد. این طرح‌ریزی و هدفمندی که از جهات و ابعاد مختلف قابل برنامه‌ریزی و اجراست در همه عرصه‌ها سر می‌دواند و زندگانی هر انسانی آزاده و متعهد در سراسر جهان را درگیر خویش می‌کند.

پیشوایان معصوم ما برای هدایت و رهایی پیروان خویش از ضلالت و حیرانی بارها و بارها به وظایف و آداب منتظر اشاره کرده‌اند و سازماندهی به این وظایف خطیر را بر عهده پیروان حقیقی خویش نهادند. بی‌تردید، با تأمل و تدبیر در کلام بلیغ آنان می‌توان به درک صحیح از مفهوم منتظر و انتظار دست یافت؛ زیرا بتی همچون او کجا در پرده غیبت ماند، مگر از ننگ بت‌پرستانی چون ما.

با مرکز توجه قرار دادن وظایف منتظران و زمینه‌سازان در عصر غیبت، می‌توان در سطح یک جامعه و حتی عالم، بسیج و انقلابی برپا کرد که احدی را یارای مقابله با آن نباشد.

با سازماندهی کلام گهربار ائمه علیهم‌السلام به یک روش همگون و گزیده می‌رسیم که روح جامعه را به غلیان و جوش و خروش وادار می‌دارد. از وظایف و آداب منتظران است:

الف) انتظار فرج و دعا

مهدی‌باوران واقعی و منتظران حقیقی با همه وجود، تمنای ظهور آن حضرت از محاق غیبت را دارند. شب و روز، بامداد و شامگاه، چشم‌انتظار رهایی‌بخشی موعودند تا در سایه لطف و تدبیر، جهان را پر از عدل و داد کند.

همواره در طلب بهره‌جویی از وجود مقدس ایشان هستند. وجودش را باور دارند، نجات‌بخشی وی را تمنا دارند و با توبه و استغاثه، ظهور فرجش را لحظه‌شماری می‌کنند و در این راه، از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند. به انتظار، به عنوان «افضل الاعمال»^۱ و محبوب‌ترین چیز در نزد خدا نظر دارند.

همراه و همگام با دعا برای فرجش، ندبه‌خوان دوری از وجود مبارک ایشان و ظلم و ستمی هستند که بر ایشان و آبای مطهر ایشان رفته و هر بامداد، عهد خویش را با مولای خویش تکرار و زمزمه می‌کنند. دعای مخصوص امام زمان خویش را می‌خوانند تا افتتاحی در حال خود و فرج و گشایشی در اوضاع جهان پدید آید.

معنای راستین انتظار، ذهن همه افراد را از آدم تا خاتم به خود مشغول داشته و به فراخور طرز تفکرهای مختلف زندگی و حالات منتظران نیز متفاوت است. انتظار فرج، تنها دعا و خمود و سکون در غار عزلت سکنی‌گرفتن نیست، بلکه حقیقتی فراتر از این است که در کلام پیشوایان معصوم ما ظهور و بروز دارد. در واقع همه موضوعات درباره منتظرپاوری و منتظرپروری، به همین مطلب می‌انجامد.

ب) تمسک به قرآن و عترت

در این فتنه‌بازار جهان در هنگامه ظهور، دست قدرتمندی لازم است تا شیعیان و منتظران واقعی را از همه بلایا برهاند و آنان را در وادی حسرت و گمراهی در میان سراب‌های رنگ و لعاب گرفته تنها نگذارده و آنان را بی‌هیچ صدمه‌ای از این بیابان نجات دهد. این دست قدرتمند، دستی فوق دست‌هاست که از آینه تمام‌نمای حق با همه مردم در سراسر جهان سخن گفته و دلربایی می‌کند که در این وادی، هر کسی از ظن خود، یار معشوق خویش خواهد شد تا شمه‌ای از لطف حق را بچشد.

۱. عن أمير المؤمنين عليه السلام قال: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمِّي أَنْتَظَرُ فَرَجَ اللَّهِ» (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۹۱)

پیامبر اعظم ﷺ فرموده است:

... فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْأُمُورُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَصَادِقٌ مُصَدَّقٌ وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۵۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۴، ۱۷۹)

و ائمه اطهار علیهم السلام نیز، به عنوان مفسران مفاهیم عمیق قرآن، همیشه به عنوان صفحه‌ای ثابت در صحنه عرش هستند تا با تمسک و چنگ زدن بر ریسمان این دو حقیقت والا، به هدفی والاتر نایل آییم و هر کس در زمان غیبت امام عصر (عج) به قرآن و ولایت مستمسک شود، هیچ‌گاه قلبش دچار گمراهی نمی‌گردد.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ تَمَسَّكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهُدَايَةِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۲)

در انتظار یک حکومت عدل الهی که مجری احکام و حدود تعطیل‌شده کتاب‌الله و تعالیم کمال‌بخش انسانی قرآن است، جز با استعانت از قرآن، میسر نخواهد شد.

(ج) صبر و استقامت

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾. (آل عمران: ۲۰۰)

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾. (احقاف: ۱۳)

ائمه اطهار علیهم السلام، افراد ناامید از رحمت الهی را به صبر و استقامت سفارش کرده و آنان را به «أحب الأعمال»^۱ سوق می‌دادند.

صبری زیبا که کتاب هدایت از آن نام برده: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا». (معارج: ۵)

صبر بر ناشکیبایی‌های روزگار و استقامت در راه هدفی که یک منتظر واقعی برمی‌گزیند.

۱. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) «انْتَظَرُوا الْفَرَجَ» (وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ) فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ انْتَظَارُ الْفَرَجِ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۲)

رسول خدا ﷺ می فرماید:

طُوبَى لِلصَّابِرِينَ فِي غَيْبَتِهِ طُوبَى لِلْمُقِيمِينَ عَلَى مَحَجَّتِهِمْ أُولَئِكَ وَصَفَهُمُ
اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَقَالَ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ
حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۴۳)

(د) تخلق به کرامات نفسانی (تهذیب نفس)

منتظر حقیقی از انتظارش هدفی جز تقوای الهی و خضوع و خشیت به
بارگاه مقدس ملکوتی کبریایی ندارد. تقوا را پیشه خویش سازد، تا به هدفش
که گسترش تقوا در جهان است برسد که اگر جز این بود امری مضحک قابل
ترحم می نمود. در انجام معاصی و گناهان از حضور مولایش شرم دارد و
امامش را حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار خود می بیند.

می داند امام معصوم ﷺ از پس پرده غیبت به او نظر دارد و ذیل نامه
اعمال هفتگی او را امضا نموده، از معاصی و گناهان ناخشنود و محزون
می گردد و نسبت به اعمال نیک وی لبخند رضایت بر لبانش نقش می بندد. از
پی همین نکته، می کوشد امام خویش را خشنود سازد تا در محضر کبریایی
خداوند تبارک و تعالی شرمسار و سرافکنده نگردد و سرانجام به مقام راضیه
مرضیه برسد. تمام اهتمام و جهد آنان بر آن است که گره ای در ابروی
پیشوایان نیفتد؛ چرا که صد گره در کارشان پدید می آید. در اخبار و روایات
وارد، اگر منتظر مهذب در حال انتظار بمیرد، گویی اجر درک کنندگان حضرت
را دارد.

امام صادق ﷺ فرمود:

قَالَ مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ
مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ
مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.
(همو: ۱۴۰)

ه) اقامه امر به معروف و نهی از منکر

همواره در پی تحول و انقلاب همیشگی بودن، معنایی قرین و اجتناب‌ناپذیر از مفهوم انتظار است و نه در زاویه‌ای خزیدن و کنج عزلت گزیدن. این انقلاب شامل درگیرکردن تمام ظرفیت‌های وجودی یک فرد با خودش، یک‌یک افراد جامعه خویش و در سطحی فراتر با تمام عالم و موجودات عالم است. هر فردی در برابر جامعه خویش مسئول است.^۱

امر به نیکی‌ها و نهی از بدی‌ها دستوری از جانب خداوند متعال به همه پیامبران، اولیا و اوصیا و به همه بندگان خویش است. این مهم تا آن اندازه در مرکز توجه قرار دارد که در بیان روایات، انجام ندادن این فریضة الهی از نشانه‌های مردم آخرالزمان یاد شده است.

پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

کیف بکم إذا فسق نساؤکم و نشق شبابکم و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر. (حمیری، ۱۳۷۱: ۲۶؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۵۹)

امری که در احیای جامعه مؤثر است و کشتی مجموعه‌ای از انسان‌ها را در گردباد حوادث و مشکلات از دست انسان‌های جاهل یا معاند به سلامت عبور می‌دهد و به مقصد حقیقی خویش می‌رساند.

و) شهادت‌طلبی

از وظایف دیگر اهل انتظار، تقویت ملکه شجاعت، شهامت، صلابت و شهادت در خویش و در سراسر جامعه است. منتظر با ترس، وهم و گریز میانه‌ای ندارد.

اگر در میدان جهاد نیست، آرزوی جهاد با دشمن را دارد که اگر غیر از این بود در شعبه‌ای از نفاق چشم از جهان فرو می‌بست. چنین جهادی، جهد و تلاش در همه عرصه‌هاست و حد کمال آن، رسیدن به مقام شهادت در پیشگاه

۱. رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». (همو: ج ۷۲، ۳۸)

خداوند تبارک و تعالی است. منتظر ظهور و فرج است تا فرجی در حالش پدید آید. بامدادان و شامگاهان در آرزوی رسیدن به چنین مقام والایی در تجدید عهد خویش، با امامش از پروردگارش طلب «مستشهدین بین یدیه» بودن از پیشگاه پروردگارش دارند.

(ز) فتنه‌شناسی، پیشگیری از بروز فتنه‌ها و فتنه‌درمانی

خداوند متعال همه مسلمانان را در طول زندگانی‌شان مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌دهد تا چهره منتظر واقعی در پیش روی همگان آشکار گردد. در این مسیر قرار است فتنه‌ها رخ دهد، آزمایشاتی ترتیب دیده شود تا حقیقت ایمان از میان این فتنه‌ها و ابتلائات جامه از سر بگیرد و نور خویش را بر همگان ساطع گرداند. منتظر راستین ذخیره انبیا و اولیای فرزند زمان خویش است و در فتنه‌ها «کابن اللبون»^۱ است. شتری است که به اهل فتنه نه شیر می‌دهد و نه سواری. بصیرت و معرفت به زمان را از عمارها آموخته. چشم امیدشان به حجتی است که در سایه لطفش، پروردگار عالمیان، بلاها و فتنه‌ها را از شیعیان آن حضرت دور کند^۲ و آنان را بی‌هیچ گزندی از گردبادها و طوفان‌های مهیب آخرالزمان که در کمین جهانیان و به‌خصوص مسلمانان و منتظران حقیقی است، برهاند و شیرینی شهد ظهور حجت خدا را بر آنان بچشانند. این فرهیختگان به انتظار نشسته نسبت به زمان خویش، بصیر و دغدغه‌مند معرفتند. نسبت به امام حاضر خویش، هیچ شکی به دل راه نداده و از این امتحان و فتنه عظیم الهی، سربلند و پیروز بیرون می‌آیند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: «كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبُ وَلَا ضَرْعٌ فَيُخْلَبُ». (شریف رضی، ۱۳۷۸: ۴۶۹)

۲. «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي». (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۴۱: مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۰)

إن للقاء غيبة قبل أن يقوم. قلت له: و لم؟ قال: يخاف و أوما بيده إلى بطنه. ثم قال: يا زرارة! و هو المنتظر و هو الذي يشك الناس في ولادته منهم من يقول هو حمل و منهم من يقول هو غائب و منهم من يقول ما ولد و منهم من يقول ولد قبل وفاة أبيه بسنتين غير أن الله تبارك و تعالى يحب أن يمتحن الشيعة فعند ذلك يرتاب المبطلون. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۴۲)

طبق توصیه پیشوایان شان علیهم السلام عمل کرده و در جریان فتنه، نقش امام متقین را بر عهده دارند. نسبت به توصیه‌های ائمه اطهار علیهم السلام درباره فتنه‌های آخرالزمان آگاهند و در اجرای این مقصود در ظلمات حیرانی‌ها و تندباد فتن و حوادث که بر همگان هجوم می‌آورد به قرآن متمسک می‌شوند: «فليتمسكوا بالقرآن».

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ: «الْم * أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ». ثُمَّ قَالَ لِي: مَا الْفِتْنَةُ؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! الَّذِي عِنْدَنَا الْفِتْنَةُ فِي الدِّينِ. فَقَالَ: يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ. ثُمَّ قَالَ: يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۲؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳۷۰)

همواره در ستیز با دشمنان حقیقی خدا و پیامبرانش هستند و با دشمنی‌ها، کینه‌جویی‌ها و توطئه‌ها مبارزه می‌کنند. در این راه، منحرفان و کجروان معاند بسیاری نیز مانعی بر سر راهشان قرار می‌گیرند که در پی گمراه کردن و به چاه کشاندن دیگر افراد جامعه همراه با خود هستند. این فتنه‌ها به بیان روایات وارده، چنان فزونی می‌گیرد که حتی در جمع شیعیان، اختلاف پدید می‌آید و هر کس انگ و مهر کذاب‌بودن را بر دیگری می‌نهد که البته خیر مردم نیز در این است؛ زیرا یاران و منتظران راستین، از غربال فتن عبور کرده، تا به خیل یاران امام علیه السلام در هنگام ظهور پیوندند.

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ حَتَّى يَتَفَلَّ بِعَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يُسَمَّى بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَابِينَ وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ وَ

الْمِلْحُ فِي الطَّعَامِ... كَذَلِكَ أَنْتُمْ تُمَحِّصُكُمُ الْفِتْنُ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا عَصَابَةٌ لَا تَضُرُّهَا الْفِتْنُ شَيْئًا. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶)

منتظر با بصیرت و آگاه با شناخت فتنه و فتنه‌گران و اقدام به موقع، توطئه بسیاری از این منحرفان و رهنمایان راه حق را جوابی کوبنده و درخور می‌دهند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَتَفَلَّحَ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَحَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَحَتَّى يُسَمَّى بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ. (همو: ۲۰۶)

ح) آمادگی نظامی

باورمند به ظهور منجی، خود را همچون سربازی به هنگامه ظهور می‌بیند و تحرک و پویایی خویش را در این عرصه به رخ همگان می‌کشد. از همه توانش بهره می‌گیرد تا با دشمنان خدا بجنگد.

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾. (انفال: ۶۰)

در این وادی، به کمال می‌نگرد. تمام اندوخته‌هایش را به کار می‌گیرد تا در جهت پیشرفت دستاوردهای نظامی به کار بندد. بغض غیبت حجت خدا علیه السلام را در گلو می‌فشارد و اجازه به عزا نشستن و دست از دنیا شستن را به خویش نخواهد داد. مقصودش آن است که با تمام توان و نیرو، به یاری بقیه‌الله علیهم السلام آماده به خدمت و منتظر ظهورش باشد. از تقویت نیروی بدنی خویش در جنگ تن به تن گرفته تا جمع‌آوری و پیشرفت هرچه بیش‌تر ساز و برگ‌های نظامی را در برنامه‌های روزانه خویش می‌گنجانند و حتی به اندازه مهیاکردن تیری، برای ظهور فرمانده‌اش تمام ظرفیت‌های خویش را به کار می‌بندد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لِيُعِدَّنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لَأَنْ يُنْسِيَ فِي عُمْرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَغْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۶۶)

ط) رعایت مسائل مالی

یکی از عواملی که مسلمان باید مد نظر خویش قرار دهد، توجه به مسائل اقتصادی و مالی در زندگی شخصی و در اجتماع است. عبرت‌های عاشورایی به همگان آموخته که لقمه حرام، خانمان انسان را در آتش حرمان می‌سوزاند. انسان را از مسیر فطرت و حق‌طلبی به ورطه نابودی و ضلالت می‌کشاند. چگونه گوش انسان مستعد شنیدن می‌شود، تا وقتی که شکمش مملو از مال حرام است؟ و چگونه فرد حق‌ناپذیر می‌تواند از منتظران راستین ظهور حجت حق شود و به وقت برقع از چهره‌گرفتن امام معصوم علیه السلام، به ندای «أنا بقية الله»^۱ وی لبیک گوید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لَيْسَ بَوْلِي لِي مَنْ أَكَلَ مَالَ مُؤْمِنٍ حَرَامًا. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ۳۱۴)

در روایات بسیاری به اجرای فروع دین در مسائل اقتصادی اشاره شده است که پرداخت خمس و زکات مال، زکات فطره و انجام مستحبات مؤکدی چون ادای انفاق و... در زیرمجموعه آن هستند.

ک) پیشرفت علم و فناوری

برای وصول به هدف والای ظهور، باید همه نیروهای انسانی بسیج شوند تا حکومت عدل جهانی برقرار شود. پیشرفت نوآوری‌های فناورانه می‌تواند به معنای آماده‌کردن سهمی در نیل به این مقصد والا باشد. پیشرفت علم و فناوری یعنی داشتن نیروهای منتظر با بصیرت، آگاه، فرهیخته، کارآمد و مطیع که برای نیل به مقصود والای زمینه‌سازی ظهور، از وسیله علم و فناوری در

۱. «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيظٍ». (هود: ۸۶)

جهت مبارزه و ستیز با دشمنان اسلام، تبلیغ و ارشاد منحرفان و ستیزه‌جویان، پیشرفت در عرصه‌های نظامی و فرهنگی و عواملی از این دست استفاده می‌کنند. فناوری‌های نوین برتر، عاملی در جهت به رخ کشاندن قدرت علم و فن جهان اسلام بر دشمنان است، تا مبادا حتی فکر مقابله با اسلام و منجی موعود به ذهنشان خطور کند.

اما متأسفانه اهمیت این امر آن‌طور که شایسته شأن جامعه منتظر است، شناسانده نشده است. اهتمام همه منتظران راستین در این امر، به‌طور حتم در هنگامه ظهور، بروز بیش‌تری دارد؛ زیرا سنت الهی بر این است که تمام امور بر مجرای طبیعی خویش پیش رود و نه آن‌که به زعم برخی کژاندیشان، جهان به محض ظهور منجی به اصطلاح «کن فیکون» می‌شود و معجزه خدا کارها را سامان خواهد داد. در حقیقت، دست قدرتمند خدا از آستین بندگان مخلص و منتظران فرهیخته بیرون آمده و با فرمان ولی و حجت و بقیه خدا در زمین، جهان را پر از عدل و داد می‌کند و فناوری‌های نوین در این مسیر هزار سنگلاخ، برای نیل آسان به این مقصود در مرکز توجه قرار دارد.

ل) ترک دنیاطلبی و عافیت‌طلبی

منتظر با دنیا و اهل دنیا بر سر یک سفره نمی‌نشیند کسی که فکر و ذکرش اقامه حکومت عدل در جهان است با عافیت‌طلبی سر جنگ و جدال دارد. طالبان این عروس عجوزه هزارداماد، چنان محو تماشای نقاب روی اویند که دیگر یارای تمیز حق و باطل را ندارند.

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انعام: ۳۲)

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾. (مؤمنون: ۱۱۵)

این دنیاطلبی و شیفتگی به لهو و لعب بود که سبب شد بسیاری از آن‌ها که کباده چهل سال مسلمانی می‌کشیدند و پینه عبادت بر سجده‌گاه داشتند نیز،

امام عادل برحق را در صحرای کربلا تنها گذارند و خود را گرفتار پشیمانی دایمی و عذاب ابدی سازند.

م) وحدت و یکدلی

انجام عبادات فردی، شمه‌ای از ایمان واقعی است. منتظر راستین حکومت منجی، خود را در زندان خودخواهی محصور نکرده، همواره سر آن دارد تا همگان را در پرتو روح‌افزای اسلام و عدل در زیر یک پرچم گرد آورد. در چشم‌به‌راهی حکومت عدل و داد و در مبارزه با ظلم و فساد، دستانش را در دستان دیگر همفکرانش می‌فشارد تا همگی به سعادت ابدی نایل شوند.

همدلی و یکرنگی در انتظار، زمینه‌سازی و تشکیل حکومت جهانی عدل، نقش مهمی ایفا می‌کند. تا تمنای همگانی، یکدلی و وحدت در میان منتظران نباشد، تمام راه‌ها به سوی انتظار راستین و تشکیل حکومت الهی ختم به بن بست نومیدی و یأس می‌شوند.

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ
بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ
بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا
يَتَّصِلُ بِنَا مِنْ نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَثِّرُهُ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ
الْوَكِيلُ. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۱۷۷)

نتیجه

همه انبیا و امامان علیهم‌السلام به ظهور منجی موعودی بشارت دادند که با ظهورش، وعده الهی تشکیل حکومت عدل جهانی، تحقق می‌پذیرد و در این مسیر، چشم امید آنان به جامعه‌ای منتظر و زمینه‌ساز تا هنگامه ظهور فرج است که با زمینه‌چینی صحیح، به اراده الهی، ظهور منجی جهانیان را جلو اندازند. با تمسک به قرآن و عترت طاهره که در پرتو این دو گنجینه عظیم و میراث نبوی گمراهی و ضلالتی در آن‌ها نیست، می‌توان از فتنه‌ها و بلایا در

آخرالزمان، به نفع خویش و جامعه، عمل کرده و جهانیان را در این راه با خویش همسو کنیم.

تدوین راهکار و راهبرد فرهنگی گامی اساسی در عملی کردن بعد علمی و تئوریک انتظار، در جامعه و دولتی منتظر و زمینه‌ساز حکومت جهانی عدل است.

با تربیت کودکان از بدو تولد و تعلیم صحیح دانش‌آموزان و دانشجویان به عنوان نیروهای منتظر ظهور منجی موعود، می‌توان گامی اساسی در جهت پیشبرد هدف نهایی تشکیل حکومت جهانی عدل برداشت.

شناخت علایم قبل، حین و بعد از ظهور، تقویت نور امید به دلیل ضرورت زمینه‌سازی، کراهت تخمین زمان ظهور، شناخت وصایای پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در باب انتظار و زمینه‌سازی ظهور آخرین معصوم عجته، تربیت فقیهان برجسته و عالمان متعهد متخصص در زمینه انتظار، دین‌باوری و دین‌پروری، بالا بردن مهارت‌های فردی و اجتماعی، تربیت عمومی و اختصاصی همه افراد جامعه برای مدیریت بحران و فتنه‌شناسی، توجه دادن همه مردم به نزدیکی ظهور و به وجود آوردن آمادگی درونی در میان آن‌ها، قیام و دشمن‌ستیزی در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی، بالا بردن سواد عمومی در علم و اسلام، پیشرفت علم و فناوری در عرصه علمی و نظامی، بالا بردن مهارت‌های فردی و اجتماعی در عرصه تعلیم و تربیت، برجسته کردن فرهنگ شهادت، آموزش فرهنگ صحیح اقامه امر به معروف و نهی از منکر، تشویق و ترغیب همه مردم برای آمادگی و تمنای همگانی فرج و عواملی از این قبیل، برای تربیت نیروهای کارآمد و بصیر به‌طور قطع، کاربردی و مفید خواهد بود.

هنر و رسانه در جهت تعمیق و ترویج فرهنگ مقدس انتظار در عرصه‌های ملی و بین‌المللی، نقشی وافر و حیاتی بر عهده دارند.

منابع

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ق.
۲. جوادى آملی، عبدالله، *امام مهدی*، موجود موعود، تحقیق و تنظیم: سید محمدحسن مخبر، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
۳. جمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، تهران، انتشارات کتابخانه نینوا، بی‌تا.
۴. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸ش.
۵. صدوق، علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۵ق.
۶. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: مکتبه نشر الثقافة الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۸ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن، *الغیة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۸. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ش.
۱۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیة*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

بررسی ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز

نصرالله نظری^{*}

چکیده

مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز، بر اساس الگوی اسلامی چیست و چگونه می‌توان با تکیه بر آن‌ها زمینه‌های لازم برای سرعت بخشیدن به ظهور حضرت حجت (ع) را فراهم آورد؟

برای دریافت پاسخ پرسش فوق، با این پیش‌فرض که یکی از وظایف اساسی و مهم جامعه زمینه‌ساز، پایبندی به فرهنگ ناب اسلامی است، ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز را مجموعه باورهای دانسته‌ایم که ریشه آن‌ها به دین و دستورالعمل‌های دینی برمی‌گردد. بر همین مبنا و با تعریف چارچوب مفهومی مورد نظر به یافته‌های ذیل در نوشتار پیش رو دست یافته‌ایم:

جامعه برای ایجاد زمینه‌سازی باید از عدالت‌خواهی پاسداری نماید و برای تحقق این امر به ایجاد زمینه‌های برابر برای تمامی اعضای جامعه بپردازد و از بیعت با ستمگران اجتناب نماید؛

همچنین جامعه برای زمینه‌سازی وظیفه دارد با امر به معروف و نهی از منکر، به عملکرد اعضای جامعه و به‌خصوص قدرت سیاسی حاکم، نظارت نموده و اصلاح‌گری کند؛

وجود همدلی و همبستگی برای زمینه‌سازی در جامعه ضروری است و تحقق این امر با «اعتصام به حبل الله»، «پایبندی به قوانین»، «اهتمام به صلۀ رحم»، «توجه به محبت» و «التزام به احکام دینی» امکان‌پذیر است؛

* دانشجوی دوره دکتری قرآن و علوم اجتماعی جامعه المصطفی (ع) العالمية.

و سرانجام این که در جامعه زمینه‌ساز، افراد همان‌طور که محققند، مکلف نیز هستند. از این‌رو اعضای آن نسبت به یکدیگر و همچنین قدرت سیاسی حاکم، دارای حقوق متقابلند و خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند.

واژگان کلیدی

زمینه‌سازی، جامعه زمینه‌ساز، فرهنگ، ارزش‌های فرهنگی، عدالت‌خواهی، اصلاح‌گری، همبستگی، حقوق متقابل.

مقدمه

اعتقاد به منجی موعود، اندیشه‌ای است که در بیش‌تر ادیان و مذاهب وجود دارد. تاریخ این اندیشه، در اسلام به زمان رسول گرامی اسلام ﷺ برمی‌گردد. بر اساس احادیث موجود، ایشان فرموده است: «آخرین خلیفه از دوازده خلیفه من، مدتی از نظرها غایب خواهد بود تا کسی نتواند او را به قتل رساند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۹۰) اگرچه برداشت‌های رایج از این حدیث و احادیث دیگر، به چندگانگی باورها نسبت به آخرین جانشین رسول خدا ﷺ در میان مسلمانان انجامیده است، اما انتظار ظهور کسی که منادی اسلام راستین و برپادارنده عدالت، پیشرفت، امنیت و صلح جهانی باشد، در باور بسیاری از پیروان مذاهب اسلامی وجود دارد.

با افزایش نابرابری‌ها و گسترش ظلم و فساد در دنیای معاصر، این انتظار، فراتر از محدوده جغرافیای جهان اسلام در میان تمام جوامع بشری توسعه یافته و اعتقاد به منجی آخرالزمان، بیش از پیش پرورش می‌یابد و هر کسی بنا به باور خود در تکاپوی شناسایی و دسترسی به آخرین منجی است.

در اندیشه اسلام و به‌خصوص شیعه، آخرین منجی، فردی از تبار رسول الله ﷺ است که اکنون در غیبت به سر می‌برد. بر اساس این اندیشه، با ظهور حضرت مهدی عجله الله تعالی فرجه‌ه، انسانیت انسان دوباره به او باز خواهد گشت و دنیایی سرشار از زیبایی، عدالت، امنیت، محبت و دیانت به وجود خواهد آمد. در این باور، ظهور آخرین منجی قطعی است، اما نسبت به ایجاد زمینه‌هایی که به این

فرایند سرعت می‌بخشد تفاوت نظر وجود دارد. بر پایه یکی از این دیدگاه‌ها، گفته می‌شود باید دلایل غیبت را شناخت و کوشش نمود با رفع آن‌ها زمینه‌های ظهور را فراهم کرد. طرفداران این نظریه معتقدند افراد و همچنین جوامع، موظف هستند با التزام به بایدها و نبایدهایی زمینه‌ها و بسترهای لازم برای ظهور منجی آخرالزمان را فراهم آورند.

از آن‌جا که اهتمام نوشتار پیش رو بر آن است به بررسی وظایف جامعه زمینه‌ساز بنشیند، با در نظر گرفتن این پیش‌فرض که یکی از وظایف اساسی و مهم جامعه زمینه‌ساز، پایبندی به فرهنگ ناب اسلامی است، کوشش خواهد شد به این پرسش اساسی پاسخ دهیم: مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز، براساس الگوی اسلامی چیست و چگونه می‌توان با تکیه بر آن‌ها، زمینه‌های لازم برای سرعت بخشیدن به ظهور حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه را فراهم آورد؟ در این نوشتار با توجه به این ضرورت که شناخت عوامل اجتماعی زمینه‌ساز و توجه به آن‌ها، ما را گامی به سوی ظهور نزدیک‌تر می‌سازد. با استفاده از روش توصیفی - اکتشافی و متناسب با چارچوب مفهومی که در ذیل ارائه می‌گردد، درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق خواهیم بود.

چارچوب مفهومی

ارائه سازه‌ای که بتوان بر اساس آن الگوی مفهومی این نوشتار را ترسیم نمود، مستلزم تبیین مجموعه تعاریفی است که از مفاهیم کلیدی این موضوع ارائه شده است. بدین منظور، نخست، تعاریف مورد نظر خود از مفاهیم اساسی موجود را به شرح زیر بیان می‌کنیم:

۱. زمینه‌سازی

زمینه‌سازی مفهومی است که به عنوان مجموعه باورها و رفتارهای آگاهانه، به منظور سرعت بخشیدن به ظهور آخرین جانشین برحق پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح می‌شود. این مفهوم با فرض انکارناپذیری قطعیت ظهور حضرت حجت عجله الله تعالی فرجه

درصدد تبیین وظایف منتظران در زمان غیبت است. بر این اساس، متفکران شیعی بر اساس آیات و روایات در اختیار، نسبت وظایف منتظران و زمینه‌سازی را در قالب سه دیدگاه مطرح نموده‌اند:

الف) عدم امکان زمینه‌سازی

برخی بر این باورند که انسان در فراهم‌سازی زمینه‌های ظهور، بدون نقش است و استدلال می‌نمایند که بحث از مهدویت ممنوع گردیده و در ادبیات دینی به این امر تصریح شده است که ظهور منجی موعود تعجیل‌ناپذیر است.^۱ این عده در استدلال خویش به روایتی از مفضل بن عمر (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۲) استناد می‌نمایند که بر اساس آن، ظهور حضرت حجت‌العلیه‌السلام همانند وقوع قیامت تلقی می‌گردد و در نتیجه، انسان در آگاهی نسبت به آن و همچنین تغییر زمان مقرر آن، فاقد نقش و اختیار است.

این دیدگاه با همه سمت و سوی توحیدی و معرفتی‌اش، به نظر می‌رسد توجیه عقلانی نداشته باشد؛ چرا که با این نگرش نقش اراده و اختیار انسان نادیده گرفته می‌شود و انسان موجودی خواهد بود مجبور و تابع مقدراتی که خود در تعیین و یا تغییر آن نقشی ندارد.

افزون بر این، جست‌وجوی روایاتی که به نکوهش استعجال اشاره دارند، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که این مجموعه روایات شامل حال کسانی است که در وجود حضرت مهدی‌علیه‌السلام تردید داشته و با طرح سؤالات مکرر درصدد شبهه‌افکنی در اصل وجود امام عصر‌علیه‌السلام بوده‌اند.

ب) زمینه‌سازی منفی

در برابر این باور، عده‌ای دیگر معتقدند انسان از امکان ایجاد زمینه‌های ظهور برخوردار است؛ به این ترتیب که باید تلاش ورزد جهانی سرشار از ظلم

۱. «ان الله لا يعجل لعجلة العباد، ان لهذا الامر غاية ينتهي اليه، فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعة و لم يستأخروا» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۳، ح ۷)

و فساد و تباهی بسازد تا زمینه‌های ظهور فراهم گردد. آنان برای اثبات دیدگاه خویش به این روایت تکیه می‌کنند:

المهدی من ولدی تکنون له غیبة اذا ظهر یملأ الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً؛ (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۳۱۰)

مهدی، از فرزندان من، دارای زندگی نهانی خواهد بود. وقتی ظهور می‌نماید زمین را آکنده از قسط و عدل خواهد کرد، همان‌طور که پر از ظلم و جور شده است.

اگرچه این روایت در میان شیعه و اهل سنت تواتر دارد، اما نمی‌تواند توجیه‌گر نظریه طرفداران اشاعه ظلم، جور، گناهکاری و فحشا باشد؛ زیرا این طرز تفکر و برداشت از روایت «امتلا» با روح قرآن و هدف بعثت پیامبران ناسازگار است. آیات بی‌شماری در قرآن کریم وجود دارد که انسان‌ها را در برپایی عدالت، دادگری، حفظ حدود، اجرای احکام الهی و ارشاد و تبلیغ فرا می‌خواند و به عنوان یک سنت الهی به او گوشزد می‌نماید که اگر ظلم و فساد، جامعه‌ای را دربر گرفت، تغییر و اصلاح جامعه تنها از طریق افراد جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. (رعد: ۱۱)

ج) زمینه‌سازی مثبت

در کنار این دو دیدگاه، برخی نیز بر این باورند که باید دلایل غیبت را شناخت و کوشید تا با رفع آن‌ها زمینه‌های ظهور فراهم گردد. این عده معتقدند افراد و همچنین جوامع، موظفند با التزام به بایدها و نبایدهایی، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای ظهور منجی آخرالزمان را فراهم آورند. بر اساس این نگرش، افراد و جوامع، هرکدام وظایف جداگانه‌ای دارند که با رفع عوامل غیبت به یک انتظار طولانی خاتمه داده و با ظهور حضرت حجت در شکل‌گیری دولت صالح و جهانی سهیم باشند.

به نظر ما، این دیدگاه افزون بر این‌که مورد تأیید روایات است، عقلانی هم به نظر می‌رسد؛ زیرا از انسان و جامعه برداشتی ارائه می‌دهد که بر اساس آن،

انسان موجودی است محق و مکلف و دارای اراده و اختیار که می‌تواند با برخورداری از حقوق و التزام به تکالیف، زمینه‌های ظهور را فراهم سازد.

۲. جامعه زمینه‌ساز

جامعه مفهومی است که با وجود کاربردهای بسیار آن، معنای مشترک و مورد اتفاق‌نظری درباره آن وجود ندارد. برخی با در نظر گرفتن همکاری افراد، جامعه را گروهی می‌دانند که برای تأمین معاش خویش، زندگی تعاون‌آمیزی دارند. برخی دیگر با تکیه بر وحدت و اشتراک شخصیت اساسی در تعریف خود، چیستی و ماهیت جامعه را چنین توضیح می‌دهند:

جامعه شامل مجموعه‌ای از افراد است که با یکدیگر بر اساس روابط یا شیوه‌های خاص رفتاری که آنان را از دیگران متمایز می‌سازد، وحدت یافته‌اند. (بیرو، ۱۳۷۵: ج ۲، ۸۰۶)

به نظر می‌رسد همکاری، وحدت و ویژگی‌های اساسی شخصیت و تمایز از دیگران که در تعاریف موجود از جامعه وجود دارد، در ارائه یک تعریف کامل و همه‌جانبه کافی نباشند. از این‌رو در این نوشتار، منظور از جامعه، افرادی هستند که نسبت به یکدیگر تأثیر و تأثر داشته و هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. بر اساس این تعریف، روابط اجتماعی افراد متقابل و متأثر از یکدیگر است و این تأثیر و تأثر برآمده از هدف مشترکی است که برای تمام اعضای جامعه اهمیت دارد.

با این برداشت، جامعه‌ای زمینه‌ساز است که هدف اساسی و مشترک تمام اعضای آن فراهم کردن بسترهای لازم برای ظهور آخرین منجی است. در چنین جامعه‌ای فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر آن، در باورهای ریشه می‌دانند که از یک‌سو انسان مؤمن را دارای رسالت دینی در امر زمینه‌سازی می‌داند و از سوی دیگر، افراد جامعه را به ایجاد ارتباط متقابل، بر اساس این ارزش‌ها ملزم می‌کند.

۳. فرهنگ

بدون تردید، قوام فرهنگ و جامعه به یکدیگر وابسته است، به گونه‌ای که در طول تاریخ، هیچ جامعه‌ای بدون فرهنگ وجود نداشته و هیچ فرهنگی نیز بدون جامعه به وجود نیامده است. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴) از این رو، شناخت جامعه، مستلزم شناخت فرهنگ آن جامعه و ارزش‌های حاکم بر آن است. در نوشتار پیش رو، بررسی ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز وابسته به تعریفی است که از فرهنگ ارائه می‌کنیم.

از آنجا که فرهنگ از یک مقوله متجانس نیست و نه تنها بر یک واقعیت مفرد دلالت نمی‌کند، بلکه تعدادی زیادی از عناصر را در سطوح مختلف دربر می‌گیرد، معانی و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. در اندیشه غرب، ادوارد تایلر از نخستین کسانی بود که به مقوله فرهنگ توجه نشان داد. وی در کتاب *فرهنگ ابتدایی* درباره چستی فرهنگ می‌نویسد:

همه آن دسته از عقاید و افکار که دربر گیرنده دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، عادات و هر قابلیت یا عادت‌هایی که بشر به عنوان عضوی از جامعه برای خود کسب کرده باشد، فرهنگ نام دارد. (دیلین، ۱۳۸۷: ۴۳)

پس از وی، نظریه‌پردازان دیگری نیز از فرهنگ سخن گفته‌اند که طرح آن‌ها در این نوشتار، تطویل بلا ضرورت است. در این جا برای ارائه برداشت خود از مفهوم فرهنگ، همه تعاریف ارائه شده را با یک جمع‌بندی نسبی در حوزه‌های ذیل قابل مطالعه می‌دانیم:

الف) تعاریف‌های توصیف‌گر^۱: دامنه این تعریف گسترده است. ویسلر، بیدنی، کروبر، هیلر و... از کسانی است که با برداشت وصف‌گرایانه، بر عناصر سازه‌ای فرهنگ تکیه نموده و از آن تعریف ارائه داده‌اند. به نظر می‌رسد بیش‌تر این نوع تعاریف، متأثر از تعریف تایلر از فرهنگ است.

1. Descriptive.

ب) تعریف‌های تاریخی^۱: در این تعریف‌ها تکیه اصلی بر میراث اجتماعی یا همان سنت‌هایی است که در جوامع بشری وجود داشته است. هربرت مید، لووی، پارسونز، ساترلند و دیگران، با این نگرش در تعاریف خود از فرهنگ به مجموعه میراث‌های انتقال‌پذیر از یک نسل به نسل دیگر توجه کرده‌اند. برای مثال ساترلند می‌گوید:

فرهنگ شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی فرا رسانده شود. فرهنگ یک قوم میراث اجتماعی آن است و به عبارت دیگر «کلیت همنافته‌ای است» شامل دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزارسازی و کاربرد آن‌ها، و روش فرا رساندنشان. (آشوری، ۱۳۸۱: ۵۳)

ج) تعریف‌های هنجاری^۲: لیتون، کلاکن، سوروکین و هرسکویتس، محور تعاریف خود را قاعده یا راه و روش زندگی افراد یک جامعه قرار داده‌اند و بر این اساس معتقدند فرهنگ، راه و روش زندگی یک قوم است، حال آن‌که جامعه مجموع سازمان‌یافته‌ی افرادی است که از یک راه و روش معین زندگی پیروی می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، جامعه ترکیبی است از مردمانی که راه و روش رفتارشان همان فرهنگشان است. (همو: ۵۶)

د) تعریف‌های ساختاری^۳: در این نوع تعاریف، تکیه بر الگوسازی یا سازمان فرهنگ است. آک برن و نیم کف، در اثر ارزشمند خود، زمینه جامعه‌شناسی بر این باورند که فرهنگ با آن‌که از ویژگی‌های بسیار گوناگونی ترکیب شده است، باز فاقد تجانس و وحدت نیست. ایشان با این باور معتقدند فرهنگ شامل نوآوری‌ها یا ویژگی‌های فرهنگی است که در یک سیستم یکپارچه شده‌اند و اجزای آن کم و بیش با یکدیگر در ارتباطند. فرهنگ دربر دارنده ویژگی‌های مادی و غیرمادی است که برای تأمین نیازهای اساسی انسان سازمان یافته‌اند و نهادهای اجتماعی را به وجود آورده‌اند. (برن؛ کف، بی‌تا: ۱۰۰)

1. Historically.
2. Normative.
3. Structural.

با توجه به دسته‌بندی فوق و این که قوام جامعه و فرهنگ به یکدیگر وابسته است به گونه‌ای که برای تشکیل جامعه، رابطه افراد با یکدیگر لازم است و رابطه الزاماً نیازمند ضابطه است و نیز فرهنگ در واقع همان ضابطه رابطه است، به نظر ما مفهوم فرهنگ عبارت است از مجموعه منسجمی از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و رسوم، هنر، تکنولوژی و... که توسط بیش‌تر افراد جامعه پذیرفته شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

۴. ارزش‌های فرهنگی

ارزش^۱، مهم‌ترین عنصر فرهنگ است. چنان‌که گفتیم، قوام جامعه وابسته به فرهنگ است. بر همین اساس، قوام فرهنگ نیز وابسته به قوام ارزش‌های فرهنگی است. با چنین نگرشی، به‌رغم وجود تعاریف بسیار گسترده ارزش، این مفهوم عبارت است از باورهای ریشه‌داری که اعضای جامعه به هنگام رویارویی با بایدها و نبایدهایی به آن‌ها مراجعه می‌کنند.

بر اساس این تعریف، باورهایی که ارزش‌ها از آن برمی‌خیزند ممکن است دینی یا غیردینی باشد. در ادبیات جامعه‌شناسی، ارزش‌ها مبتنی بر باورهایی هستند که ریشه در ذوق، سلیقه و امیال و خواسته‌های گوناگون بیش‌تر افراد جامعه دارد. در این نوشتار، منظور از ارزش‌ها، آن دسته از باورهایی است که اولاً ریشه در عقل و وحی دارند و از کتاب و سنت به دست می‌آیند و ثانیاً مبنای آن، واقعیتی نفس‌الامری است، به این ترتیب که اگر چیزی ما را به واقعیت و حقیقت وجودی انسان نزدیک کرد، همان چیز ارزش خواهد بود. با این تلقی از ارزش، ارزش‌های فرهنگی در جامعه زمینه‌ساز، اساساً دارای این ویژگی‌ها هستند:

۱. در دستورالعمل‌های دینی ریشه دارند و مقدسند؛

۲. مطلق، با ثبات و با دوام هستند و با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌کنند؛

1. Value.

۳. بالنده‌اند و کهنه نیستند؛

۴. انسجام‌بخش هستند.

با احتساب این ویژگی‌ها، برخی از مهم‌ترین ارزش‌های فرهنگی که توجه به آن‌ها، جامعه زمینه‌ساز را در زمینه‌سازی قیام حضرت مهدی (عج) یاری می‌کند، در این نوشته، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز

۱. عدالت‌خواهی

به تعبیر روسو، عدالت، ودیعه‌ای است که از جانب خداوند به انسان ارزانی شده (شومین و دیگران، بی‌تا: ۱۸۸) و به قدری اهمیت دارد که خداوند متعال مهم‌ترین آرمان اصلی بشر، هدف فرستادن پیامبران و انزال کتب آسمانی را تحقق عدالت‌خواهی می‌داند.^۱

از آن‌جا که عدالت‌خواهی در فطرت انسان ریشه دارد، مکاتب مختلف، تعاریف خاصی از آن ارائه کرده‌اند که در مجموع از این زوایا قابل بررسی است: عدالت در آفرینش که به آن عدالت تکوینی گفته می‌شود؛ عدالت در قانون‌گذاری که عدالت تشریعی نامیده می‌شود؛ عدالت در برابری همگان در اجرای قانون که عدالت صوری خوانده می‌شود؛ و عدالت در فرد که یک صفت انسانی است. (علی اکبریان، ۱۳۸۶: ۲۴)

در نوشتار پیش رو که اهتمام اصلی بر بررسی ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز است و مهم‌ترین ارزش فرهنگی در چنین جامعه‌ای عدالت‌خواهی است، بیش‌تر به عدالت تشریعی (به منظور ایجاد قوانین عادلانه و مبتنی بر آموزه‌های راستین اسلام) و عدالت صوری توجه می‌شود.

با این توضیح، درباره چستی عدالت و سازوکارهای تحقق آن در جامعه زمینه‌ساز، باید از مفهوم عدالت اجتماعی سخن به میان آورد و بر این نکته

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». (حدید: ۲۵)

اذعان نمود که در جامعه زمینه‌ساز، مردم حق دارند فراهم ساختن شرایط برابر و توزیع عادلانه امکانات و درآمدهای عمومی را از دولت اسلامی بخواهند و از هرگونه تبعیض و نابرابری در این حوزه انتقاد کنند. از سوی دیگر، دولت اسلامی نیز حق دارد که به بلوغ و کارایی فکری و عملی افراد توجه کنند و حقوق و اجرت کوشش افراد را به تناسب شایستگی آنها پردازد.

با در نظر داشت این دو نکته و با برداشت از تعریف عدالت در اندیشه علوی^۱ درباره چستی مفهوم عدالت اجتماعی، می‌توان دیدگاه علامه طباطبایی را مطرح نمود:

عدالت اجتماعی عبارت از این است که با هریک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است... و این خصلت اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آنند، به این معنا که خدای سبحان دستور می‌دهد هریک از افراد اجتماع، عدالت را بیاورد. پس هم فرد مأمور به اقامه حکم است و هم جامعه که حکومت عهده‌دار زمام آن است. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲۴، ۲۴۶)

با این برداشت از مفهوم عدالت، افراد جامعه زمینه‌ساز برای ایجاد زمینه‌های ظهور، برای استیفای حقوق افراد به توانمندی و استحقاق آنها توجه می‌کنند و نیز دولت را ملزم می‌نمایند که حقوق افراد جامعه را متناسب با توانایی‌های افراد و آموزه‌های دینی تعریف و اجرا نماید و از سازوکارهای ذیل برای تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد نظام عادلانه و در نتیجه آماده‌سازی بسترهای لازم برای ظهور آخرین منجی بهره می‌گیرند:

سازوکارهای تحقق عدالت‌خواهی در جامعه زمینه‌ساز

یک. ایجاد زمینه‌های برابر

بدون تردید، توانمندی و شایستگی افراد، بر اساس استعدادهای آنان متفاوت است. این تفاوت، باعث تمایز انسان‌ها در کسب آگاهی‌ها،

۱. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه عدالت را «اعطاء کل ذی حق حقه» می‌دانند.

درآمدهای اقتصادی و دستیابی به موقعیت‌های شغلی و اجتماعی می‌شود. در اندیشه دینی، تفاوت استعداد افراد در بسیاری از امور ریشه دارد که از مرحله شکل‌گیری جنین انسان آغاز می‌شود و از گوناگونی شرایط محیطی نیز تأثیر می‌پذیرد. برخلاف برخی از دیدگاه‌ها که بر برابری مطلق انسان تأکید می‌کنند، اسلام با پذیرش تفاوت استعدادهای انسانی، تحقق عدالت را وابسته به این می‌داند که زمینه‌های برابر و به دور از تبعیض برای همه ایجاد گردد.

جامعه زمینه‌ساز با این تلقی از اسلام، برای پاسداری از ارزش عدالت‌خواهی، در پی آن است که متناسب با رهیافت اسلام و قرآن، زمینه‌های کسب معارف و فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را برای آحاد جامعه مهیا سازد. بدین منظور، اهتمام به گسترش دانش‌اندوزی و رهایی از جهل و نادانی، بنیاد فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری صحیح تلقی گردیده و بر اساس آن، انجام فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی، مفید و مؤثر قلمداد می‌گردد. در نتیجه، جامعه زمینه‌ساز خود و دولت حاکم را ملزم می‌داند نخست، زمینه‌های آموزش صحیح را برای همه افراد به‌طور برابر و یکسان فراهم سازد و سپس برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی، فرصت برابری را در اختیار اعضای جامعه قرار دهد.

دو. توجه به وجود عدالت در حاکمان

مهم‌ترین عامل برای ایجاد نظام عادلانه در جامعه زمینه‌ساز و دستیابی به عدالت اجتماعی، وجود انسان‌های عادل و باتقوایی است که نهاد آنان مزین به ملکه عدالت شده است و راه پر پیچ و خم نیل به عدالت جمعی را به دور از دغدغه شیوه‌های سازمانی و نهادمند پیچیده امروزی طی می‌کنند.

بی‌تردید، انسان عادل به ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های عدالت‌آشناست و همه آن‌ها را در کارها، گفتار و رفتار خویش رعایت می‌کند؛ در پی احقاق حقوق خویش است؛ به خوبی با حقوق خود و دیگران آشناست؛ به قوانین

عمل می‌کند^۱ و برای ایجاد توازن و برابری در جامعه می‌کوشد تا جامعه‌ای بدون تبعیض و امتیازات ناعادلانه ایجاد گردد. بی‌جهت نیست که در اندیشه اسلام، بحث از عدالت فردی، بسیار جدی‌تر از بحث عدالت اجتماعی مطرح گردیده است.

با مروری بر مباحث موجود درباره عدالت در اندیشه اسلام، به خوبی درمی‌یابیم که علمای اسلام پیش از بحث درباره عدالت اجتماعی، به شایستگی از عدالت شخصی و فردی سخن گفته و بر این مهم تأکید کرده‌اند که در نظام سیاسی اسلام، فرد حاکم باید متصف به صفت عدالت باشد. بدیهی است بر اساس این برداشت، ایجاد جامعه عدالت‌خواه، تنها با حکومت حاکم عادل امکان‌پذیر است که او و افراد جامعه‌اش این ویژگی‌ها را داشته باشند: اعتدال در قوای شهویه، غضبیه و عقلیه، التزام به احکام شرعی و سازگاری با هنجارهای اجتماعی، صداقت، الفت، وفا، شفقت، صلۀ رحم، تسلیم، توکل، عبادت و

افزون بر این، بازخوانی اندیشه سیاسی نظام امامت، ضرورت وجود عدالت در حاکم جامعه را به گونه دیگری تبیین می‌نماید. برخلاف اندیشه سیاسی اهل سنت، شیعیان حکومتی را مشروع می‌دانند که حاکم آن عادل باشد؛ زیرا بر اساس این باور، حاکم فردی است که به جای خداوند و خلفای او (پیامبر و ائمه) بر روی زمین حکومت می‌نماید. بنابراین باید حتماً عادل باشد. وگرنه جامعه وظیفه دارد در برابر حاکم ستمگر قیام نماید و برای برپایی عدالت و در نهایت جامعه زمینه‌ساز تلاش ورزد.

سه. پرهیز از ظلم و بیعت با ستمگران

از دیگر سازوکارهای لازم برای عدالت‌خواهی و در نتیجه ایجاد جامعه زمینه‌ساز، اجتناب از ظلم و فرمان‌پذیری از ستمگران است. بر اساس روایات

۱. سخن امام موسی کاظم علیه السلام در این زمینه خواندنی است: «لا یعدل الا من یحسن العادل». (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۵۴۲)

موجود، یکی از مهم‌ترین دلایلی که امام زمان (عج) از نظرها غایب گردید، این بود که ایشان مجبور نشوند با حاکمان جور بیعت نمایند.^۱ با توجه به این موضوع و این که برخورد با ستم و ستمگران و عدالت‌گریزان از پیش‌زمینه‌های دستیابی به عدالت اجتماعی است، (شریف رضی، بی‌تا؛ کلمات قصار، ۱۲۱) همان‌طور که در جامعه دینی همه انسان‌ها موظف به اجرای عدالت هستند،^۲ موظفند از هرگونه ظلم و جور و بیعت با ستمگران دوری کنند و با نظارت اجتماعی، از ظلم دیگران نیز جلوگیری نمایند؛ زیرا بیش‌ترین کارکرد ظلم ایجاد نابرابری در جامعه و ازهم‌گسیختگی اجتماعی است. حضرت امیر (ع) می‌فرماید: «الحیف يدعو الى السيف». ظلم و ستم در نهایت موجب شمشیر کشیدن و نابودی جامعه و حکومت می‌شود. پس «همان‌طور که عدالت اجتماعی حافظ جامعه و سعادت آن است، ظلم اجتماعی برهم‌زننده پیکر جامعه و باعث شقاوت می‌شود.» (راشدی، ۱۳۷۰: ۴۵)

۲. اصلاح‌گری و نظارت

نظارت، فعالیتی است که باید‌ها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها و پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه می‌کند و در مجموع می‌توان گفت: نظارت عبارت است از مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد. (نک: دلاوری، ۱۳۸۱: ۱۰۵)

برای ایجاد جامعه زمینه‌ساز، نظارت بر رفتارهای فردی و اجتماعی و اصلاح کج‌روی‌ها ضرورت دارد. اهمیت این ضرورت به حدی است که در نگرش‌های سیاسی - اجتماعی اسلام، بررسی کار، تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های قدرت سیاسی توسط جامعه، همواره مورد توجه بوده^۳ و

۱. «ثَلَا يَكُونُ فِي عُنْقِهِ لِأَحَدٍ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ.» (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹: ۳۳۴)

۲. «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ». (نساء: ۱۳۵)

۳. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا وَجَّهَ جَيْشًا فَأَمَّهُمْ أَمِيرٌ بَعَثَ مَعَهُم مِّنْ ثِقَاتِهِ مَن يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۷، ۶۱)

حضرت امیر علیه السلام به مالک دستور می‌دهد با گماشتن مأموران مخفی و بازرسی مداوم و پنهانی، زمینه‌های امانت‌داری و مدارا کردن به زیردستان را توسط کارگزاران حکومتی به وجود آورد. (شریف رضی، بی‌تا: ۴۳۵، نامه ۵۳)

جامعه زمینه‌ساز با در نظر گرفتن الگوی جامعه ساخته شده بر بنیاد اندیشه‌های حضرت امیر علیه السلام، باید همواره بکوشد با نظارت و انجام اصلاح، بسترهای لازم را برای ظهور منجی موعودی که اندیشه‌های حکومتی‌اش ریشه در حکومت علوی خواهد داشت، فراهم سازد. از این رو باید اعضای جامعه با تکیه بر آموزه‌های دینی از روش‌ها و ابزارهایی کارآمد بهره گیرند که ریشه در دین دارند.

یکی از مهم‌ترین این آموزه‌ها، امر به معروف و نهی از منکر است. این آموزه در هفت آیه از قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. در یکی از آنها می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۴)

دیدگاه مفسران نسبت به این که کلمه «مِنْ» در «منکم»، همه مؤمنان را به انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مکلف می‌کند یا فقط بعضی از آنها را، بسیار متفاوت است. زجاج یکی از لغت‌شناسان، عقیده دارد: «باید گروهی از شما» که در آیه آمده است، یعنی همه شما «کلکم» یک امت باشید. این دیدگاه با این استدلال، امر به معروف و نهی از منکر را واجب عینی می‌داند و برای تأیید نظر خویش به آیه ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ﴾ (حج: ۳۰) استناد نموده و می‌گوید: فرمان این نیست که به جای اجتناب از همه بتان، از چند بت اجتناب کنیم. (کوک، ۱۳۸۴: ج ۱، ۵۵؛ همچنین نک: طوسی، بی‌تا: ج ۲، ۵۴۹)

این نظر در میان مفسران شیعه نیز طرفدارانی دارد. برای مثال شیخ طوسی، با اعتقاد به این که امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است،

پس از طرح دیدگاه و استدلال زجاج می‌گوید: امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است. (طوسی، بی‌تا؛ ج ۲، ۵۵۰) در سوی دیگر، نظر بیش‌تر مفسران و اندیشه‌ورزان مسلمان بر این است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است. صاحبان این دیدگاه در میان اهل سنت زمخشری، فخرالدین رازی، قرطبی، بیضاوی (کوک، ۱۳۸۴: ۵۶) و... هستند و در میان شیعیان نیز شیخ مفید، سید مرتضی، ابن‌ادریس، علامه طباطبایی و... از این دیدگاه پیروی کرده‌اند. (همو: ۴۴۱) این‌که وجوب امر به معروف و نهی از منکر، عینی است یا کفایی، بر کارکردهای آن در زمینه‌سازی بسترهای لازم برای ظهور، تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا در جامعه زمینه‌ساز، افراد، با دغدغه اصلاح و کنترل و نزدیک شدن به زمان ظهور، همواره در پی اعمال نظارت از طریق امر به معروف و نهی از منکر هستند. افراد چنین جامعه‌ای با این تلقی که ولی یکدیگرند و یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت اجتماعی‌شان امر به معروف و نهی از منکر است،^۱ معتقدند اگر مسلمانی به وظیفه نصیحت و نظارت به دیگر مؤمنان، به‌ویژه نصیحت و نظارت به رهبران و زمامداران عمل نکند، افزون بر ترک واجب، حقوق دیگر اعضای جامعه را زیر پا نهاده است و آنان می‌توانند از او بازخواست کنند که چرا حق آن‌ها را مراعات نکرده و به وظیفه خود عمل ننموده است.

در جامعه زمینه‌ساز، نکته بسیار مهم در امر نظارت، توجه به این امر است که حوزه عمومی، تحت نظارت همه امت اسلامی است و کارکرد مهم امر به معروف و نهی از منکر، سلامت و اصلاح جامعه است.

متأسفانه معمولاً آنچه در برداشت‌های رایج از امر به معروف و نهی از منکر به چشم می‌آید، بیش‌تر تک‌بعدی کردن آن در حوزه احکام عبادی و برخی مسائل پیش‌پاافتاده اجتماعی است. در حالی که از دیدگاه قرآن، امر به

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». (توبه: ۷۱)

معروف و نهی از منکر مهم‌ترین ابزار نظارتی بر کارکرد حکومت و رفتارهای اجتماعی مردم به شمار می‌آید تا ضمن پاسداری از ارزش‌ها و هنجارهای دینی از به قدرت رسیدن افرادی که شایستگی‌ها و ویژگی‌های لازم را ندارد، جلوگیری شود، یا در صورت گزینش او، باز هم فرصت بازخواست و نظارت مردمی بر کارهای او توسط شهروندان وجود داشته باشد.

الف) شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر

برای اعمال نظارت و ایفای وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر، روش‌های گوناگونی شمارش شده است. از آن‌جا که نظارت، کنترل و اصلاح‌گری مستلزم اعتراض است، افراد در جامعه زمینه‌ساز، با تأسی به رهنمودهای قرآنی، به طرق ذیل، نظارت و اعتراض می‌نمایند:

۱. اعتراضات با بیان «نرم و ملایم» انجام می‌شود. قرآن کریم با بیان دستور خداوند به موسی علیه السلام و هارون، اهمیت به‌کارگیری بیان نرم و ملایم را آشکار ساخته است:

«ادْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ۖ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ»
(طه: ۴۳-۴۴)

به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گوئید، شاید که پند پذیرد یا بترسد.

۲. اعتراض در حالی بیان می‌شود که معترض، مخاطب را از خود می‌داند؛ یعنی لحن اعتراض به گونه‌ای است که مخاطب احساس می‌کند گوینده سخن، او را از خویش دانسته و آنچه را بر خود نمی‌پسندد بر او نیز نپسندیده است. در گفتار انبیای الهی و امامان و پیشوایان دین، استفاده از این روش به روشنی مشهود است:

لقمان علیه السلام آن‌جا که فرزندش را به ارزش‌های الهی توجه می‌دهد و او را از منکرات برحذر می‌دارد، از لفظ و تعبیر «یا بنی» به معنای «پسرکم»، «فرزندم»، «عزیزم» و... استفاده کرده است. (لقمان: ۱۳ - ۲۰)

همچنین دیگر پیامبران الهی در برخورد با مردم نمی‌گفتند: ای مردم، چنین و چنان کنید، بلکه از تعبیر «یا قوم» یعنی «ای مردم من» و «ای قوم من» استفاده می‌کردند.^۱

۳. اعتراض به نحوی دربر دارنده پند و اندرز است؛ زیرا گفتار پندآمیز در جان و روح مخاطب نفوذ می‌کند. این شیوه که با فطرت الهی انسان‌ها سازگار است، در بیان قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته است:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (نحل: ۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.

ب) آثار انجام یا ترک امر به معروف و نهی از منکر

اعمال نظارت و انجام امر به معروف و نهی از منکر و نیز ترک آن، پیامدهایی در پی دارد. این عواقب شامل آثار مثبت و منفی می‌شود، به این ترتیب که اگر به ایفای این وظیفه اهتمام شود، مردم در جامعه زمینه‌ساز به کاستی‌های خویش پی می‌برند و با رفع کاستی‌ها، به بالندگی و رشد دست می‌یابند و در صورتی که این فریضه مهم به انجام نرسد، جامعه افزون بر گرفتاری در بلاهای مختلف، از زمینه‌سازی برای ظهور دور گردیده و در انجام مهم‌ترین رسالت خویش بازمی‌ماند. این آثار که در منابع دینی به آن‌ها اشاره شده عبارتند از:

یک. آثار انجام امر به معروف و نهی از منکر

الف) از مهم‌ترین کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد زمینه مخالفت با ستمگران و زورمداران است. اگر در یک جامعه زمینه‌ساز، حاکم از وظایف خویش عدول نموده و با زیر پا گذاشتن قوانین و عدالت، به ظلم و ستمگری روی آورد، در صورتی که روحیه امر به معروف و نهی

۱. برای مثال، نک: مائده: ۲۰ - ۲۱؛ اعراف: ۵۹ - ۷۱؛ هود: ۲۸ و ۹۳.

از منکر در جامعه وجود داشته باشد، بدون تردید مردم ساکت نخواهند نشست و نسبت به رفتار حاکمان به اعتراض برمی‌خیزند. طبیعی است اعتراض مردم و تداوم آن، سرانجام به نتیجه خواهد رسید و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی مؤثر واقع خواهد شد. به این ترتیب که اگر حاکمان به ندای اعتراض گوش دهند، به اصلاح رفتار خویش می‌پردازند و در غیر این صورت مردم برای برون‌رفت از وضع موجود، راه دیگری را در پیش خواهند گرفت و برای تغییر نظم سیاسی و ایجاد حاکمیت جدید تلاش خواهند نمود.

ب) از دیگر آثار و کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد امنیت اعتقادی و اجتماعی و در نتیجه، عامل پیشرفت و ترقی جامعه است. با تبلیغ ارزش‌ها در جامعه، پرهیز از ضدا ارزش‌ها و شناساندن معروف و منکر به مردم، امنیت اعتقادی و اجتماعی حاصل می‌شود و به دنبال آن، جامعه در پرتو اندیشه‌های صحیح اسلامی، از دستبرد انحرافات و کژی‌ها مصون و محفوظ مانده و مردم جرئت می‌یابند با خودباوری لازم، نسبت به نظارت بر امر حکومت و عملکرد حاکمان، اهتمام ورزند.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

... امر به معروف و نهی از منکر راه پیامبران، روش صالحان و فریضه‌ای بزرگ است که به وسیله آن، فریضه‌های دیگر برپا داشته می‌شود و راه‌ها ایمن، کسب و کارها حلال، ظلم و ستم برطرف و زمین آباد می‌گردد؛ حق مردم از دشمنان گرفته می‌شود و «امر» رو به استقامت می‌نهد. (حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۱، ۳۹۵)

دو. آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر

الف) بی‌اعتنایی مسلمین با مفاسد احتمالی به‌خصوص در میان صاحبان قدرت، سبب می‌شود به تدریج فساد، انحراف و خیانت در همه ارگان‌های حکومت و جامعه نفوذ کند. کم‌کم اشخاص دلسوز، مخلص، فداکار و خدمت‌گذار از مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی کنار گذاشته شوند و افراد

شرور، فرصت طلب، مقام پرست، دنیا طلب و خیانتکار بر مردم مسلط شوند. امام علی علیه السلام در وصیتنامه خود می فرماید:

لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فيؤلى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم؛ (شریف رضی، بی تا: ۴۲۲، نامه ۴۷)

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر چنین کنید افراد بد بر شما مسلط می شوند. آن گاه دعا می کنید، ولی پاسخی دریافت نمی نمایید.

این که امام علیه السلام می فرماید ترک امر به معروف و نهی از منکر سبب تسلط اشرار و به دست گرفتن مسئولیت های مهم جامعه توسط آنان می گردد، نتیجه طبیعی ترک امر به معروف و نهی از منکر است، نه یک کیفر و مجازات قراردادی از طرف خداوند متعال؛ زیرا هنگامی که گروهی دست به تخلف، ظلم و خیانت زدند و مردم در برابر آنان سکوت کردند و صدای اعتراض از کسی بلند نشد، فرصت طلبان به سرعت پست های کلیدی را در اختیار می گیرند و آن جامعه را از زمینه سازی ظهور بازمی دارند.

ب) از خطرناک ترین آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر، تضعیف، نابودی و دگرگونی ارزش های اسلامی است. در جامعه ای که امر به معروف و نهی از منکر را کنار بگذارند، آنچه را دین خوب و ارزش می شمرد، بد و زشت به حساب می آید و برعکس، زشتی هایی که دین از آنها برحذر می دارد، خوب و ارزش تلقی می شود.

این تغییر نگرش، به مرور زمینه های نفوذ باورهای فرهنگی متناسب با ناهنجاری های حاکم شده را فراهم می آورد و زمینه تهاجم فرهنگی بیرون از مرزهای اسلامی را بستر سازی می کند. این در حالی است که قرآن و آموزه های آن به شدت از تمایل مسلمین به ارزش های مغایر با ارزش های اسلامی پرهیز می دهد و می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ. (مائده: ۵۷)

۳. همدلی و همبستگی

از ارزش‌های اساسی در جامعه زمینه‌ساز، همدلی و همبستگی است. به این ترتیب که افراد جامعه آگاهانه در برابر یکدیگر احساس مسئولیت نموده و در تأمین نیازهای هم مشارکت می‌کنند. بر پایه دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، همبستگی موجود در جامعه، یا به صورت میکانیکی است، یا ارگانیکی. همبستگی مکانیکی، همبستگی از راه همانندی است. هنگامی که این شکل از همبستگی در جامعه وجود داشته باشد، افراد جامعه چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. آنان که اعضای یک اجتماع واحد هستند، مانند همندها و احساسات واحدی دارند؛ زیرا به ارزش‌های واحدی وابسته‌اند و از تقدس فهم مشترکی دارند. (ریمون، ۱۳۸۶: ۳۶۱؛ برای مطالعه بیش‌تر، نک: دورکیم، ۱۳۸۷)

در برابر این نوع همبستگی، همبستگی موسوم به ارگانیکی یا اندامی است که اجماع اجتماعی، یعنی وحدت انسجام‌یافته اجتماع در آن، نتیجه تمایز اجتماعی افراد با هم است یا از راه این تمایز بیان می‌شود. در جامعه مبتنی بر این نوع انسجام، افراد دیگر همانند نیستند، بلکه متفاوت و متمایزند.

بر اساس این دیدگاه‌ها، عواملی وجود دارند که در تقویت همدلی و همبستگی مؤثرند. از آنجا که برخی از این عوامل ریشه در دستورالعمل‌های دینی دارند، جامعه زمینه‌ساز وظیفه دارد این عوامل شناسایی نماید و با مد نظر قرار دادن آن‌ها، زمینه‌های لازم برای ظهور آخرین منجی را آماده کند. با توجه به ضرورت این موضوع در زمینه‌سازی، در این نوشتار به برخی از این عوامل اشاره کرده و نقش آن‌ها را در تقویت همبستگی و همدلی، بررسی می‌کنیم:

الف) اعتصام به حبل الله

بر اساس آموزه‌های اسلامی، حفظ کلیت جامعه و پرهیز از تشتت و اختلاف، وظیفه دینی هر مسلمان است. از این رو، افراد جامعه برای عمل به این وظیفه، باید به عواملی که در ایجاد همدلی و همبستگی اجتماعی مؤثرند،

متمسک شوند. بنابر مستندات دینی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های همبستگی، چنگ زدن به رسیمان الهی است. قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

مفسران، واژه اعتصام موجود در آیه را به معنای اختیار کردن، حفظ و دفاع نمودن (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۴، ۳۶۲) در نظر گرفته و معتقدند مراد از حبل الله، «قرآن» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۳، ۳۴۸) «اهل بیت» (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۴۶۳) و «دین الهی» (قرشی، ۱۳۷۷: ج ۲، ۱۵۲) است. با استناد به این آیه شریفه و روایاتی که در ذیل آن ذکر شده است، می‌توان گفت اگر جامعه زمینه‌ساز، همدلی و همبستگی را به عنوان یکی از ارزش‌های فرهنگی خود تلقی می‌کند، باید بکوشد مردم آن در همه امور خود به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و آموزه‌های دینی مراجعه نماید و از ارزش‌های منبعث از آن دفاع نماید.

تردیدی نیست که مراجعه به قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، مستلزم شناخت رابطه‌ای است که میان قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد. در باور ما، فهم قرآن، نیازمند مراجعه به اهل بیت علیهم‌السلام است و متقابلاً شناخت جایگاه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام با مراجعه به قرآن امکان‌پذیر است. بر این اساس، وجود این دو گوهر برای ایجاد همدلی و همبستگی ضرورت دارد و مردم جامعه زمینه‌ساز پیش از هر عامل دیگری، باید به این عامل توجه نشان دهند و همواره در فهم و عمل به آموزه‌های دینی برخاسته از معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام ورزند.

ب) پایبندی به قانون

جامعه برای بقای خود نیازمند قوانین است. برخی با تفکیک جوامع به مدرن و ابتدایی، از قوانین سرکوب‌گر و بازدارنده سخن گفته و کارکردهای هر کدام را در ایجاد همبستگی، در جوامع صنعتی و ماقبل صنعتی بررسی کرده‌اند. (استونز، ۱۳۸۸: ۷۹)

در اندیشه اسلامی این تلقی وجود دارد که منشأ زندگی اجتماعی، حس استخدام ذاتی انسان، دلیل تأمین نیازهای مادی اوست و در واقع اضطراب، انسان را به زندگی جمعی می‌کشاند. در نتیجه با کشیده شدن انسان به بستر اجتماع، برای این که اجتماع دوام آورد و از همبستگی لازم برخوردار باشد، وجود قوانین الزامی است.

البته معارف دینی به این حقیقت نیز اشاره دارند که انسان‌ها در عین این که به وجهی متحدند و به سوی تشکیل جامعه پیش می‌روند، به لحاظ سرشت ذاتی خود، گرایش‌های فردگرایانه‌ای نیز دارند که جامعه را به سوی اختلاف و واگرایی می‌کشاند. علامه طباطبایی علت این امر را در وجود اختلاف در احساسات و ادراکات افراد می‌داند و معتقدند همین عامل باعث تفاوت اهداف و آرزوهای افراد و در نتیجه، اختلاف در افعال می‌گردد و در نهایت، باعث اختلال نظام اجتماعی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ج ۲، ۱۷۷) از این رو برای رهایی از اختلاف، افراد جامعه به وضع قوانین روی می‌آورند و خود را در برابر آن ملزم می‌بینند.

با این نگرش، همبستگی نتیجه ذاتی التزام به قوانین خواهد بود و رعایت نکردن قوانین، سبب پیدایش اختلافات و درگیری‌ها می‌شود و جامعه را از دستیابی به اهداف اساسی و مهم آن بازمی‌دارد که تحقق این امر در جامعه زمینه‌ساز، ماهیت زمینه‌ساز بودن را از جامعه می‌گیرد و افزون بر تبعات منفی مادی، ضدا ارزش‌ها را بر جامعه حاکم خواهد کرد.

ج) اهتمام به صلۀ رحم

در اسلام، برادران ایمانی نسبت به یکدیگر حقوقی دارند که رعایت آن‌ها باعث ایجاد روابط حسنه و در نتیجه، همبستگی می‌شود. از این رو جامعه دینی به نسبت جوامع دیگر، واگرایی کم‌تری دارد. از آن جا که ممکن است در جامعه زمینه‌ساز، افرادی وجود داشته باشند که متدین به دین و در نتیجه ملتزم به ارزش‌های دینی نباشند، به نظر ما اهتمام به صلۀ رحم، در کنار عوامل دیگر،

باعث تقویت همبستگی اجتماعی و در نتیجه ایجاد زمینه‌های ظهور می‌شود؛ زیرا برداشت موجود از رحم در ادبیات دینی مطلق و اعم از خویشان مسلمان یا غیرمسلمان است. با این تصور و با توجه به اهمیت و جایگاه صله رحم در آیات و روایات، به برخی کارکردهای این مفهوم که به ایجاد همبستگی می‌انجامد، اشاره می‌کنیم:

یک. صله رحم باعث آبادانی شهرها می‌شود و بر اثر آن، علاقه مردم به محیط زندگی و جامعه خود افزایش می‌یابد و در نتیجه روحیه تعاون و همگرایی در جامعه به وجود می‌آید. پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید:

ان الصدقة و صلة الرحم تعمران الديار و تزيدان فی الاعمار. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۹۶، باب ۱۴، ح ۵۵)

دو. دیگر کارکرد مهم صله رحم، ایجاد محبت (همو: ج ۷۴، باب ۳، ح ۵۸) و عاطفه در میان خویشان است. پیدایش این ویژگی در میان بستگان، آثار و تبعاتی را به دنبال دارد. از جمله این آثار اعتماد متقابل و هم‌پذیری است. در فرمایش گرانبهایی که خداوند متعال از زبان رسول خویش بیان می‌کند، آفرینش «رحم» را به عنوان فضلی از رحمت بی‌کران خود، به منظور ایجاد عطوفت و مهربانی در میان بندگان معرفی می‌کنند. (همو: ج ۷۷، باب ۲، ح ۷)

سه. از آن‌جا که در جامعه زمینه‌ساز ممکن است عده‌ای مخالف ارزش‌های دینی باشند و چه‌بسا با باورهای دینی دشمنی کنند، اهتمام به صله رحم موجب شناسایی دوست و دشمن از یکدیگر و در نتیجه، ایجاد انسجام اجتماعی می‌شود. بر اساس روایات موجود، «تسوء العدو» (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ج ۴، ح ۵۸۴۵) و «تکبت العدو» (همو: ح ۵۸۵۲) از مهم‌ترین کارکردهای صله رحم، به شمار آمده است. با این توضیح که وقتی در جامعه دینی، افراد در پیوند و ارتباط با خویشان ملتزم هستند، این ارتباط به تبادل افکار، اندیشه‌ها و باورها منجر می‌شود. چنان‌چه ارزش‌های دو خانواده که با یکدیگر نسبت

خویشاوندی دارند متفاوت باشد، بر اثر صلۀ رحم، ارزش‌های خانواده‌ها به یکدیگر منتقل می‌شود. حال اگر خانواده‌های دینی در جامعه زمینه‌ساز، آگاهانه در پی انتقال ارزش‌های فرهنگی خود باشند، در صورت مقابلهٔ عامدانه با این ارزش‌ها، دشمنان جامعهٔ زمینه‌ساز شناسایی می‌شوند و به دنبال آن، جمع دوستان با آگاهی از وجود دشمن، در صفوف به‌هم پیوسته و منسجم، با گرفتن تصمیم‌های لازم برای رفع موانع موجود، بسترهای ظهور را فراهم می‌آورند. در برابر آثار پیش‌گفته، اهتمام نداشتن به صلۀ رحم یا به عبارت بهتر، قطع رحم در جامعه آثار شومی نیز بر جای می‌گذارد که برخی از آن‌ها با هدف زمینه‌سازی جامعه سازگاری ندارد. برای مثال علی علیه السلام می‌فرماید:

من ذا الذی یثق بک اذا غدرت بذوی رحمک. (همو: ج ۵، ح ۹۰۵۹)

در این حدیث، حضرت علی علیه السلام شیعیانش را به این نکته توجه می‌دهد که اگر در جامعه‌ای اهتمام به صلۀ رحم نباشد و افراد، ارتباط با بستگان را فراموش کنند، روحیهٔ بی‌اعتمادی به وجود می‌آید. بدیهی است با پیدایش بی‌اعتمادی، پایه‌های همبستگی لرزان و جامعه به سوی واگرایی و چندگونگی پیش می‌رود.

همچنین ایشان، به عامل دیگری که باعث واگرایی در جامعه می‌شود و متأثر از آثار قطع رحم است، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

زمانی که قطع رحم در جامعه فراگیر شد، اموال و دارایی‌ها در اختیار اشرار قرار می‌گیرد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰، باب ۷۷، ح ۳)

بر اساس این فرمایش، وقتی دارایی‌های جامعه در اختیار اشرار قرار گرفت، به‌طور طبیعی آن‌ها در امور اقتصادی جامعهٔ زمینه‌ساز سیاست‌گذاری می‌نمایند. به‌گونه‌ای که سیاست اصلی‌شان کسب سود بیش‌تر از راه ایجاد اختلاف و واگرایی خواهد بود؛ زیرا اگر جامعه یکپارچه باشد، در برابر احتکار، فساد مالی و توزیع ناعادلانهٔ بیت‌المال واکنش نشان می‌دهند و احقاق حق می‌نمایند.

د) توجه به محبت و مهرورزی

محبت مفهومی است انسجام‌بخش و مورد تأکید قرآن که فراتر از روابط انسانی، رابطه انسان با خدا و جانشینان او را نیز دربر می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ»؛ (آل عمران: ۳۱)

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.

با توجه به این آیه شریفه، محبت الزامات و پیامدهایی دارد. همان‌طور که اشاره شد، لازمه محبت اطاعت است؛ یعنی اساساً ادعای محبت بدون اطاعت پذیرفتنی نیست؛ زیرا محبت زمانی به وجود می‌آید که زمینه‌ها و باورهای مشترکی وجود داشته باشد، یا این‌که یکی نسبت به دیگری احساس نیاز و وابستگی نماید؛ چون این احساس نیاز زمینه‌های اطاعت را فراهم می‌آورد، در نتیجه، محبت‌ورزی پیامدهایی را نیز به دنبال خواهد داشت که در مجموع به ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی کمک می‌نمایند. افزون بر لزوم محبت بین افراد جامعه زمینه‌ساز، یکی دیگر از این پیامدها که برای تقویت همبستگی در چنین جامعه‌ای بسیار ضروری و در عین حال لازم است، لزوم محبت نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام است.

بر اساس منابع دینی موجود، وقتی پس از تحمل سال‌ها سختی و مشقت، از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند: مزد رسالت شما در چیست؟ فرمود:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (شوری: ۲۳)

بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.

در کنار این آیه اگر به روایاتی که بر لزوم محبت اهل بیت علیهم‌السلام تأکید می‌کنند مراجعه کنیم، درمی‌یابیم حتی همین خواسته رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آثار دنیوی و اخروی برای خود مسلمانان دارد. پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً ... أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزُّهْدُ وَالْحِرْصُ
عَلَى الْعَمَلِ وَالْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَالرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَالتَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ
النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَالْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ
نَهْيِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّاسِعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَالْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۷، ۷۸)

روایت فوق دربر دارنده مجموعه خصایلی است که قواعد اخلاقی حاکم بر جامعه زمینه‌ساز بر آن استوار است. «زهد»، «سخاوت»، «حفظ حدود الهی»، «اعتنا نکردن به داشته‌های دیگران»، «نشاط و شوق در عبادت و نماز شب» و... افزون بر این که هر یک کارکردهایی دارند و کارکردهای‌شان به گونه‌ای در ایجاد همبستگی اجتماعی مؤثرند، اما در مجموع وقتی به عنوان قواعد اخلاقی در رفتارها و باورهای افراد یک جامعه تجلی می‌یابند، باعث ایجاد انسجام و همبستگی می‌شوند؛ زیرا بر اساس مطالعات اندیشه‌ورزان، «قواعد اخلاقی» از مهم‌ترین مؤلفه‌های انسجام در جوامع بشری بوده است.

هـ) التزام به احکام دینی

عبادات و احکام در اسلام دو جنبه دارند: جنبه فردی و جنبه جمعی. اگرچه التزام به احکام فردی، دیانت افراد را بسیار افزایش داده و فضایل اخلاقی را در آنها پرورش می‌دهد و در نتیجه باعث تقویت روحیه دگرخواهی و جمع‌گرایی می‌شود، اما برخی از احکام دینی هستند که انجام آنها تنها در جمع ممکن است. برای مثال، احکام حاکم بر نماز جمعه و نماز عیدین، انسان مسلمان را مکلف می‌سازد که در صحنه اجتماعی حضور یابد و در ایجاد همبستگی مشارکت فعال داشته باشد. این که این گونه احکام به لحاظ سیاسی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی چه آثار و تبعاتی را به دنبال دارد، از حوزه بحث ما خارج است. به تناسب موضوع، تنها به این بسنده می‌کنیم که نقش مناسب دینی در همبستگی اجتماعی مورد مطالعه و تأیید قرار گرفته است. بنابراین، جامعه زمینه‌ساز با آگاهی از این امر، فراتر از نگاه التزام به احکام دینی، باید

کوشش نماید زمینه‌های حضور گسترده و فعال افراد جامعه در عبادات جمعی را فراهم سازد تا روحیه همدلی و همبستگی در جامعه تقویت شده و بر اثر آن، با پاسداری از یکی دیگر از ارزش‌های فرهنگی جامعه زمینه‌ساز، بسترهای لازم برای ظهور حضرت حجت‌السلام‌ع‌الله‌عنه فراهم گردد.

۴. رعایت حقوق متقابل

باور دینی ما بر این اساس است که انسان، موجودی محق و مکلف است. بنابر این برداشت، آزادی و رفتار انسان وابسته به حفظ آزادی دیگران است. به عبارت دیگر، با ایجاد روابط انسانی در یک اجتماع و شکل‌گیری جامعه، حقوق افراد با تکالیف دیگران و نیز تکلیف او نسبت به حقوق دیگران، تعیین می‌شود. جامعه زمینه‌ساز با این برداشت از حقوق افراد، تکلیف و احساس وظیفه در برابر رعایت حقوق دیگران را از دیگر ارزش‌های اساسی خود می‌داند و درصدد آن است که روابط افراد با یکدیگر و نیز رابطه فرد با قدرت سیاسی حاکم را بر مبنای ارزش‌های دینی تعریف نماید.

در این اندیشه که ریشه در باورهای شیعی دارد، تبیین نوع رابطه فرد با حاکم و دیگران، متأثر از روش حکومتی حضرت امیر علیه السلام است. بر اساس این مدل حکومتی، حقوق حاکم بر روابط موجود در جامعه، کاملاً طرفینی و دارای الزام متقابل است. این حقوق متقابل، گاهی در رابطه فرد با حاکم و گاهی نیز با دیگر اعضای جامعه شکل می‌گیرد. این‌که این حقوق متقابل چیست و جامعه زمینه‌ساز چگونه می‌تواند با رعایت آن‌ها، به ایجاد زمینه‌های ظهور بپردازد، در ذیل توضیح می‌دهیم:

الف) حقوق مردم بر حاکم

مراجعه به نهج‌البلاغه و بازخوانی فرمایشات حضرت امیر علیه السلام ما را توانا می‌سازد که به طراحی الگوی رفتاری در جامعه زمینه‌ساز بپردازیم. ایشان در خطبه ۳۴، تعدادی از حقوق افراد جامعه بر قدرت سیاسی حاکم می‌پردازد و می‌فرماید:

فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَى: فَالنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْقِيرُ فَيُؤَيِّدُكُمْ عَلَيْكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْ مَا تَعْلَمُوا.

بر اساس فرمایش فوق، در جامعه زمینه ساز، حاکم باید خیرخواه مردم باشد و سیاست‌هایی را اتخاذ نماید که خیر و صلاح جامعه در آن باشد و در واقع اصل خیرخواهی را در همه امور و تصمیمات ملحوظ دارد.

دولت حاکم بر جامعه زمینه ساز، توزیع برابر و به اندازه بیت‌المال را باید وجهه همت خود قرار داده و طوری در مسائل مالی و اقتصادی سیاست‌گذاری کند که منابع مالی دولت که متعلق به همه مردم است از بین نرود و بر اساس میزان حق افراد توزیع شود.

از دیگر حقوق مردم بر حاکم در جامعه زمینه ساز این است که همه مردم از امکان آموزش مناسب برخوردار باشند و زمینه‌های کسب دانش و آگاهی به صورت تبعیض‌آمیزی در اختیار قشر خاصی قرار نگیرد.

در کنار آموزش، مردم جامعه زمینه ساز، بر حکومت حق دارند تا به امر تهذیب و پرورش آنها نیز توجه نماید و افزون بر آموزش، وسایل پرورش روحی و روانی افراد را به نحو شایسته و بایسته‌ای فراهم کند.

(ب) حقوق حاکم بر مردم

بر اساس الگوی حکومتی حضرت علی علیه السلام، از آنجا که حقوق، متقابل و طرفینی است و هر حقی با یک تکلیف همراه است، حکومت و حاکم نیز بر مردم جامعه زمینه ساز حقوقی دارد و مردم نیز ملتزم به رعایت آنهاست. ایشان در همان خطبه می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ.

این نگاه حضرت امیر علیه السلام به حقوق حاکم و قدرت سیاسی، دربر دارنده این مطلب است که در جامعه زمینه ساز، مردم در پذیرش ولایت حاکم سیاسی

مختارند، اما پس از این که بیش‌تر افراد جامعه با ایشان بیعت نمودند و حکومت ایشان نافذ گردید، مردم اولاً ملزم به بیعت با ایشان است و ثانیاً حتی بر فرض بیعت نکردن، بنابه الزام ناشی از بیعت دیگران، حق تمرد، سرپیچی و نافرمانی را ندارند.

از دیگر حقوق حاکم بر مردم در جامعه زمینه‌ساز، نصیحت و خیرخواهی یا به عبارت دیگر، نظارت بر حکومت است. این نگاه که ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، حق نظارت سیاسی افراد جامعه را به وجود می‌آورد. نظر به اهمیت این امر و نقش مؤثر آن در زمینه‌سازی ظهور، اصلاح‌گری و نظارت را به عنوان یکی از ارزش‌های مهم جامعه زمینه‌ساز به تفصیل توضیح دادیم. از آن جا که در بینش سیاسی اسلام، ایجاد جامعه و به دنبال آن حکومت سیاسی، به منظور ایجاد زمینه‌های سعادت و تکامل انسان است، بنابراین همیاری و همراهی مردم و قدرت سیاسی، شرط اصلی و لازم پیشرفت و تکامل است. بر همین اساس، حضرت علی علیه السلام یکی دیگر از حقوق حاکم بر مردم را در این می‌داند که مردم، دعوت حاکم را لبیک گفته و همراه و همگام با سیاست‌های او در ایجاد جامعه دینی و توسعه‌یافته کوشش نمایند. بدیهی است تحقق این امر، جامعه را بیش از هر زمان دیگری آماده ظهور و حکومت جهانی مهدوی خواهد کرد.

پیرو حق همراهی و اجابت، از حقوق مهم دیگری که رهبری جامعه بر مردم دارد، حق اطاعت است. اگر روحیه اطاعت و فرمان‌برداری بر مردم در جامعه زمینه‌ساز حاکم نباشد، رهبری جامعه هیچ کاری را نمی‌تواند از پیش ببرد و حاکمیت، کارکرد خود را از دست خواهد داد.

ج) حقوق روابط انسانی یا اخوت اسلامی

همان‌طور که بیان شد، قرار گرفتن در شبکه روابط اجتماعی خودبه‌خود حقوقی را شکل می‌دهد که متضمن رعایت آن‌هاست، هرچند افرادی که در

فرایند کنش متقابل با هم رابطه دارند، هیچ‌گونه سابقه‌آشنایی نداشته یا رابطه‌ای از نوع روابط اجتماعی، مانند روابط اقتصادی یا سیاسی نداشته باشند. حقوقی که اسلام برای افراد جامعه در نظر گرفته، بسیار وسیع است و همین شبکه حقوقی است که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این شبکه حقوقی، دو کارکرد اساسی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی دارد. به لحاظ روان‌شناختی، افراد تحت پوشش این شبکه احساس اطمینان و آرامش دارند و هیچ‌گاه احساس تنهایی و خلأ نمی‌کنند و به لحاظ جامعه‌شناختی جامعه‌ای که بر مبنای حقوق متقابل شکل گرفته است از انسجام بالایی برخوردار است. در چنین جامعه‌ای افراد آن در حالی که می‌دانند در برابر هموعان خود وظیفه دارند، می‌دانند حقوق آن‌ها نیز محفوظ است. این حوزه از حقوق را تنها در موارد ذیل توضیح می‌دهیم:

یک. حقوق مؤمن

جامعه زمینه‌ساز با برداشت از آموزه‌های اسلامی، بر این باور است که افزون بر حقوق تشریعی افراد که قوانین حاکم بر جامعه نیز آن را به رسمیت می‌شناسد، برادران دینی یا همان مؤمنان، حقوق دیگری نیز بر یکدیگر دارند که التزام به آن‌ها به‌رغم صراحت قانونی، برای کسانی که دغدغه دینی دارند و کوشش می‌نمایند زمینه‌های ظهور را فراهم سازند، مورد تأکید است. برخی از این حقوق که در روایات آمده عبارتند از:

«لَا تَشْبَعُ وَ يَجُوعُ» در جامعه زمینه‌ساز، افراد تنها در پی دست یافتن به منافع شخصی خود نیستند، بلکه احساس مسئولیت در برابر هموعان، در باورهای او ریشه دارد. بر همین اساس، وقتی کسی با وجود تلاش‌های بسیار گرفتار سختی و تنگدستی می‌شود، دیگران حمایت از او را وظیفه خود می‌دانند و بر این باورند که او دارای حقی است که باید ادا شود. در فرهنگ ناب اسلامی و جامعه ساخته شده بر بنیاد این فرهنگ، نباید دارندگی به مثابه برازندگی تلقی شود و در نتیجه برای سیر شدن عده‌ای، برخی دیگر گرسنه بخواهند.

لِسَانَهُ الَّذِي يَتَكَلَّمُ بِهِ: بساطِ نمایی گری، غیبت و تهمت در جامعه زمینه‌ساز برچیده است. در چنین جامعه‌ای مردم صداقت و راست‌گویی را اساس گفتار خویش قرار می‌دهند و با یکدیگر به گونه‌ای سخن می‌گویند که حضور و غیاب افراد تأثیری در لحن و ماهیت گفتار آن‌ها نداشته باشد.

تُحِبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ: ایثار و از خودگذشتگی مهم‌ترین شاخص فرهنگی در روابط متقابل افراد در جامعه زمینه‌ساز است. کسی گرگ کسی نیست و انسان‌ها در نزاع دایمی نیز به سر نمی‌برند. افراد دقیقاً همان چیزی را که برای خود می‌پسندند برای دیگری نیز می‌پسندند و در واقع خیرخواهی به عنوان یکی از حقوق برادر ایمانی تلقی می‌گردد.

وَتَسْعَى فِي حَوَائِجِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ: اعضای جامعه زمینه‌ساز تنها به خواستن خیر دیگری بسنده نمی‌کنند، بلکه حتی گام عملی می‌بردارند و کوشش می‌نمایند که نیازهای متقابل یکدیگر را مرتفع سازند. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ۱۷۴)

دو. حقوق همسایه

ادبیات دینی حاکم بر روابط همسایگی در آموزه اسلام، اهمیت جایگاه ویژه همسایه و حقوق آن را به نمایش می‌گذارد. در یکی از آن‌ها خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ...﴾. (نساء: ۳۶)

بر اساس این آیه شریفه، خداوند متعال اهمیت نیکی به همسایگان را هم‌تراز با توصیه به بندگی و عبودیت و نفی شرک و دیگرپرستی مطرح نموده و گوشزد می‌نماید که این احسان فراتر از یک رابطه خویشاوندی است.

اهمیت این موضوع زمانی بیش‌تر می‌گردد که حضرت علی علیه السلام در آخرین وصایای خویش بر حفظ حقوق همسایگی و ایجاد روابط حسنه و متقابل تأکید نموده و می‌فرماید:

الله الله فی جیرانکم فآنه وصیت نییکم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۴، ۱۵۳)

نظر به این اهمیت و تأکید گسترده اسلام به رعایت حقوق همسایگی، جامعه زمینه ساز باید بیش از هر جامعه دیگری کوشش کند روابط حسنه و توأم با احترام را از طریق حفظ و رعایت حقوق همسایگی به وجود آورد. بر اساس این بینش، در جامعه زمینه ساز همسایگان می کوشند نسبت به امور ذیل با یکدیگر همکاری کنند:

اعطای قرض، کمک به یکدیگر، عاریه دادن اموال، اجابت دعوت یکدیگر، عیادت مریضان، شرکت در تشییع جنازه، خوشحالی از موفقیت همسایه و عدم حسادت به آن، ناراحتی از گرفتاری دیگری، ساختن بنا، به نحوی که باعث ناراحتی همسایه نگردد و... (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ج ۸، ۴۲۷)

طبیعی است التزام افراد به حقوق فوق و داشتن دغدغه حفظ حقوق دیگری در جامعه زمینه ساز، افراد را از خودخواهی به دیگرخواهی سوق داده و زمینه های همکاری متقابل و در نتیجه پایبندی به ارزش های دیگری نظیر ایشار و از خودگذشتگی را تقویت می نماید و در حقیقت جامعه را گامی به سوی ظهور به پیش می برد.

نتیجه

با وجود این که برخی معتقدند انسان در زمینه سازی نقشی ندارد، یا این که اگر انسان بخواهد زمینه های ظهور را فراهم سازد، باید به گسترش فساد و ظلم کمک نماید، بر اساس آموزه های دینی موجود، به نظر می رسد این دیدگاه درست باشد که انسان نه تنها از امکان زمینه سازی برخوردار است، بلکه حتی او در این راستا وظیفه دارد.

وظیفه زمینه سازی گاهی به عهده هر فرد به تنهایی است و گاهی جامعه وظیفه دارد به ایجاد زمینه های ظهور بپردازد. بر فرض دوم، جامعه ای که می خواهد زمینه سازی نماید، باید از این ماهیت برخوردار باشد که تعدادی

افراد با ایجاد ارتباط متقابل، اهداف مشترکی را دنبال کنند. بدون تردید، چنین جامعه‌ای برای حفظ و قوت خود نیازمند سازه مهمی است که از آن به فرهنگ یاد می‌شود. خود فرهنگ نیز بر بنیاد برخی ارزش‌هایی استوار است که ریشه آن‌ها به باورهای دینی و غیردینی برمی‌گردد.

در آنچه گذشت، ارزش‌هایی را بررسی کردیم که از یک‌سو ریشه در دین دارند و از سوی دیگر توجه به آن‌ها می‌تواند زمینه‌ها و بسترهای لازم برای ظهور آخرین منجی انسان‌ها را فراهم سازد.

منابع

۱. آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، تهران، نشر آگه، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ش.
۲. آمدی تمیمی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، شرح: خوانساری، تهران، دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۳ ش.
۳. استونز، راب، *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه: مهرداد میردامادی، تهران، نشر مرکز، چاپ ششم، ۱۳۸۸ ش.
۴. برن، آگ؛ کُف، نیم، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه: ا.ح. آریان‌پور، تهران، شرکت سهامی افست، بی‌تا.
۵. بیرو، آلن، *درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۵ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۹ ق.
۷. دلاوری، رضا، «نظارت بر قدرت از دیدگاه قرآن» *علوم سیاسی*، دانشگاه باقر العلوم، سال پنجم، ش ۱۹، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۸. دورکیم، امیل، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.
۹. دیلین، تیم، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه: بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. راشدی، لطیف، *تصویر زندگی در نهج البلاغه*، قم، قدس، ۱۳۷۰ ش.
۱۱. ریمون، آرون، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، ترجمه: سید علی نقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات جاویدان، بی‌تا.
۱۳. شومین، ژرژ و دیگران، *قرارداد اجتماعی*، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران، آگاه، بی‌تا.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، قم، مؤسسة السیدة المعصومة، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۸. علی‌اکبریان، حسنعلی، قاعده عدالت در فقه امامیه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ش.
۱۹. قرشی، سید علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ش.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۲۱. کوک، مایکل، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه: احمد نمایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۲۲. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰ش.
۲۵. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.

جایگاه و نقش سپاه مهدوی در زمینه‌سازی ظهور

محمد بایرامی تازه‌کند^۱

چکیده

برقراری نظام اسلامی جهانی یک نظریه و یا باور تئوری صرف نیست، بلکه ایده‌ای است که در پرتو باور عملی آن، همه ستم‌ها و تبعیض‌ها از جامعه بشری ریشه‌کن گشته و عدالت جایگزین آن می‌شود. برای رسیدن عملی به این باور و نظریه‌ای الهی، ائمه دین هرگز آن را بدون برنامه‌ریزی رها نکرده‌اند. از محتوای توصیفی روایت‌های مهدوی دستورالعمل‌ها، هدایت‌ها و جهت‌دهی‌ها را در این باره به خوبی می‌توان استنباط کرد. نظام مهدوی که با تشریح فضای دوران بعد از ظهور، به پیش‌بینی رفتارهای حاکمیتی می‌پردازد، باید بتواند به صورت عملی نیز امنیت و نحوه غلبه بر دشمنان الهی را نیز برای پیروان خود رهنمون شود. برای آمادگی و زمینه‌سازی حاکمیتی جهانی اسلام، توجه به همه ابعاد انسانی سپاه مهدوی، از اساسی‌ترین بحث‌های این اعتقاد است که در این نوشتار، در توضیح بخشی از آن کوشش شده است.

واژگان کلیدی

نگرش مثبت و منفی، زمینه‌سازی نظامی، سپاه مهدوی، مسیر آمادگی، آماده‌سازی نظامی.

مقدمه

یکی از خواسته‌های مشهوری که عوام و خواص مؤمنان درباره امام زمان (عج) در دعا‌های خود از خداوند متعال طلب می‌کنند، تقاضای هم‌رکابی و سربازی امام عصر (عج) است. این دعاها از جمله اعتقادات اسلامی و شیعی مربوط به ظهور و وجود امام مهدی (عج) است، که مصداق رشد تربیتی آن به این شکل در بین معتقدان این امر در دعاها بروز کرده است. وقتی دعای روزمره پیروان راستین مکتب تشیع این است که: «پروردگارا، مرا از انصار و یاران آن بزرگوار قرار ده و از آنان که از او دفاع می‌کنند... و در حضور حضرتش به درجه رفیع شهادت می‌رسند» (دعای عهد)، باید اعتقاد و رشد تربیتی این‌گونه پیروان راستین بیش‌تر مورد تحقیق و تفحص قرار گیرد؛ زیرا بسیاری از این نوع دعاها در بطن خود نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی ائمه اطهار (ع) برای ایجاد تغییر و دگرگونی جهانی در آینده دارد. این دعا‌های به نظر ساده، هیجان‌ها و عاطفه‌های جمعی را به صورت ذهنی و عملی به سوی تربیت افرادی سوق می‌دهد که باید برای انقلابی بزرگ جهانی مهیا شوند. بنابراین رمزگشایی برای این هدف بزرگ یکی از لازمه‌های جریان مهدویت است.

چنان‌که در روایات متعدد آمده، دوران غیبت، دوران موقعیت‌های سخت، آزمون‌های دشوار و غربال‌گری همگانی است. بنابراین تصور آرمیدن بی‌اصطکاک در صحنه پرهیاهو و لغزش‌انگیز عصر غیبت، تصویری مردود است و در قاموس و تربیت مهدوی نیست. مفضل بن عمر جعفری از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود:

مبادا علنی کنید و شهرت دهید. بدانید به خدا قسم، حتماً مدت‌زمانی از روزگار شما غایب خواهد شد و بی‌تردید پنهان و گمنام خواهد گردید تا آن‌جا که گفته شود: آیا او مرده است؟ هلاک شده است؟ در کدام سرزمین راه می‌پیماید؟ و بدون تردید، دیدگان مؤمنان بر او خواهند گریست و همچون واژگون شدن کشتی در امواج دریا، واژگون و زیرورو خواهند گردید. پس هیچ کس رهایی نمی‌یابد، مگر آن کس که

خداوند از او پیمان گرفته و ایمان را در دل او، نقش کرده و با روحی از جانب خود تأییدش فرموده باشد... (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: ۳۸۹)

پس پرورش یافتگان مکتب مهدویت، نه در انزوا، بلکه در فضای باز و چالش‌انگیز میان حق و باطل، دوران غیبت رشدیافته و به چنان بصیرتی دست خواهند یافت که پرچم حق مهدی عج را از پرچم‌های باطل باز خواهند شناخت. پس در چنین عرصه گمراه‌کننده‌ای یاوران مهدی عج، نه تنها باید ایمان خویش را محفوظ نگاه دارند، بلکه باید اسباب و لوازم قیام را نیز زمینه‌سازی و مهیا نمایند. در این میان بازشناسی و بازیابی توانایی و باورهای مهدویت نیازمند آماده‌سازی لوازم بسیاری، از جمله تدارک و برنامه‌ریزی برای سازماندهی سپاه نیرومند و مکتبی است. اگر به این زمینه‌سازی این امر را اضافه نماییم که در اسلام مقابله با ستم و بی‌عدالتی بنا به محتوای احکام آن تعطیل‌پذیر نیست، اهمیت داشتن قدرت نظامی برای یاری امام عج دوچندان می‌شود. به همین دلیل، منتظران باید به تربیت خود و دیگران در همه ابعاد وجودی، در همه حال اهتمام ورزند تا توان شرکت در نبردهای حق و باطل را داشته باشند. در واقع همه مجاهدت‌های جسمی و روحی عصر غیبت، تمرینی برای ارزیابی آمادگی جهت انقلاب و قیام عظیم مهدوی است.

پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام با اعتقاد و جهان‌بینی الهی و بینش مهدوی، کارهایی را ارزشمند می‌دانند که خلاف خواست خداوند و امام زمان عج نبوده و آن‌ها را در مسیر سعادت حقیقی و واقعی قرار دهد که همین نگرش عامل پویایی و حرکت اصلاح‌گرایانه، تشیع در طول تاریخ شده است. با وجود رویدادهای ستمگرانه و مستکبرانه روزافزون کنونی، پیوندهای الهی مکتب تشیع با ولایت باعث گردیده آن‌ها در فکر و تحلیل‌های مهدوی خود مصمم‌تر شده و خویشان را به آمادگی جسمی و روحی بیش‌تر ملزم بدانند. بررسی تاریخ معاصر کشورمان نیز نشان می‌دهد که همین عوامل انگیزشی و گرایشی سبب بروز انقلاب اسلامی شد و اکنون این بینش، شیعیان را به سوی افزایش

آمادگی نظامی، برای ایستادگی در مقابل افکار و کردار پست صاحبان جهان‌بینی مادی سوق می‌دهد. با این حال، متأسفانه امروز شاهد هستیم که در نظام تبلیغی مهدوی تحلیل و بررسی زمینه‌های شکل‌گیری سپاه نجات‌بخش و شکست‌ناپذیر حضرت مهدی عج مورد غفلت واقع شده و گاه مورد انحراف و جفا واقع می‌گردد. به همین دلیل در این نوشتار، سعی بر این است که به بررسی مختصر زمینه‌های شکل‌گیری این سپاه پردازیم.

زمینه‌بازوهای مثبت و منفی

گاهی آدمی بر اثر غرق‌شدگی مادی و غفلت عقلی، دست قدرت الهی را در اداره امور جهان فراموش می‌نماید. اگر این غفلت به روزمرگی مبدل شده و در وجود انسان عمیق‌تر شود، آدمی به جایی می‌رسد که با وجود پذیرش خداوند، او را فاقد قدرت دخالت در امور زندگی بشر می‌داند. این نوع اعتقاد زیربنای بسیاری از فسادها در زمین است. درباره‌ی این نوع نگرش در قرآن آمده است:

و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دست‌های خودشان بسته باد و به [سزای] آن‌چه گفتند از رحمت خدا دور شوند... و در زمین برای فساد می‌کوشند و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد. (مائده: ۶۴)

این عقیده، افزون بر این‌که مفسد بسیاری در جامعه بشری به وجود می‌آورد، آینده‌انسان را به شکل کابوسی ترسناک و منفی ترسیم می‌سازد. با این نگاه، امید از زندگی بشری رخت بسته و راه برای بسیاری از ستمگران و مستکبران برای گسترش اعمال خودمحورانه باز می‌شود.

برخلاف این نگره منفی، اعتقاد به قدرت مداخله و پشتیبانی الهی در سرنوشت بشر، چهره زندگی انسان‌ها را متحول می‌کند. پیش‌بینی مثبت فردا و بیان شواهد وقوع آینده‌ای روشن در ادیان الهی از سوی انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام و پیش‌بینی حاکمیت مستضعفان بر جهان (قصص: ۵) در

کتاب‌های الهی،^۱ از جمله دخالت‌های حتمی و پیش‌بینی شده الهی در زندگی ما انسان‌ها است. در اسلام به صراحت از سوی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، امام مهدی عجله‌الله‌فی‌الارض به عنوان ذخیره‌ای الهی برای برقراری حاکمیت خدا در زمین معرفی شده است. او کسی است که پروردگار عالم به وسیله ایشان ستمگران و جنایتکاران جهان را سرکوب نموده و بردگی انسان‌های صالح را به جانشینی و حاکمیت بر زمین مبدل خواهد کرد. (نور: ۵۵)

اما از سوی دیگر عده‌ای از روی ناآگاهی و برداشت نادرست از قدرت الهی، حتی پیش از تولد حضرت صاحب الامر عجله‌الله‌فی‌الارض پیروزی بزرگ و الهی ایشان را با نگرش بیمارگونه، تنها بر اساس معجزه می‌پنداشتند. درست است که اصل نصرت و چیرگی انقلاب مهدی عجله‌الله‌فی‌الارض بر جهان یک معجزه بزرگ الهی است که با امدادهای پروردگار عالم محقق خواهد شد، ولی نگاه اشتباه عده‌ای، باعث گردیده تا آن‌ها فراموش کنند که معجزه استدلالی استثنایی در سنت طبیعت، برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی است نه وسیله‌ای آسوده برای شکست دشمنان و حاکمیت خود.

این نوع نگرش که همه امور حال و آینده مؤمنان، بدون هیچ‌گونه تحرک و تلاشی تنها به خداوند سپرده شود، عامل رکود و بی‌تحرکی در مقابل انحراف‌ها گردیده و مانع تحریک آن‌ها برای زمینه‌سازی و حرکت به سوی کمال و رستگاری در جامعه می‌شود. این نوع کسالت در مواقع حساس و سرنوشت‌ساز اجتماعی همانند جنگ، بیش‌تر بروز می‌کند و انسان‌ها را به چنان سطحی از جهالت می‌رساند که قرآن تن‌آسایی گروهی از این نوع معتقدان را این‌گونه از زبان‌شان مطرح می‌سازد:

آن‌ها گفتند: ای موسی، تا وقتی آنان در آن [شهر] هستند ما هرگز پشای در آن ننهیم. تو و پروردگارت برو [ید] و جنگ کنید که ما همین‌جا می‌نشینیم. (مائده: ۲۴)

۱. «و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.» (انبیاء: ۱۰۵) برای اطلاع بیش‌تر از اعتقاد پیروان دیگر ادیان، نک: امام مهدی در آئینه ادیان نوشته سید مرتضی عسکری.

بر همین اساس، امامان معصوم نیز این نوع تفکر را مردود می‌شمردند؛ چنان‌که در روایات آمده است: بشیر نبال می‌گوید: هنگامی که به مدینه رسیدم، به امام باقر علیه السلام عرض کردم: «آنان می‌گویند: هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، کارها به خودی خود، برای او سامان می‌گیرد و حتی به اندازه حجامتی هم خون نمی‌ریزد.» حضرت فرمود:

هرگز چنین نیست! سوگند به آن که جانم به دست او است، اگر قرار بود کارها برای کسی به خودی خود سامان بگیرد، برای رسول خدا سامان می‌گرفت، در آن روز که دندان‌هایش شکست و صورتش مجروح گشت. نه، قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین نخواهد شد تا آن‌که ما و شما عرق و خون را از چهره خود پاک کنیم، سپس به پیشانی خود دست کشید. (نعمانی، ۱۴۱۸: ۴۰۸، باب ۱۵، ج ۲)

با این منظر، منتظرانی که آماده دست زدن به چنین قیام بزرگ جهانی هستند، باید تدارک نیروهای لازم و تجهیزات مورد نیاز را متناسب با عظمت حرکت، در همه حال فراهم ساخته و از موکول آن به آینده خودداری ورزند. همان‌گونه که در حدیث بالا نیز اشاره شد، مشکلات فراگیر جهانی، ظلم‌ها و بیدادگری‌هایی که در طول تاریخ در زندگی انسان‌ها ریشه دوانده است به سادگی حل نمی‌گردد، مگر با تحمل رنج‌ها و فداکاری‌های فراوان مردان الهی.

چرایی زمینه‌سازی نظامی

امام عصر علیه السلام در بیان علت تأخیر ظهور می‌فرمایند:

اگر شیعیان ما، که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد. و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین، و صداقتی از آنان نسبت به ما. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ۱۷۷)

در واقع طولانی‌تر شدن غیبت کبرا نمایان‌گر این امر است که مردم در انتخاب مسیر حرکت خود آزادانه عمل نمی‌کنند، بلکه گرایش‌های القایی و

جذبی به سوی زر و زور، همواره مسیر آن‌ها را به بیراهه برده است. بنابراین فراهم‌سازی زمینه‌های هدایت و تکامل عقلی مردم به‌خصوص برای شناخت راستین از امام زمان (عج) خود یک لازمه انکارناپذیر زمینه‌سازی است. اما این امر با توجه به گستردگی فن‌آوری‌ها و ارتباطات نوین بشری در عصر حاضر و برخورداری استعمارگران از این ابزارها برای تأثیری‌گذاری بر افکار جهانی، با چالش‌ها و پیچیدگی‌های جدی روبه‌روست.

در قرن اخیر این ستمگران ضمن آن‌که خفقان و جنایات خود را شدت بخشیده‌اند، بیش از پیش می‌کوشند افکار مسموم خود را در عمق جان انسان‌ها جاری ساخته و با افسون‌گری رسانه‌ای، هرگونه تغییر و مبارزه فکری و عملی علیه خویش را محو سازند. ایجاد ترس و وحشت جهانی با انجام جنایت هولناک علیه بشر، سوق مردم جهان به سوی مفاسد اخلاقی و رواج آن، تأسیس حکومت‌های دست‌نشانده و اشاعه ناامنی‌های گوناگون ذهنی و عملی از جمله کردار کوچک این مستکبران است که هر ملت و مکتبی را ناخودآگاه به سوی تشکیل نیروی نظامی قوی برای مبارزه با این فجایع رهنمون می‌سازد. در هر حال، در این موقعیت جهانی، تشکیل ارتشی نیرومند برای حفظ منافع دینی و ملی تردیدناپذیر است. اما برای زمینه‌سازی برقراری حکومت الهی باید هدف، جلب خرسندی خداوند باشد که آن هم با رضایت‌مندی امام عصر (عج) کسب می‌شود و این یک اصل بلامنازع در استقرار حکومت دینی است. بر این اساس منتظران راستین باید اعمال و رفتار خود را با نیت خویش سازگار کرده، و سپاهی با گزینش تفکر دینی سازماندهی کنند و در این مسیر دچار سستی نگردند. چنین سپاهی هرگز برخلاف نص آیات الهی و احکام اسلام، تکالیف خود را به تعطیلی نمی‌کشاند تا حضرت، برای رفع مصایب و مشکلات آن‌ها بیاید. معنای انتظار و زمینه‌سازی حقیقی در ذهن این رزمندگان، ایستادن، بی‌تحرکی و رکود نیست، بلکه برای صاحبان حیات، انتظار مهلتی برای آماده‌سازی و آمادگی است.

با اکتفای تنها به دعا، حال منتظرانی که ندای یاری‌خواهی امام بزرگوار خود را بشنوند و در مقابل سیلی از دشمنان قصد مبارزه داشته باشند چگونه خواهد بود، در حالی که هیچ آمادگی رزمی از خود ندارند؟ این‌که امامان معصوم، ما را در هر صبح و شام به انتظار فرج فراخوانده‌اند و در هر دعای رسیده‌ای از ایشان آرزوی هم‌رکابی با رزمندگان مولای خویش را قرائت می‌نماییم، همگی این سخنان معنایی جز دعوت منتظران برای تربیت و آمادگی روحی و بدنی ندارد. در عصر پایان غیبت و آغاز روزگار ظهور، باید مطمئن باشیم که رزمندگان منتظر به محض ورود فرمانده، دوشادوش و به فرمان او در همه نبردهای ظلم‌ستیزانه و عدالت‌گسترانه شرکت خواهند نمود، نه این‌که باید منتظر اصلاح‌گری و آمادگی فردی این منتظران ماند. آیا با چنین دیدگاهی منتظران بدون آمادگی، سر بر بستر خواب خواهند گذاشت؟ حال که ما در عصر ظهور به سر می‌بریم، اگر در هنگام استراحت فرمان ظهور رسید، آیا رزمندگان منتظر به حد کافی از لحاظ روحی و جسمی نیرومند و مسلح هستند که در رکاب مولای خویش باشند؟

اهداف و چگونگی شکل‌گیری سپاه الهی

در آغاز کار و روزهای نخستین انقلاب و قیام مهدی‌شاه، به دلیل وجود ستمگران و مستکبران خون‌خوار، دنیا شاهد درگیری و خون‌ریزی بسیار بیش‌تری از سوی این جهان‌خوران خواهد بود؛ زیرا آن‌ها می‌خواهند به هر نحو ممکن، موجودیت نامشروع خود را حفظ نمایند. تدارک سپاه عظیم الهی از نظر کمی و کیفی بدین‌سان که در مقابل سیل فراوان دشمنان جهانی، هیچ هراسی به خود راه نداده، بلکه خود مشتاقانه به نبرد آن‌ها بشتابد، نیازمند جنگاوران و پیکارگران تربیت شده و کمال‌یافته بی‌شماری در پیش از ظهور است. سیمای این مبارزان که وجود آن‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری حکومت جهانی الهی است، نیازمند تحقیق و تفحص بسیاری در لابه‌لای روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام و دقت در وقایع و حوادث طول تاریخ بشری است.

در حالت کلی، هدف از تشکیل سپاه الهی معتقد به مکتب مهدوی و نبردهای این ارتش عبارت است از سازماندهی نیرویی قوی برای رفع موانع و مشکلات پیش روی وصول اهداف انقلاب جهانی الهی که اشتیاق دستیابی به آن مقصود، محرک مؤمنان انقلابی برای شکل‌دهی ارتش مکتبی برای کسب آرمان‌های خود است. در واقع جهادهایی که این ارتش الهی، در محضر امام معصوم علیه السلام انجام می‌دهد موجب برقراری عدالت و ریشه‌کنی ظلم و ستم، برطرف شدن موانع برقراری حکومت دینی، هموارسازی حرکت جهانی الهی و رفع مشکلات حاکمیت اسلام می‌شود.

در این بین گروهی ممکن است به دلیل عدم کلیت‌نگری به حوادث عصر ظهور، به خرده‌گیری و انتقاد از خون‌ریزی‌های ناشی از جنگ‌های حق و باطل بعد از ظهور پردازند. اما با یادآوری روایات رسیده درباره حوادث خونین پیش از ظهور، باید گوشزد نمود که این منتقدان خون‌ریزی‌ها، قتل‌ها، غارت‌ها، رعب و وحشت‌های ایجاد شده در سایه شمشیر مستکبران را پیش از زمان ظهور فراموش نموده‌اند. با اندکی تأمل در حوادث عصر جدید نیز می‌توان مصیبت‌های پیش‌آمده در زندگی انسان‌ها را از سوی همین ستمگران مشاهده نمود. پول و شهوت‌پرستی به عنوان نماد بت‌پرستی مدرن امروزی، فساد و بیدادگری، بی‌عدالتی، فجایع کشتار چندمیلیونی انسانی و تباهی و تبعیض در عصر جدید، پرده از چهره شیطانی بسیاری از فرعون‌های روزگار ما کشیده و بردگی و بندگی نفسانی آن‌ها را در برابر این اعمال ابلیسی به اثبات رسانده است. از چنین منتقدانی باید پرسید چگونه است که انسان برای کشتن یک حشره خون‌خوار همانند پشه از انواع وسایل بهره‌جسته و آن را عاقلانه و بشردوستانه توصیف می‌کند، ولی تمسک به سلاح و زور برای توقف یک خط فکر شیطانی را که قرن‌ها با ایجاد ارتش تا بن دندان مسلح باعث کشتار میلیونی انسان‌ها شده، خون‌ریزی و سیطره نظامی می‌دانند؟

مبارزه رزمندگان ارتش مهدوی در میدان جنگ در واقع نمایش آخرین و بزرگ‌ترین نبرد و صف‌آرایی حق و باطل در طول حیات بشری و پیروزی همیشگی حق بر باطل خواهد بود. در حالی که بیش‌تر جنگ‌های طول تاریخ بشری برای قدرت‌طلبی و توسعه‌خواهی بوده، نبردهای قیام قائم‌مکتب از جنس پیکار حق علیه باطل خواهد بود. آنچه رزمندگان سپاه قائم‌مکتب در پشتیبانی از امام زمان و معصوم خود انجام می‌دهند، نه برای دستیابی ملک و سلطنت یا متاع پست دنیوی است، بلکه برای بازگرداندن مردم جهان به دین ناب الهی و محمدی (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۶۸) برقراری صلح و مسالمت در شهرها و ایمنی بندگان ستم‌دیده (همو: ج ۵۲، ۳۸۴) و حاکمیت اسلامی در جهان (حر عاملی، ۱۳۶۶: ج ۳، ۵۴۹، ح ۵۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۴۰) است. پس می‌توان گستره اهداف این قیام را به‌طور عام برای همه موجودات اعم از انسان‌ها و یا دیگر جان‌داران روی زمین و به‌طور خاص برای مسلمانان و به‌خصوص برای شیعیان اهل بیت (تصور کرد).

حوادث پیش‌بینی شده ظهور قائم‌مکتب، نمایان‌گر این مطلب است که در دوران ظلمت پیش از ظهور، گروهی از انسان‌های مؤمن با اراده قوی، روحیه سازش‌ناپذیر، بدون مصالحه و ضعف و ترس در مقابل ستمگران تربیت می‌یابند که با شنیدن ندای یاری‌طلبی امام زمان خود، به سرعت به سوی او می‌شتابند. آن‌ها با آگاهی و درک پیش‌آمدهای حوادث آینده، خویش‌تن را برای انجام رسالتی بزرگ، پیش از وقوع ظهور آماده می‌سازند و هرگز تلخی‌های ناگوار روزگارشان، این منتظران راستین و اصلاح‌گر را در مسیر حرکت به سوی روشنایی حقیقی، دچار ناامیدی نکرده، بلکه آن‌ها را در این راه استوارتر می‌سازد.

برای این‌که این دریادلان سلحشور آمادگی لازم برای تحمل دشواری‌های بسیار سنگین دوران ظهور را در خود به وجود آورند، پیش از ظهور، آموزش‌های بسیاری خواهند دید. آن‌ها با توجه به اهداف پیش روی خود

مجبورند به سلاح مادی و معنوی مجهز شوند تا در رویارویی با دشمنان سنگدل از لحاظ بدنی نیرومند و پرتوان، و از جنبه روحی دارای اراده‌ای قوی و خلل‌ناپذیر در برابر انبوه مشکلات باشند. این مجاهدان می‌دانند از نظر نیروی انسانی و ابزار جنگی باید در سطحی باشند که بر تجهیزات پیشرفته رزمی دشمنان پیروز شوند. با این توصیف، چهار بعد اصلی از ابعاد مختلف شکل‌یابی سریع و پیروزی بلامنازع این سپاه مهدوی در برابر دشمنان خود را این‌گونه می‌توان تشریح کرد:

الف) اعتقاد و معرفت وصف‌ناپذیر سپاهیان امام زمان (عج) به حضرت و نظم و انضباط آن‌ها پیش از ظهور؛

ب) آمادگی و مهارت بالای رزمی رزمندگان پیش از خروج حضرت؛

ج) آمادگی دفاع و تهاجم در برابر جنگ تبلیغاتی و روانی دشمنان در همه دوران عصر غیبت و ظهور؛

د) مسلح بودن به تجهیزات جنگی در همه حال.

برای بسط مطالب بالا توضیح مختصری از آن‌ها در زیر ارائه می‌شود:

الف) اعتقاد و معرفت وصف‌ناپذیر سپاهیان امام زمان (عج) به حضرت و نظم و انضباط آن‌ها پیش از ظهور

مهم‌ترین و بارزترین مظهر یک ارتش قدرتمند، نظم و انضباط آن است. نظم و انضباط یک سپاه نیز نتیجه اطاعت‌پذیری نیروهای آن از فرمانده و رهبر خود است، اطاعت‌پذیری نیز به نوبه خود نتیجه اعتماد، اعتقاد و معرفت نسبت به خواسته‌ها و اهداف ترسیم شده از سوی رهبری و فرمانده است. سازماندهی و تشکیل سریع یک ارتش قوی و شکست‌ناپذیر در ظهور با توجه به اعتقاد و معرفتی که رزمندگان سپاه حضرت ولی عصر (عج) به فرمانده خود پیش از ظهور دارند، پیش از خروج قائم (عج) یک همگرایی و اتحاد قلبی در بین آن‌ها به وجود خواهد آورد که عاملی برای زمینه‌سازی و ایجاد نظم و انضباط در هنگام

ظهور خواهد شد؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه السلام در سخنانی که از یاران مخلص مهدی یاد کرده، به فرزند خود فرموده است:

... روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه، به اهتزاز درآمده، دست‌ها برای بیعت تو، پی‌درپی صف کشیده‌اند. دوستان باصفا، کارها را چنان به نظم و ترتیب درآورده‌اند که همچون دانه‌های در گرانبها که در رشته‌ای قرار گیرند، شمع وجودت را احاطه کرده‌اند و دست‌هایشان برای بیعت تو، در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد. قومی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه و گرانبها آفریده است. دل‌هایشان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه کرده است. به فرمان‌های دینی فروتنند و دل‌هایشان از کینه و دشمنی پیراسته، رخسارشان برای پذیرش حق آماده است و سیمایشان با نور فضل و کمال آراسته. آیین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۵)

این معرفت و علاقه وصف‌ناپذیر آن‌ها به ولایت و همگرایی در جهت برقراری حکومت الهی موجب خواهد گردید که اگر موانع و دشمنان پیش روی ایشان به بلندی و مستحکمی کوه‌ها باشند، آن‌ها به دلیل راسخ بودنشان در فرمان‌پذیری از امام زمان خود آن را از ریشه برکنند. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

سخن لوط علیه السلام به قوم خود: «کاش در برابر شما قدرتی می‌داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم» (هود: ۸۰) جز آرزوی قدرت امام قائم و سرسختی یاران او نبود که آنان تکیه‌گاه استوارند؛ زیرا به یک تن از آنان نیروی چهل تن داده می‌شود، و قلب هر یک از آنان سخت‌تر از پاره آهن است. اگر بر کوه‌های آهن بگذرند متلاشی گردد. آنان شمشیرها را در نیام نمی‌برند تا [با اجرای احکام الهی] خداوند بزرگ خشنود گردد. (صدوق، ۱۴۱۶: ج ۲، ۶۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۹، ۱۸۵)

خشنودی خداوند در این قیام جز به رضایتمندی امام عصر علیه السلام جلب نخواهد شد. بنابراین نیروهای سپاه مهدوی با عزم راسخ خود ارتشی را شکل خواهند داد که نظم و انضباط در آن ذاتی بوده و بر اساس همین ایمان

استوارشان، آن‌ها شکست‌ناپذیری خواهند بود. پیروزی و هدف غایی این ارتش در برطرف کردن موانع برقراری حکومت الهی معنا می‌یابد و مفهومی مستقل از معانی کنونی برد و باخت جنگ‌های فیزیکی دارد.

ب) آمادگی و مهارت بالای رزمی رزمندگان پیش از خروج حضرت

در نبرد و رویاروی با دشمنانی که در کنار و به پشتیبانی از آن‌ها تمام اسطوره‌های کفر طول تاریخ از خاک سر برآورده‌اند، داشتن مهارت رزمی رزمندگان مؤمن، اهمیت بالایی دارد؛ زیرا قرن‌ها انتظار اهل حق برای پیروزی، مرهون مجاهدت‌های همین جنگاوران الهی است. به همین دلیل در این سپاه نیازمند نیروهای رزمنده‌ای هستیم که آموزش نظامی دیده، شجاع، صبور و مقاوم در نبردها و در مسائل رزمی ورزیده و کارآزموده باشند. در نبرد حق علیه باطل، به جز لازمه داشتن نیروی ایمان و عشق به جهاد و شهادت در منتظران، باید آن‌ها توان رزم نیز داشته باشند تا بتوانند به پیروزی نایل شوند. بی‌سبب نیست که بنا به احادیث رسیده، در این نبرد نهایی و در میدان کارزار، از بین بردن دشمنان، ارزش بالاتری نسبت به شهادت خود فرد دارد. امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

پس اگر شما به دستورها و سفارش‌های ما بدون کم و کاست رفتار نمودید و همان‌گونه که به شما توصیه کردیم عمل کردید و از این حدود تجاوز ننمودید، هرکس از شما پیش از ظهور قائم ما در این حال بمیرد، شهید از دنیا رفته است و هرکس از شما قائم ما را درک کند و در رکاب او کشته شود، ثواب دو شهید دارد و هرکس در رکاب او یکی از دشمنان ما را به قتل رساند ثواب بیست شهید خواهد داشت. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۲)

با اوصافی که ائمه علیهم السلام نسبت به نبردهای رزمندگان امام بیان کرده‌اند، می‌توان آمادگی و نظم و انضباط پیشین آن‌ها را درک کرد و باید اذعان نمود تا زمانی که نتوانیم اعتقاد و معرفت عملی برای کسب آمادگی‌های بیش‌تر نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام و آرمان‌های ایشان کسب نماییم، نتوانسته‌ایم

گام نخست را برای زمینه‌سازی برداریم. هیچ بی‌قاعدگی و بی‌قانونی در جنگ نشان از مهارت و آمادگی رزمی نداشته و به پیروزی منتهی نمی‌شود، بلکه هر آمادگی برای پیروزی در کارزارها، نیازمند پشتوانه مهارت‌های پیشین است که نه یک‌باره، بلکه به صورت تدریجی و با زمینه‌های قبلی شکل می‌گیرد.

ج) آمادگی دفاع و تهاجم در برابر جنگ تبلیغاتی و روانی دشمنان در همه دوران عصر غیبت و ظهور

تضعیف روانی دشمن و انحراف او از خواسته‌های خود امری است که امروز اهمیت فراوانی دارد و یک جنگ روانی نرم محسوب می‌شود. شاید بتوان گفت یکی از علل توجه ویژه ائمه به مسئله بشارت منجی، همین امر است. این پیش‌گویی قطعی و حتمی پیامبر اسلام ﷺ که فرمود:

اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، خداوند متعال در آن روز از خاندان من مردی را برانگیزاند و جهان را پر از عدل و داد کند، چنان‌که پر از ظلم و ستم شده بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۸۵)

و روایات بشارتی بسیار رسیده از امامان ما، قرن‌هاست که با ایجاد جنگ تبلیغاتی باعث تزلزل و رعب و وحشت مستکبران و ستمگران و امیدواری مؤمنان شده است.

امروز در آستانه عصر ظهور بین دو طرف موافق و مخالف انقلاب حضرت مهدی عج جنگ روانی و تبلیغاتی گسترده‌ای واقع شده و به شکل باورناشدنی اوج گرفته است. مخالفان امام به شیوه‌های مختلف می‌کوشند به هر شکل ممکن، منتظران این امر را یا نسبت به وقوع حادثه دلسرد نمایند، یا انحراف و اختلاف بزرگی بین دوست‌داران حضرت مهدی عج به وجود آورند. در این جنگ روانی جهانی که پیش از ظهور امام عج آغاز گردیده، غفلت از معرفت‌بخشی مؤمنان نسبت به امام زمان عج و آرمان‌های این منجی جهانی باعث شکست در این نبرد تبلیغاتی و روانی خواهد شد.

در جنگ تبلیغاتی کنونی که تا آستانه ظهور و بلکه بعد از آن نیز کشیده خواهد شد. دشمنان ما در جهان، اصل ایجاد ترس و نفرت‌انگیزی نسبت به منجی مسلمانان را یکی از مهم‌ترین اهداف خود در فعالیت‌های ضداسلامی خود قرار داده‌اند. البته شیپور جنگِ نواخته شده در استودیوهای فیلم‌سازی غرب، به نام حوادثِ نوستراداموسی و آرماگدون، گاه محصولی برخلاف میل آنها داشته، به نحوی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هجمه آنها باعث گرایش و توجه بیشتر مسلمانان و غیرمسلمانان به این مقوله گردیده که این خود به نوعی باعث افزایش بیش‌تر ترس جنایتکاران غربی را در پی داشته است. آنها ناخواسته به دلیل بیان مبهم از علل وقایع آخرالزمان باعث کنجکاوی و حقیقت‌گرایی همگانی به مباحث منجی‌گرایی شده‌اند که این امر در صورت بهره‌برداری مناسب از سوی مؤمنان، نوعی امداد و نعمت بزرگ الهی محسوب می‌شود. خلاصه این‌که هرچند تبلیغ‌های منفی آنها برخلاف میل معتقدان مهدوی مکتب تشیع بوده، ولی به راحتی می‌توان ترس از این اعتقاد مسلمین را از اعمال و تبلیغات ناشیانه آنها مشاهده نمود و با برنامه‌ریزی صحیح، تهدیدها و تبلیغ‌های منفی ایجاد شده را به نفع خود به فرصت مبدل ساخت. برنده واقعی در این تبلیغات سهمگین، کسی است که معرفت خود را نسبت به امام خویش نه تنها از دست ندهد، بلکه بر میزان آن نیز بیفزاید.

(د) مسلح بودن به تجهیزات جنگی در همه حال

با توجه به سفارش اکید قرآن در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) به جمع‌آوری و تهیه اسباب جنگی و نیز آرمان‌های رزمندگان ارتش مهدی عجته مبنی بر از بین بردن نیروهای باطل، ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و پایان‌بخشی به زندگی جنایتکاران و متجاوزان، نباید اهمیت داشتن تجهیزات جنگی و وسایل رزمی مورد غفلت واقع شود. با توجه به نص صریح فرمایش خداوند در آیه فوق، می‌توان نتیجه گرفت که آمادگی رزمی شامل یک برهه و

روزگار را شامل نمی‌گردد، بلکه در سراسر عصر غیبت تا ظهور باید به توان‌بخشی سلاح‌های مدرن و تهیه آن‌ها تلاش نمود. امام صادق علیه السلام فرموده است:

باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه تهیه کند، اگرچه یک نیزه؛ چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۶۶؛ حکیمی، ۱۳۷۱: ۲۷۴)

سیر آمادگی و آماده‌سازی

امروز برای جوامع اسلامی به‌خصوص برای پیروان مکتب تشیع که هر روز با تهاجم و موانع جدیدی روبه‌رو هستند، افزایش قدرت و توان نظامی به دلیل داشتن آینده‌نگری الهی جزو یکی از اولویت‌های اولیه و زیربنایی است. ملتی که به وجود امام غایب باور دارد و منتظر رهبر آزادی‌بخش خود برای رفع عوامل مزاحمت فردی و اجتماعی، مبارزه با ظلم، فساد و سرکوب بیدادگران و گسستن زنجیرهای بردگی است، باید در خود توان دفاع و رزم را نیز داشته باشد. در قرآن مجید پس از ذکر دستور جنگ با گروه‌هایی که بر پیروان اسلام شمشیر می‌کشند، آمده است:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾؛ (بقره: ۱۹۳)

با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

این فرمان همیشگی و مستمر الهی به معنای آن است که در برابر هرگونه امری که به کوری عقل انسان‌ها منجر شده و باعث انحراف او می‌گردد باید ایستادگی نمود تا آفتاب حقیقی الهی در آسمان زندگی بشری پرتوافشانی نماید و این امر جز به جنگ نیروهای رزمنده مؤمن با ستمگران دنیاطلب واقع نمی‌شود.

در عصر حاضر با توجه به وضعیت سرزمین‌های اسلامی، مفسد رایج بین مسلمانان را می‌توان در سه بخش زیر بیان کرد:

- مسائل حقوقی و حکومتی: دست‌نشانده‌گی دولت‌ها، اجرای قوانین غیراسلامی و ظالمانه، حاکمیت استبدادی و...؛

- حوزه اخلاقی: گسترش اخلاق‌های غیراسلامی در اقتصاد و فرهنگ، شدت یافتن مسائل فسادهای جنسی، مصرف‌گرایی و...؛

- جنبه‌های مذهبی: تحمیل خواسته‌های هوس‌آلود برخی علمای به اصطلاح دینی، همانند فرقه وهابیت، تکفیری و سلفی، در صدور فتواهایی که باعث کشتار بی‌گناهان بسیاری شده و تبلیغات منفی علیه اسلام را در پی داشته است و...

با توجه به این مطالب برای افزایش آمادگی و زمینه‌سازی در بین پیروان اسلام برای برپایی حکومت جهانی الهی باید در سه محور خودسازی فردی، اصلاح‌گری جمعی و آماده‌سازی اسباب و لوازم افزایش قدرت و حاکمیت اسلامی تلاش نمود. این سه حلقه دارای پیچیدگی‌های خاصی در ارتباط با هم هستند. باید گفت این سه بخش در ارتباط با هم لازم و ملزوم یکدیگرند. آغاز فعالیت در این حوزه از خودسازی فرد شروع می‌شود، ولی بدون مهیا نمودن زمینه‌ها و لوازم برقراری حاکمیت اسلامی، اصلاح‌گری فردی و اجتماعی، معنای واقعی خود را نمی‌یابد. از آن‌جا که رزمندگان مکتبی مهدوی از دل این مجاهدت‌های نفسانی و اجتماعی بیرون خواهند آمد، به صورت اجمالی نقش این پیکارگران الهی را در این سه محور، این‌گونه می‌توان توضیح داد:

الف) خودسازی

این سخن خداوند در قرآن مجید که «بگو [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگریست» (توبه: ۱۰۵) اعلام نظارت خدا و پیامبر او و امام زمان علیه السلام (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ج ۸، ۱۲۶) بر رفتار و کردار ماست. بنابراین ریا، تزویر و نفاق در مسیر زندگی

ما شاید برای ظاهربینان کارساز باشد، ولی در محضر خداوند این عوام‌فریبی‌ها رنگی ندارد و باید در صراط مستقیم، وجود خویش را از رذایل پیراسته و به فضایل زینت دهیم و این اولین لازمه حرکت الهی است.

بیش‌ترین قسمت برنامه‌های اصلاحی خودسازی با «خود آگاهی» و «احساس نیاز» فردی و مردمی پیاده می‌شود و این اصل نیازمند آموزش و تربیت گسترده همگانی است. مجاهدی که در مسیر حرکت به سوی ظهور قرار گرفته و نسبت به وضعیت نفسانی خود آگاهی یافته، ناخواسته برای رسیدن به آرمان‌های خود باید رذایل را کنار بگذارد. او با کنار زدن راحت‌طلبی‌ها و عادت‌های افیونی، بر امور واقعه بصیرت می‌یابد و همین مجاهد به مرحله‌ای می‌رسد که جز به رضایتمندی خداوند خشنود نمی‌شود.

با این وضعیت، برای رسیدن به فضایل و پالایش از رذایل، به تلاش‌های علمی و عملی نیازمندیم. در این مسیر، نخست، شناخت فضایل و رذایل و آگاهی از جایگاه واقعی انسان لازم است و سپس احساس نیاز به مبارزه و مجاهده با نفس اماره در انسان شکل می‌گیرد. کسی که از این کارزار پیروز و سربلند بیرون نیاید، در مراحل عینی نبردهای حق و باطل شکست خواهد خورد. از این‌رو تا زمانی که در نظام آموزشی و تربیتی کشورهای اسلامی، به عنوان اولین محل خودسازی مسلمانان، اعم از مدرسه یا دانشگاه، استاد و دانشجوی مسلمان، در تعارض بین اخلاق و تفکر علوم غربی و تقوای توصیه شده اسلامی است، باید اقرار داشته باشیم که هنوز در ما آن خودآگاهی و احساس نیاز واقعی شکل نگرفته است تا به نزاع بیهوده افکار و آرای پراکنده و التقاطی غربی پایان دهیم. امروز در هیاهوی جنجالی و غفلت‌انگیز توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی و هجوم ماهواره‌ها، اینترنت و... در ملل اسلامی تظاهر به داشتن جامعه مدل اسلامی و مکتبی با نظام تربیتی غربی، فریب‌خوردگی است و با این اوهام نمی‌توان به جنگ دشمنان امام زمان علیه السلام رفت؛ چون روح و تفکر خصمانه آن‌ها در کالبد ما حضور دارد.

با توجه به ویژگی‌های انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، یاران مخلص ایشان نیز ویژگی‌های تربیتی برجسته‌ای دارند؛ چنان‌که همه بزرگان اقرار دارند که هدف حکومت مهدوی، تصرف زمین یا اسیری انسان‌های خاص، یا ساقط نمودن حکومت‌ها نیست؛ زیرا پیش از قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام پادشاهان و امپراتوری‌های بزرگی بر همه زمین احاطه داشته‌اند، بلکه شهرت و غایت این قیام به تصرف و دگرگونی در دل‌ها، اعتقادات و رفتار انسان‌هاست. بنابراین، یک پیکارگر مهدوی باید ترکیب استفاده سلاح جنگی و رفتار اعتقادی را برای برداشتن همزمان موانع و مشکلات از مقابل انقلاب جهانی و تأثیرگذاری و اصلاح اعتقادی انسان‌ها را نیز بداند و این بدان معناست که یک منتظر واقعی باید در ابعاد جسمی و روحی آماده باشد.

(ب) اصلاح‌گری جامعه

وجود انسان به مانند قطعه‌ای کوچک از دستگاه بزرگ جامعه است که اگر او در این دستگاه در جایگاه خود قرار نگیرد، غیر از این‌که دستگاه ضرر خواهد کرد، خود این قطعه نیز نابود می‌شود. از زاویه دیگر، این مسئله این‌گونه طرح می‌شود که جامعه نباید با انتخاب مسیر غیرالهی و مسخ فکری اعضای خود، به برده‌داری آن‌ها پردازد که در غیر این صورت، انسان‌ها جز ترک آن جامعه، تکلیفی ندارند.^۱ هیچ قطعه‌ای از این دستگاه بزرگ جامعه نمی‌تواند مستقل از پیکره خود به سعادت برسد و برعکس جامعه نیز بدون داشتن افراد صالح به آمال خود دست نخواهد یافت. بنابراین جدایی یک فرد از اجتماع تصورناشدنی است و برای فرد و جامعه زیان‌بار خواهد بود.

۱. کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می‌دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می‌گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است. (نساء: ۹۷)

با توجه به شکل درهم‌تنیده جامعه و فرد اسلام، اصلاح‌گری را هم جمعی و هم فردی می‌داند:

بگو: شما را به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن این‌که دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید. (سوره سباء، آیه ۴۶)

احکام اسلام نیز نمایان‌گر جریان مداوم اصلاح‌گری در جامعه اسلامی است. امر به معروف و نهی از منکر (مبارزه با مظاهر فساد و پلیدی) و قوانین و احکامی که به نظم و انضباط در زندگی و جامعه بستگی دارند، در عین فردی بودن جمعی نیز به شمار می‌آیند. همگی این قوانین به اصلاح جامعه اسلامی کمک رسانده و مانع از سقوط آن در ورطه نابودی می‌شود. ارتش الهی که با آرمان بزرگ مهدوی قصد حاکمیت جهانی اسلام را دارد، باید از بین اعضای جامعه، انسان‌های صالح را برای خود گزینش نماید تا در مسیر خود دچار انحراف نگردد.

در زندگانی اجتماعی، محور همزیستی مردم با یکدیگر، بر اعتماد استوار است. اگر اعتماد از جامعه بشری برداشته شود، زندگانی جمعی بی‌معنا می‌شود و از هم فرومی‌پاشد. پایه بزرگ اعتماد در زندگانی جمعی، امانت‌داری در مسئولیت‌ها و ترک خیانت در جهت‌دهی الهی زندگانی مردم است. پس چاره نهایی همه اصلاحات، به‌گونه‌ای که نفوذ عمیق و حقیقی در اجتماع داشته باشد، اولاً تلاش و کوشش رهبران و فرماندهان کشور برای کسب بیش از پیش علم و تقوا در خود و ثانیاً اجرای آنچه صلاح مردم و خشنودی خداوند متعال است. در مقابل مردم و رزمندگان نیز موظفند مجریان و فرماندهان را در این مسیر یاری نمایند. در این هدف بزرگ، اعتقاد به خدا و قدرت بی‌نهایت او به انسان در رویارویی با مشکلات نیرو می‌بخشد و پناهگاه مطمئنی در برابر عوامل ناامیدی ایجاد می‌کند. در این میان، اعتقاد به ظهور منجی نیز جامعه را پویا و شاداب نگه می‌دارد و به شرط درک درست مفهوم انتظار، مسئله مهدویت، موتور نیرومند حرکت و اصلاح‌گری در جامعه خواهد بود.

ج) آماده‌سازی حاکمیتی

اولین مسئله‌ای بحث‌برانگیزی که در زمینه‌سازی وجود دارد، تلاش برای برقراری حکومت و حاکمیت اسلامی مبتنی بر پذیرش امامت و ولایت امام مهدی عج است. این نوع نگرش، همواره همراه مکتب نجات‌بخش تشیع بوده و بر اساس همین آینده‌نگری مثبت الهی، پیروان آن توانسته‌اند قدرت و نفوذ مرزهای اعتقادی خود را تا درون اردوگاه‌های دشمنان شرور خود گسترش دهند. نمونه درخشان عملکرد این نوع گرایش صحیح، به ثمر نشستن انقلاب اسلامی ایران به پشتوانه اعتقاد مهدوی ولایت فقیه در کشوری با حکومت طاغوتی و وابسته به غرب است که در میان بهت و حیرت آن‌ها و در عصر جهالت مدرن، بار دیگر قدرت رویش‌گری اسلام را نمایان کرد و نور امید تازه‌ای در دل همه انسان‌های آزاده جهان برافروخت. دو بازوی باور راستین به حضرت بقیه الله عج و انتظار سازنده آن حضرت، مهم‌ترین امر در زمینه‌سازی این نوع دگرگونی‌های زیربنایی در کشورمان گردید و معنای انتظار فرج نیز در این دو کلمه نهفته است.

بر این اساس جامعه شیعی ایران، حکومتی بر اصل ولایت فقیه شکل داد که این اصل، خود از بن امامت سرچشمه گرفته و لازمه گسترش اسلام راستین است. امام خمینی ره در این باره می‌فرماید:

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ۳۲۷)

پس در ادامه این راه، همه تلاش‌ها باید بر فراهم‌سازی حکومتی عدالت‌گستر و صادرکننده تفکر برقراری حکومت جهانی اسلامی متمرکز باشند. مخالفان عقاید ملت ایران از آینده‌نگری انقلاب اسلامی باخبر بودند. بنابراین آن‌ها بعد از انقلاب بر ملت مسلمان ایران مصایب مختلفی تحمیل نمودند تا آن‌ها را از ادامه مسیر بازدارند. تحمیل هشت سال جنگ نابرابر از جمله صدها مشکل تراشی مستکبران جهانی بود که به خواست الهی، این انقلاب بر همه آن‌ها فائق آمد. با وجود ادامه تهدیدهای گوناگون، دشمنان نظام اسلامی که به رویارویی با این حکومت پرداخته‌اند، فراهم‌سازی تجهیزات جنگی، حکمی عقلی و شرعی است. حال اگر بر این فریضه، توصیه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام برای آمادگی رزمی در عصر غیبت را اضافه کنیم تکلیف یک منتظر صادق و واقعی مشخص‌تر می‌شود. «صاحب السیف» بودن حضرت قائم اشاره‌ای به مسلحانه و قهرآمیز بودن قیام و انقلاب مهدی عج دارد. امام صادق علیه‌السلام فرموده است:

همه ما، یکی پس از دیگری، برپادارنده امر خداییم، تا این‌که صاحب شمشیر ظهور کند. آن‌گاه که صاحب شمشیر ظهور کند، شیوه‌ای غیر از آنچه پیش از آن بوده است، در پیش می‌گیرد. (کلینی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۵۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۳۲)

مجاهدان سپاه امام عصر عج

این یک واقعیت عملی و حقیقی است که پروردگار عالم بر هر چیز توانا است و هرگاه اراده پیروزی آیین پاکش را بر همه جهان داشته باشد، بدون هیچ مشکلی به این ایده جامه عمل خواهد پوشاند. همه آنچه تحت عنوان مباحث امام زمان عج مطرح می‌شود، گفت‌وگویی خیالی یا آرزویی بعید نیست؛ زیرا خداوند بر حقیقت وقوع این امر در آینده تأکید کرده است؛ آن‌جا که می‌فرماید:

و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (انبیاء: ۱۰۵)

این آیه، صالح بودن را از ویژگی‌های وارثان زمین برمی‌شمارد. پس با توجه به آنچه درباره سیر آمادگی و آماده‌سازی بیان شد، منتظران و مجاهدان حضرت حجت علیه السلام ویژگی‌های برجسته‌ای نیز دارند که امام صادق علیه السلام عمل آنها را این‌گونه توصیف می‌کند:

منتظران همانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر فرق دشمن ضربه مهلک وارد می‌سازند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۶)

پس وقوع این حاکمیت برای کسانی پیش خواهد آمد که در انتظار خود، ویژگی‌های الهی را کسب نمایند.

فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که به وی فرمود:

گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست، و پرچمی است که از روزی که آن را پیچیده‌اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل‌های آنها مانند پاره‌های آهن است. تردیدی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در ایمان از سنگ محکم‌تر است. اگر آنها را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان برمی‌دارند. لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی‌کنند، جز این‌که آن را خراب نمایند. اسب‌های آنها زین‌های زرین دارند و خود آنها برای تبرک، بدن خود را به زین اسب امام می‌سایند. آنها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام می‌دهند. مردانی در میان آنها هستند که شب‌ها نمی‌خوابند. زمزمه آنها در حال عبادت، همچون زمزمه زنبور عسل است. همه شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آنها در وقت شب، راهب و هنگام روز، شیرند. در فرمان‌برداری امام، بیش از کنیز نسبت به آقايش پافشاری دارند. مانند چراغ‌های درخشانده‌اند و دل‌هاشان همچون قندیل‌هاست و از خوف خدا خشنود هستند. آنها ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه خداوند کشته شوند. شعار آنان این است: «ای خون‌خواهان حسین!» از هر جا می‌گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک ماه راه در دل‌ها جای می‌گیرد، و بدین‌گونه به پیش می‌روند. خداوند نیز پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می‌گرداند. (دوانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰۱)

با توجه به این حدیث، به چند نکته از ویژگی‌های رزمندگان گردآمده در اردوگاه امام عصر (عج) اشاره می‌نماییم که با این ویژگی‌ها همواره زمینه‌ساز تحولات شگرف در جهان بوده‌اند:

۱. آنان انسان‌هایی باایمان و مؤمن به حقایق اسلام، به‌خصوص درباره مهدی موعود (عج) هستند؛

۲. در حرکت به میدان جهاد، پیرو محض فرمان امام هستند و از همدیگر سبقت می‌گیرند؛

۳. جهاد آن‌ها فی سبیل الله بوده و قصد آن‌ها تعدی و ظلم نیست، بلکه هدفشان برچیدن بساط ستم از زندگی بشری است؛

۴. پیش‌بینی حمله بیش از حد دشمنان قدرتمند به این ارتش الهی با توجه به پیروزی چشمگیر و حتمی سپاه مهدوی، این امر شاهدهی بر دل‌بسته نبودن مجاهدان به زندگی دنیا و امور مادی است؛

۵. در برخورد با دشمنان قاطعانه و بی‌ملاحظه عمل می‌کنند؛

۶. حضور آن‌ها در این اردوگاه اختیاری و به دلیل داشتن دلی لبریز از عشق الهی است؛

۷. سربازان حضرت در زمان و مکان مناسب صاحب‌العصر را یاری می‌رسانند.

همه این موارد نشان‌گر این است که باید منش و اعمال سربازان امام زمان (عج) با خواسته‌های رهبر خود سنخیت داشته باشد. موافقت و هماهنگی با امام در عدالت، تقوا و... لازمه حضور در این سپاه است. همچنین برای این تجانس، تنها حرف و سخنرانی کافی نیست؛ بلکه منتظران پیش از خروج حضرت، باید هم تمرین عملی و هم تمرین فکری داشته باشند؛ تمرین عملی برای طرفداری، برپایی عدل، الزام خود به آن و تمرین فکری برای رویارویی با شیوع انحراف‌های فکری و واکسینه فکری همگانی. در این روایت پس از ایمان و معرفت، بیش‌تر از سلحشوری، جهاد، رزمندگی و اراده قوی آن‌ها

سخن به میان آمده است و بیان گر آن است که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی عجته باید جهاد کرد و هرگز با دشمنان اسلام سازش ننمود و این رزمندگی امری نیست که به یک باره و در یک شب برای ما به خودی خود، سامان گیرد. گاه امامان معصوم علیهم السلام به مؤمنان پیغام داده‌اند که باید همیشه همانند یک نظامی حقیقی گوش به فرمان بوده و حتی در بیان اسم ایشان نیز احترام و آداب نظامی را رعایت نمود؛ چنان‌که نقل شده است: در حضور امام رضا علیه السلام کلمه «قائم» گفته شد؛ حضرت برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود:

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۳۰)

خداوندا، بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان!

درباره این حرکت از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا به هنگام شنیدن نام «قائم» لازم است برخیزیم؟ فرمود: آن حضرت غیبتی طولانی دارد و این لقب یادآور دولت حقّه آن حضرت و ابراز تأسف بر غربت اوست. از این رو امام زمان عجل الله تعالی فرجه با محبت و مرحمتی که به دوستانش دارد، به هر کس که حضرتش را با این لقب یاد کند، نگاهی محبت‌آمیز می‌کند. از تجلیل و تعظیم آن حضرت است که هر بنده خاضعی در مقابل صاحب عصر خود، هنگامی که مولای بزرگوارش به سوی او بنگرد از جای برخیزد، پس باید برخیزد و تعجیل در امر فرج مولایش را از خداوند منان مسئلت نماید. (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱: ۵۰۶)

منابع

۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، ترجمه: احمد جنتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
۲. حکیمی، محمدرضا، *خورشید مغرب*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ش.
۳. خمینی، سیدروح‌الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
۴. دوانی، علی، *مهدی موعود* (ترجمه ج ۱۳ بحار الانوار)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۰ ق.
۵. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، *منتخب الاثر فی امام الثانی عشر*، قم، انتشارات حضرت معصومه، چاپ دوم، ۱۴۲۱ ق.
۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، مکتبه الصدوق، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۹. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش.
۱۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، ترجمه: جواد غفاری، تهران، انتشارات صدوق، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

فرهنگ انتظار شاخص‌ترین راهبرد در نفی از خودبیگانگی فرهنگی

مهدی رضوی^{*}

چکیده

مسئله «از خودبیگانگی» از جمله مسائلی است که به دلیل اهمیت آن، در دوره‌های گوناگون مورد توجه بوده و در طول یکی دو قرن منتهی به قرن حاضر، به دلیل شرایط و ساختار حاکم بر غرب از سوی متفکرانی مانند هگل، باخ و مارکس مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

در این نوشتار، کوشش شده است با تبیین مفهوم از خودبیگانگی، به ماهیت و تاریخچه آن توجه شده و سپس ماهیت فرهنگ و انواع آن به عنوان دو مبحث مقدماتی مورد توجه قرار گیرد.

در فصل پس از آن، ماهیت از خودبیگانگی فرهنگی، مبانی، ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن، بررسی می‌شود.

در فصل بعد، با نگاهی عمیق به فرهنگ انتظار، به عنوان یک راهبرد فرهنگی، ماهیت، هدف، ویژگی‌ها، شاخص‌ها، آرمان‌ها و عامل محرک آن به نحو دقیق کاویده خواهد شد و در ادامه، دلایل راهبردی بودن فرهنگ انتظار تبیین می‌شود.

در فصل تالی، فرهنگ غرب به عنوان نماد از خودبیگانگی فرهنگی ارزیابی می‌شود و در واپسین فصل، به بخشی از راهکارهای عملی خروج از سیطره از خودبیگانگی فرهنگ غرب و صعود به دروازه‌های عصر ظهور با استفاده از فرهنگ راهبردی انتظار اشاره خواهد شد.

واژگان کلیدی

فرهنگ، فرهنگ انتظار، از خودبیگانگی، از خودبیگانگی فرهنگی، راهبرد، راهکار.

* پژوهشگر حوزه علمیة اصفهان.

مقدمه

انسان در طول تاریخ همواره با رنج‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو بوده که گاه بر آن‌ها غلبه کرده و گاه در مقابل آن‌ها به زانو درآمده است. یکی از بزرگ‌ترین رنج‌هایی که در طول تاریخ گریبان‌گیر انسان‌ها بوده است، مسئله ازخودبیگانگی است که در قرون اخیر و به‌خصوص در جوامع غربی بروز بیش‌تری پیدا کرده است. این مشکل پس از آن در غرب، ظهور و بروز وسیعی یافت که اومانیسم و انسان‌مداری در صدر تفکرات فلسفی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و انسان‌شناختی غرب قرار گرفت و اصالتِ سعادت و رستگاری جای خود را به اصالتِ لذت و بهره‌وری مادی صرف داد. توسعه دامنۀ این آسیب، متفکران غربی را بر آن داشت تا در پی چاره برآیند. از این‌رو افرادی چون هگل، مارکس و فوئر باخ به ارائه نظریات گوناگون که بعضاً متوافق و گاه متناقض بود پرداخته و درصدد برآمدند که جامعه غرب را از این گردنۀ دشوار عبور داده و از این بیماری برهانند. لکن این افراد به سبب نداشتن درک صحیح از هویت و اصلِ اصیل وجودی انسان و فلسفۀ هستی او کاری از پیش نبرده و حتی دردی بر دردهای گذشته افزوده و دین را سبب و مظهر ازخودبیگانگی انسان، و خدا را انسان ایده‌آل خیالی نامیدند. از همین‌روست که جامعه غربی هنوز با این آسیب، دست به گریبان بوده و از آن نرهیده است.

البته نباید تصور کرد که این بیماری مخصوص فرد و جامعه غربی و اومانیستی است؛ چرا که جوامع شرقی و حتی اسلامی نیز به دلیل دوری از تعالیم انبیا و بی‌توجهی به راهبرد انسان‌سازی که به وسیلۀ انبیا ارائه شده است، با این آسیب در دو حوزه فرهنگ فردی و فرهنگ اجتماعی روبه‌رو بوده و با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و چه‌بسا ازخودبیگانگی در جوامع و فرهنگ‌هایی از این دست که خود را پیرو فرهنگ و تکنولوژی غرب می‌دانند، نسبت به ازخودبیگانگی موجود در غرب عمقی دوچندان داشته باشد. این شدت و دوچندانی به دو جهت متسبب است:

۱. به جهت اصالتی است که این فرهنگ‌ها به «خود طبیعی» خود داده‌اند؛
۲. به جهت «ماهیت تقلیدی» و «پیرو» بودن آن‌ها نسبت به فرهنگ ازخودبیگانه غرب است.

در این نوشتار با نگاهی گذرا به تاریخچه مطالعات ازخودبیگانگی در مغرب‌زمین و نظریات ارائه شده از سوی متفکران غربی، و نیز اشاره به دیدگاه اسلام درباره انسان و مسئله ازخودبیگانگی، زاویه دید خود را روی مسئله ازخودبیگانگی فرهنگی^۱ متمرکز نموده و با مقایسه فرهنگ ازخودبیگانه و فرهنگ انتظار به بیان نقش فرهنگ انتظار به عنوان یک راهبرد اساسی و حتی به عنوان اساسی‌ترین راهبرد در رویارویی با ازخودبیگانگی فرهنگی می‌پردازیم.

ازخودبیگانگی

مفهوم ازخودبیگانگی

واژه «ازخودبیگانگی» که در غرب با لفظ «Alienation» از آن یاد می‌شود، در طول تاریخ خود، گاه با بار ارزشی مثبت و به معنای رهایی نفس از گمراهی و تولد دوباره آن به کار رفته است؛ ولی بیش‌تر متفکران و پیروان ادیان الهی این لفظ را به عنوان لفظی که دارای معنای ضد ارزشی و منفی است به کار برده‌اند. آنچه امروزه بین دانشمندان متداول است، مفهوم ضد ارزشی آن است و مسئله فرهنگی که به طرح این مسئله پرداخته‌اند در این نقطه واحد اشتراک دارند. که مشخص ازخودبیگانه بر اساس مسیر تحقیقی بخشی به شخصیت حقیقی است^۲ داده‌اند. در حرکتی می‌شود و مسیری که در آن گام می‌گذارد، او را به پیش‌تر از وضعیت فعلی و واقعیت سرریزی نمی‌فراسی‌نمایند.

۱. کمترین است. در این نوشتار به عنوان ازخودبیگانگی فرهنگی، و فرهنگ ازخودبیگانگی می‌آید، ناظر به یک معنا خواهد بود و تنها از جنبه موضوعی و اسم مصدری تفاوت‌هایی بین آن دو وجود دارد.

ارینک فروم در تعریف از خود بیگانگی می‌گوید:

از خود بیگانگی حالتی است که فرد از خود بیگانه خود را مرکز عالم به حساب نمی‌آورد و خالق اعمال خود نیست، بلکه اعمال و نتایج آن حاکم بر وی هستند و او از آنها اطاعت می‌کند یا حتی آنها را ستایش می‌نماید. (فروم، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

بنابر تعریف مارکس، شخص از خود بیگانه کسی است که بر اثر عواملی چون دولت، دین، سرمایه، مالکیت و... از خود اختیار ندارد و این عوامل است که در او تأثیر می‌گذارد و او را به بردگی درمی‌آورد و شخص از خود بیگانه همواره خود را فدای آنها می‌کند. (نک: مطهری، ۱۳۷۳: ج ۱۳، ۵۹۷، به نقل از: پی یتر، بی تا: ۳۰)

به نظر شهید آیت‌الله مطهری «از خود بیگانگی حالتی است که در آن، انسان خود را با ناخود اشتباه می‌کند و ناخود را خود می‌پندارد، و چون ناخود را خود می‌پندارد، آنچه به خیال خود برای خود می‌کند در حقیقت برای ناخود می‌کند و خود واقعی را متروک و مهجور، و احیاناً ممسوخ می‌سازد.» (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۰۸)

از دیدگاه دکتر علی شریعتی «از خود بیگانگی حالتی است که در آن شخصیت واقعی انسان زایل می‌گردد و شخصیت بیگانه‌ای (انسان یا شیء) در آن حلول می‌کند و انسان، "غیر" را "خود" احساس می‌کند.» (شریعتی، ۱۳۶۰: ۲۰۰)

بر اساس گفته‌های فوق می‌توان از خود بیگانگی را این‌گونه تعریف و تفسیر نمود که: از خود بیگانگی حالت شخصی است که حقیقت و خود اصلیش را فراموش کرده و شخص یا شیء دیگری را حقیقت خود می‌پندارد. از همین‌رو همه تلاش‌ها و فعالیت‌های خود را برای تحصیل آن، ساماندهی می‌کند.

تاریخچه از خود بیگانگی

اگرچه در قرون اخیر از خود بیگانگی مورد توجه متفکران غربی قرار گرفت، ولی این بدان معنا نیست که پیدایش و ظهور از خود بیگانگی مربوط به این

قرون است؛ بلکه از خودبیگانگی عمری به درازای زندگی بشر دارد و انسان همواره خود را در معرض این آسیب یافته است. از همین رو افرادی چون جان کالون، اولین ظهور و بروز از خودبیگانگی را مربوط به هبوط انسان به زیستگاه زمینی خود می‌دانند و حتی بت‌پرستی را در این حوزه ارزیابی می‌نمایند.

اریک فروم در این باره می‌گوید:

تاریخ بیگانگی به دوره پیامبران عهد عتیق باز می‌گردد؛ دوره‌ای که در آن صحبت از پرشش بت‌هاست و انسان بت‌پرست در مقابل چیزی کرنش می‌کند که خود ساخته است. (فروم، ۱۳۸۶: ۱۴۶)

توجه به مسئله از خودبیگانگی در غرب

در دوره‌های بعد از رنسانس مفهوم از خودبیگانگی مورد توجه بسیاری از فلاسفه، متفکران، نویسندگان و روشنفکران غربی قرار گرفت. گسترده‌ترین کاربرد این واژه توسط فلاسفه پیش از هگل به واصفان مکتب قرارداد اجتماعی، یعنی توماس هابز، جان لاک و ژان ژاک روسو بازمی‌گردد.

به نظر می‌رسد اندیشه‌های روسو در رساله‌ای درباره نابرابری نخستین سرچشمه مفهوم دقیق از خودبیگانگی در غرب است. او در رساله‌ای درباره خوبی طبیعی انسان و تأثیر مخرب جامعه بر طبیعت فرد سخن رانده است. (نک: مارکوزه، ۱۳۶۲: ۱۱۰)

«فردریش ویلهلم هگل» نخستین فردی است که به بحث جامع و گسترده‌ای درباره از خودبیگانگی پرداخت و کوشید تفسیر روشنی از آن ارائه کند. نظرات وی و دو نفر از متأثران و منتقدان او، یعنی فوئر باخ و کارل مارکس درباره از خودبیگانگی، اساس این مقوله را در غرب تشکیل می‌دهد.

هگل مفهوم از خودبیگانگی را اختصاصاً درباره انسان به کار نبوده است، بلکه آن را درباره دیالکتیک خودش که شامل همه اشیا می‌شود به کار برده است؛ بدین معنا که وی برای اشیا سه مرحله قائل است:

۱. این که هستی خود را تصدیق می‌کند و این همان مرحله «تز» است.

۲. این که همان شیء به انکار خود برمی‌خیزد و از خود بیگانه می‌شود و این همان «آنتی‌تز» است که در زبان فرانسوی با لفظ «الیناسیون» شناخته می‌شود.

۳. این که «تز» و «آنتی‌تز» در هم پیچیده و موجود جدیدی را فراهم می‌آورد. تعبیر «الیناسیون» گرچه از نظر لغت درباره انسان به کار می‌رود، ولی می‌توان آن را به گونه‌ای تعمیم داد که تمام نفی‌هایی که از درون اشیا برمی‌خیزد را شامل شود و این اصطلاحی است که هگل در فلسفه دیالکتیکی خود به آن پرداخته است.

هگل به‌طور کلی در فلسفه خود، هستی را شامل سه شاخه روح، طبیعت و انسان می‌داند و معتقد است در بدو امر روح یا همان خدا از خود بیگانه شد و طبیعت به وجود آمد و در مرحله بعد خدا و طبیعت درهم پیچیده و متحد شد و انسان پدید آمد. (نک: مطهری، ۱۳۷۳: ۵۵۷)

پس از هگل، شاگرد وی یعنی فوئر باخ به این موضوع پرداخت و قائل شد که دین و مفاهیم دینی منشأ از خود بیگانگی در انسان است. وی برخلاف هگل که از خود بیگانگی را درباره ایده به کار می‌برد، آن را درباره انسان به کار برده است. باخ معتقد است انسان در درون خود دو وجود و دو شخصیت سراغ داشت؛ از طرفی در وجود خود مجموعه‌ای از صفات عالی مانند علم، راستی و عدالت را می‌دید و از طرف دیگر، خود را مغلوب تمایلات حیوانی می‌یافت و به همین سبب از خود متنفر شد. از این رو هرچه صفات خوب و مثبت در خود سراغ داشت را به یک موجود مافوق و خیالی نسبت داد و نام آن را خدا نهاد؛ یعنی در افکار خود فراقینی کرد و سپس در برابر آن موجود خیالی احساس شرم و گناه نمود و به عبادت او مشغول شد.

به عقیده وی، خداوند تصور کامل انسان از خود اوست و این خداست که آفریده انسان است، نه این که انسان آفریده خداوند باشد.

باخ، دین را مظهر از خود بیگانگی انسان می‌داند؛ زیرا انسان، امری موهوم که ساخته خود اوست را مورد پرسش قرار می‌دهد. وی معتقد است برای رفع

از خودبیبگانگی باید انسان خود را بازیابی کند و خودش را خدای خود قرار دهد. فلسفه باخ از این نظر، نوعی اومانیسم و انسان‌گرایی تلقی می‌شود. (نک: همو: ۵۵۹)

پس از باخ، کارل مارکس در صدد برآمد انسان‌گرایی باخ را از حالت ذهنی و انتزاعی به صورت خارجی و عینی درآورد. وی در فلسفه خود معتقد است انسان‌گرایی به صورت کلی بی‌معناست؛ زیرا «انسان نوعی» از نظر او امری انتزاعی است. در اندیشه وی همه چیزها از جمله انسان ماهیت طبقاتی دارد و انسان در طبقه هویت پیدا می‌کند، بر خلاف اسلام که انسانیت را در نوعیت جست‌وجو می‌کند و قائل به فطرت انسانی است.

مارکس از خودبیبگانگی موجود در فلسفه باخ را گسترش داد و اظهار کرد که گرچه دین منشأ از خودبیبگانگی است، ولی از نظر اهمیت در درجه دوم قرار دارد و آنچه در رتبه اول قرار می‌گیرد و اساسی‌ترین منشأ از خودبیبگانگی انسان به شمار می‌رود، دولت است.

او درباره ریشه از خودبیبگانگی معتقد است از خودبیبگانگی معلول وضع خاص اقتصادی و اجتماعی است که در دنیای امروز مبتنی بر استثمار و استعمار است؛ عده‌ای به سبب سودجویی و عده‌ای نیز به سبب ناامیدی به وضع موجود روی آورده‌اند و این وضع باید از بین برود تا در نتیجه آن، دین و از خودبیبگانگی انسان را از بین برود.

از نظر وی مبارزه با دین و دین‌گرایی که منشأ از خودبیبگانگی است در درجه دوم قرار دارد و اولین اقدام و ضروری‌ترین حرکت گرایش به سوسیالیسم و کمونیسم است که در آن، هم سرمایه، هم دولت و هم دین نفی می‌شود. آنچه این سه متفکر غربی به صورت مشترک بدان عقیده دارند این است که دین منشأ از خودبیبگانگی بشر است. آن‌ها معتقدند برای نجات از آسیب از خودبیبگانگی، باید دین در معرض اضمحلال قرار گیرد و از زندگی بشر رخت بربندد، و تا دین هست از خود بیگانی هم همراه اوست.

عقاید این سه نفر باعث شد اومانیزم فلسفی که از زمان آگوست کنت شکل گرفته بود تقویت شده و حرکت دین‌زدایی شدت یابد.

نکته مهم

تذکر این نکته ضروری است که طرح مسئله از خودبیگانگی متوقف بر اعتقاد به هویت نوعی و فطرت انسانی است و تنها مکاتبی می‌توانند به طرح مسئله از خودبیگانگی پردازند که معتقد به این هویت باشند؛ اما بیش‌تر کسانی که در غرب به بحث از خودبیگانگی پرداخته‌اند از تعریف انسان و هویت او شانه خالی کرده و حتی در بعضی موارد، این هویت نوعی را نفی کرده‌اند و برای انسان، هویتی اعتباری قائل شده‌اند؛ چنان‌که مارکس به چنین امری معتقد است.

از همین‌رو یکی از اشکالات اساسی وارد بر او در موضوع از خودبیگانگی، همین قائل نبودن به هویت مشترک انسانی است.

فرهنگ

تعاریف مختلف فرهنگ

برای واژه «فرهنگ» و معادل لاتینی آن یعنی «culture» تعاریف بسیاری گفته شده است و شاید بتوان شمار این تعاریف را بیش از دویست و پنجاه مورد دانست.

فرهنگ در نظر تیلور عبارت است از توانایی و عادات‌هایی که آدمی به عنوان عضو جامعه کسب کرده است. (برگ، ۱۳۷۰: ۹۵) به نظر وی این توانایی و عادات، مجموعه منتظمی را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که هر جزء در بقای کل، نقش ایفا می‌کند. (ستوده، ۱۳۷۳: ۹۹)

ریموند ویلیامز در کتاب فرهنگ و جامعه مفهوم فرهنگ را مشتمل بر چهار جزء معنادار به هم پیوسته می‌داند:

۱. حالتی عمومی یا عادت‌ی ذهنی که با ایده کمال بشر ارتباطاتی نزدیک دارد؛

۲. حالت عمومی رشد فکری جامعه به عنوان یک کل؛

۳. پیکره کلی هنرها؛

۴. همه روش‌های مادی، فکری و معنوی زندگی.

تعریف ویلیامز دقیقاً با تعریف کنفرانس جهانی یونسکو که در سال ۱۹۸۲ در مکزیکوسیتی منعقد شد مطابقت دارد.

بر اساس این تعریف، «فرهنگ مجموعه تمام ویژگی‌های فکری، معنوی و عاطفی است که هر جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها شامل هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزش، سنت‌ها و باورها را نیز دربر می‌گیرد.» (سازمان یونسکو، ۱۳۷۹: ۷)

بنابر تعاریف فوق می‌توان اجزای تشکیل دهنده فرهنگ را در شش گروه دسته‌بندی نمود: ۱. باورها و عقاید کلی؛ ۲. ارزش‌ها؛ ۳. هنجارها؛ ۴. نقش‌ها؛ ۵. تعارض نقش‌ها؛ ۶. پایگاه اجتماعی.

این اجزای شش‌گانه، ماهیت فرهنگ‌های مختلف را تشکیل می‌دهند و با تغییر هر کدام از این اجزاء، فرهنگ به شکل جدیدی بروز می‌کند.

انواع فرهنگ‌ها

به طور کلی می‌توان فرهنگ‌ها را در چهار گروه کلی دسته‌بندی کرد: (نسک: جعفری، ۱۳۸۸: ۱۵۱ - ۱۵۶)

۱. فرهنگ‌های رسوبی

خصیصه این دسته از فرهنگ‌ها آن است که شئون زندگی را با مجموعه‌ای از قوانین ثابت نژادی و روانی خاص و رگه‌های ثابت تاریخی گره زده و در برابر هر گونه تحول و تغییر مقاومت می‌ورزند. سبب این رسوب را می‌توان به دو عامل جبر عوامل محیطی و ناتوانی روانی از تطبیق موقعیت خود با دگرگونی‌های مفید و سازنده مستند نمود.

۲. فرهنگ‌های مایع و بی‌رنگ، یا فرهنگ‌های «لابشرط»

این دسته از فرهنگ‌ها شئون زندگی خود را به توجیهاتی مستند می‌کند که به هیچ اصل ثابتی تکیه ندارد.

۳. فرهنگ‌های پیرو^۱

در این نوع فرهنگ‌ها، نموده‌ها و نمادهای فرهنگی به جای آرمان‌های فرهنگی نشسته و مطلوب بالذات آن فرهنگ می‌گردند و در واقع، خودِ طبیعی در جایگاه خودِ اصیل و آرمانی قرار می‌گیرد.

۴. فرهنگ‌های پویا و هدف‌دار

این گروه از فرهنگ‌ها به گونه‌ای است که عامل محرک آن‌ها واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و از همین‌رو نموده‌ها و فعالیت‌های آن تحت تأثیر عوامل سیال زندگی قرار نمی‌گیرد.

علامه فقید جعفری در تعریف نوع چهارم^۲ چنین ابراز می‌دارد:

فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد.
(همو: ۱۰)

با دقت در مؤلفه‌های فرهنگ‌های نوع چهارم می‌توان اذعان کرد که از بین چهار گروه مذکور، تنها گروه چهارم است که از اصالت ذاتی برخوردار است؛ زیرا:

اولاً، در تعریف این نوع از فرهنگ، بایستگی و شایستگی مستند به تعقل سلیم و احساسات عالی لحاظ شده است و این در حالی است که اگر فرهنگی

۱. واژه «پیرو» در عنوان این فرهنگ‌ها به معنای پیروی این فرهنگ‌ها از تمایلات خودِ طبیعی و نیز به معنای پیروی از فرهنگ‌های از خود بیگانه دیگر است.

۲. مبنای استناد ما در اختصاص این تعریف به چهارمین گروه از فرهنگ‌ها، توضیح مؤلف مرحوم در پاورقی صفحه ۱۰ مصدر مذکور است.

خالی از این عنصر باشد اساساً فرهنگی حقیقی نخواهد بود، بلکه مشتی از پدیده‌هاست که به نام فرهنگ نامیده شده است.

ثانیاً، این فرهنگ شامل عنصر حیات معقول تکاملی است؛ یعنی هر اندازه فرهنگ یک جامعه بیش‌تر به اصول ثابت معقول و دریافت‌های عالی انسانی متکی باشد، آن فرهنگ از بایستگی و شایستگی و پایداری بیش‌تری برخوردار خواهد بود. و نیز در این فرهنگ، عنصر تکامل به عنوان نیروی محرک عمل نموده، فرهنگ را از رکود خارج کرده و به فرهنگ سازنده تبدیل می‌کند.

از خودبیگانگی فرهنگی

بر اساس آنچه گفته شد، تنها فرهنگ اصیل، نوع چهارم است؛ زیرا تنها این دسته از فرهنگ‌هاست که نموده‌ها و فعالیت‌های خود را به اصول ثابت سرچشمه گرفته از قوانین ثابت طبیعی و ابعاد اصیل انسانی مستند می‌سازد و آن سه گروه دیگر از این ویژگی خالی هستند. بر این مبنا باید فرهنگ‌های از خودبیگانه را به سه دسته رسوبی، لاشرط و فرهنگ‌های خودمحور پیرو دسته‌بندی کرد.

آنچه ما را بر آن می‌دارد تا این سه دسته از فرهنگ را فرهنگ از خودبیگانه بدانیم، به قرار ذیل است:

۱. آنچه فرهنگ‌های رسوبی را در حیطه فرهنگ‌های از خودبیگانه قرار می‌دهد، ویژگی غیرتکاملی بودن و نظر نداشتن به هدف اعلاست؛ زیرا هر فرهنگی که دچار این دو ویژگی شود از هر گونه پویایی هدفمند خالی خواهد بود و حال آن‌که ذات انسانی مبتنی بر همین پویایی هدفمند و تکاملی است. به بیان دیگر، به جهت حرکت تکاملی در ذات انسان و استعداد او برای به فعلیت رساندن قوای درونی، هر فرهنگی که بخواهد در خدمت انسان درآید، باید پاسخگوی این بعد اساسی انسان باشد و اگر نتواند از عهده این امر برآید، فرهنگی که مطابق با نیازهای ذاتی و اصیل انسانی نیست. به سبب همین امر است که فرهنگ‌های رسوبی که در آن‌ها دو ویژگی تکامل و نظر داشتن به هدف اعلا لحاظ نشده است، جزء فرهنگ‌های از خودبیگانه قرار می‌گیرد.

۲. در پاسخ به این پرسش که چرا فرهنگ‌های مایع و بلابشرط در دایره فرهنگ‌های ازخودیگانه قرار می‌گیرد باید گفت: دلیل این امر آن است که این فرهنگ‌ها به سبب اعتقاد نداشتن به اصول ثابت طبیعی و انسانی اصیل اساساً ماهیتی بلابشرط دارند، به گونه‌ای که همواره در معرض تغییرات گوناگون قرار گرفته و ماهیتی شناور دارند. از این رو هر فرد و جامعه‌ای که به این گونه فرهنگ‌ها روی آورد دچار عدم ثبات شخصیت و فقدان هدف برتر خواهد شد، و این در حالی است که این دو امر از ارکان اصلی ازخودیگانگی فرهنگی به شمار می‌رود.

۳. اما آنچه فرهنگ‌های خود محور پیرو را در بین فرهنگ‌های ازخودیگانه جای می‌دهد آن است که در این نوع فرهنگ‌ها، نموده‌ها جای آرمان‌ها می‌نشینند و به دنبال آن، طبیعت اصلی فرهنگ که خلاقیت و رشد و توسعه خود انسانی است مورد غفلت واقع شده و به حالت رکود درمی‌آید؛ حال آن‌که توجه به رشد و توسعه آرمان‌های زندگی در ابعاد خود انسانی، پایه و رکن فرهنگ‌هایی است که ازخودیگانه نیستند.

بر این اساس می‌توان فرهنگ ازخودیگانه را این گونه تعریف کرد: فرهنگ ازخودیگانه فرهنگی است که دچار یکی از آسیب‌های زیر باشد:

۱. رسوب «نمودها» و «قوانین فرهنگی» مستند به جبر عوامل محیطی و ناتوانی روانی جهت تحول»؛

۲. تکیه نداشتن به اصول ثابته و فقدان هدف برتر اصیل؛

۳. قرار گرفتن نموده‌ها به عنوان مطلوب بالذات و جایگزین شدن «خود طبیعی» به جای «خود انسانی».

ویژگی‌های فرهنگ‌های ازخودیگانه

به طور کلی فرهنگ ازخودیگانه شامل چهار ویژگی مهم است که این ویژگی‌ها در دو حوزه «آرمان‌ها» و «نمودها و فعالیت‌ها» ظهور و بروز می‌کند.

۱. فقدان هدف‌گیری تکاملی

اولین و مهم‌ترین ویژگی فرهنگ از خودبیگانگی، فقدان هدف‌های زندگی و به دنبال آن، فقدان حرکت تکاملی در متن آن است و شاید بتوان ویژگی‌های دیگر را به این ویژگی بازگشت داد.

فرهنگ‌های از خودبیگانگی به سبب اصالت دادن به «خود طبیعی» و بی‌اعتنایی به «خود اصیل انسانی» اصولاً یا مانند فرهنگ‌های بی‌رنگ و بلاشرط از تعریف هدف خاص برای زندگی فردی و اجتماعی عاجزند و یا همچون فرهنگ‌های خودم‌محور پیرو، از تعیین هدف‌های بالا سر باز می‌زنند.

در این نوع فرهنگ‌ها به سبب فقدان هدف‌گیری تکاملی، هر نمود فرهنگی که به وجود آید از آزادی هدف‌دار، که ضامن بقای فرهنگ اصیل به شمار می‌رود بی‌بهره است. از این رو هر گونه نمود و فعالیت فرهنگی، جنبه جبری به خود گرفته و از ارضای حس آرمان‌یابی انسان باز می‌ماند.

۲. گم شدن جایگاه انسان

دومین ویژگی این دسته از فرهنگ‌ها، گم شدن جایگاه انسان در نظام هستی است. این فرهنگ‌ها به سبب داشتن ویژگی خودم‌محوری طبیعی، باعث می‌شود انسانی که به وجود آورنده دانش و تکنولوژی است به جای آن که مسلط بر آن‌ها و اداره‌کننده آن‌ها باشد، خود جزئی از جریانات جبری آن دو پدیده شود. شاهد این مطلب آن است که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران غربی، از خودبیگانگی اقتصادی مهم‌ترین و مصیبت‌بارترین شیوه از خودبیگانگی است.

۳. عدم تشکل منطقی عناصر

فرهنگ‌های مورد بحث به سبب نداشتن عامل هدف‌داری یا به دلیل عدم اصالت در اهداف، تشکل منطقی عناصر خود را از دست می‌دهند. در این گونه فرهنگ‌ها، عنصر فرهنگ علمی، عنصر فرهنگ اقتصادی، عنصر فرهنگ هنری و دیگر عناصر فرهنگی از نظم منطقی و سیستماتیک خارج شده به صورت

غیر متشکل نامتوازن جلوه می‌کنند. بیش‌تر فرهنگ‌هایی که از پیشتوانه ایدئولوژیک برای تفسیر هستی محرومند به این آسیب دچار شده و صورت نامتوازن به خود می‌گیرند.

۴. فقدان قدرت تحول درون‌ذاتی

این دسته از فرهنگ‌ها به سبب در اختیار نداشتن هدف اصیل اعلا، از داشتن یک نقطه ایده‌آل و آرمانی که بتوانند آن را معیار حرکت و فعالیت‌های فرهنگی خود قرار دهند محروم هستند و همین ویژگی است که این فرهنگ‌ها را از شناخت موقعیت‌های موجود و مقایسه آن با وضع مطلوب که نیروی محرک برای تحول و تکامل است باز می‌دارد.

مبانی فرهنگ از خود بیگانه

مقصود از مبانی فرهنگ از خود بیگانه، اموری است که فرد و جامعه از خود بیگانه آن‌ها را در حوزه نظر می‌پذیرد و نموده‌ها و فعالیت‌های فرهنگی خود به‌طور عام که شامل حوزه‌های اقتصاد، سیاست، امور نظامی، هنر، معتقدات، عادات و آداب است را بر اساس آن امور ساماندهی می‌کند.

این مبانی را می‌توان به صورت گذرا تحت عناوین زیر دسته‌بندی نمود:

۱. اعتقاد نداشتن به زندگی واپسین و جهان ابدی، به‌گونه‌ای که همین جهان منزلگاه آخر فرض شود؛
۲. آزادی مطلق به روش اومانیستی و تطبیق ندادن حدود آزادی بر حدود تضمین‌کننده حیات تکاملی؛
۳. اصالت قدرت و مجاز بودن تعدی در صورت توانایی؛
۴. اصالت لذت و محدود کردن حیطة آن به لذایذ مادی؛
۵. اصالت منفعت و مجاز بودن استیفای منفعت ولو به ضرر دیگران؛
۶. ماکیاولیسم در فرهنگ سیاسی و تقدیم اهداف سیاستمداران بر قواعد انسانی؛

۷. پراگماتیسم و معرفی عمل عینی و خارجی به عنوان ملاک حقیقت؛
 ۸. محدود کردن شناخت‌های عملی به علوم تجربی؛
 ۹. طرح مسائل غیرمنتظم به عنوان فلسفه و جهان‌بینی؛
 ۱۰. رواج هنرهای مبتذل به عنوان هنرهای اصیل و عالی؛
- هر یک از مبانی فوق نقش بسزایی در ایجاد و گسترش ازخودبیگانگی در حوزه فرهنگ ایفا می‌کند، به گونه‌ای که هر کدام از آنها به تنهایی برای ازخودبیگانه کردن فرهنگ یک جامعه کافی است.

شاخصه‌های فرهنگ ازخودبیگانه

آنچه تا کنون گذشت، ناظر به ماهیت و مبانی فرهنگ‌های ازخودبیگانه بود؛ اما برای شناخت و تمایز فرهنگ‌های ازخودبیگانه از فرهنگ‌های اصیل، به ملاک و شاخص نیاز است.

شاخص‌ها و ملاک‌های دو بعد محسوس و نامحسوس^۱ فرهنگ ازخودبیگانه عبارتند از:

۱. خلاقیت نداشتن، به دلیل ذات خودمحوری آنها؛
۲. رکود در نموده‌ها به سبب نبودن کشش به سوی اهداف اصیل؛
۳. تکرار بعضی فعالیت‌ها به عنوان فرهنگ؛
۴. تذبذب و تناقض در فعالیت‌های فرهنگی؛
۵. رخت بربستن محبت‌ها و عشق‌های سازنده به دلیل بی‌اعتنایی به زیبایی‌های معقول؛
۶. اهمیت ندادن به فرهنگ حق و فرهنگ قدرت و چگونگی بهره‌برداری صحیح از قدرت؛

۱. هر فرهنگ شامل دو بعد محسوس و نامحسوس است، به گونه‌ای که ابعاد نامحسوس و ناملموس فرهنگ، زیربنای ابعاد محسوس آن را تشکیل می‌دهند. منظور از بعد محسوس، اندیشه‌ها، آرمان‌ها و سایر توجهات تجسم‌یافته زندگی است که در اثر کار فکری و عضلانی در عالم خارج تجسم یافته است؛ مانند آثار هنری. منظور از بعد نامحسوس نیز آرمان‌ها، عواطف، اخلاق و هدف‌هایی است که در حیات انتخاب می‌شود. (نک: جعفری، ۱۳۸۸: ۱۵۹)

۷. اهمیت نداشتن نوابغ و شخصیت‌های بزرگ معنوی و علمی؛

۸. ابتذال در حوزه هنر؛

۹. ابتذال در حوزه فرهنگ اقتصادی و تسلط اصل بهره‌برداری بیش‌تر.

این موارد، تعدادی از شاخص‌هایی است که ما را در راستای بازشناسی فرهنگ از خودبیگانه از فرهنگ اصیل یاری می‌رساند و مدیران فرهنگی می‌توانند از آن‌ها در نفی از خودبیگانگی فرهنگی کمک بگیرند.

دلایل تزلزل فرهنگ از خودبیگانه

از گفته‌های پیشین می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ‌های از خودبیگانه به سبب وجود چهار عامل درون‌ذاتی، ثبات ندارند و در طول زمان، دچار تزلزل و افول خواهند شد. این چهار عامل عبارتند از:

۱. از آن‌جا که بایستگی و شایستگی فرهنگ و پایداری آن، با تکیه آن به اصول ثابت معقول و دریافت‌های عالی انسانی رابطه مستقیم دارد، فرهنگ‌های از خودبیگانه به سبب تکیه نکردن به اصول ثابت معقول که ناشی از هدف تکاملی است، از ثبات و پایداری عاری بوده و به آسیب تزلزل دچار هستند.

۲. دومین عاملی که مبنای تزلزل دسته‌ای از فرهنگ‌های از خودبیگانه است، رسوب شدن نموده‌ها و فعالیت‌های فرهنگی همراه با اضمحلال عوامل به وجودآورنده آن پدیده‌هاست.

۳. دیگر عامل تزلزل گروهی از فرهنگ‌های از خودبیگانه، ذات خودمحوری و خودهدفی آن‌هاست. این دو عامل، به جای آن‌که انسان را توجیه‌کننده نموده‌ها و فعالیت‌ها قرار دهند، از تحرک توجیهی ساقط کرده و در خود می‌فشارند. در نتیجه اگر محصولات فرهنگی به وجود آمده این دو علت، بتوانند به وجود خود ادامه دهند، به تدریج به شکل اخلاق تابو درآمد، کم‌کم از افق فرهنگی جامعه ناپدید می‌گردند. (نک: همو: ۱۵۶)

۴. ذات تکاملی انسان که مبنای وحدت انسانی است خواستار فرهنگی است که از تشکّل و هماهنگی منطقی در عناصر برخوردار باشد. از این‌رو آن دسته

از عناصر فرهنگی که این ویژگی هماهنگی منطقی را ندارند از سازگاری با وحدت حیات انسانی خارج شده و مختل می‌شوند و سپس همه آن فرهنگ، دچار اختلال و اضمحلال می‌گردد.

فرهنگ انتظار

در تعریف فرهنگ پویا و هدف‌دار، گفته شد که عامل محرک در این فرهنگ‌ها واقعیات مستمر طبیعت و ابعاد اصیل انسانی است و در تعریف آن از علامه جعفری نقل شد که این فرهنگ عبارت است از:

کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. (همو: ۱۰)

در این نوشتار، ادعا می‌کنیم فرهنگ انتظار به گونه‌ای است که به‌طور دقیق در قالب این تعریف جای می‌گیرد و تعریف فرهنگ پویا و هدف‌دار کاملاً بر فرهنگ انتظار منطبق است. برای اثبات این مدعا لازم است با بررسی فرهنگ انتظار، ماهیت، ویژگی‌ها، اهداف، آرمان‌ها، شاخصه‌ها و آثار آن را تبیین نماییم، سپس به مقایسه آن با تعریف فوق‌الذکر پردازیم و نسبت این تعریف با آن فرهنگ را بکاویم.

ماهیت فرهنگ انتظار

در فرهنگ انتظار سه مؤلفه تحرک و پویایی در نموده‌ها و فعالیت‌ها، محور بودن «خود انسانی» و تکیه‌گاه بودن اصول ثابت و هدف برتر اصیل، خودنمایی می‌کند. به سبب دربر داشتن همین سه مؤلفه است که ما آن را در حیطه فرهنگ‌های اصیل قرار می‌دهیم.

نبود این سه مؤلفه در هر فرهنگ، آن فرهنگ را به ازخودیگانگی می‌کشاند. بازگشت سه مؤلفه فوق، ورود به اصل هدف‌گیری تکاملی در فرهنگ انتظار است و همین اصل، فرهنگ انتظار را از ایستایی، رکود و تزلزل خارج کرده و به آن ماهیتی پویا می‌بخشد.

به بیان دیگر، روح جاری در کالبد فرهنگ انتظار، همین اصل هدف‌گیری تکاملی نشئت گرفته از ذات تکاملی انسان است که با تحت تأثیر قرار دادن دو بعد تعقلی و عاطفی فرهنگ، باعث سلامت و ارتقای آن‌ها می‌شود.

بر اساس روایت «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹) نداشتن شناخت صحیح و درک عمیق از واقعیت وجودی حجت و امام، زندگی و فرهنگ شخص و جامعه را به منزله زندگی و فرهنگ جاهلی قرار می‌دهد. بارزترین مشخصه فرهنگ جاهلی، فقدان هدف‌گیری تکاملی در آن است. همین امر، فرهنگ جاهلیت پیش از اسلام را در زمره فرهنگ‌های ازخودبیگانه، بلکه از بارزترین آن‌ها قرار می‌دهد، به گونه‌ای که نماد این نوع فرهنگ‌ها قرار می‌گیرد. بر اساس این روایت، شناختن حجت، برابر با ازخودبیگانگی فرهنگی، و شناخت امام، برابر با اصالت فرهنگی است.

به طور قطع منظور از «شناخت» در این روایت، شناختی است که بیان‌گر جایگاه امام در نظام هستی و فلسفه وجودی اصل امامت و نقش امام در هدایت دو بعد تعقلی و عاطفی انسان‌ها به سمت هدف اعلای حیات است.

به بیان دیگر، این شناخت، به عنوان نیروی محرک در تهذیب و تصعید دو بعد مذکور برای وصول به هدف برتر حیات عمل می‌کند.

در روایات بسیاری آمده است که هر کس حامل این نوع از شناخت نسبت به امام باشد، مانند کسی است که در خیمه امام قرار دارد و کسی که از این شناخت خالی باشد در زندگی جاهلی به سر می‌برد. از جمله در کتاب الغیبه آمده است:

مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةٌ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ قَائِمٌ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ. (نعمانی، ۱۱۴۲: ۳۵۲)

بر اساس این روایت، ظهور کردن یا نکردن امام برای کسی که در فرهنگ انتظار به سر می‌برد تفاوت چندانی ندارد و نیز برای کسی که در این فرهنگ زندگی نمی‌کند چنین است. آنچه ملاک و معیار است، منتظر بودن یا نبودن و در فرهنگ انتظار بودن یا نبودن است؛ به گونه‌ای که منتظران به سبب همراهی با فرهنگی که امام، محور و پایه‌گذار آن است، از آسیب از خود بیگانگی فرهنگی رهیده و به فرهنگ اصیل رسیده‌اند، تا آنجا که درک نکردن زمان ظهور، به آن‌ها ضرری نمی‌رساند و کسانی که شناخت مذکور را ندارند، به از خود بیگانگی فرهنگی در دو حوزه عقل و احساسات مبتلا هستند.

هدف و عامل محرک فرهنگ انتظار

هدف فرهنگ انتظار عبارت است از آن دسته آرمان‌های نسبی که انسان را در جاذبه هدف اعلای حیات به تکاپو وامی‌دارد و عامل محرک این فرهنگ، واقعیات مستمری است که مستند به قوانین ثابت طبیعی یا ابعاد اصیل انسان است.

بی‌تردید برای داشتن یک فرهنگ اصیل، لازم است فعالیت‌ها و نمودهای فرهنگی خود را به یک عنصر فعال روانی وابسته سازیم که در عین ثبات و خلاقیت تضمین‌کننده ایجاد آرمان‌ها باشد؛ بدین معنا که ابعاد ناملموس و نامحسوس فرهنگ، باید آرمان‌های عالی حیات انسانی را تأمین کنند تا بتواند به سؤالات بنیادین زندگی پاسخی رضایت‌بخش دهد. همچنین باید آن عنصر فعال روانی از این بعد ناملموس اشباع شده و مبنای فعالیت‌ها و نمودهای فرهنگی قرار گیرد.

به عبارت دیگر، نمودها و فعالیت‌های این فرهنگ تحت تأثیر عوامل سیال زندگی و شرایط زودگذر محیط و اجتماع نیست؛ بلکه مستند به قوانین ثابت طبیعی و ابعاد اصیل انسانی است.

ویژگی‌های فرهنگ انتظار

به طور عمده می‌توان برای فرهنگ انتظار به معنای عام آن، سه ویژگی مهم برشمرد:

۱. هدف‌داری

مهم‌ترین ویژگی فرهنگ انتظار، اصل هدف‌داری آن است. این هدف که با هدف‌اعلای حیات انسان ارتباطی منطقی دارد همان تربیت شیعیان و تمحیص و جداسازی مخلصان از منافقان^۱ برای پیدایش زمینه ظهور انسان کامل و کمال انسان در بعد فردی و اجتماعی است. روایاتی که ناظر به وظایف منتظران است، به اصل هدف‌داری فرهنگ انتظار اشاره تام دارد.

زندگی فرد و جامعه بدون هدف‌گیری تکاملی، هر نمود فرهنگی که به وجود آورد از آزادی هدف‌دار که ضامن بقای فرهنگ اصیل است بی‌بهره خواهد بود. در این هنگام هرگونه نمود و فعالیت فرهنگی مانند مشتی آثار و رفتار جبری است و از اشباع حس آرمان‌یابی و آشیانه‌سازی در زندگی ناتوان است. (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۶۵) اما فرهنگ انتظار به سبب وجود اصل هدف‌داری از رکود خارج شده و به فرهنگی اصیل و سازنده مبدل می‌شود.

۲. پویایی و حرکت تکاملی

دومین ویژگی فرهنگی انتظار، پویایی و حرکت تکاملی است. این ویژگی که مستند به اصل هدف‌داری است، بعد تعقلی و احساسی فرهنگ را به

۱. بخشی از روایات مربوط به حوزه مهدویت به این مطلب اشاره دارد؛ از جمله روایتی از حضرت صادق (ع) که می‌فرماید: «وَاللّٰهُ لَتُكْسِرُنَّ كَسْرَ الرُّجَاجِ وَ اِنَّ الرُّجَاجَ يُعَادُ فَيَعُوْدُ كَمَا كَانَ وَ اللّٰهُ لَتُكْسِرُنَّ كَسْرَ الْفَخَّارِ وَ اِنَّ الْفَخَّارَ لَا يَعُوْدُ كَمَا كَانَ وَ اللّٰهُ لَتَمُخَّصَّنَّ وَ اللّٰهُ لَتُغْرِبَنَّ كَمَا يَغْرِبُ الزُّوْانُ مِنَ الْقَمَحِ؛ به خدا قسم شما شیعیان همچون شیشه شکسته می‌شوید و شیشه را بعد از شکستن می‌توان ذوب کرد و به صورت نخست برگردانند. به خدا قسم شما مانند سفال شکسته می‌شوید! سفال بعد از شکسته شدن دیگر به صورت اول برنمی‌گردد. به خدا قسم شما امتحان می‌شوید و غربال خواهید شد، [تا نیکان در غربال مانده و غیرنیکان بیرون بریزند] چنان‌که دانه تلخ از میان گندم جدا می‌شود.» (نک: طوسی، ۱۴۱۱)

حرکت درآورده و آن را به سمت هدف‌های مذکور در ویژگی هدف‌داری سوق می‌دهد. همین ویژگی است که منتظران را به تلاشی دایمی به سمت تکامل فرامی‌خواند. در برخی روایات مربوط به حوزه مهدویت، انتظار فرج جزء مقوله عمل هدفمند قرار گرفته است؛ یعنی اولاً انتظار فرج از جنس عمل و حرکت است؛ ثانیاً این حرکت به سمت هدف اعلای حیات است که با هدف اعلای فرهنگ انتظار، رابطه منطقی و طولی دارد. در این روایات آمده است:

فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْتَظَارُ الْفَرَجِ. (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۳)

در این روایت دو واژه «الأعمال» و «إلى الله» جنس و هدف فرهنگ انتظار را به خوبی بیان می‌کنند. از این‌روست که فرهنگ انتظار در حیطه فرهنگ‌های پویا و متحرک درمی‌آید.

۳. تشکل منطقی عناصر

فرهنگ انتظار با تکیه بر عامل هدف‌داری، در عناصر فرهنگی خود تشکل منطقی تام دارد. این تشکل منطقی را می‌توان به تشکل و توازن منطقی فعالیت‌های روانی انسان که مستند به عامل هدف‌داری روح است تشبیه نمود. در فرهنگ انتظار، عنصر فرهنگ علمی، عنصر فرهنگ اقتصادی، عنصر فرهنگ هنری و دیگر عناصر فرهنگی در تعامل و توازن منطقی قرار گرفته، در جهت تحقق آرمان‌های فرهنگ انتظار قرار می‌گیرند و چهار بُعد زیبایی‌جویی، علم‌گرایی، منطق‌طلبی و آرمان‌خواهی، به فعلیت رسیده و تشکل منطقی می‌یابد.

آنچه در روایات مربوط به حوزه مهدویت درباره شرایط علمی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و بهداشتی عصر ظهور آمده، ناظر به آرمان‌های این فرهنگ است. این آرمان‌ها همه فعالیت‌ها و نمودهای این فرهنگ را در راستای نیل به آن آرمان‌ها سازماندهی و ساماندهی می‌کند.

از جمله این روایات روایاتی است که به تکامل علم در عصر ظهور، (نک: کلینی، ۱۳۶۲: ج ۱، ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۶) رشد معنویت و اخلاق در آن دوره، (نک: مقدسی، بی تا: ۱۵۹) برقراری امنیت در آن هنگام، (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۷) شکوفایی و برقراری عدالت اقتصادی (نک: نعمانی، ۱۴۱۲: ۲۴۳) و توسعه بهداشت عمومی (نک: صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۴۱) در آن زمان اشاره دارد. این عناصر فرهنگی در عصر ظهور با عنوان حکمت، به صورت منسجم و متوازن با هم شکل می‌یابد و فرهنگ انتظار که اوضاع جهان پس از ظهور و استقرار حکومت امام به عنوان یک آرمان برای آن تلقی می‌شود، در همین راستا قرار دارد و از این شکل منطقی سود می‌برد.

شاخص‌های فرهنگ انتظار

برای بازشناسی فرهنگ انتظار به عنوان فرهنگی اصیل از فرهنگ‌های ازخودبیگانه، به ملاک‌ها، معیارها و شاخص‌هایی نیاز است. در واقع این شاخص‌ها بیان‌گر اصالت داشتن یا نداشتن فرهنگ‌هاست و این شاخص‌ها در هر فرهنگی نمود بیش‌تری داشته باشد، آن فرهنگ از درجه اعتبار و پایداری بالاتری برخوردار است. در فرهنگ انتظار این شاخص‌ها در حد اعلا مشاهده می‌شود و نیز برای برقراری فرهنگ انتظار لازم است این شاخص‌ها در جامعه توسعه داده شده و برای تحقق آن‌ها برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شود. این شاخص‌ها را در محورهای زیر می‌توان برشمرد:

۱. وجود فرهنگ محبت اصیل به هم‌نوع بدون قصد سوداگری؛ ۲. وجود وجدان اخلاقی؛ ۳. توجه به هدف‌های عالی حیات؛ ۴. وجود فرهنگ صداقت و وفا به تعهدات؛ ۵. وجود فرهنگ آزادی مسئولانه و اندیشه و کردار عادلانه؛ ۶. وجود فرهنگ قداست علم و معرفت؛ ۷. وجود فرهنگ تعاون و همیاری؛ ۸. وجود فرهنگ تعمیم هنرهای سازنده؛ ۹. وجود فرهنگ رسانه‌ها و تبلیغات مستند به عین واقعیات و پرهیز جدی از خلاف واقعیات؛ ۱۰. وجود فرهنگ اقتصادی عالی مبتنی بر معیشت عادلانه.

آرمان‌های فرهنگ انتظار

فرهنگ انتظار برای حرکت تکاملی و پویایی، به آرمان یا آرمان‌هایی نیاز دارد که به سمت آن‌ها حرکت کند. این آرمان‌ها که به هدف فرهنگ انتظار تکیه دارد و مبنای شاخص‌های فوق به شمار می‌رود، نقطه‌ای است که باید فرهنگ انتظار به سمت آن‌ها در تکاپو باشد و در تحقق آن‌ها بکوشد.

به بیان دیگر، هر اندازه که فرهنگ جامعه به سمت این آرمان‌ها حرکت کند، به قله‌های آرمانی فرهنگ انتظار نزدیک‌تر می‌شود. لذا این آرمان‌ها باید به عنوان چشم‌انداز فعالیت‌های فرهنگی در سطح جامعه مطرح شده و برای حرکت به سمت آن‌ها راهکارهای مناسب پیش‌بینی شود. فهرست این آرمان‌ها به قرار زیر است:

۱. حیات شایسته

مدیران فرهنگی وظیفه دارند همه فعالیت‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی کشور را به سمت برقراری حیات شایسته در همه ابعاد سوق دهند و از هر گونه درهم‌ریختگی در سیاست‌های فرهنگی بپرهیزند. آنچه این آرمان را آرمان فرهنگ انتظار قرار می‌دهد، ویژگی‌ها و شرایطی است که بعد از ظهور در همه ابعاد بر جامعه حاکم شده و حیات شایسته را برای انسان فراهم می‌آورد. از همین‌روست که می‌گوییم نقطه آرمانی انسان منتظر، حیات شایسته است.

۲. کرامت و شرف انسانی

از دیگر نقاط آرمانی فرهنگ انتظار که وعده تحقق کامل آن در عصر ظهور ضمن روایات مطرح شده، تحقق کرامت و شرف انسانی است؛ به گونه‌ای که انسان پس از ظهور به سبب کمال فرد و جامعه در غنای فرهنگی کامل به سر می‌برد و از هرگونه تحقیر نشئت گرفته از درون و برون آزاد می‌گردد. فرهنگ انتظار نیز به سبب اصل لزوم سنخیت بین علت غایی و معلول به همین سمت

در حرکت است و هر فرهنگی که به این نقطه آرمانی نزدیک‌تر باشد، درجه انتظار بالاتر و در پی آن اعتبار بیش‌تری دارد. از همین‌روست که باید همه سیاست‌گذاری‌های کلان کشور در حوزه‌های گوناگون ناظر به این آرمان بوده و ضامن تحقق آن باشد.

در بخش بزرگی از روایات مربوط به حوزه مهدویت به این دو بعد آرمانی که امام علیه السلام آن دو را تحقق می‌بخشد اشاره شده است. از جمله ضمن حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ يُنَجِّهِمْ مِنَ الْهَلَكَةِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۳۱۱)

در این جا لفظ «هَلَكَة» مطلق است و بر نجات از هرگونه نابودی، حقارت و زندگی ناشایست دلالت دارد. البته در روایات دیگر، به شرایط مناسب و ایده‌آل زمان ظهور اشاره شده که از بیان آن‌ها در این نوشتار خودداری می‌شود.

۳. آزادی معقول و مسئولانه

این آزادی ناظر به هر دو بخش آزادی از اسارت درون‌ذاتی و برون‌ذاتی است؛ یعنی فرهنگ انتظار وظیفه دارد برای آزادی افراد از اسارت درون‌ذاتی و از خودبیگانگی مبتنی بر خودمحوری پیرو، و نیز برای آزادی از اسارت نظام‌های سلطه بکوشد و منتظران را به آزادی معقول و نشئت گرفته از قوانین ثابت طبیعی و ابعاد اصیل انسانی برساند.

این آرمان در احادیث مهدویت به خوبی تبیین شده است و اهمیت آن تا جایی است که لقب «منجی» به عنوان بارزترین القاب حضرت مهدی علیه السلام شناخته می‌شود و حتی مسئله نجات‌شناسی و نجات‌گرایی از ارکان فرهنگ‌هایی است که در آن‌ها به مباحث آخرالزمانی پرداخته شده است.

۴. تساوی همه در برابر قانون

این نقطه آرمانی تضمین‌کننده آزادی و پویایی فرهنگ انتظار است؛ به گونه‌ای که در صورت فقدان حرکت به سوی این آرمان، اصل هدف‌داری

فرهنگ انتظار مورد تعرض واقع گشته و تشکل منطقی عناصر این فرهنگ که در سایه این اصل نمود پیدا کرده بود مضمحل خواهد شد.

در روایات بسیاری به این نقطه آرمانی اشاره شده و بیان گردیده که امام زمان (عج) پس از ظهور در بین مردم همه ابعاد عدالت اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، قضایی، بهداشتی و... را به اجرا درخواهد آورد. از جمله، این روایت است که پیامبر اکرم (ص) می فرماید:

فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ سَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادِيٌّ [هَادٍ] مَهْدِيٌّ يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ وَيَأْمُرُ
بِهِ. (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۶۲)

بر اساس این روایت، دوران ظهور دوران حکومت بر اساس عدل، و رفتار فردی و اجتماعی بر اساس عدالت است. فرهنگ انتظار که دوران ظهور را به عنوان نقطه آرمانی خود محسوب می دارد باید به سمت تحقق این تساوی و عدالت حرکت کند و در صورت فقدان این آرمان رکود فرهنگی برای فرهنگ انتظار، امری حتمی خواهد بود.

نقش راهبردی فرهنگ انتظار

با توجه به ماهیت، ویژگی ها، شاخص ها و آرمان های مذکور برای فرهنگ انتظار و تأمل در آن ها می توان گفت انتظار در نفی و حذف فرهنگ های ازخودبیگانه نقشی راهبردی دارد و می تواند به عنوان فرهنگی اصیل و پایدار تقویت شده و به سمت جوامع مختلفی که به سبب ابتلا به فرهنگ ازخودبیگانه دچار رکود و ضعف فرهنگی هستند اشاعه داده شود.

در بیان چرایی نقش راهبردی فرهنگ انتظار در نفی فرهنگ های ازخودبیگانه، دو دلیل و عامل وجود دارد که به تبیین آن ها می پردازیم:

۱. دلیل و عامل نخست این است که این فرهنگ با تأکید بر پشتمان ایدئولوژیک خود می تواند به چهار سؤال بنیادین «من کیستم؟»، «با کیستم؟»، «برای چه آمده ام؟» و «به کجا می روم؟» به صورت اساسی در راستای هدف اعلای حیات پاسخ دهد.

منظور از پشتوانه ایدئولوژیک، عقاید اثبات‌نشده و اعمال منطقی نیست، بلکه آگاهی و تحرک تکاملی روح انسان به سمت منطقه جاذبه الهی است. انسانی که چهار پرسش فوق را مطرح می‌کند می‌خواهد جایگاه خود را در نظام هستی درک کند و اگر در تفسیر این جایگاه، مبدأ و مقصد نامحدود و حرکت مبتنی بر جاذبه هدف اعلا که از آن به عنوان «عشق» یاد می‌شود وجود نداشته باشد، آن فرهنگ مبتنی بر این تفسیر به رکود و افول تدریجی خواهد انجامید. اما فرهنگ انتظار به سبب داشتن این عامل ایدئولوژیک، توانایی ارائه چنین تفسیری از انسان و جهان پیرامونش را دارد. از این‌رو آن را در حیطه راهبردهای فرهنگی برای نفی فرهنگ‌های ازخودبیگانه که عاری از این عامل است قرار می‌دهد.

۲. دومین عاملی که از فرهنگ انتظار، فرهنگی راهبردی می‌سازد ویژگی پایداری مبتنی بر اصل هدف‌گیری تکاملی است. این فرهنگ به سبب انطباق با ذات تکاملی انسان و تکیه بر اصول ثابت معقول حیات انسانی، دارای انسجام درونی و توازن عناصر است و همین دو عامل، از این فرهنگ، فرهنگی پایدار و غیرمتزلزل پدید می‌آورد. همین اصل پایداری است که باعث ابقای جامعه تشیع در قرون متمادی شده و آن را در مسیر تکاملی قرار داده است.

از این‌رو و با توجه به این ویژگی‌ها می‌توان انتظار را راهبردی فرهنگی برای رویارویی با فرهنگ‌های ازخودبیگانه داخلی و وارداتی محسوب نمود. در این نوشتار کوشیدیم با توجه به ویژگی‌های طرح‌های راهبردی که ترسیم اهداف، شناخت امکانات و ارائه راهکارهای اجرایی است، اهداف فرهنگ انتظار را بیان کرده و به شاخص‌ها و آرمان‌های فرهنگ انتظار به عنوان مبنای طراحی راهکارهای عملی بپردازیم. در ادامه نیز برای توسعه این فرهنگ راهکارهایی ارائه خواهیم داد.

فرهنگ انتظار و فرهنگ غرب

آنچه تا کنون مطرح شد ناظر به مباحث نظری مربوط به فرهنگ از خودبیگانه و فرهنگ انتظار بود. حال با توجه به سیطره فرهنگی غرب در جهان و تلاش بسیاری که برای جهانی سازی این فرهنگ در حال انجام است می پرسیم: آیا می توان همه دروازه های فرهنگی کشور را به بهانه استقبال از دهکده جهانی و جهانی سازی به سمت فرهنگ غرب گشود، به گونه ای که آن فرهنگ در رگه های مذهبی، اقتصادی، هنری، علمی و صنعتی ما نفوذ کند، یا آن که باید با طراحی یک راهبرد فرهنگی و پیش بینی راهکارهای علمی به رویارویی با این سیطره برخاسته و برای اشاعه فرهنگ جایگزین آن بکوشیم؟ پاسخ به این سؤال مبتنی بر واکاوی مبانی فرهنگ غرب است و این که آن چه در صحنه نموده ها و فعالیت ها از این فرهنگ مشاهده می کنیم، ما را به چه نوع از مبانی نظری و ابعاد نامحسوسی از آن فرهنگ رهنمون می سازد. گفتنی است منظور ما از فرهنگ غربی، فرهنگ حاکم بر آن بخش از جهان است. از این رو اگر اشخاص و پدیده هایی جزئی در آن فرهنگ مشاهده شود که با آن فرهنگ حاکم و غالب ناسازگاری دارد، ملاک بحث ما نخواهد بود. با نگاهی به فرهنگ غرب می توان مبانی زیر را از آن فرهنگ استخراج کرد:

۱. اصالت خود طبیعی و انحصار زندگی در زندگی دنیوی

این مبنا به گونه ای است که حتی در بسیاری از کتاب های نوشته شده در غرب و بخش مهمی از نموده ها و نمادهای غربی به آن تصریح شده است.

۲. آزادی مطلق

در این فرهنگ، هرگونه آزادی مطلق برای فرد و گروه تضمین شده است، مشروط به این که با حقوق دیگران در تزامن نباشد.

نتیجه این نظر آن است که فرد حق دارد کثیف ترین کارها را به شرط عدم تزامن با حقوق دیگران مرتکب شود و هیچ فرد یا قانونی حق ندارد او

را منع کند. حال آن‌که چنین اندیشه‌ای فرهنگ را از مسیر حیات تکاملی خارج می‌سازد.

۳. اصالت قدرت

بر اساس این اندیشه که در برخی کتب فلسفی غرب به آن اشاره شده و در صحنه عمل با قوت در حال اجراست، هر شخص و گروهی حق دارد همه رقیبان را با تکیه بر قدرت از صحنه خارج کرده و ضعیفان را پایمال کند.

۴. اصالت لذت

این فرهنگ نه تنها برخورداری از لذت را در زندگی توصیه می‌کند، بلکه از عنوان علم سوءاستفاده کرده و این امر که اگر بهره‌برداری از لذایذ سرکوب شود موجب بروز عقده‌ها و اختلالات روانی می‌شود را به عنوان یک قانون علمی رواج می‌دهد.

۵. محدود کردن شناخت‌های علمی

در فرهنگ غرب، حوزه علم محدود به علوم تجربی است و تنها قضایایی علمی تلقی می‌شود که قابل تجربه و آزمایش باشند.

۶. ارائه فلسفه‌های نامتجانس و متناقض به عنوان جهان‌بینی

این فرهنگ در طول حیات خود نه تنها یک مکتب فلسفی سیستماتیک به عرصه افکار بشری عرضه نکرده است، بلکه متن آن از بیان گروهی مطالب عمیق، ولو گسیخته، خالی است.

۷. هنرهای مبتذل

امروزه در غرب با تعدادی آثار هنری روبه‌رو هستیم که نه تنها در راه تعلیم و تحقق اهداف عالی بشری نیست، بلکه با آن‌ها در تضاد و تعارض است. با دقت در این مطالب می‌بینیم مبانی فرهنگی غرب در جهان امروز کاملاً منطبق با مبانی فرهنگ‌های از خود بیگانه بوده و با فرهنگی که در مسیر اهداف

عالی بشر قرار دارد در تباین و تضاد است. از همین روست که ضرورت حرکت علمی برای رویارویی با نفوذ این فرهنگ به خوبی خودنمایی می‌کند؛ زیرا هرگونه پیروی از این فرهنگ اضافه بر ایجاد ماهیت تقلیدی برای فرهنگ ایرانی - اسلامی کشور آن را به سمت ازخودبیگانگی سوق می‌دهد.

در ضرورت پرهیز از هرگونه تقلید فرهنگی کورکورانه باید گفت: «همان‌گونه که تقلید و پیروی کورکورانه از عقاید و رسوم گذشتگان عقل و اندیشه را از کار می‌اندازد، تقلید از فرورفتگان در شهوات و رهاکنندگان هرگونه قید، اصل، شرافت و اخلاق والای انسانی که به نام تجدد، آزادی، ترقی، فرهنگ و امثال این الفاظ فریبنده صورت می‌گیرد عقل و اندیشه را از کار انداخته و شعور و وجدان و شخصیت را نیز به کلی تباه می‌کند.» (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۹۷)

این ازخودبیگانگی بدان سبب صورت می‌پذیرد که در این فرایند «فرد» به «شیء»، و طبیعت «محقق» آن به «مقلد» تغییر هویت داده و دگرگون می‌شود. (نک: همو: همان)

سخن آخر

راهکارهای عملی جلوگیری از نفوذ فرهنگ ازخودبیگانه غربی

در پایان، لازم است به نکاتی چند توجه نموده و به برخی راهکارهای علمی برای جلوگیری از نفوذ فرهنگ ازخودبیگانه غربی اشاره کنیم.

۱. آنچه انسان را فرهنگ‌پذیر می‌کند، اشتیاق او به کمال‌جویی است؛ اما به سبب بروز و ظهور برخی عوامل، این انسان مشتاق کمال به سمت استقبال از فساد و تباهی گرایش پیدا می‌کند.

اساسی‌ترین عامل در این زمینه، نرسیدن حقایق فرهنگ تکاملی به مردم و خلأ حاصل از آن در درون مردم است که در این هنگام یا اشتیاق ذاتی به کمال‌جویی کاملاً مضمحل شده و نابود می‌گردد، یا آن اشتیاق با وجود خلأ مذکور، همچنان باقی می‌ماند.

در صورت نخست، هوس‌بازی‌ها و تمایلات حیوانی، مدیریت درون انسان را به عهده می‌گیرد و هر عامل فساد و تباهی را که موجب کم‌ترین لذت است به عنوان فرهنگ مطرح می‌سازد و در پی آن فرهنگ را از خودبیگانه می‌کند.

وظیفه مدیران جامعه به‌ویژه حوزه‌های علمیه برای پر کردن این خلأ، بسیار سنگین است و دستگاه‌های تبلیغاتی در اشاعه حقایق فرهنگ تکاملی که همان فرهنگ انتظار است، باید جدیتی تام بروز دهند و در صورت توجه نکردن به این ضرورت، آسیب یادشده ترمیم‌شدنی نخواهد بود.

اما در صورت دوم که اشتیاق به کمال باقی است و بعضی مراتب آن در سطوح عمیق روان باقی مانده است، در صورت حصول شرایط و ارتقاع آن خلأها، استعداد کمال‌یابی شکوفا می‌شود و از عناصر فرهنگی اصیل و سازنده برخوردار می‌گردد.

در این بخش وظیفه مقامات محافظت از این استعدادها و تبدیل این خلأها به اشباع درونی است.

از دو حالت یادشده، حالت اول ناظر به نابودی اشتیاق کمال است و دومی ناظر به اشباع مثبت؛ اما حالت سومی که می‌توان در نظر گرفت، حالتی است که این اشتیاق در تصرف خود طبیعی درآمده و به وسیله آن اشباع شود.

این جاست که فرد حامل فرهنگی از خودبیگانه می‌شود، چنان‌که حاضر است هستی عالم را به یک لحظه از لذت حیوانی خود گره زده و آن را نابود سازد.

به هر روی، وظیفه مدیران در این سه بخش، پیش‌گیری و اشباع خلأهای درونی به وسیله حقایق فرهنگی است. آنان وظیفه دارند به تحلیل دایمی فرهنگ موجود پرداخته و با محور قرار دادن شاخصه‌هایی که بیان شد، به ارزیابی آن بپردازند و اهتمام تام برای اشباع همه ابعاد روانی انسان برای رسیدن به شکل عناصر فرهنگی بر مبنای فرهنگ انتظار از خود بروز دهند. در غیر این صورت، فرهنگ موجود به جای حرکت تکاملی دچار رکود شده و به سمت از خودبیگانگی سوق خواهد یافت.

لازم است مدیران ذی ربط در هر گامی که برای تصعید حیات تکاملی برمی دارند فرهنگ جامعه را تحلیل و ارزیابی کنند و عناصر رسوبی و بسی پایه آن را دور ریخته و نیز با رصد نمودن دایمی، فرهنگ را از میل به تقلید از فرهنگ های از خود بیگانه، به ویژه فرهنگ غرب مصون بدارند.

مقامات مسئول باید به نوعی از فعالیت های فرهنگی و تبیینی روی آورند که پاسخگوی همه ابعاد فرهنگ خواه انسان باشد، به گونه ای که یک یا چند نمود از شئون زندگی، جنبه خودهدفی پیدا نکند.

متأسفانه یکی از مشکلات مهم فرهنگی امروز جامعه ما، همین آسیب است. برای مثال، امروزه گرایش افراطی به یک نمود فعالیت فرهنگی مانند موسیقی، سینما، خودآرایی و... آن هنرها را در سرازیری خودهدفی قرار داده، به گونه ای که فرد از پاسخگویی به ابعاد فرهنگ خواه انسان، مانند حقیقت خواهی باز می ماند و موجب بروز نوعی دوگانگی شخصیت می گردد که یکی از آن دو شخصیت در آن نمود معین استحاله شده، و دیگری که ناظر به رکود دیگر ابعاد فرهنگ خواه انسان است به تدریج زایل می شود. از این رو بر مدیران است که برای جلوگیری از مطلوب بالذات شدن و خودهدف شدن نموده های مختلف فرهنگی بکوشند.

نتیجه

فرهنگ انتظار به دلیل داشتن سه مؤلفه تحرک و پویایی در نموده ها و فعالیت ها، محوربودن خودانسانی در آن و نیز تکیه گاه بودن اصول ثابت و هدف برتر اصیل در آن، که البته بازگشت هر سه مؤلفه به اصل هدف گیری تکاملی موجود در فرهنگ انتظار است، انسان را در جاذبه هدف اعلای حیات به حرکت وامی دارد و با استفاده از ویژگی تشکل منطقی عناصر، همه ابعاد فرهنگ خواه انسان را به سمت تکامل در مسیر الی الله ساماندهی می کند. از این روست که فرموده اند: «إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ». (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۲۳)

نیز، فرهنگ انتظار به سبب دربر داشتن آرمان‌های چهارگانهٔ حیات شایسته، کرامت و شرف انسانی، آزادی معقول و مسئولانه، و تساوی همه در برابر قانون (عدالت در همهٔ ابعاد) تضمین کنندهٔ حیات طیبه و شایسته‌ای برای بشر در دو صحنهٔ دنیای مادی و معنوی، و آخرت روحانی و عقلانی است. از این رو لازم است در واکاوی مفهوم فرهنگ انتظار و نیز تبیین زوایا و ابعاد آن، حرکتی عمیق در بعد علمی و عملی آغاز شده و متون مربوط به این فرهنگ بازخوانی شود و پس از استخراج و استنباط مفاهیم و گزاره‌های مربوط به این فرهنگ، مدل دکترینال آن با تکیه بر اصول ثابت مکتب تشیع تهیه شده و به عنوان تنها فرهنگی که ضامن حیات معقولانهٔ بشر است به جهان معرفی گردد.

منابع

۱. برگ، اتوکلاين، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، ۱۳۷۰ ش.
۲. پی‌یتر، آندره، مارکس و مارکسیسم، ترجمه: شجاع‌الدین ضیاییان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌تا.
۳. جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۸ ش.
۴. سازمان یونسکو، راهبردهای عملی توسعه فرهنگی، ترجمه: محمد فاضلی، تهران، نشر تبیان، ۱۳۷۹ ش.
۵. ستوده، هدایت الله، روان‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، ۱۳۷۳ ش.
۶. شریعتی، علی، انسان بی‌خود، تهران، نشر قلم، ۱۳۶۰ ش.
۷. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۶۲ ش.
۸. _____، عيون أخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۹. _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. فروم، اریک، جامعه سالم، ترجمه: اکبر تبریزی، تهران، انتشارات بهجت، ۱۳۸۶ ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲ ق.
۱۳. مارکوزه، هربرت، انسان تک‌ساحتی، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. مطهری، مرتضی، سیری در نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. _____، مجموعه آثار ۱۳، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ ش.
۱۷. مقدسی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المتظر، قاهره، عالم الفکر، بی‌تا.
۱۸. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبة، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۲ ق.